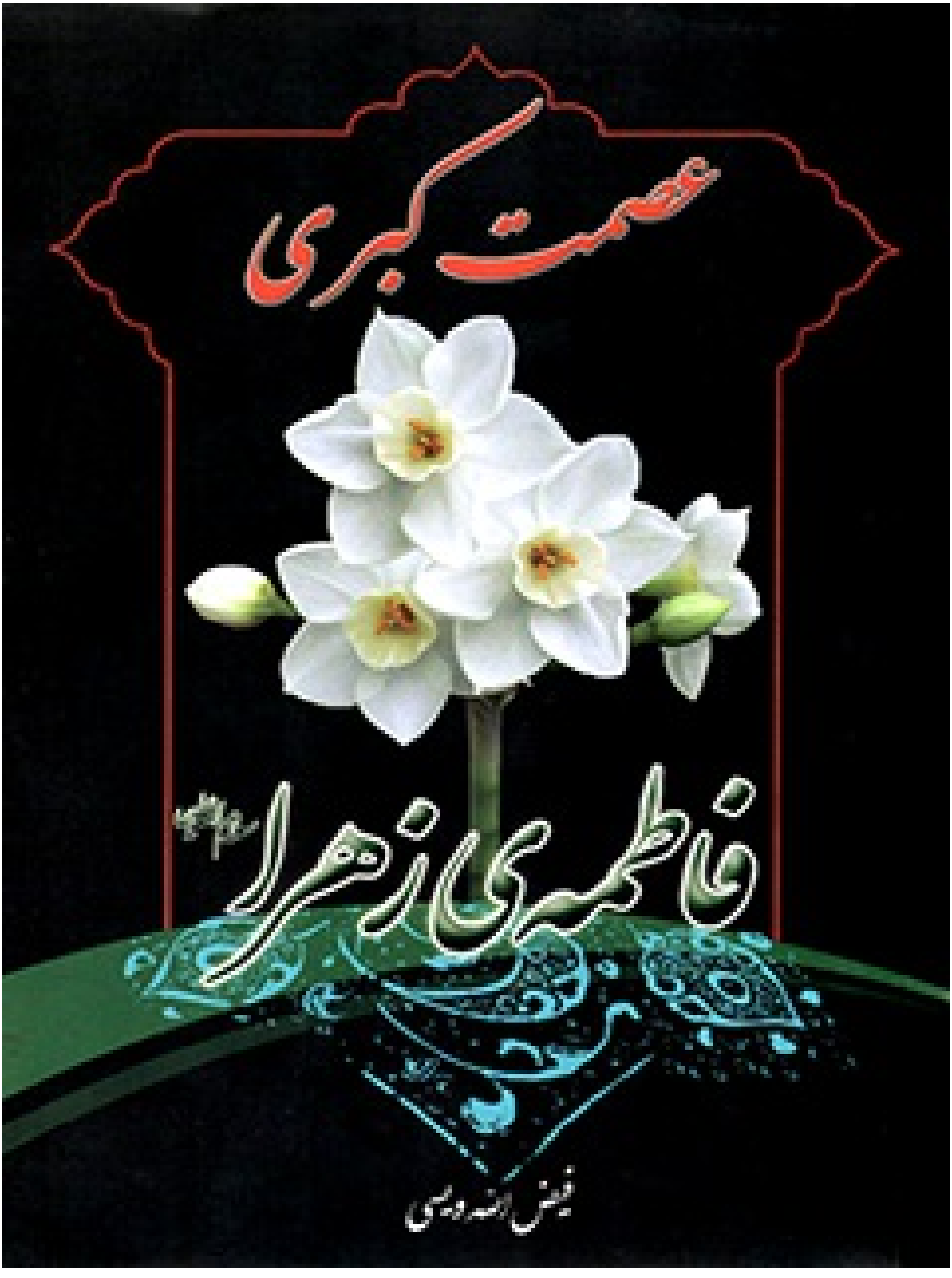


عصمت کبری
فاطمه ی زهرا

بسم الله الرحمن الرحیم

عصمت کبری فاطمه ی زهرا سلام الله علیها

نویسنده:

فضل الله ویسی

ناشر چاپی:

همای رحمت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عصمت کبری فاطمه ی زهرا سلام الله علیها

مشخصات کتاب

سرشناسه : ویسی، فیض الله، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور : عصمت کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام: مباحثی در مورد طهارت عصمت کبری حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهرا علیها السلام/نویسنده فیض الله ویسی .

مشخصات نشر : اصفهان: همای رحمت : نشر لیالی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۲۶۳ ص.

شابک : ۹۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۷۸۲۹-۳۹-۷

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۵۶ - ۲۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : مباحثی در مورد طهارت عصمت کبری حضرت صدیقه طاهره فاطمه الزهرا (س).

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

موضوع : عصمت

رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/و۹۵ع۶ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۲۱۹۳۱

ص: ۱

اشاره

فیض الله ویسی

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

اللّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لاَ تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَلاَ نَوْمٌ لَّهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الأَرْضِ مَن ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلاَ یُحِیطُونَ بِشَیْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلاَّ بِمَا شَاء وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَلاَ یَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لاَ إِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَد تَّبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَیُؤْمِن بِاللّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَیَ لاَ انفِصَامَ لَهَا وَاللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ اللّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُواْ یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّوُرِ وَالَّذِینَ کَفَرُواْ أَوْلِیَآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُمَاتِ أُوْلَئِکَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ

بسمه تعالی

این کتاب شریف به یاد پدر گرامیم مرحوم حاج ابراهیم رضی زاده و مادر ارجمندم که رحمت خدا بر ایشان باد چاپ و اهداء گردید.

امیدوارم خوانندگان گرامی با قرائت فاتحه و نثار صلوات، روح ایشان را شاد نمایند.

السلام علیک یا فاطمه الزهرا علیها السلام

عصمت کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام

مباحثی در مورد طهارت عصمت کبری حضرت صدّیقه طاهره فاطمه الزهرا علیها السلام

ص: ۳

مشخصات کتاب

نام کتاب: عصمت کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام

نویسنده: فیض الله ویسی

حروف نگاری و طراحی جلد: مجموعه فرهنگی غصب فدک اصفهان

ناشر: انتشارات همای رحمت/ ناشر همکار: نشر لیالی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۳/ ۱۰۰۰ نسخه

قطع: وزیری/ تعداد صفحات: ۲۶۴ صفحه

تلفن مرکز پخش: ۰۳۱۳۲۲۸۱۲۰۰- ۰۹۱۳۸۱۵۲۵۸۹

شابک: ۷- ۳۹- ۷۸۲۹- ۹۶۴- ۹۷۸

ص: ۴

«متن اجازه نامه ی مؤلف از آیت الله سید محمّد علی موحد ابطحی»

بسم الله الرّحمن الرّحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی سیّد الأنبیاء و خاتم المرسلین محمّد رسول الله و آله الطّیبین الطاهرین و اللعن علی اعدائهم الی یوم الدین امّا بعد فقد استجازنی فی الروایه الشیخ الثقه فیض الله الویسی دام توفیقه فأجزته علی شرط الروایه أن یروی عنّی کلما صلحت لی روایته من کتب الحدیث المعتبره للامامیّه بطرقی المسنده الی النبی الاکرم والأئمه علیهم عن مشاینهی الکرام، منهم من سمیناهم فی اجازتنا لآیه الله السید شهاب الدین النجفی المرعشی قده و أوصبه

قم المقدسه: السید محمد علی الموحد الابطحی

۷ ذیقعده الحرام/ ۱۴۲۱

ص: ۵

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

و صلّی الله علی محمّد و آله الطّیّبین الطّاهرین.

سیّما بقّیه الله فی الارضین و لعن الدّائم علی اَعدائهم و مخالفیهم و معاندیهم و منکری فضائلهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدّین

اللّهم صلّ علی فاطمه و اَبیها و بَعلها و بَنیها و سرّ المستودع فیه ابعدد ما اَحاط به علمک

مقدمه:

فَالرَّاغِبُ عَنکُم مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَکُم لَاحِقٌ وَ المُقَصِّرُ فِی حَقِّکُم زَاهِقٌ وَالحَقُّ مَعَکُم وَ فِیکُم وَ مِنکُم وَ إِلَیکُم وَ أَنتُم أَهلُهُ وَ مَعدِنُهُ وَ مِیرَاثُ النُّبُوَّهِ عِندَکُم وَ إِیَابُ الخَلقِ إِلَیکُم وَ حِسابُهُ عَلَیکُم وَ فَصلُ الخِطَابِ عِندَکُم وَ آیَاتُ اللهِ لَدَیکُم...

عَصَمَکُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَکُم مِنَ الفِتَنِ وَ طَهَّرَکُم مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذهَبَ عَنکُمُ الرِّجسَ وَ طَهَّرَکُم تَطهِیراً...

سَعِدَ وَ اللهِ مَن والاکُم وَ هَلَکَ مَن عَادَاکُم وَ خَابَ مَن جَحَدَکُم وَ ضَلَّ مَن فَارَقَکُم وَ فَازَ مَن تَمَسَّکَ بِکُم وَ أَمِنَ مَن لَجَأَ إِلَیکُم وَ سَلِمَ مَن صَدَّقَکُم وَ هُدِیَ مَنِ اعتَصَمَ بِکُم وَ مَنِ اتَّبَعَکُم فَالجَنَّهُ مَأوَاهُ وَ مَن خَالَفَکُم فَالنَّارُ مَثوَاهُ وَ مَن جَحَدَکُم کَافِرٌ وَ مَن حَارَبَکُم مُشرِکٌ وَ مَن رَدَّ عَلَیکُم فَهُوَ فِی أَسفَلِ دَرکٍ مِنَ الجَحِیم...

وَ أَنَّ أَروَاحَکُم وَ نُورَکُم وَ طِینَتَکُم وَاحِدَهٌ طَابَت وَ طَهُرَت بَعضُها مِن بَعضٍ خَلَقَکُمُ اللهُ أَنوَاراً فَجَعَلَکُم بِعَرشِهِ مُحدِقِینَ حَتَّی مَنَّ عَلَینَا فَجَعَلَکُمُ اللهُ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أشن تُرفَعَ وَ یُذکَرَ فِیهَا اسمُهُ وَ جَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَیکُم وَ مَا خَصَّنا بِهِ مِن وَلَایَتِکُم طِیباً لِخَلقِنَا وَ طَهَارَهٌ لِأَنفُسِنَا وَ تَزکِیَهً لَنَا وَ کَفَّارَهً لِذُنُوبِنَا...

ص: ۷

كَيفَ أَصِفُ حُسنَ ثَنائِكَم وَ كَيفَ أَحصِی جَمِیلَ بَلَائِکَم وَ بِکَم أَخرَجَنَا اللهُ مِنَ الذَّلِّ وَ فَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الکَرُوبِ وَ أَنقَذَنَا مِن شَفَا جُرُفِ الهَلَکَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِی أَنتُم وَ أُمّی وَ نَفسِی...

وَ قَرَنَ طَاعَتَکُم بِطَاعَتَهِ لَمَّا استَوهَبتُم ذُنُوبِی وَ کُنتُم شُفَعَائِی إِنِّی لَکُم مُطِیعٌ مَن أَطَاعَکُم فَقَد أَطاعَ اللهَ وَ مَن عَصَاکُم فَقَد عَصَی اللهَ وَ مَن أَحَبَّکُم فَقَد أَحَبَّ اللهَ وَ مَن أَبغَضَکُم فَقَد أَبغَضَ الله...(۱)

الحمدلله که از شناخت معصومین و مطهرین از آل رسول صلی الله علیه و آله و سلّم نقطه ی ابهامی در جهان نمانده، مگر اینکه خدای متعال اولیای خود را در آسمان ها و ملکوت اعلی و نزد جمیع ملائکه و همه ی مخلوقات جهان معرفی نموده و بلکه اسامی مطهر آنان در حضور صد و پنجاه عالم روشن است.

به قول حضرت زینب علیها السلام که به امام زین العابدین علیه السلام فرمود: (ناراحت و محزون مباش، سوگند به خدا که این عهد را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم با جد و پدر و عمّ تو استوار فرمود.

همانا خداوند در این امّت با جماعتی پیمان بسته است و ایشان را فراعنه ی زمان ها نمی شناسند. یعنی نزد ستمکاران مانند یزید و یزیدیان است.

لکن ایشان در نزد اهل آسمان ها و فرشتگان معروفند و همین فرشتگان هستند که این اعضای تکه تکه را فراهم می آورند و این جسدهای خون آلود را می پوشانند و در زمین طف بر قبر پدرت سیدالشهدا علیه السلام علامتی نصب می شود که تا قیام قیامت باقی است و محو نخواهد شد و هرچند ستم کاران و کفار و گمراهان بخواهند آن را کهنه و مندرس کنند و از بین ببرند نخواهند نتوانست) و به قول قرآن:

(یُریدُونَ أَن یُطفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفواهِهِم وَ یَأبَی اللهُ إِلاّ أَن یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَو کَرِهَ الکافِرُون)(۲)

۱- زیارت جامعه ی کبیره

۲- سوره ی توبه آیه ی ۳۲

و واقعاً مضحک است که کسی بخواهد نور آفتاب را با فوت دهان خاموش کند، تا چه رسد به این که بخواهد نور خدا [پیغمبر و آل اطهرش صلی الله علیه و آله و سلّم] را خاموش کند.

لذا بنا بر تکلیف و توصیه ی بعضی از دوستان، ما را بر آن داشت که کتابی به نام طهارت عصمت کبری، حضرت صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام به رشته ی تحریر درآوریم. البته کتاب های زیادی راجع به حضرت زهرا علیها السلام در همه ی ابعاد زندگی آن بزرگوار، چه از طریق شیعه و چه از طریق عامّه نوشته شده است، اما در خصوص طهارت آن حضرت کمتر نوشته شده است.

ان شاءالله به استعانت از پروردگار متعال و توجه خاصّه ی حضرت زهرای مرضیه علیها السلام و لطف حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشّریف از کتب خاصّه و عامّه مطالب ارزنده ای در این کتاب خواهیم آورد و در خدمت علاقمندان به ساحت قدسیه ی آن حضرت قرار می دهیم تا قطره ای از فضایل بی کران حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام را مورد مطالعه قرار دهند و در پایان این کمترین بنده، امیدوارم که خدای تبارک و تعالی و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلّم و بی بی دو عالم حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام و فرزند برومندش حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشّریف مرا در این امر کمک و یاری دهند و این کتاب مورد رضایت آنان قرار گیرد ان شاءالله.

دوشنبه ۲۷/ ربیع الاول ۱۴۲۸

فیض الله ویسی

ص: ۹

موضوع اول: معنای لغوی عصمت

اشاره

ص: ۱۱

معنای لغوی عصمت

کلمه ی عصمت به معنای منع، بازداشتن، نگاهداری نفس از گناه، قلاده ی گردن، آن ملکه ی اجتناب از معاصی و حافظت، که در نمایندگان پروردگار وجود دارد.(۱)

عَصَمَ: اَلعَصَم اَلإمساك وَ الإعتِصام اَلإستِمساك.

عصمت به معنی امساك و بازداشتن است و اعتصام یعنی چنگ زدن به چیزی. اِستَمسَک بِه: چنگ به آن زد و تعلق یافت.

در حکایت پسر نوح علیه السلام قرآن می فرماید:

«لا عاصِمَ الْیَوْمَ مِنْ أمْرِ اللهِ إلاّ مَنْ رَحِمَ»(۲)

ای پسر امروز نگهدارنده ای نیست که تو را از عذاب پروردگار نجات دهد. یعنی چیزی نیست که انسان به او چنگ بزند و از عذاب خدا، خود را برهاند مگر لطف و رحمت او... (۳)

خلاصه معنی عصمت یعنی چیزی که انسان را از گناه و کار خلاف نگهداری و حفظ نماید و باز دارد. اعتصام یعنی دست انداختن به چیزی و چنگ زدن، خود را از گناه و خطا و خطر بازداشتن. یعنی نیروی کنترل کننده ی نفس از گناهان و خطایا و لغزش ها، معصوم (اسم مفعول)، به معنی بازداشته شده از گناه، کسی که در عمر خود گناه نکرده باشد.

اما اصطلاحاً عصمت، محفوظ بودن معصوم، پیامبر یا امام از تمام خطاها و گناهان و لغزش هاست چه ظاهری و چه باطنی و معنوی.

ص:۱۲

۱- عَصَمَ الرَّجُل عَصمَاً: کسب کرد. عَصَمَ الشَیء عِصمَه: بازداشت آن را. عَصَمَ اللهُ فُلاَنَاً مِنَ المَکرُوه: خداوند او را حفظ کرد و بازداشت. اِعتَصَمَ بِه: به آن چنگ زد. اِعتَصَمُوا بِحَبلِ الله: به ریسمان خدا چنگ بزنید. اِعتَصَمَ بِالله: به امید لطف پروردگار از گناه کناره گیری کرد. اِعتَصَمَ مِنَ الشَّرّ: از بدی امتناع کرد. اِعتِصام: چنگ زدن. اَعصِمَه جمع عِصام: بند مشك، سرمه، جای باریك، یك طرف، دم ریسمان، محمل که بر پشت شتر ببندند تا عقب نرود. عِصام جمع عِصَم: دسته آوند که بدان آویزند. فرهنگ جامع

۲- سوره ی هود آیه ی ۴۳

۳- مفردات راغب

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عنكم الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يطهركم تَطْهِيراً»(۱)

«خداونـد چنین خواسته است و اراده اش بر این شـده است که رجس و هر آلودگی و آلایش را از شـما خانواده ی نبوت دور سازد و شما را از هر عیب و نقص پاک و منزه گرداند».

یعنی از اول خداوند با اراده ی تکوینی خود، شما خانواده را پاک و منزه گرداند. نه اینکه نعوذبالله گناهی بوده و حال بخواهد رفع کند. اصلاً عیب و گناه و رجسی نبوده است و اراده ی الهی بر این شد که شما را از هر آلودگی، پاک نگهدارد.

در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم:

أَشْهَدُ أَنَّکُمُ الأَئِمَّهُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِه.

یعنی گـواهی می دهیم که شـما خانـدان نبـوت، پیشوایـان، راه یـافته شـدگان، هـدایت شـدگان، نگاهداشـته شـدگان، گرامی شـدگان، مقربین درگاه خداونـد، پرهیز کننـدگان، راسـتگویان، برگزیـده شدگان، فرمان بردار خدای متعال به فرمان او، عمل کنندگان به اراده ی او، رستگاران به کرامت او می باشید.

و در قسمت دیگر این زیارت می خوانیم:

عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً.

خداوند شما را از لغزش نگاهداشت و شما را از آشوب و فتنه ایمن داشت و شما را از چرک گناه پاک داشت و از شما پلیدی را دور کرد و پاکیزه نمود شما را پاکیزه داشتنی.

ص:۱۳

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

در مورد معنای معصوم از امام صادق علیه السلام پرسیده شد و حضرت در جواب چنین فرمودند:

الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُمْتَنِعُ بِاللهِ مِنْ جَمِیعِ مَحَارِمِ اللهِ وَ قَدْ قَالَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیم»(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: معصوم کسی است که از جوانب خداوند (و به امر پروردگار) از جمیع گناهان بازداشته شده و خداوند در این باره می فرماید: و هر کس به دین خدا چنگ زند، پس به حقیقت به راه راست هدایت شده است.(۲)

به طور کلی علت معصوم بودن پیامبران یا ائمه هدی علیهم السلام آیا صرفاً بر موهبت مخصوص الهی است یا خودشان این حالت را در پرتو اعمالشان تحصیل می کردند؟

باید گفت: معصوم بودن پیامبران الهی و دور بودن از گناه و خطا و اشتباه و سهو، از کمالات معنوی و روحی پیامبران سرچشمه می گرفت. تردیدی نیست که منشأ اعمال خوب یا بد انسان حالات روحی و معنوی اوست. حالات روحی و پلیدی هایی همچون جهل، عدم عقیده به مبدأ و معاد، طغیان تمایلات سرکش و مانند این ها، منشأ گناه و انحراف و آلودگی می گردد. همان طور که علوّ دانش، ایمان، اعتدال تمایلات و نیروی پرهیزکاری انسان را از گناه و آلودگی باز می دارد و منشأ یک سلسله اعمال نیک و انسانی می گردد.

پیامبران از نظر روحی و معنوی از نیروی ایمان فوق العاده ای و علم و دانش سرشار بهره مند بودند و بیش از هر چیز این دو عامل روحی بود که عوامل گناه و انحراف را در وجود آن ها محکوم نموده بود. وقتی یک انسان به زشتی گناه و عواقب وخیم آن نسبت به سعادت ابدی خود کاملاً آگاه باشد و از طرفی نیروی ایمان و پرهیزکاری در او به اندازه ای باشد که عوامل برونی و درونی گناه نتواند در وجود او مؤثر باشد، چنین فردی در هنگام عمل ممکن نیست مرتکب گناه شود.

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۱

۲- معانی الاخبار / ۱۳۲

اگر گفته شود عصمت نیروی مرموزی است که به انسان در برابر هر نوع گناه و انحراف و خطا مصونیت می بخشد، بنابراین یک چنین فردی با توجه به این نیروی نهفته قادر به گناه نیست و سرانجام، پاکی و قداست آنان افتخاری نخواهد بود، پس در پاسخ باید گفت: مصونیت پیامبران در برابر گناه هرگز یک مصونیت غیر ارادی و غیر اختیاری نیست بلکه عصمت آنان از گناه کاملاً یک حالت ارادی و اختیاری است که سرچشمه ی آن علم و ایمان است.

توضیح این مطلب این است که عصمت و مصونیت در برابر گناه از شئون و لوازم علم و ایمان به فساد گناه است. البته این مطلب نه به این معنی است که هر نوع علم به لوازم گناه پدید آورنده ی مصونیت و عصمت می باشد، بلکه باید واقع نمایی علم به قدری شدید و نیرومند باشد که لوازم و آثار گناه آن چنان در نظر وی مجسم و روشن گردد که آن ها را با دیده ی دل موجود و محقق ببینند و در این موقع صدور گناه از وی به صورت یک محال عادی و نه محال عقلی در می آید. هر یک از ما در برابر یک سلسله اعمال خارجی که به قیمت جان ما تمام می شود یک نوع عصمت و مصونیت داریم و این نوع مصونیت زاییده ی علم ما به لوازم این گونه اعمال است.

مثلاً دو کشور متعاصم که با یک دیگر هم مرز می باشند و سربازان هر دو طرف با فاصله ای کوتاه به وسیله ی دوربین های صوتی و نورافکن های نیرومند مراقب اوضاع و امور مرزی و بالاخص عبور افراد به طرف افراد دیگر باشند، به طوری که یک گام تجاوز از خطوط مرزی باعث مرگ و کشته شدن قطعی افراد می گردد، در این صورت هیچ انسان عاقلی فکر عبور از آن مرز را در مغز خود نمی پرورد تا چه رسد که عملاً به ان اقدام کند. بنابراین نسبت به این عمل یک نوع عصمت دارد. اصلاً هر فرد عاقل و خردمندی در برابر زهر کشنده ای که نوشیدن آن به قیمت جان او تمام می شود و سیم بدون روکش که تماس با آن انسان را خشک و سیاه می سازد یا باقی مانده ی غذای بیمار مبتلا به مرض جذام و سل، با علم به اینکه

خوردن آن موجب سرایت بیماری های مزبور می گردد، یک نوع مصونیت و عصمت دارد، یعنی هرگز به هیچ قیمت این اعمال را انجام نمی دهد و صدور این اعمال از وی یک محال عادی می باشد و عامل این مصونیت همان تجسم لوازم این اعمال است. این لوازم آن چنان در نظر وی مجسم و محقق و از نظر دیده ی عقل آن چنان مسلم می باشد که در پرتو آن فکر به چنین کارها را در مغز نمی پروراند تا چه رسد که عملاً به این کار اقدام نماید.

البته درباره ی معصوم باید نظری بالاتر از حد اعلی کرد. چون ایمان و علم معصوم با ایمان و علم دیگران به مراتب فرق می کند. چون ایمان معصوم، به دلیل شناخت کامل خدا مسلماً در جایگاهی است که دیگران به آن راه نمی یابند. مثل همان حدیث معروف و مشهور که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: یا علی! خدا را آن چنان که حق شناخت او باشد نشناخت مگر من و تو و مرا کسی نشناخت مگر خداوند و تو و تو را کسی نشناخت مگر خداوند و من.

پس ایمان به خدا در میان بندگان درجات و مراتبی دارد. معصومین که از برگزیدگان می باشند با کسی قابل قیاس نیستند. یعنی نمی شود دیگران را با معصومین سنجید. خود حضرات معصومین نیز فرموده اند:

لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَد

کسی را با ما نباید قیاس کرد.

اما علم اهل بیت هم که روشن است. علم مردم، اکتسابی و اجتهادی و با زحمت به دست می آید و خیلی از علوم آن ها نیز به واقع نمی رسد و بسیاری از علوم ایشان قابل خدشه و اشتباه و خطاست. چون از طریق میزان و وحی الهی به دست نیامده است، چرا که از ناحیه ی معصومین به دست نیامده است. اما علوم معصومین علیهم السلام علوم لدنی و افاضه از جانب پروردگار متعال است، لذا در عصمت انبیا علیهم السلام مخصوصاً وجود پر برکت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم چند شرط است:

۱- اینکه دارای عصمت باشند. یعنی از همه ی گناهان در همه ی عمر بَری و پاک باشد. (البته پیامبر و امام فکر گناه را هم در ذهنشان خطور نمی دهند).

۲- از خطا و سهو و فراموش و اشتباه و شک مصون باشد. و این دو شرط را می توان تحت یک عنوان یعنی عصمت مطلقه ذکر کرد.

۳- به جمیع آن چه امت در امور دینی محتاج است علم و به زبان مردم آگاه باشند.

۴- جمیع اخلاق پسندیده را دارا و از همه ی اخلاق زشت مبرّا و در جمیع کمالات نفسانی از همه ی افراد امت افضل و والاتر باشد. و این دو شرط را می توان تحت عنوان اکملیت جمع نمود (یعنی با این دو شرط دیگر کمال مطلق ائمه بیان می شود).

۵- باید نسب او پاک و جسمش شریف و بدنش از امراض خلقی و امراضی که موجب نفرت مردم است، مانند برص و جذام و امثال آن و همچنین زشتی صورت خالی باشد و به طور کلی باید از جمیع اموری که موجب تنفر مردم است منزّه باشد.

۶- باید علوم و کمالات وی موهبتی باشد، یعنی از راه های عادی تحصیل و اکتساب نکرده باشد.

۷- دارای معجزه یا یک دلیل قطعی باشد. مثل این که پیغمبری که نبوّت او ثابت یا معصومی که عصمت وی مسلم باشد بر نبوّت او خبر دهد.

دلیل لزوم عصمت پیغمبران از گناهان چیست؟

دلیل اول بر عصمت پیامبران این است که پیغمبر انسان کاملی است که خداوند برای تکمیل بشر و راهنمایی آنان به طریق ثواب و سداد و راه معرفت و اطاعت و احتراز از عصمت و دارا نمودن آنان با آنچه صلاح دنیا و آخرت است و بازداشتن آنان از آنچه موجب زیان هر دو عالم می باشد و بیدار کردن آن ها از خواب غفلت و رها نمودنشان از قید هوی و هوس و شهوت و بالجمله برای برخوردار نمودن بشر از سعادت دنیا و آخرت مبعوث می گرداند. بنابراین اگر گناه یا فعل قبیح و خلاف شریعت از پیغمبر یا امام صادر شود نقض غرض لازم آید، زیرا که معصوم مجری

قانون الهی است اگر خودش به قوانین عمل نکند، نمی تواند از سایرین جلوگیری نماید و مخالفتش با قانون موجب جرئت دیگران بر نافرمانی بلکه عذر آن ها می شود و از این جهت گفته شده است:

إِذَا فَسَدَ الْعَالِم فَسَدَ الْعَالَم

هر گاه دانشمندی فاسد شد دنیایی فاسد می شود.

دلیل دوم بر لزوم عصمت این است که معصوم بودن پیغمبر یا امام بدون شک دارای مصلحت برای امت و خالی از هر مفسده است. بنابراین به مقتضای عدل بر خداوند متعال لازم است که پیغمبر یا امام را معصوم قرار دهند برای اینکه صدور فعلی که دارای مصلحت و خالی از مفسده باشد بر خداوند کریم لازم است زیرا در سرکشی مفسده می باشد.

دلیل سوم آیه ی شریفه ی:

«وَ إِذْ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذِرِّیَّتی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمین»(۱)

یاد کن وقتی را که پروردگارش ابراهیم را با کلماتی امتحان کرد (ذبح و قربانی اسماعیل علیه السلام و مطیع بودن در امر و دستور پروردگار) پس ابراهیم آن ها را به اتمام رسانید (تمام امتحانات را با موفقیت پشت سر گذاشت) خداوند فرمود: تو را پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: ذریه ی من را نیز پیشوا قرار ده. خداوند گفت: عهد من به ستم کاران نمی رسد.

وجه استدلال به ای آیه این است که وقتی خداوند متعال منصب امامت و پیشوایی مردم را به حضرت ابراهیم علیه السلام عنایت فرمود، عرض کرد: این منصب را به ذریه و اولاد من نیز مرحمت فرمای. خداوند فرمود: ظالمین و ستم کاران به عهد من (پیشوایی مردم) نایل نخواهند شد.

۱- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۴

ظلم عبارت است از ظلم به نفس و ظلم به غیر و هر معصیتی هر چند کوچک باشد ظلم به نفس است و بر مرتکب شونده ی آن اطلاق ظالم می شود. چنانچه در آیات و اخبار زیادی به گناهکار اطلاق ظالم و ستم کار شده است.

مثل این آیه ی شریفه:

«وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لکِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُم»(۱)

ما به ایشان ستم نکردیم بلکه خودشان به خویشتن ستم نمودند.

بنابراین کسی قابلیت پیشوایی مردم را دارد که از جمیع اقسام ظلم منزّه باشد یعنی از هر گناهی پاک بوده و دامنش به هیچ معصیتی آلوده نباشد. و مراد از عصمت نیز همین معنی است. البته تنها گناه نیست و ممکن است بعضی از اولیاء الله و تالی تلو معصوم حتی یک مکروه هم انجام نداده باشند، اما این ها برای عصمت کافی نیست، علاوه بر این حکمت و مصلحت و مشیت و اراده ی خداوند متعال هم مدخلیت دارد.

البته اعتقاد ما بر این است که نصب و تعیین امامت و انتخاب او همه به دست خود پروردگار متعال است و دست هیچ کس از مخلوقین نیست. چه پیامبران، چه فرشتگان و چه مردم. زیرا اگر غیر از این باشد شخص انتخاب شده نه پیامبر است و نه امام، بلکه ستم کاران و ظالمان بر مردم مسلط می شوند که تاریخ مملو از این نمونه هاست. حکایت سقیفه ی بنی ساعده و خلفای بنی امیّه و بنی عباس از مصادیق اتم و اکمل آن می باشد.

فلسفه ی عصمت انبیا علیهم السلام از زبان حضرت رضا علیه السلام

ابوصلت هروی گوید: مأمون عباسی علمای فرق مختلف اسلامی و نیز علمای یهود و نصاری و مجوس و صابئین(۲) و سایر اهل علم و کلام را نزد حضرت رضا علیه السلام گرد آورد و هر کس از جای برخاسته و سخنی گفت و جواب قاطعی گرفت و ساکت ماند. در آخر کار، علی بن محمد بن جهم برخاست و گفت: یابن رسوال الله! آیا شما

۱- سوره ی هود آیه ی ۱۰۱

۲- فرقه ی مذهبی که آن ها را مشرک یا ستاره پرست و یا بت پرست می دانند

قائل به عصمت انبیا هستید؟ حضرت فرمودند: بله قائلم. وی گفت: پس در مورد این آیه چه می گویید:

«وَ عَصی آدَمُ رَبَّهُ فَغَوی» سوره ی طه آیه ی ۱۲۱

آدم پروردگار خود را نافرمانی کرد و بی راهه رفت.

و آیه ی:

«وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْه» سوره ی انبیا آیه ی ۸۷

و یونس با خشم قوم خود را ترک کرد و مطمئن بود که ما بر او سخت نخواهیم گرفت.

و در مورد حضرت یوسف علیه السلام فرموده است:

«وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِها» سوره ی یوسف آیه ی ۲۴

زلیخا قصد یوسف کرد و یوسف نیز قصد او.

و درباره ی حضرت داوود علیه السلام فرموده است:

«وَ ظَنَّ داوُدُ أَنَّما فَتَنَّاه» سوره ی ص آیه ی ۲۴

داود فهمید که ما او را آزمایش کرده ایم.

و درباره ی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

«وَ تُخْفی فی نَفْسِکَ مَا اللهُ مُبْدیه» سوره ی احزاب آیه ی ۳۷

در خود چیزی پنهان می کنی که خدا آن را آشکار خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: ای وای بیچاره. علی بن جهم از خدا بترس و زشتی ها را به انبیای خدا نسبت نده و کتاب خدا را با رأی خودت تأویل و تفسیر نکن. خداوند فرموده است:

«وَ ما یَعْلَمُ تَأْویلَهُ إِلاَّ اللهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْم» سوره ی آل عمران آیه ی ۷

تأویل آن را جز خدا و راسخون در علم نمی دانند.

و اما آیه ی شریفه ی وَ عَصی آدَمُ رَبَّهُ فَغَوی در مورد آدم:

خداوند عزوجل حضرت آدم علیه السلام را به عنوان حجت خود بر روی زمین و جانشین در شهرها آفرید و آن حضرت را برای بهشت نیافریده بود. علاوه بر این، این عمل آدم در بهشت واقع شد نه در روی زمین و عصمت در زمین لازم است تا اندازه ها و میزان های امر خدا یا تقدیرات امر خداوند به اتمام برسد و آنگاه که به زمین آورده شد و حجت و خلیفه گردید معصوم شد. طبق این آیه:

«إِنَّ اللهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِين»(۱)

خداوند، آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران را بر عالمیان برگزید.

و اما آیه ی وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْه

ظن در این جا به معنی یقین است نه صرف گمان. اَن لَن نَقدِرَ عَلَیه یعنی روزی اش را بر او تنگ کرد. فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَه(۲) یعنی روزیش را بر او تنگ کند و اگر یونس گمان کرده بود که خدا بر او توانایی ندارد قطعاً کافر شده بود.

و اما آیه درباره ی حضرت یوسف علیه السلام وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِها زلیخا قصد گناه کرد و یوسف از ناراحتی تصمیم گرفت که اگر زلیخا او را مجبور کند او را بکشد این بود که خداوند او را از ارتکاب قتل و عمل منافی عفت دور کرد. آیه ی:

«كَذلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشاء»(۳)

این چنین عمل کردیم تا سوء و فحشا را از او دور کنیم.

اشاره به همین مطلب دارد و سوء یعنی قتل و فحشا یعنی زنا.

و اما در مورد داوود علیه السلام. کسانی که طرف شما هستند در این باره چه می گویند؟

علی بن جهم گفت: می گویند داوود علیه السلام در محرابش مشغول نماز بود که ابلیس به شکل پرنده ای بسیار زیبا در مقابلش ظاهر شد. داوود علیه السلام نماز خود را شکست

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۳۳

۲- سوره ی فجر آیه ی ۱۶

۳- سوره ی یوسف آیه ی ۲۴

برخاست تا پرنده را بگیرد، پرنده به حیاط رفت. داوود هم به دنبالش از اطاق خارج شد. پرنده به پشت بام رفت و از آن جا به داخل حیاط خانه ی اوریا بن حنان پرید. داوود علیه السلام با نگاه خود پرنده را دنبال کرد و در این جا چشمش به همسر اوریا که مشغول غسل بود، افتاد و به او علاقمند شد. از طرفی قبلاً اوریا را به جنگ فرستاده بود. داوود به فرمانده ی لشگر نامه ای نوشت که اوریا را جلوتر از تابوت عهد(۱) بفرست، فرمانده نیز چنین کرد، اوریا بر مشرکین پیروز شد و این مطلب بر داوود خیلی گران آمد، لذا مجدداً نامه ای نوشت و دستور داد تا او را جلوتر از تابوت بفرستند، فرمانده نیز این بار اوریا را جلوتر فرستاد و اوریا کشته شد و داوود با همسر او ازدواج کرد.

راوی می گوید: حضرت با دست بر پیشانی خود زدند و فرمودند:

«إِنَّا لِلّهِ وَ إِنَّا إِلَیهِ راجِعُون»(۲)

شما به پیامبری از پیامبران خدا تهاون و سبک شمردن نماز را نسبت دادید به گونه ای که می گویید نماز را رها کرده به دنبال پرنده ای رفت. سپس او را به فاحشه (عمل منافی عفت) و قتل نسبت دادید. او گفت: یابن رسول الله! پس خطای داوود چه بوده است که به خاطر آن استغفار کرد؟

امام فرمود: ای بینوا! داوود گمان کرد خداوند کسی را داناتر از او خلق نکرده است. لذا خداوند دو فرشته را به سوی او فرستاد و آنان از دیوار محراب بالا رفته و در مقابل داوود حاضر گشتند و گفتند: ما دو نفر با هم اختلاف داریم و یکی از ما بر دیگری ظلم کرده است. به حق بین ما حکم کن و خلاف حق نگو و ما را به راه راست راهنمایی کن. این برادر من است و ۹۹ گوسفند دارد و من فقط یک گوسفند

۱- در قرآن کریم سوره ی بقره آیه ی ۲۵۰ به تابوت بنی اسرائیل اشاره شده است. این تابوت صندوقی بوده است که مادر حضرت موسی علیه السلام او را در آن نهاده و آن حضرت نیز در هنگام وفات الواح، لباس و نشانه های نبوت را در آن نهاده و به جناب یوشع بن نون علیه السلام وصی و جانشین خود داد و بنی اسرائیل به این صندوق تبرک می جستند. و نیز گویند حضرت موسی علیه السلام در هنگام حرکت تابوت را جلوی افراد قرار می داد. هر که جلوتر از تابوت می رفت یا کشته می شد یا پیروز می گردید.

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۵۶

دارم و با این حال به من گفته است آن یکی را هم به من بسپار و در این بحث و گفت و گو من حریف او نشدم.(۱)

داوود علیه السلام عجله کرد و بر علیه مدعی علیه حکم داده و چنین گفت:

«لَقَدْ ظَلَمَکَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِکَ إِلی َنِعَاجِهِ» سوره ی ص آیه ی ۲۴

با این درخواست به تو ظلم کرده است.

و از مدعی دلیل و شاهدی بر مدّعایش نطلبید و حال آن که قاضی باید از شخص مدعی دلیل و شاهد بخواهد، و حتی به مدعی علیه هم نگفت که تو چه می گویی؟ این خطا، خطای راه و رسم داوری بود نه آن خطایی که شما معتقد هستید. آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید:

«یا داوُدَ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلیفَه فِی الْأَرْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوی» سوره ی ص آیه ی ۲۶

ای داوود! ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم. در بین مردم به حق حکم کن و از هوای نفس پیروی نکن.

او سؤال کرد: پس قضیه ی او با اوریا چه بوده است؟

حضرت فرمودند: در دوران حضرت داوود علیه السلام حکم خدا چنین بود که هر گاه زنی شوهرش می مرد یا کشته می شد، بعد از او هرگز ازدواج نمی کرد و اولین کسی که خداوند برایش مباح کرد که با زنی که شوهرش کشته شده ازدواج کند داوود علیه السلام بود. آن حضرت هم پس از کشته شدن اوریا و تمام شدن عده ی همسرش با آن زن ازدواج کرد. و این همان چیزی است که در مورد اوریا بر مردم گران آمد.

و اما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و این آیه که می فرماید:

«وَ تُخْفی فی نَفْسِکَ مَا اللهُ مُبْدیهِ وَ تَخْشَی النَّاسَ وَ اللهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشاه»(۲)

۱- سوره ی ص آیات ۲۲ و ۲۳

۲- سوره ی احزاب آیه ی ۳۷

در دل خویش چیزی را پنهان می کنی که خداوند آن را آشکار خواهد کرد و از مردم می ترسی و حال آنکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسی.

خداوند اسامی همسران آن حضرت در دنیا و همسرانش در آخرت را به اطلاع آن حضرت رساند و نیز اعلام کرد که آنان ام المؤمنین هستند. یکی از آنان زینب دختر جحش بود که در آن ایام همسر زید بن حارثه بود. حضرت نام او را در دل نهان فرمود و آشکار نکرد تا مبادا منافقین بگویند: او زن شوهر داری را یکی از همسران خود می داند و از این گفته ی احتمالی ترسیدند. لذا خداوند فرمود:

وَ تَخْشَی النَّاسَ وَ اللهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشاه یعنی در دل از این گفته بیم داری و خداوند عزوجل هیچ زوجی را، عهده دار عقدشان نبوده است جز آدم علیه السلام و حوا و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و زینب که این آیه قرآن هم به همین عقد اشاره دارد.

«فَلَمَّا قَضی زَیْدٌ مِنْها وَ طَراً زَوَّجْناکَها»(۱)

و آن گاه که زید کام خویش را از او برگرفت و طلاقش داد او را به عقد تو در آوردیم.

راوی گوید: علی بن محمد جهم گریست و گفت: یابن رسول الله! من توبه می کنم از این که از این به بعد درباره ی انبیای خدا به غیر از آنچه شما گفتید سخنی بگویم.

پس به طور خلاصه می توان گفت، معصوم دارای یک نوع شایستگی اکتسابی از طریق اعمال خویش است. یک نوع لیاقت ذاتی و موهبتی از سوی پروردگار دارند تا بتوانند الگو و اسوه ی مردم بوده و باشند و به تعبیر دیگر می توان گفت: معصومین علیهم السلام به خاطر تأییدات الهی و اعمال پاک خویش، چنان هستند که در عین دانش و قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی روند. درست همانگونه که هیچ فرد عاقلی حاضر نیست قطعه ی آتشی را بردارد و به دهان خویش بگذارد با اینکه نه اجباری در این کار است و نه اکراهی. این حالتی است که از درون وجود خود انسان بر اثر آگاهی ها و مبادی فطری و طبیعی می جوشد بی آنکه جبری در کار باشد. (۲)

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۷

۲- امالی شیخ صدوق ۹۰ / ۹۳

اعتقاد شیخ صدوق در مورد عصمت:

مرحوم شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات چنین می گوید:

اعْتِقَادُنَا فِی الْأَنْبِیَاءِ وَ الرُّسُلِ وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام أَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ مِنْ کُلِّ دَنَسٍ وَ أَنَّهُمْ لَا یُذْنِبُونَ ذَنْباً صَغِیراً وَ لَا کَبِیراً وَ «لا یَعْصُونَ اللّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُون»(۱)

وَ مَنْ نَفَی الْعِصْمَهَ عَنْهُمْ فِی شَیْ ءٍ مِنْ أَحْوَالِهِمْ فَقَدْ جَهِلَهُمْ وَ اعْتِقَادُنَا فِیهِمْ أَنَّهُمُ الْمَوْصُوفُونَ بِالْکَمَالِ وَ التَّمَامِ وَ الْعِلْمِ مِنْ أَوَائِلِ أُمُورِهِمْ إِلَی آخِرِهَا لَا یُوصَفُونَ فِی شَیْ ءٍ مِنْ أَحْوَالِهِمْ بِنَقْصٍ وَ لَا عِصْیَانٍ وَ لَا جَهْل. (۲)

یعنی: عقیده ی شیعه این است که انبیا و رسولان و امامان و ملائکه علیهم السلام از هر دنس (چرک و پلیدی ظاهری و معنوی) معصوم و پاکند و آنان به هیچ وجه گناه، چه صغیره یا کبیره انجام نمی دهند و قرآن در بیان صفت ملائکه می فرماید: «فرشتگانی دل سخت مأمورند، که هرگز نافرمانی خدا را نمی کنند و آنچه به آن ها حکم شود فوراً انجام دهند».

کسی که عصمت را از آنان نفی کند، در این صورت آنان را جاهل قرار داده است و اعتقاد ما در مورد آنان این است که متصف به صفات کمال و تمام (صفات پسندیده) می باشند و علم از امور اولیه و آخرشان است. (زیرا اگر علم به اوضاع مخلوقات، مردم، احوالشان و مصالح دینشان نداشته باشند معصوم نیستند. و علم از علائم اولیه ی عصمتشان می باشد). حجت خداوند بر مردم هستند و به هیچ وجه متصف به نقص و عصیان و جهل و نادانی نمی شوند، بلکه منزّه از این صفات هستند و دارای صفات کمالند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: ما اهل بیت علیهم السلام کمال و تمام دین را به وراثت کسب کرده ایم.(۳)

۱- سوره ی تحریم آیه ی ۶

۲- الاعتقادات / ۳۰۴

۳- پاورقی الاعتقادات / ۳۰۶

گفتار شیخ مفید:

مرحوم شیخ مفید رحمه الله سخن می فرماید: عصمت از جانب خداوند بر حجت هایش یک توفیق و لطف و اعتصام از آلوده شدن به گناهان و غلط و اشتباه در دین خداوند می باشند و عصمت خود تفضلی از جانب باری تعالی می باشد که مانع از قدرت بر قبیح و عمل زشت و این یک چیزی است که وقتی خداوند به بنده ی خاص و صالح خود می دهد می داند که معصیت در او اثر و نقشی ندارد. یعنی مرتکب گناه و عصیان هرگز نمی شود (با اینکه قدرت بر گناه هم دارد).

البته همه ی مخلوقین عصمت ندارند، بلکه فقط افرادی که از میان خلق با این صفات عالیه که در وجودشان می باشد برگزیده شده اند دارا می باشند. این گونه افراد که حق تعالی در حقشان می فرماید:

«إِنَّ الَّذينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنى...» سوره ی انبیا آیه ی ۱۰۱

به درستی مؤمنان، کسانی که وعده ی نیکو و توفیق طاعت بر آن ها سبقت گرفته ...

«وَ لَقَدِ اخْتَرْناهُمْ عَلى عِلْمٍ عَلَى الْعالَمين» سوره ی دخان آیه ی ۳۲

به درستی که ایشان را برگزیدم در حالی که به برگزیده شدن ایشان بر دیگران عالم و دانا بودیم.

«وَ إِنَّهُمْ عِنْدَنا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيار» سوره ص آیه ی ۴۷

یعنی به درستی که ایشان در نزد ما از برگزیدگان و خوبان هستند.

و انبیا و ائمه از کبائر و صغائر معصومند و در امور مستحبات تقصیر و کوتاهی عمدی ندارند. حال به هر علتی یا به خاطر گرفتاری و زحماتی که در امر ارشاد مردم و امور زندگی و عبادات طاقت فرسا و ... دارند اما باز هم جایز نیست که واجبات را ترک کنند. البته نبیّ مکرم ما صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی هدی علیهم السلام بعد از انبیا چنین نیستند و نه تنها واجبات، بلکه مستحبات را نیز انجام می دهند. در هیچ حالتی غافل نیستند و تمام امور را مواظبند. واجبات و مستحبات که سهل است حتی یک ترک اولی نیز در زندگیشان ندارند.(۱)

۱- رجوع شود به کتاب اعتقادات مجلسی، بحث عصمت پیامبران، امامان و ملائکه، صفحه ۲۷۸- ۲۹۸، انتشارات: دلیل ما- چاپ سوّم: تابستان ۱۳۹۴

امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ای به عثمان بن حنیف انصاری که فرماندار بصره بود چنین می نویسد: اما بعد، ای پسر حنیف! به من گزارش داده شده که مردی از متمکنان اهل بصره تو را به خوان میهمانیش دعوت کرده و تو به سرعت به سوی آن شتافته ای، در حالی که طعام های رنگارنگ و ظرف های بزرگ غذا یکی بعد از دیگری پیش تو قرار داده می شد. من گمان نمی کردم تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندان از آن ممنوع (و محروم) و ثروتمندان به آن دعوت می شوند.

به آنچه می خوری بنگر، (آیا حلال است یا حرام؟) آنگاه آنچه حلال بودنش برای تو مشتبه بود از دهان بینداز و آنچه را یقین به پاکیزگی و حلّیتش داری تناول کن.

آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانشش بهره گیرد. بدان امام شما از دنیایش به همین دو جامه ی کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است. آگاه باش! شما توانایی آن را ندارید که چنین باشید اما مرا با ورع، تلاش، عفت، پاکی و پیمودن راه صحیح یاری دهید. به خدا سوگند من از دنیای شما طلا و نقره ای نیندوخته ام و از غنائم و ثروت های آن مالی ذخیره نکرده ام و برای این لباس کهنه ام بدلی مهیا نساخته ام و از زمین آن حتی یک وجب در اختیار نگرفته ام و از این دنیا پیش از خوراک مختصر و ناچیزی نگرفته ام. این دنیا در چشم من بی ارزش و خوارتر از دانه ی تلخی است که بر شاخه ی درخت بلوطی بروید. آری! از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده تنها فدک در اختیار ما بود که آن هم گروهی بر آن بخل و حسادت ورزیدند و گروهی دیگر آن را سخاوتمندانه رها کردند و از دست ما خارج شد و بهترین حاکم خداوند است.

مرا با فدک و غیر فدک چه کار؟ در حالی که جایگاه فردای هر کس قبر اوست که در تاریکی آن آثارش محو و اخبارش ناپدید می شود. قبر حفره ای است که هر چه بر وسعت آن افزوده شود و دست حفر کننده بازتر باشد، سرانجام سنگ و کلوخ آن را پر می کند و جاهای خالی آن را خاک های انباشته مسدود می نماید. من نفس سرکش را با تقوی تمرین می دهم و رام می سازم، تا در آن روز بزرگ و خوفناک که

وارد صحنه ی قیامت شود و همه در آنجا می لغزند او ثابت و بی تزلزل بماند. من اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفا و مغز گندم و بافته های این ابریشم برای خود خوراک و لباس تهیه کنم، اما هیهات که هوا و هوس بر من غلبه کند و حرص مرا وادار کند تا طعام های لذیذ را برگزینم در حالی که ممکن است در سرزمین حجاز و یا یمامه کسی باشد که حتی امید به دست آوردن یک قرص نان را هم نداشته باشد و نه هرگز شکمی سیر خورده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطرافم شکم های گرسنه و کبدهای سوزانی باشند.(۱)

مقام راضی بودن حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به خانه ی فاطمه ی زهرا علیها السلام آمد دید که گلیمی از پشم شتر پوشیده و به دست مبارک خود آرد خمیر می کند. با آسیای دستی گندم یا جو خورد می کند و دست های ایشان در اثر زحمت زیاد پینه زده و زخم شده است و فرزند خود را شیر می دهد. آب از چشم مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روان شد و فرمود:

یَا بِنْتَاهْ! تَعَجَّلِی مَرَارَهَ الدُّنْیا بِحَلَاوَهِ الْآخِرَهِ فَقَدْ أَنْزَلَ اللهُ عَلَیَّ: «وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی» سوره ی ضحی آیه ی ۵

دخترم! برای تلخی و سختی دنیا عجله کن تا به شیرینی آخرت برسی. حق سبحانه این آیه را بر من نازل گردانیده «به زودی پروردگارت آنقدر به تو عطا کند تا راضی شوی».(۲)

چند روایت در مورد فضیلت حضرت زهرا علیها السلام از طریق عامه

۱- عمر بن خطاب گوید: روزی بر فاطمه دختر رسول خدا وارد شدم و گفتم: ای فاطمه! بعد از رسول الله کسی در میان مردم، نزد من عزیزتر از تو نیست. (۳)

۱- نهج البلاغه نامه ی ۴۵

۲- منهج الصادقین ۱۰ / ۲۷۳

۳- مقتل الحسین خوارزمی/ ۹۹

۲- امـام حسـین علیه السـلام روایت می کنـد که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: فاطمه شادمانی قلب از است و پسران او میوه ی دل من و شوهرش نور چشمان من است، و ائمه ی بعد از فرزندان آن حضرت، امینان من بر خلق هستند و آن حضـرت ریسـمانی کشـیده است بین خداوند و خلقش. کسـی که چنگ به این ریسـمان بزند اهل نجات است و هر که تخلف کند نابود خواهد شد. (۱)

۳- ابی ایوب نقل می کند که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم هنگامی که در آخر عمر بیمار شد، فاطمه علیها السلام به عیادت آن حضـرت رفت. وقتی به آن وضع، پـدر را دیـد که ضـعف و ناتوانی بر او مسـلط شـده بود، گریه کرد و اشک ها بر صورتش جاری شـد. رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: ای فاطمه! کرامت خداوند شامل تو و شوهرت شده است. کسـی که از نظر اسـلام، مقـدم است و از نظر علم، عـالم تر و از نظر حلم، بزرگ تر است. خداونـد متعـال نظری به اهـل زمین افکنـد، پس مرا اختیار و انتخاب نمود و مرا نبی مرسل مبعوث گردانید. سـپس نظری انداخت و شوهرت را برگزید. پس به من وحی نمود تا تو را به ازدواج علی در بیاورم و دستور داد که علی را وصی خود کنم. (۲)

۴- ابن عباس گوید: رسول گرامی صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمودند: دخترم فاطمه، حوراء آدمی (فرشته ای در قالب انسان) است. هرگز مبتلا به عادت زنانه نخواهـد شـد و همانا فاطمه نام گـذاری شـده، زیرا خداونـد فاطمه و محبین آن حضـرت را از جهنم و آتش قطع نموده.(۳)

۵- رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من درخت (اصل و ریشه ی درخت نبوت) هستم و فاطمه علیها السلام فرع و شاخه ی اوست و علی علیه السـلام لقاح و بارورنـده ی اوست و حسن و حسـین علیهما السـلام میوه های آن و شـیعیان برگ هایش می باشند. پس این درخت اصلش، در

۱- همان

۲- مناقب خوارزمی/ ۱۱۲

۳- فضائل الخمسه ۳/ ۱۵۳ به نقل از تاریخ بغداد ۱۲/ ۳۳۱

بهشت عـدن و دارای اصـل و فرع و لقـاح و ثمر و ورق است. (در بهشت نبوت، ولاـیت، امـامت، و افراد متمسک به آن ها در بهشتند).(۱)

۶- سعید خدری گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ذیل آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب

«إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرکُمْ تَطْهیرا» فرمودند:

در مورد پنج تن نازل شد: در حق من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.(۲)

۷- عَن حُسَـیْنُ الْأَشْقَرُ قَالَ: قُلْتُ لِهِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ مَا مَعْنَی قَوْلِکُمْ إِنَّ الْإِمَامَ لَا یَکُونُ إِلَّا مَعْصُوماً فَقَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللهِ علیه السلام عَنْ ذَلِکَ فَقَالَ الْمَعْصُومُ هُوَ الْمُمْتَنِعُ بِاللهِ مِنْ جَمِیعِ مَحَارِمِ اللهِ وَ قَالَ اللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی: «وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلی صِـراطٍ مُسْتَقِیم»(۳)

راوی گویـد: از هشام بن حکم پرسـیدم: معنای اینکه شـما می گویید امام باید معصوم باشد چیست؟ گفت: از امام صادق علیه السـلام در مورد این حدیث پرسـیدم، حضـرت فرمودند: معصوم آن کسی است که از جمیع حرام های الهی ممتنع و بازدارنده (نفس خویش) است. و خداوند می فرماید: کسـی که به دین اسلام چنگ زند حقیقتاً به راه راست رفته است. (یعنی مردم باید از امام معصوم پیروی کنند تا به هدف اصلی و نهایی برسند).(۴)

۸- قال علی علیه السلام: مَنِ العِصمَه تَعَذُّرَ المَعاصی.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: دست نیافتن به گناه نوعی از عصمت است.(۵)

ص:۳۰

۱- مقتل الحسین ۱/ ۱۰۲

۲- فرائد المسطین ۲/ ۱۰

۳- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۱

۴- معانی الاخبار باب معنی عصمه الامام

۵- حکمت ۳۴۵ نهج البلاغه

روایات:

۱- عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ علیه السلام: وَ الْأَنْبِیاءُ وَ الْأَوْصِیَاءُ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُون.

امام صادق علیه السلام فرمودند: انبیا و اوصیا به هیچ وجه گناه ندارند زیرا که ایشان معصوم و پاکند.(۱)

۲- قَالَ الرِّضَا علیه السلام: لِأَنَّهُمْ طُهِّرُوا مِنْ کُلِّ دَنَسٍ وَ وَسَخ.

امام رضا علیه السلام فرمودند: زیرا آنان (آل محمد علیهم السلام) از هر کثیف و پلیدی پاک شده اند.(۲)

۳- عَن هِشَامِ بنِ الحَکَم: ... وَ أَعْصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ صَغِیرِهَا وَ کَبِیرِهَا لَمْ تُصِبْهُ فَتْرَةٌ وَ لَا جَاهِلِیَّةٌ وَ لَا بُدَّ مِنْ أَنْ یَکُونَ فِی کُلِّ زَمَانٍ قَائِمٌ بِهَذِهِ الصِّفَهِ إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَه...

هشام بن حکم (در مورد صفات امام علیه السلام) چنین می گوید: باید از (همه ی مردم جهان) در برابر گناهان چه کوچک و چه بزرگ پاک تر و معصوم تر باشند و سستی و جاهلیت (که بعضی از نظر اخلاقی و اعتقادی در زمان جاهلیت به آن آلوده بودند) به او راه نیابد و ناچار باید در هر زمانی دارای این صفات (عالم ترین مردم، نیکوترین مردم از نظر خَلق و خُلق و با سخاوت ترین مردم، شجاع ترین مردم، عفیف ترین مردم و معصوم و پاک از گناهان) تا زمان قیامت باشند.(۳)

۴- عَنْ عَلِی بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام قَالَ الْإِمَامُ مِنَّا لَا یَکُونُ إِلَّا مَعْصُوما...(۴)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: امام از خاندان ما نیست مگر اینکه معصوم باشد.

ص:۳۱

۱- پاورقی الاعتقادات صدوق/ ۳۰۴

۲- عیون الاخبار ۱/ ۴۹۲

۳- علل الشرایع جزء دوم/ ۱ ب ۱۵۵

۴- معانی الاخبار/ ۱۳۲ باب عصمت امام

۵- عن ابی عبدالله علیه السلام نَحْنُ خُزَّانُ عِلْمِ اللهِ نَحْنُ تَرَاجِمَهُ أَمْرِ اللهِ نَحْنُ قَوْمٌ مَعْصُومُونَ. أَمْرَ اللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی بِطَاعَتِنَا وَ نَهَی عَنْ مَعْصِیَتِنَا نَحْنُ الْحُجَّهُ الْبَالِغَهُ عَلَی مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَ فَوْقَ الْأَرْض.(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ما خزانه دار علم خداییم. ما مترجم امر خداییم. ما مردمی معصوم هستیم. خدای تبارک و تعالی مردم را به فرمان برداری از ما امر فرموده و از نافرمانی ما نهی نموده است. ما حجت رساییم بر هر که زیر آسمان و روی زمین است.

۶- عن الرضا علیه السلام قال: الْإِمَامُ أَمِینُ اللهِ فِی خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَی عِبَادِهِ وَ خَلِیفَتُهُ فِی بِلَادِهِ وَ الدَّاعِی إِلَی اللهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرَمِ اللهِ الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبَرَّأُ عَنِ الْعُیُوب...(۲)

امام رضا علیه السلام فرمودند: امام امین خداست در میان خلقش و حجت اوست بر بندگانش و خلیفه ی اوست در بلادش و دعوت کننده به سوی او و دفاع کننده از حقوق او است. امام از گناهان پاک و از عیب ها برکنار است.

علامه ی مجلسی رحمه الله در عین الحیوه در مورد عصمت امام چنین می فرماید: فرقه ی ناجیه ی امامیه اعتقادشان این است که امام باید از اول تا آخر عمر از جمیع گناهان صغیره و کبیره معصوم باشد و اهل سنت چون می دانند که هر گاه عصمت شرط امامت باشد، حقیقت امامت خلفای ایشان بر هم می خورد، می گویند عصمت در امامت شرط نیست و بر بطلان این قول دلایل عقلی و سمعی (روایات) بسیار است و بر صاحب عقل سلیم پوشیده نیست که شخصی که واجب الاطاعه است و همه ی امور دین و دنیای امت به او وابسته است، باید در علم و عمل معصوم باشد. و إلا فواید مترتبه بر امامت آن طور که باید به ظهور نخواهد آمد و آن شخص غیر معصوم نیز به امام و راهنما محتاج است. و اگر شخص غیر معصوم امام شود، از

۱- اصول کافی ۲/۱۲

۲- همان ۲/۲۸۷

امامت و فتاوایش خلل بسیاری در دین به وجود خواهد آمد، زیرا که از فتاوی غلطش ممکن است بدعت ها منتشر گردد و احکام حقه ی دین متروک شود و مفاسد بزرگی ظاهر می شود که به هیچ نحو اصلاًح پذیر نیست.

مثلاً اگر شخص غیر معصوم در تعیین خلیفه ی بعد از خود اشتباه کند به گمان اینکه قابلیت خلافت و امامت را دارد و از او اموری بر خلاف امامت دیده شود، دین به فساد و تباهی کشیده می شود. پس اگر امت متعرض او نشوند موجب انهدام دین است و اگر قصد برکناریش را داشته باشند منازعه و مشاجره ای بزرگ در میان امت به وجود می آید که حتی در این میان ضایع می شود. چنانچه در واقعه ی کشتن عثمان و خروج عایشه و طلحه و زبیر و معاویه و خوارج به ظهور آمد تا آنکه کار امامت و نیابت خدا و رسول به معاویه و یزید و امثال آن ظالمان بی دین رسید و آن ظلم ها را بر اهل بیت رسالت و مسلمانان و شیعیان کردند و هم چنین قبیح است که امامی به آنچه که مردم را به آن امر می کند خودش عمل نکند و آنچه که مردم را از آن نهی می کند خودش انجام دهد. لذا حق تعالی در قرآن مرتب کسانی را که این چنین هستند توبیخ کرده است. همان طور که فرموده است:

«أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتابَ أَفَلا تَعْقِلُون»(۱)

آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید در حالی که شما کتاب را تلاوت می کنید (دارای کتاب هستید).

هم چنین خود مردم نیز از اطاعت چنین شخصی متنفر می باشند. و فخر رازی در تفسیر آیه ی اولی الامر آیه ی ۵۹ سوره ی نساء گفته است که این آیه دلالت می کند بر عصمت و عدم جواز خطای اولوالامر و اِلّا لازم می آید که هم امر به اطاعتشان شده باشد و هم نهی از اطاعتشان زیرا اگر دستورات حرام از جانب ایشان صادر شود حرام است که آنان را اطاعت کرد.

۱- سوره ی بقره آیه ی ۴۴

همچنین در تفسیر آیه ی:

«وَ کُونُوا مَعَ الصّادِقِین» سوره ی توبه آیه ی ۱۱۹

گفته است که مراد از صادقین معصومین می باشند و خدا در آیه ی تطهیر (آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب) از عصمتشان خبر داده و اکثر مفسرین در آیه ی:

«لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمین» سوره بقره آیه ی ۱۲۴

اعتراف کرده اند که این آیه دلالت بر عصمت امام دارد زیرا که خداوند متعال به حضرت ابراهیم وحی فرمود:

«إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماما» سوره ی بقره آیه ی ۱۲۴

تو را برای مردم امام گردانیدم. حضرت ابراهیم درخواست نمود که به بعضی از فرزندان من نیز این شرف را کرامت فرما، خطاب رسید که عهد امامت به ظالمان نمی رسد و هر فاسقی، بر نفس خویش ظلم می کند چنانچه خداوند مکرر فاسقان را به ظلم وصف فرموده است.

بدانکه احادیث از طریق عامه (اهل سنت) و خاصه (شیعیان) به حد تواتر رسیده و آیه ی تطهیر در شأن اهل بیت رسالت علیهم السلام نازل شده که آل عبا باشند و بر طبق احادیث ما جمیع ائمه علیهم السلام و داخل در این آیه هستند. (یعنی آیه ی عصمت شامل همه ی دوازده امام می شود و همه را در بر می گیرد، چون در وقت نزول آیه ی شریفه فقط پنج نفر از معصومین در دنیا حضور داشتند و بقیه بعد پا به عرصه ی حضور گذاشتند. پس آیه شامل همه ی چهارده معصوم علیهم السلام می شود).

و صاحب کشاف (تفسیر زمخشری) که از متعصبین علمای اهل سنت است، در جریان مباهله (آیه ی ۶۱ سوره آل عمران):

«فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَی الْکاذِبین»

ص:۳۴

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره ی حضرت مسیح علیه السلام) به تو رسیده باز هم با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آن ها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت می کنیم شما هم فرزندان خود را دعوت کنید. ما زنان خویش را دعوت می کنیم شما هم زنان خود را دعوت کنید. ما نفوس خود را دعوت می کنیم شما هم نفوس خود را دعوت کنید. آنگاه مباهله (و تضرع و دعا) برای نابودی باطل می کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می دهیم.

ذکر کرده است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نصارای نجران (ساکن مدینه) را به مباهله خواند، ایشان مهلت خواستند و چون با یکدیگر خلوت کردند، به پیشوای خود که صاحب رأی و نظر ایشان بود، گفتند: چه مصلحت می دانی؟ گفت: والله ای گروه نصاری! شما می دانید که محمد پیغمبر و فرستاده ی خداست و در بیان احوال عیسی علیه السلام حق را بر شما ظاهر ساخت. والله که هیچ قومی با پیغمبر خود مباهله نکردند مگر پیر و جوان ایشان هلاک شدند. و اگر مباهله کنید البته هلاک خواهید شد و اگر اصرار می ورزید در نگاه داشتن دین خود و از مسلمان شدن ابا و منع دارید با او مصالحه کنید و برگردید. چون صبح شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امام حسین علیه السلام را در بر گرفت و دست حضرت امام حسن علیه السلام را گرفت و فاطمه و علی علیهما السلام را از پی خود حرکت داد و فرمود: من چون دعا کنم شما آمین بگویید. پس اسقُف (۱) نجران گفت: ای گروه نصاری! من چند صورت می بینم که خدا به این روها و صورت ها کوه را از جا می کند. با ایشان مباهله نکنید که هلاک خواهید شد و روی زمین یک نصرانی تا قیامت نخواهد بود.

ایشان به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: ما با تو مباهله نمی کنیم. تو بر دین خود باش ما بر دین خود. حضرت فرمودند: اگر مباهله نمی کنید مسلمان شوید. آن ها ابا کردند و قبول نکردند. فرمود: پس با شما جنگ می کنیم. گفتند: ما طاقت جنگ با عرب را نداریم و لیکن با تو صلح می کنیم که با ما جنگ نکنی و به دین ما

۱- پیشوا و خطیب و واعظ عیسوی که بالاتر از کشیش است

کاری نداشته باشی و ما به تو هر سال دو هزار حُلّه در ماه صفر و دو هزار حُله در ماه رجب به همراه سی زره نفیس جنگی می دهیم. حضرت به این نحو با ایشان مصالحه نمود و فرمود: والله که قوم نجران هلاک می شدند و اگر مباهله می کردند همه ی آن ها مسخ می شدند (و به صورت میمون و بوزینه و خوک در می آمدند) و این صحرا همه بر ایشان آتش می شد و خدا همه ی اهل نجران را هلاک می کرد و حتی مرغی که بر روی درختانشان بود و حیوانات و مرغانشان همه هلاک می شدند و یک سال نمی گذشت که همه ی نصاری به هلاکت می رسیدند.

زمخشری نیز در کشاف خود از عایشه روایت کرده است که روزی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد و عبایی پوشیده بود که از موی سیاه بود. پس امام حسن علیه السلام امد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت را داخل عبا کرد. سپس امام حسین علیه السلام آمد و حضرت او را داخل عبا کرد. سپس حضرت فاطمه و حضرت علی بن ابی طالب علیهم السلام آمدند و هر دو را داخل عبا کرد و آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب نازل شد.

«إنما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَّهِرُکُمْ تَطْهیراً»

بعد از آن زمخشری در تفسیر کشاف خود گفته است: «چرا این افراد را برای مباهله همراه خود برد؟ در جواب می گوییم برای آن که این دلالت بر حقیقت و اعتماد به راستی او بیشتر می کرد تا آنکه دیگران را داخل کند زیرا که عزیزترین خلق در نزد خود و پاره های جگر خود و محبوب ترین مردم در نزد خدا را برای مباهله و نفرین آورد و به تنهایی بر خود اکتفا نکرد.

در کتاب موطاب مالک که پیشوای اهل سنت است از انس بن مالک روایت شده است که چون آیه ی تطهیر نازل شد نزدیک به شش ماه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام رفتن به نماز صبح بر در خانه ی فاطمه علیها السلام می آمد و می گفت:

الصَّلَاهَ یَا أَهْلَ الْبَیْتِ إنما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَّهِرُکُمْ تَطْهیرا.

و در صحیح ابی داوود سجستانی که از اهل تسنن است نیز به همین طریق از انس روایت شده و در صحیح مسلم و در صحیح ابی داوود و در جمع بین صحیحین حمیدی هم به این مضمون از عایشه روایت کرده است و در صحیح مسلم در جلد چهارم در باب فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام از سعد وقاص چنین روایت کرده که چون آیه ی مباهله نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خواند و گفت: خداوندا این ها اهل بیت من هستند و در جای دیگر نیز همین را روایت کرده و ابو داوود در صحیح خود از ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که گفت: آیه ی تطهیر در خانه ی من نازل شد و در آن خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بودند و من بر در خانه نشسته بودم.

پس حضرت رسول علاوه بر ایشان گلیمی پوشانید و گفت: خداوندا، این ها اهل بیت من هستند. از ایشان رجس و گناه را دور گردان و برطرف کن و پاکیزه گردان ایشان را از بدی ها، پاکیزه کردنی. من گفتم: یا رسول الله! آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: نه تو از زنان منی و عاقبت تو به خیر است. و این مضمون و قریب به آن در اکثر کتب ایشان به طرق متعدد روایت شده است. و تعداد آن ها موجب طولانی شدن بحث است و دلالت این آیه ی شریفه بر عصمت ایشان بسی ظاهر است که چه عامه ی محققین و مفسرین رجس را در این آیه به گناه تفسیر کرده اند و منظور از تطهیر جمیع بدی ها و عیب ها و قبایح و زشتی هاست. و اراده ای که در آیه وارد شده است اراده ی حتمی خداوند می باشد. زیرا که اراده ی تکلیفی به ایشان اختصاصی ندارد.

پس عصمت ایشان ثابت است و هر گاه عصمت ثابت شد، دروغ بر ایشان روا نیست و این ثابت شده است که ایشان دعوی امامت کردند پس دعوی ایشان بر حق باشد.(۱)

۱- عین الحیوه/ ۱۰۱-۱۰۴

موضوع دوم: پیرامون آیه ی تطهیر

اشاره

ص:۳۹

طهارت از نظر لغوی

طهارت (به فتح طا) از نظر لغت به معنای پاک شدن است. طهر بضم طا و سکون هاء به معنای پاک شدن، پاکی، پاک شدن زن از حیض و طَهُور به معنای پاک، پاک کننده، آنچه با آن چیزی را بشویند و پاک کنند (مانند آب).(۱)

اصطلاح فقهی و ادبی طهارت

آقایان فقها در تعریف طهارت چنین فرموده اند:

ثُمَّ الطّهاره علی ما عُلِمَ من تعریفها، اِسْمٌ للوضوء و الغُسل و التیمم الرافع للحدث او المبیح للصلاه علی المشهور.(۲)

یعنی طهارت بر آنچه که از تعریفش معلوم شده است اسم است برای سه چیز:

وضو و غسل و تیمم که رافع حدث یا مبیح نماز است.

بر قول مشهور:

و هی لغه النظافه و شرعاً استعمال طهور مشروط بالنیه و الطهور هو الماء و التراب قال الله تعالی: «وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُورا»(۳)

و قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: جُعِلَتْ لِی الْأَرْضُ مَسْجِداً وَ طَهُوراً.

از لحاظ لغوی؛ طهارت نظافت و پاکیزگی از چرکی هاست و شرعاً استعمال طهور است. طهور صیغه ی مبالغه ی طاهر است و در اینجا مقصود این است که آب ذاتاً پاک است و چیزهای دیگر غیر از خودش را هم پاک می کند. طهور به حسب استعمال، متعدی است ولو به حسب وضع لغوی لازم است.

۱- طَهَرَ طُهْراً و طَهُوراً و طهارَهً: پاک گردید. اَطهار، جمع طاهر. طَهَرَتِ المراَهُ: حیض زن منقطع شد. طَهَّرَهُ تطهیرا: پاک گردانید آن را. اَطْهار جمع طُهْر: ایام پاکی زن از حیض و غیره. طَهور: طهارت کردن آنچه به آن طهارت کنند پاک و پاک کننده. فرهنگ عمید و فرهنگ جامع

۲- لمعه شهید رحمه الله

۳- سوره ی فرقان آیه ی ۴۸

طهـارت عبـارت است از وضو و غسـل و تیمم. پس برطرف کردن زن نجـاست از جامه و بـدن و غیر این ها از تعریف طهارت خارج می شود. چون نیت شرط تحقق آن ها نیست.

طَهور آب و خاک است، پس آب مطهر است از حدث: [اثری که دنبال یکی از اسـباب وضو و غسل برای شخص مکلف پیدا می شـود و شـبه آن و آن اثر مـانع از نمـاز است و رفـع آن اثر بر نیت متوقف باشـد.] و از خَبث: «نجس»، و همه ی اقسـام آب مطلقاً به سـبب نجاست نجس می شود و گاهی طهور مصدر و گاهی غیر مصدر است. که در عبارت مفردات راغب اصـفهانی آمده است:

طهارت دو نوع است؛ یک نوع طهارت جسم و نوع دیگر طهارت نفس که ان شاء الله در تقسیم بندی طهارت خواهد آمد.

آیات طهارت در قرآن: کلمه ی طهارت ۲۹ مرتبه در قرآن آمده است

۱- بقره آیات ۲۵ – ۱۲۵ – ۲۲۲

۲- آل عمران آیات ۵۵ – ۴۲ – ۱۵

۳- نساء آیه ی ۵۷

۴- مائده آیات ۴۱ – ۶

۵- اعراف آیه ی ۸۲

۶- انفال آیه ی ۱۱

۷- توبه آیات ۱۰۳ – ۱۰۸

۸- هود آیه ی ۷۸

۹- حج آیه ی ۲۶

۱۰- فرقان آیه ی ۴۸

۱۱- نمل آیه ی ۵۶

۱۲- احزاب آیات ۳۳ – ۵۳

۱۳- واقعه آیه ی ۷۹

۱۴- مجادله آیه ی ۱۲

۱۵- مدثر آیه ی ۴

۱۶- انسان آیه ی ۲۱

۱۷- عبس آیه ی ۱۴

۱۸- بیّنه آیه ی ۲

ص:۴۱

قال اللهُ تبارَکَ وَ تعالی: «إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکَمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُهَطِّرَکُمْ تَطْهیراً»(۱)

جز این نیست که خدا می خواهد (اراده کرده) تا پلیدی گناه را از شما اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ببرد (از شما دور کند) و شما را از معاصی پاک گرداند.

به اتفاق جمیع امت منظور از اهل بیت، آل پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و الف لام البیت برای عهد می باشد. ای اهل بیت نبوّت و رسالت و خلاصه معنی اینکه: ای اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اراده ی الهی تعلق گرفته به اینکه خطیئات و سیئات و آثام را از شما دور دارد تا اَذیال و دامن های عصمت شما به گرد عصیان آلوده و آغشته نشود و از کبیره و صغیره منزّه و معصوم باشید!(۲)

انما یرید الله... قال ابن عباس الرجس عمل الشیطان و ما لیس لله فیه رضی و البیت التعریف فیه للعهد و المراد به بیت النبوه و الرساله و العرب تسمی ما یلتجا الیه بیتا و لهذا سموّا الانساب بیوتا و قالوا بیوتات العرب یریدون النسب. قال:

اَلا یا بَیْتُ بِالْعَلْیا بَیْتُ*** وَ لَوْ لا حُبُّ اَهْلِکَ ما اَتَیْتُ

اَلا یا بَیْتُ اَهْلُکَ اَوْ عَدوُنی*** کَأَنّی کُلّ ذنبِهِمْ جَنَیْتُ

ص:۴۲

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

۲- اراده ی حق تعالی بر دو گونه است: اراده در تشریعات و اراده در تکوینات. اما اراده در تشریعات: مثل اراده کردن و خواستن نماز و روزه و سایر عبادات و طاعات از بندگان و این اراده گاهی از مراد تخلف می پذیرد، زیرا متعلق این اراده فعل بنده است و هر گاه به مجرد اراده ی پروردگار فعل بنده تحقق پیدا کند لازمه ی جبر است. و اما در تکوینات پس متعلق اراده، فعل خداوند است. و ارادته فعله و اذا اراد الله شیئاً اَن یقول له کن فیکون مخفی نماند که اراده ی تطهیر در این آیه ی مبارکه از قبیل دوم است، به معنی اینکه اصلاً گناه و معصیت و رجسی وجود ندارد تا بخواهد رفع کند. بلکه از ابتدا از زمان عالم ذر تا قیام قیامت پاک و مطهرند از تمام آلودگی ها.

و قیل البیت بیت الحرام و أهله هم المتقون علی الاطلاق لقوله ان اولیاء الا المتقون و قیل البیت مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و اَهله من مَکّنه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فیه و لم یخرجه و لم سیّد بابه و قد اتفقت الامه بأَجمعها علی أن المراد بأهل البیت فی الآیه اَهل بیت نبیّنا صلی الله علیه و آله و سلم![(۱)]

احمد حنبل در مسند خود از عطا بن رباح نقل کرده که ام سلمه (رضی الله عنها) گفت: روزی حضرت فاطمه علیها السلام غذایی پخته و در ظرف گلی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن روز در خانه ی من بود. هنگامی که فاطمه علیها السلام غذا را حاضر کرد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فاطمه! ای نور دیده ی من، به علی علیه السلام و به دو فرزند خود بگو بیایند تا با من این غذا را میل کنند. فاطمه علیها السلام همه را حاضر کرد و همه از آن غذا میل کردند. جبرئیل از طرف پروردگار متعال نازل شد و این آیه را آورد:

«إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرا»[(۲)]

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی را بر ایشان انداخت و فرمود:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی وَ خَاصَّتِی اللَّهُمَّ فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرَهُمْ تَطْهِیرا.

پس چون من این دعا را از آن حضرت شنیدم، گفتم: یا رسول الله! انا معکم؟ من با شما هستم. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إِنَّکِ عَلَی خَیْر یعنی تو در رتبه ی اهل بیت من نیستی، اما زنی نیکو کرداری و به صفات حمیده و خصال پسندیده موصوفی.

مضمون این خبر را ابوالحسن اُندلسی در جامع خود به نام جامع صحاح آورده است و ابوعبدالله محمد بن عمران مرزبانی که یکی از فضلای اهل سنت است از ابو الحمراء روایت می کند. او می گوید: من ده ماه ملازم حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم.

۱- تفسیر مجمع البیان ۸/ ۵۸۸

۲- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

هر روز می دیدم که آن بزرگوار در وقت صبح می آمد و دست مبارک را بر در سرای شاه اولیا و فاطمه ی زهرا علیهما السلام می گذاشت و می فرمود: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُه

و ایشان هم در جواب می گفتند: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُه.

چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جواب ایشان را می شنید، می فرمود:

«إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيرا»

و بعد از تلاوت این آیه ی شریفه باز می گشت و به مصلای خود می رفت و مشغول نماز می شد.

در مجمع البیان نیز از ابوسعید خدری، انس بن مالک، واثله ابن الاسقع، ام سلمه و عایشه روایت شده که آیه مختص است به رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

ابوحمزه ی ثمالی در تفسیر خود و ثعلبی که از بزرگان اهل سنت است نیز در تفسیر خود از ام سلمه این روایت را نقل کرده است.

ابو سعید خدری نیز از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این روایت را بیان کرده و گفته است که پیامبر فرموده است:

قَالَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي خَمْسَةٍ؛ فِي وَ عَلِي وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ وَ فَاطِمَه.

یعنی این آیه در حق من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد.

صاحب کشف الغمه آورده که:

فِي مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنُ حَنْبَلٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم فِي بَيْتِي يَوْماً إِذْ قَالَ الْخَادِمُ إِنَّ عَلِيّاً وَ فَاطِمَةُ فِي السُّدَّةِ قَالَتْ فَقَالَ لِي قُومِي فَتَنَحَّيْ لِي عَنْ أَهْلِ بَيْتِي قَالَتْ فَقُمْتُ فَتَنَحَّيْتُ فِي الْبَيْتِ قَرِيباً فَدَخَلَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ هُمَا صَبِيَّانِ صَغِيرَانِ قَالَتْ فَأَخَذَ الصَّبِيَّيْنِ فَوَضَعَهُمَا

فِي حَجْرِهِ وَ قَبَّلَهُمَا وَ اعْتَنَقَ عَلِيّاً بِإِحدى يَدَيْهِ وَ فَاطِمَهَ بِالْيَدِ الأخرى وَ قَبَّلَ فَاطِمَهَ وَ أَغْدَفَ عَلَيْهِمْ خَمِيصَهً سَوْدَاءَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إليك لاَ إِلَيَّ النَّارِ أَنَا وَ أَهْلَ بَيْتِي قَالَتْ فَقُلْتُ فَإِنَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ أَنْتَ عَلِيٌّ خَيْرُ.(۱)

در مسند احمد حنبل از ام سلمه نقل کرده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ی من بود، که خادم گفت علی و فاطمه علیهما السلام بر در خانه اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای ام سلمه! دور شو و اهل بیت مرا با من تنها بگذار. ام سلمه گفت: من برخاستم و از آن خانه اندکی دور شدم. پس علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام وارد شدند.

حسن و حسین در آن زمان طفل بودند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر دو را در دامن خود نشاند و پیوسته علی علیه السلام را با یک دست در بر خود می گرفت و با دست دیگر فاطمه علیها السلام را. پس هر یک از ایشان را می بوسید و گلیم سیاه علمدار را به ایشان پوشانید و فرمود: بار خدایا مرا و اهل بیت مرا به رحمت خود رسان که آن بهشت است و از آتش دوزخ دور کن. من گفتم: یا رسول الله! مرا نیز داخل ساز. فرمود: تو از اهل بیت من نیستی، اما بر راه خیری.

در شأن نزول این حدیث أم سلمه این چنین آورده که: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ی من بر گلیمی که برای فرش انداخته بودم نشسته بود و فاطمه وارد شد و برای پدر سبوساب(۲) با گوشت پخته آورده بود. حضرت فرمود: ای فاطمه علی و هر دو فرزندت را بخوان تا همگی بر سر این سفره بیایند. هنگامی که غذا خوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پارچه ای را روی ایشان انداخت و فرمود: خدایا اینها اهل بیت من هستند، رجس را از ایشان ببر و ایشان را پاکیزه گردان و این آیه نازل شد.

من نیز سر خود را در زیر پارچه کردم و گفتم: یا رسول الله من از اهل بیت توام؟ پیامبر فرمود: اِنک علی خیر.

ص:۴۵

۱- کشف الغمه ۱/۴۶

۲- سبوسه ی آرد است و سبوساب نوعی از حریره است که با آرد می زنند و به زبان معمولی کاچی گویند.

اهل بیت چه کسانی هستند

همـان طوری که اشـاره شـد مراد از اهـل بیت، اهل بیت پیغمبرنـد، یعنی فقط کسانی که مقام عصـمت دارنـد. به اتفاق همه ی علمای اسلام و مفسران، اهل بیت در این آیه ظاهر آیه اشاره دارد به اهل بیت پیغمبر. و این چیزی است که از ظاهر این آیه نیز فهمیـده می شود. چرا که (بیت) گر چه به صورت مطلق در اینجا ذکر شـده، اما به قرینه ی آیات قبل و بعـد منظور از آن بیت، خانه ی پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم است. علاوه بر اینکه ام سلمه (رضی) هنگامی که از رسول خدا سؤال می کند که یا رسـول الله آیـا من هم داخـل در اصـحاب کسـا بشـوم؟ حضـرت می فرمایـد: نه! تـو از اهـل بیت (معصـوم) من نیسـتی، امـا زن نیکوکاری هستی.

اصولاً در عرب افراد نزدیک، مسـئول خانه هسـتند، مانند فرزندان مرد. و زنان گرچه در خانه هسـتند ولی از اقربای مرد نیستند. پس زنـان پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم از اهـل بیت حساب نمی شونـد ولو بسـیار هم نیک باشـند مثل ام سـلمه. اما حضـرت زهرا علیها السـلام که فرزند پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم است و دامادش که از ابتدا اعلام برادری ایشان را برای مردم کرده بودند و نوه های ایشان جزو اهل بیت ایشان بودند.

علاوه بر این ضـمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت (جمع مؤنث) است. در حالی که ضـمائر این قسمت از آیه:

«إِنَّما یُرِیـدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرا» همه به صورت (جمع مذکر) است و این خود نشان می دهد که معنای دیگری در نظر بوده است و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در بر نمی گیرد. هم چنین روایات بسیاری است که شـمول همه ی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نفی می کند و می گوید: مخاطب در آیه ی مبارکه منحصراً پنج نفرند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

یعنی اختصاص به خمسه ی طیبه دارد و البته سایر ائمه ی هدی علیهم السلام مسلماً داخل در اهل بیتند و تنها سؤالی که در این جـا آمـده است اینکه: چگونه در لابلای بحث از وظـایف زنـان پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم مطالبی گفته شـده است که شامل زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی شود؟

ص:۴۶

پاسخ این سؤال را مفسـران شـیعه من جمله مرحوم طبرسـی در مجمع البیان داده است و آن اینکه: فقط در این جا نیست که در آیات قرآن، به آیاتی برخورد می کنیم که در کنار هم قرار دارند، اما از موضوعات مختلفی سـخن می گویند و قرآن پر اسـت از این گونه بحث ها. همچنین در کلام فصـحای عرب و اشـعار آنان نیز نمونه های فراوانی به این شـکل موجود است و بعضی دیگر از مفسـرین شـیعه گفته اند، ما هیچ دلیلی در دست نداریم که جمله ی (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس ...) همراه این آیـات نـازل شـده است. بلکه از روایـات به خوبی اسـتفاده می شود که این قسـمت جـداگانه نازل گردیـده، اما به هنگام جمع آوری آیات قرآن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا بعد از آن در کنار این آیات قرار داده شده است.

و پاسـخ دیگر اینکه قرآن می خواهد به همسـران پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم بفرماید: شـما در میان خانواده ای قرار دارید که گروهی از آنان معصومند. کسـی که در زیر سایه ی درخت عصـمت و در کانون معصومان قرار گرفته سـزاوار است که بیش از دیگران مراقب رفتـار خود باشـد و فراموش نکنـد که انتسـاب او به خـانواده ای که پنـج معصوم پـاک در آن اسـت مسئولیت های سنگین برای او ایجاد می کند.

و هـدف از جمع کردن آنها در زیر کسا گویا این بوده که رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم می خواسـته کاملاً آن ها را مشـخص کنـد و بگوید آیه ی مذکور تنها درباره ی این گروه پنج نفره است. مبادا کسـی مخاطب را در این آیه، تمام بیوتات پیامبر و همه ی کسانی که جزء خاندان او هسـتند بداند. حتی در بعضـی از روایات آمده است که رسول خدا سه بار این جمله را تکرار فرمودند: (خداوندا اهل بیت من این ها هستند. پلیدی را از آنها دور کن)

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرا(۱)

ص:۴۷

۱- مجمع البیان ۸/۱۵۶ -۱۵۸

دفع سه اشکال دیگر

اشکال اول: گفته شده این آیه راجع به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

جواب: ترتیب نزول قرآن از سوره ها و آیات مسلماً به ترتیب نزول نیست، چنانچه بسیاری از سوره ها مدنی و بسیاری مکّی است. حتی بعضی سوره ها قسمتی از آن مکی است و قسمتی از آن مدنی است. به علاوه در این نوع از آیات تعهد بوده، مثل آیه ی (الیوم اکملت لکم دینکم) و آیه ی (یا ایها الرسول بَلِغْ ما انزل الیک) که در محل خود بیان شده است.

اشکال دوم: اینکه می گویند شما معتقدید که سایر ائمه ی هدی علیهم السلام از امام سجاد علیه السلام تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه معصوم هستند و هم چنین انبیای سلف و اوصیای آن ها نیز مشمول این آیه می شوند در حالی که این آیه منحصر به خمسه ی طیبه می شود.

جواب: در زمان نزول این آیه و خطاب کُمْ منحصراً همین پنج نفر بودند و ششمی نداشتند (به حسب ظاهر) نه انبیای سلف و نه اوصیای آن ها و نه سایر ائمه ی هدی علیهم السلام بودند [یعنی به حسب ظاهر در خطاب کردن حضور نداشتند] و دلیل عصمت آن ها ادلّه ی نقلیه و عقلیه ی دیگر است که در باب شرائط نبوّت و امامت موجود و مذکور است و حتی تک تک آن ها به اسم و اسم پدر و تمام مشخصات آنها در روایات فراوان از طریقین (شیعه و سنّی) آمده است که فعلاً بحث ما نیست.

اشکال سوم: شما شیعه معتقدید به اینکه این ها در تمام عمر از اول تا آخر معصوم بودند.

جواب: اولاً یکی از اسمای الهی طاهر است و ذهاب فرع ثبوت نیست. اگر سگی یا دشمنی نزدیک شما باشد و او را دفع کنید این به معنای ذهاب است. قوای نفسانیه مثل قوه ی شهویه و غضبیه و وهمیه اقتضایی دارند، لکن قوه ی ایمان و تقوی و اراده ی باری تعالی آن ها را دفع می کند پس این به اصطلاح دفع است، نه رفع و خداوند در همان عالم نورانی و عالم ذرّ، ارواح ایشان را پاک و پاکیزه خلق

فرمود. ایشان در همه ی ابعاد زندگی، قبل از آمدن در دنیا امتحان شده و پاک و مطهّر از همه ی آلودگی های ظاهری و باطنی و مادی و معنوی و منزّه از رجس و ناپاکی های اخلاقی و غیره و از پلیدی ها و از شرک و کفر و ضلالت و جهالت و تمام صفات خبیثه و اخلاق رذیله و ملکات قبیحه و تمام معاصی از کبائر و صغائر و مکرومات و منامیات مروت (حتی ترک اولی) از همه ی این ها مصون و محفوظ شده اند و معصوم و پاک بوده اند و از نظر نواقص خلقت مبرّا هستند.

عَصَمَکُمُ اللهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَکُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَکُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ اَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَکُمْ تَطْهِیرا.(۱)

خدا شما را از لغزش ها نگاه داشت و شما از آشوب ها ایمن داشت و شما را از چرکی گناه پاک داشت و از شما پلیدی را دور کرد و پاکیزه کرد شما را پاکیزه داشتنی.

السّلامُ عَلَیْکِ یا مُمْتَحَنَهُ اِمْتَحَنَکِ الَّذی خَلَقَکِ قبل اَنْ یَخْلُقَکِ وَ کُنْتِ لِما امْتَحَنَکِ بِه صابِرَهً وَ نَحْنُ لَکِ اَوْلِیاءُ...(۲)

درود بر تو ای آزموده شده در مودت، خدا آفریدت پیش از آنکه تو را بیافریند. آزمایش کرد تو را در آنچه امتحان کرد شکیبا یافت و ما دوستان شما هستیم...

اَشْهَدُ اَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الاصلاّبِ الشّامِخَه وَ الأَرْحامِ المُطَهَّرَهِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الجاهِلِیَّهُ بَأَنْجاسِها وَ لَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ مُدْلَهِمّاتِ ثیابِها.(۳)

گواهی می دهیم که شما در صلب های عالی و پاک پدران و ارحام مطهّر مادران؛ نور پاک الهی بودید و هرگز مقام توحید کامل شما آلوده به ناپاکی های جاهلیت نگردید و غباری از شرک های عصر شرک و جهالت بر دامان شما ننشست.

۱- زیارت جامعه ی کبیره

۲- زیارت حضرت زهرا علیها السلام

۳- زیارت وارث

سخنی فی ما بین سلطان الواعظین شیرازی و علمای سنی:

داعی (سلطان الواعظین): آیه ی تطیر صراحت دارد در عصمت و پاکی پنج نفر که مشمولین آیه ی تطهیر محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بودند به علاوه اکابر علمای خودتان تصدیق صداقت و راستگویی آن ها را نموده اند. راجع به مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام قبلاً عرض کردم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را صدّیق و راستگوی این امت معرفی فرموده و خداوند هم در قران مجید او را صادق خوانده و اما درباره ی حضرت صدیقه ی کبری فاطمه علیها السلام اخبار بسیار است از آن جمله حافظ ابونعیم اصفهانی در صفحه ی ۴۲ جلد دوم حلیه الاولیاء از عایشه روایت می کند که گفت:

مَا رَأَیْتُ أَحَداً قَطُّ أَصْدَقَ مِنْ فَاطِمَهَ غَیْرَ أَبِیهَا.

هرگز احدی را راستگوتر از فاطمه ندیدم غیر از پدر بزرگوارش.

حافظ(۱): این ادعای شما درباره ی نزول آیه ی تطهیر در شأن آن پنج بزرگوار نامشخص است، چون در این جلسات برای ما روشن شده که شما با کتاب های ما کاملاً مأنوس هستید. اعتراف کنید که راجع به این موضوع اشتباه کردید، چون عقیده ی مفسرین از قبیل قاضی بیضاوی و زمخشری این است که این آیه ی شریفه در شأن زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردیده و اگر قولی در مورد نزول آیه درباره ی آن پنج تن باشد قطعاً ضعیف است، برای آنکه خود آیه دلالت بر خلاف این معنی دارد. چرا که آیات قبلی و بعدی آیه ی تطهیر مربوط به همسران پیامبر است لذا نمی توان وسط آیه را به دیگران نسبت داد!!

داعی: این ادعای جناب عالی به جهاتی مردود است. اولاً اینکه فرمودید چون ابتدا و انتهای آیه مربوط به همسران پیامبر است پس علی و فاطمه علیهما السلام از شمول آیه ی شریفه خارجند؛ جوابش آن است که در عُرف عام بسیار اتفاق می افتد که در

۱- منظور از حافظ، حافظ محمد رشید از علمای اهل تسنن می باشد.

اثنای کلام روی سخن را به طرف دیگری نموده و خطاب به غیر می کند و بعد از آن به کلام اول بر می گردد، علاوه بر اینکه در اشعار فصحا و بلغا و ادبای عرب جاری است. حتی در خود قرآن کریم نظیر آن بسیار است، مخصوصاً در خود همین سوره ی احزاب دقت کنید که در حین خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خطاب به مؤمنان شده است و بعد روی خطاب به آن ها برگشته که وقت مجلس مقتضی نیست شواهد را مفصلاً در معرض فکر شما قرار دهیم.

ثانیاً اگر این آیه درباره ی همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود بایستی ضمیر تأنیث مربوط به آن ها آورده می شد یعنی باید می آمد:

لیذهب عنکنّ و یطهرکنّ

چون به صیغه ی تذکیر آمده معلوم می شود که منظور عترت و اهل بیت پیغمبر می باشند نه زوجات آن حضرت.

نواب (یکی دیگر از علمای عامه): مگر به گفته ی شما فاطمه رضی الله عنها داخل آن جمع نیست، پس چرا خداوند او را لحاظ نکرده و ضمیر تأنیث در آیه نیامده.

داعی: آقایان (اشاره به علمای عامه) می دانند که صیغه ی مذکر در این آیه ی شریفه با بودن فاطمه علیها السلام در جمعیت به اعتبار تغلیب است. چه آنکه تغلیب در جایی است که افراد جمع، بعضی مذکر و بعضی مؤنث باشند، آنگاه مذکر را بر مؤنث غالب گردانند. (اشاره به شأن نزول آیه ی تطهیر است) پس صیغه ی تذکیر در این آیه خود دلیل قاطعی است که این قول ضعیف نیست بلکه کاملاً قوی است و اگر آیه درباره ی زوجات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده بود، آوردن صیغه ی مذکر در جمع مؤنث به کلی غلط بود. علاوه بر این ها روایات صحیحه در کتب معتبره ی خودتان حکم می کند که این آیه می کند که این آیه در شأن عترت و اهل بیت آن حضرت است نه همسران ایشان.

چنانچه ابن حجر مکی با کمال تعصّبی که دارد در ذیل همین آیه در صواعق محرقه می گوید: عقیده ی اکثر مفسرین آن است که این آیه در شأن علی و فاطمه و

حسن و حسین علیهم السلام است. به اعتبار آنکه ضمیر عنکم و یطهرّکم ضمیر جمع مذکر است.

گذشته از این دلایل واضحه، همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داخل اهل بیت نیستند، چنانچه حصین بن سمره در صحیح مسلم و جامع الاصول از زید بن ارقم سؤال کرده است که آیا زنان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیتند؟ زید گفت: نه به خدا قسم. زیرا که زن مدتی با شوهر خود می باشد، چون طلاقش داد به خانه ی پدرش می رود و به قوم و طایفه ی پدری ملحق می شود و از شوهر به کلّی جدا می گردد. اهل بیت او خویشان او می باشند که صدقه بر ایشان حرام است و به هر خانه ای که بروند از اهل بیت او جدا نمی باشند.

ثالثاً گذشته از اجماع شیعه ی امامیه، نقلاً از عترت و اهل بیت طهارت، اخبار متکاثره از طرق خودتان بر خلاف این معنی حکم می کند.(۱)

حتی ابن حجر مکی با کمال تعصبی که دارد در صفحات ۸۵ و ۸۶ صواعق از هفت طریق با اعتراف به صحت این واقعه ی مهمّه آن را نقل کرده و گفته این آیه در شأن محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل گردیده و فقط این پنج تن مقدس بودند که مشمول طهارت در این آیه ی شریفه واقع گردیدند و سید ابی بکر

۱- چنانچه ثعلبی در تفسیر کشف البیان، فخر رازی در جلد ششم تفسیر کبیر ص ۷۸۳، جلال الدین سیوطی در جلد پنجم درّ المنثور ص ۱۹۹، خصائص کبری ۲۴۶ نیشابوری در جلد سوم تفسیر، عبدالرزاق الرسعنی در تفسیر رموز الکنوز، ابن حجر عسقلانی در جلد چهارم اصابه ص ۲۰۷، ابن عساکر در جلد چهارم تاریخش ص ۲۰۴ و ۲۰۶، احمد حنبل در جلد اول مسند ص ۳۳۱، محب الدین طبری در جلد دوم ریاض النضره ص ۱۸۸، مسلم بن حجّاج در جلد دوم ص ۳۳۱ در جلد هفتم صحیح ص ۱۳۰، بنهانی در ص ۱۰ شرف المؤبد (چاپ بیروت)، محمّد بن یوسف گنجی شافعی در باب ۱۰۰ کفایه الطالب با نقل شش خبر مسنداً و شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ۳۳ ینابیع الموده از صحیح مسلم و شواهد حاکم از عایشه و ده خبر از ترمذی و حاکم علاء الدوله سمنانی و بیهقی و طبرانی و محمد بن جریر و احمد بن حنبل و ابن ابی شیبه و ابن منذر و ابن سعد و حافظ زرندی و حافظ ابن مردویه از ام المؤمنین ام سلمه و عمر بن ابی سلمه (البیت النبی) و انس بن مالك و سعد بن ابی وقّاص و واثله بن اسقع و ابو سعید خدری نقل می نمایند که آیه ی تطهیر در شأن پنج تن آل عبا نازل گردیده.

بن شهاب الدین علوی در صفحات ۱۴-۱۹ کتاب رشـقه الصّادی من بحر فضائل بنی النبی الهادی (چاپ مطبعه اعلانیه ی مصر در سال ۱۳۰۳) ضـمن باب اول از ترمـذی و ابن جریر و ابن منـذر و حاکم و ابن مردویه و بیهقی و ابن حاتم و طبرانی و احمد بن حنبل و ابن کثیر و مسـلم بن حجّاج و ابن ابی شـیبه و سـمهودی با تحقیقات فراوان از اکابر علمای خودتان روایت کرده که این آیه ی شریفه در شأن پنج تن مقدس آل عبا نازل گردیده.

به علاوه استدلالاً ثابت می کند که تمام ذراری و اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صدقه بر آن ها حرام است و تا قیام قیامت مشـمول این آیه ی شـریفه می باشـند. و در جمع بین الصـحاح السـتّه عن موطأ مالك بن انس الاصبحی و صحاح بخاری و مسـلم و سـنن ابی داود و سجسـتانی و ترمذی و جامع الاصول بالاخره عموم علما و محدثین و مورخین فقها شما اقرار دارند که این آیه ی شریفه در شأن این پنج تن آل عبا نازل گردیده و در نزد شما قریب به تواتر آمده، اگر چند نفری هم عناد ورزیده و حق کشـی کرده و خبر را ضـعیف دانسـته اند، لطمه به این همه اخبار متکاثر معتبره ی مندرجه در کتب اکابر علمای خودتان نمی زند.

نیست خُفاشک عدوی آفتاب*** او عدوی خویش آمد در حجاب

منتهی بعضـی مبسوطاً با نقل حریره نوشـته اند و بعضـی به اختصار نقل نموده اند. از جمله ثعلبی در تفسیر و احمد بن حنبل در مسـند و ابن اثیر در جامع الاصول از صـحیح ترمذی و مسـلم با مختصـر اختلافی در الفاظ از ام المؤمنین ام سـلمه همسر پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم نقل کرده که گفت: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم در منزل من بود که فاطمه علیها السـلام ظرف حریره ای برای آن حضـرت آورد در حالی که حضـرت در صُفّه که خوابگاه آن حضرت بود نشسته بود. در زیر پـای مبـارکش عبـای خیبری گسترده بود و من در حجره نماز می خوانـدم. پیغمبر به فاطمه علیها السـلام فرمودنـد: برو شوهر و پسرهایت را با خود بیاور، طولی نکشید علی و حسنین علیهم السلام آمدند و مشغول خوردن حریره شدند. در آن حال جبرئیل نازل و این آیه ی شریفه را بر آن حضرت قرائت نمود:

«إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكَمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيرا» اراده ی پروردگار است که هر آلایش را از شما خانواده ی نبوّت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

ام سلمه گوید: من سرم را داخل عبا کرده و گفتم:

أَنَا مَعَكُمْ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ إِنَّكِ عَلَى خَيْرٍ.

من هم با شمایم؟ حضرت فرمودند: تو زن نیکویی هستی و بر خیر و خوبی هستی (به این معنی که رتبه ی اهل بیت من را نداری و در زمره ی آن ها نیستی ولی عاقبت بخیری). پس این آیه ی شریفه دلالت تام دارد بر این که این پنج تن بزرگوار، از کفر و شقاق و شرک و نفاق و تردید و کذب و ریا و هر گناه کبیره یا صغیره معصوم و پاکند.

چنانچه فخر رازی در تفسیر خود گوید: لیذهب عنکم الرُّجس یعنی جمیع گناهان را از شما زایل گردانید و یطهرکم تطهیرا یعنی خلعت های کرامت خود را به شما پوشانید.

واقعاً جای تعجب است از علمای بی انصاف که در کتب معتبر خود نقل می نمایند که علی و فاطمه علیهم السلام مشمول آیه ی تطهیر بودند و مُعّری و مُبّری از هر رجس بودند که مهم تر از همه پلیدی دروغ می باشد، مع ذلک دعوی امامت آن حضرت را تکذیب می نمایند و شهادت آن بزرگوار را درباره ی فاطمه ی زهرا علیها السلام تکذیب نمودند. ادعای بی بی دو عالم حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام را در باب فدک تکذیب نمودند؟ نمی دانیم مردان با انصاف در این جا چگونه قضاوت می نمایند. حال برگردیم سر مقصود خود. منصفانه قضاوت نمایید آیا سزاوار بود، ادّعای علی علیه السلام و فاطمه ای را که خداوند درباره ی آن ها می فرماید که از پلیدی های ظاهری و باطنی پاک و منزّه هستند، یعنی معصوم از کبائر و صغائر می باشند رد نمایند، ولی ادعای جابر را که یک فرد مسلمان مؤمن عادی است قبول نمایند و حتی ثابت آن خاندان جلیل را از میان ببرند!!

ص:۵۴

حافظ: هرگز نمی توان باور کرد که خلیفه ی پیغمبر و فرد مؤمن صحابی با کمال قربی که به رسول خدا داشته عمداً غصب فدک برآید! قطعاً انسان هر عملی که انجام می دهد برای مقصودی می باشد! خلیفه ای که تمام بیت المال مسلمین تحت تصرف او بوده است، چه احتیاجی به باغ و قریه ی فدک داشته که آن را غصب نماید.

داعی: بدیهی است که موضوع احتیاج نبوده، بلکه مستأصل نمودن خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و عترت طاهره ی آن حضرت در نظر سیاسیون وقت بوده که چون خاندان پیغمبر اولویت مقام خلافت را داشتند، باید به طریقی به خود مشغول و با فقر و تهی دستی گرفتار باشند که خیال خلافت به فکرشان نزند. چه آن که مردمان دنیا طلب، به جایی می روند که دنیای آن ها اداره شود. خیال می کردند اگر آن خاندان جلیل علم و فضل و ادب و تقوی که جامعیت کامل داشتند، دستشان از مال دنیا پر باشد، قطعاً مردم رو به آن ها می روند. فلذا نه تنها فدک را سیاستاً غصب نمودند بلکه تمام طرقی که منتهی به جلب اموال دنیوی می شد بر آن ها مسدود نمودند.(۱)

بنابراین حضرت صدّیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام یکی از مصادیق کامل آیه ی تطهیر است که عصمت ایشان را خداوند متعال ثابت و ظاهر کرده و هر چه در حق آن چهار بزرگوار است در حق آن حضرت وجود دارد و خدای تبارک و تعالی همه ی عوالم و آسمان ها و زمین ملائکه و ... را به خاطر آل عبا پدید آورد و لذا معصومین علیهم السلام علّت غایی و نهایی اند.

فقالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: یا مَلائِکَتی وَ یا سُکانَ سَمواتی اِنّی ما خَلَقْتُ سَمآءً مَبْنِّةً وَ لا اَرْضاً مَدْحِیَّةً وَ لا قَمَراً مُنیراً وَ لا شَمْساً مُضیئةً وَ لا فَلَکاً یَدوُرُ وَ لا بَحْراً یَجْری وَ لا فُلْکاً یَسْری اِلّا فی مَحَبَّةِ هؤلاءِ الخَمْسَةِ الَّذیْنَ هم تَحْتَ الکِسآءِ فقالَ الأَمینُ جَبْرائیلُ: یا رَبِّ وَ مَنْ تَحْتَ الکِسآءِ فقالَ عَزَّوَجَلَّ:

ص:۵۵

۱- شب های پیشاور/ ۶۸۷-۶۹۳

هُمْ اَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ هُمْ فَاطِمَهَ وَ أَبُوهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنَوْهَا فَقَالَ جَبْرَائِيلُ: يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِی أَنْ اهْبِطْ إِلَیَّ الْأَرْضِ لأكون مَعَهُمْ سَادِسًا فَقَالَ اللَّهِ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لک فَهَبَطَ الدَّمَيْنِ جَبْرَائِيلُ وَ قَالَ: السَّلَامُ علیک يَا رَسُولَ اللَّهِ الْعَلِيُّ الأعلى يقرئک السَّلَامُ وَ يخصک بِالتَّحِيَّهِ وَ الاکرام وَ يَقُولُ لک: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنِّی مَا خَلَقْتُ سمآء مَبْنِيَّهٌ وَ لَا أَرْضاً مَدْحِيَّهً وَ لَا قَمَراً مُنِيراً وَ لَا شَمْساً مُضِيئَهٌ وَ لَا فلکا يَدُورُ وَ لَا بَحراً يَجْرِی وَ فلکا يَسْرِی إِلَّا لاجلکم وَ محبتکم وَ قَدْ أَذِنَ لِی أَنْ أُدْخِلَ معکم فَهَلْ تَأْذَنُ لِی يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَ عليک السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحْيِ اللَّهِ أَنَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لک فَدَخَلَ جبرآئيل مَعَنَا تَحْتَ الکسآء فَقَالَ لِأَبِی: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أُوحِيَ اليکم يَقُولُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عنکم الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يطهرکم تَطْهِيراً.(۱)

خداوند عزيز و عظيم الشّأن فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان های من! من نيافريدم آسمان بنا شده و نه زمين کشيده و نه ماه روشنی دهنده و نه خورشيد درخشنده و تابان و نه فلکی را که دور می زند و نه دريای جاری و نه کشتی که سير می کند را جز در دوستی اين پنج تن که آنان در زير کساء هستند. پس جبرئيل عرض کرد: ای پروردگار من! در زير کساء چه کسانی هستند؟ پس خداوند عزيز و بزرگ فرمود:

آن ها اهل بيت پيغمبر و معدن رسالت ايشانند فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و فرزندان فاطمه، جبرائيل عرض کرد: ای پروردگار من! آيا اجازه می دهی که به سوی زمين بروم تا ششمين آن ها باشم. خداوند فرمود: بلی به تحقيق به تو اجازه دادم. پس جبرئيل امين فرود آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! خداوند والای برتر به تو سلام می رساند و تو را با تحيت و اکرام مخصوص می گرداند و می فرمايد: قسم به عزت و جلالم که من خلق نکردم آسمان بنا شده و زمين کشيده شده و نه

۱- بحث حديث شريف کسا را مستقلاً در کتابی ديگر آورده ايم علاقمندان به آن جا رجوع کنند.

ماه روشنی دهنده و نه خورشید تابنده و نه فلک دور زننده و نه دریای روان و نه کشتی که سیر کند جز برای شما و دوستی شما و همانا به من اجازه داده که با شما زیر کساء باشم.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بر تو سلام باد ای امین وحی خدا! به درستی که به تو اجازه دادم. پس جبرائیل با ما در زیر کساء داخل شد و به پدر بزرگوارم عرض کرد: به درستی که خدا به شما وحی کرده و فرمود: خدا اراده فرمود که از شما خانواده ی (نبوت) پلیدی را بر طرف نماید و شما را پاک گرداند پاک کردنی.(۱)

روایات در ذیل آیه ی تطهیر

۱- و فی روایه أبی الجارود عن أبی جعفر علیه السلام فی قوله: «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا» قال: نزلت هذه الآیه فی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن أبی طالب و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام و ذلک فی بیت أم سلمه زوجه النبی صلی الله علیه و آله و سلم فدعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: علیا و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام ثم ألبسهم کساء خیبریا و دخل معهم فیه ثم قال: «اللهم هؤلاء أهل بیتی الذین وعدتنی فیهم ما وعدتنی اللهم أذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» نزلت هذه الآیه فقالت أم سلمه و أنا معهم یا رسول الله، قال أبشری یا أم سلمه إنک إلی خیر.

و قال أبو الجارود: قال زید بن علی بن الحسین علیهما السلام إن جهالا من الناس یزعمون أنما أراد بهذه الآیه أزواج النبی و قد کذبوا و أثموا لو عنی بها أزواج النبی لقال: لیذهب عنکن الرجس و یطهرکن تطهیرا، و لکان الکلام مؤنثا کما قال و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن و لا تبرجن و لستن کأحد من النساء.(۲)

۱- حدیث شریف کساء

۲- نور الثقلین ۴/۲۷۰ – تفسیر قمی ۲/۱۹۳

ابی جارود در ذیل آیه ی تطهیر از قول امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: این آیه در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده و آن ها در خانه ی ام سلمه همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را خواستند. سپس گلیم خیبری را بر آنان پوشاند و خودش هم در میان آن ها داخل شد. سپس گفتند: خداوندا! این افراد اهل بیت من هستند. آن کسانی که به من وعده دادی در حق آنان. خداوندا رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه قرار بده. این آیه نازل شد. ام سلمه گفت: یا رسول الله من هم با این اهل بیت هستم. فرمود: تو را به خیر بشارت می دهم، ولی با اهل بیت من نیستی.

ابی الجارود گوید: زید بن علی بن حسین علیه السلام گوید: نادانان خیال می کنند که مقصود از این آیه زنان پیغمبرند و حال آنکه دروغ می گویند. گناهکارند و به خدا قسم اگر مقصود زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، باید می گفت: لیذهب عنکن الرجس و یطهرکن تطهیرا و ضمیر مؤنث می آورد نه مذکر.

۲- عن سلیم بن قیس عن أمیر المؤمنین علیه السلام

انه قال فی اثناء کلام له فی جمع من المهاجرین و الانصار فی المسجد ایام خلافه عثمان. ایها النَّاسُ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَ فِی کِتَابِهَ إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً فَجَمَعَنِی وَ فَاطِمَهَ وَ ابْنَ حَسَناً وَ حُسَیْناً ثُمَّ أُلْقِیَ عَلَیْنَا کساء وَ قَالَ الْهَمُّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی وَ لحمتی یُؤْلِمُنِی مَا یُؤْلِمُهُمْ وَ بجرحنی مَا یَجْرَحُهُمْ فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِیراً فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَهَ وَ أَنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَنْتِ عَلَیَّ خَیْرُ إِنَّمَا أُنْزِلَتْ فِی وَ فِی أَخِی وَ ابْنِی وَ فِی تِسْعَهٍ مِنْ وُلْدِ ابْنِیَ الْحُسَیْنِ خَاصَّهً لَیْسَ

ص:۵۸

مَعَنَا فِيهَا أَحَدٌ غَيْرُنَا فَقَالُوا كلهم نَشْهَدُ أَنَّ أَمَّ سَلَمَهَ حَدَّثَتْنَا بذلك فَسَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم فَحَدَّثَنَا كما حَدَّثَتْنَا أُمُّ سَلَمَهَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا.(۱)

سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین روایت می کند که حضرت در میان جمعی از مهاجر و انصار در زمان خلافت عثمان فرمودند: ای مردم می دانید که خداوند در کتابش می فرماید: همانا خداوند اراده فرموده که از شما اهل بیت رجس و پلیدی را دور کند و شما را پاک و پاکیزه گرداند یک نوع پاکیزگی. پس فاطمه و دو فرزند خود حسن و حسین علیهم السلام را در زیر کساء جمع کرد و گفت: خداوندا این افراد اهل بیت من هستند و گوشت آنان گوشت من است. خشنود می کند مرا هر که آنان را خشنود کنند و ناراحت می کند مرا کسی که آنان را ناراحت کند. پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه گردان یک نوع پاکیزگی. پس ام سلمه گفت: یا رسول الله! من هم با آنان هستم؟ فرمودند: تو زن نیکویی هستی اما با اهل بیت من نیستی و همانا این آیه در حق من و برادرم علی و دو فرزندم حسن و حسین و ۹ فرزند از فرزندان حسین می باشد. و غیر از ما اهل بیت (۱۴ معصوم) کس دیگری را شامل نمی شود. همه ی آنان گویند ما شهادت می دهیم که ام سلمه برای ما روایت کرد و ما از رسول خدا سؤال کردیم حضرت همچنان که ام سلمه خبر داد ما را به آن آگاهی داد.

۳- عَنْ أَبِی عَبْدِاللهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّما يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهيراً»

قَالَ: الرِّجْسُ هُوَ الشَّک.(۲)

از امام صادق علیه السلام در مورد قول خداوند که می فرماید: خداوند اراده کرده که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را پاک و پاکیزه کند سؤال شد، فرمود: رجس به معنی شک است یعنی در هیچ چیزی شک ندارد چون خود شک رجس و پلیدی است.

۱- نور الثقلین ۴/۲۷۲

۲- معانی الاخبار/ ۱۳۸

۴- عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ قَالَ لَیْسَ شَیْ ءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِیرِ الْقُرْآنِ إِنَّ الْآیَهَ أَوَّلُهَا فِی شَیْ ءٍ وَ أَوْسَطُهَا فِی شَیْ ءٍ وَ آخِرُهَا فِی شَیْ ءٍ ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عنکم الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یطهرکم تَطْهِیراً مِنْ مِیلَادِ الْجَاهِلِیَّهِ.(۱)

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که هیچ چیزی دورتر از عقل های مردم از تفسیر قرآن نیست. همانا این آیه اولش درباره ی یک چیزی، وسط آن درباره ی چیز دیگری و آخر آن هم درباره ی چیز دیگری نازل شد. پس از آن خدا فرمود: همانا خداوند رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاک و پاکیزه قرار داده. که منظور ائمه ی هدی علیهم السلام و ولایت آنان است و کسی که در ولایت آنان وارد شد در خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد.

۵- عن ابی عبدالله علیه السلام و قوله: «إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» یعنی الائمّه علیهم السلام و ولایتهم من دَخَلَ فیها دخل فی بیت النبی صلی الله علیه و آله و سلم.(۲)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که: همانا خداوند رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاک و پاکیزه قرار داده که منظور ائمه ی هدی علیهم السلام و ولایت آنان است. کسی که در ولایت آنان وارد شد در خانه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده.

۶- عَنْ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَیَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم فِی بَیْتِ أُمِّ سَلَمَهَ وَ قَدْ نَزَلَتْ عَلَیْهِ هَذِهِ الْآیَهُ «إِنَّمَا یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عنکم الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یطهرکم تَطْهِیراً» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم: یَا عَلِیُّ هَذِهِ الْآیَهَ نَزَلَتْ فیک وَ فِی سِبْطَیَّ وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ ولدک قُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ کم الْأَئِمَّهِ بعدک قَالَ أَنْتَ یَا عَلِیُّ ثُمَّ ابناک الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنُ وَ بَعْدَ الْحُسَیْنِ عَلِیٌّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِیٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ جَعْفَرٍ موسی ابْنِهِ وَ

۱- تفسیر صافی ۲/۳۵۲

۲- تفسیر برهان ۷/۲۵۲

بَعْدَ مُوسَی عَلِی ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِی مُحَمَّدٌ ابْنُهُ وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِی ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِی الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ هَکَذَا وَجَدْتُ أَسَامِیَهُمْ مَکْتُوبَهً عَلَی سَاقِ الْعَرْشِ فَسَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَنْ ذَلِکَ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ هُمُ الْأَئِمَّهُ بَعْدَکَ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَ أَعْدَاؤُهُمْ مَلْعُونُونَ.(۱)

امام حسین علیه السلام می فرماید: من در خانه ی ام سلمه رضی الله عنها بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم و آیه ی تطهیر نازل شد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای علی! این آیه در حق تو و دو فرزندت حسن و حسین و در حق ائمه ی دیگر از نسل فرزندت حسین نازل شده. عرض کردم: یا رسول الله! ائمه بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: تو یا علی، سپس فرزندت حسن، پس فرزند حسین و بعد از او علی بن حسین و بعد از او محمد بن علی یعنی امام باقر و بعد از او امام صادق و بعد از او موسی کاظم و بعد از او فرزندش امام رضا و بعد از فرزندش امام جواد و بعد از او فرزندش امام هادی و بعد از او فرزندش امام حسن عسکری و بعد از او حضرت حجت از فرزندان حسین می باشد.

من اسامی آنان را بر ساق عرش دیدم. به همین صورت نوشته شده بود. پس من اسامی آنان را از خداوند پرسیدم، جواب آمد که ای محمد آنان ائمه ی هدی علیهم السلام بعد از تو هستند که پاک و معصومند و دشمنانشان ملعونند.

۷- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَهَ سِتَّهَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَيَّ صَلَاهِ الْفَجْرِ يَقُولُ: الصَّلَاهَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ «إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»(۲)

انس بن مالک روایت می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تا ۶ ماه به در خانه ی فاطمه علیها السلام می آمد و وقت نماز صبح می گفت: الصلاه ای اهل بیت. همانا خداوند اراده فرموده که رجس را از شما دور کند و شما را پاک و پاکیزه قرار دهد.

۱- تفسیر برهان ۷/۲۵۲

۲- شواهد التنزیل ۲/۱۸

٨- عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ زَيْدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ جَاءَ عَلِيُّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ إِلَیَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ عِرْقٌ فَقَالَ يردائه وَ طَرَحَهُ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ عِتْرَتِی.(١)

اسحاق بن زید انصاری از براء بن عازب روایت کند که گوید: علی بن ابی طالب علیه السلام به همراه فاطمه و حسن و حسین بر در خانه ی پیامبر خدا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمد در حالی که عرق کرده بود. کساء و گلیم را بر سرشان انداخت و فرمود: خداوندا این ها عترت من هستند.

٩- عَنْ جَابِرِ بْنِ عبدالله أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم دَعَا عَلِيّاً وَ ابْنَيْهِ وَ فَاطِمَهَ فَأَلْبَسَهُمْ مِنْ ثَوْبِهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِی هَؤُلَاءِ أَهْلِی [كَذَا].(٢)

جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی و دو فرزندش و فاطمه علیها السلام را دعوت کرد و از لباس خود بر آنان پوشاند. سپس فرمود: خداوندا این افراد اهل بیت من هستند. این ها اهل بیت من هستند.

١٠- عَنْ عَطِيَّهَ عَنْ أَبِی سَعِيدٍ فِی هَذِهِ الْآيَهِ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ الْآيَهَ قَالَ نَزَلَتْ فِی خَمْسَهٍ فِی رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.(٣)

عطیه از ابی سعید راجع به این آیه روایت می کند: این آیه در مورد پنج نفر نازل شده است. راجع به رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

١١- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَمَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ فِی بَيْتِ أُمِّ سَلَمَهَ أَنَا وَ فَاطِمَهَ وَ حَسَناً وَ حُسَيْناً ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلّم فِی كساء لَهُ، وَ أَدْخِلْنَا مَعَهُ ثُمَّ ضَمَّنَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِی فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.

١- همان ٢/٢٧

٢- همان ٢/٢٨

٣- همان ٢/٤١

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَهَ: یَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّا وَ دَنَتْ مِنْهُ فَقَالَ: أَنْتَ مِمَّنْ أَنْتَ مِنْهُ وَ أَنْتَ عَلِیٌّ خَیْرُ، أَعَادَهَا رَسُولُ اللَّهِ ثَلَاثاً یَصْنَعُ ذلک.(۱)

علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم من و فاطمه حسن و حسین را در خانه ی ام سلمه جمع کرد. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ما را با کساء و گلیم پوشاند. پس از آن فرمودند: خداوندا این ها اهل بیت من هستند. پس رجس و پلیدی را از آنان دور کن و آنان را از هر آلودگی پاک و پاکیزه گردان، یک نوع پاکیزگی. ام سلمه گفت: ای رسول خدا! من هم با شما هستم و خود را نزدیک ما قرار داد. پس حضرت فرمود: تو زن نیکویی هستی و تا سه بار این جمله را تکرار کردند ولی از ما اهل بیت نیستی.

۱۲- عَنْ أَبِی سَعِیدٍ قَالَ قَالَتْ أُمُّ سَلَمَهَ إِنَّ هَذِهِ الْآیَهَ نَزَلَتْ فِی بَیْتِی:

«إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»

قَالَتْ: وَ فِی الْبَیْتِ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِی وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ فَاطِمَهُ وَ أَنَا جَالِسَهٌ عَلَی بَابَ الْبَیْتِ، قُلْتُ: یَا رَسُولَ اللهِ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَیْتِ قَالَ: أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله و سلم.(۲)

ابی سعید خدری گوید: ام سلمه گفت: این آیه در خانه ی من نازل شد. ام سلمه می گوید: در خانه ی من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بودند و من هم بر در خانه نشسته بودم و گفتم: یا رسول الله! آیا من هم از اهل بیت شما هستم. فرمود: تو از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستی، اما نه از اهل بیت.

در این مورد روایات فراوانی در حد تواتر وجود دارد که ذکر آن ها، ما را از موضوع بحث بیرون می برد و به همین اندازه در مورد آیه ی تطهیر سخن بس است. هدف ما از ذکر این آیه ی شریفه این بود که آیه ی تطهیر در مقام عصمت آل عبا یعنی پیغمبر مکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و خصوصاً حضرت

۱- همان ۲/۵۲

۲- همان ۲/۸۲

صدیقه ی طاهره علیها السلام و یازده فرزند معصومشان می باشد و از جمیع جهات از جمیع

و بازده فرزند معصومشان می باشد و از جمیع جهات آلودگی های ظاهری و باطنی و غیر ذلک پاک و مطهرند.(۱)

طهارت ظاهری و باطنی ائمه ی اطهار علیهم السلام

مرحوم سید بن طاووس: در زیارت جامعه ی ائمه ی مؤمنین فرموده است:

بِأنّ الله قدْ طهَّركُمْ مِن الْفواحِشِ ما ظهر مِنْها و ما بطن و مِنْ كُلِّ رِيبهٍ و نجاسهٍ و دنِيّهٍ و رجاسه.(۲)

و می دانم که خدا شما را از زشتی ها و پلیدی های آشکار و پنهان و از هر شک و شبهه و آلودگی و پستی و پلیدی و ناپسندی و ... پاک داشته.

این بیان سلب نجاست صوری و معنوی را از ائمه ی معصومین علیهم السلام ما کرده است و می توان گفت که جهت و اصل و منشأ نجاست، غالباً از جهت نفسانیت و تبعیت شهوات و مخالفت از اوامر و ارتکاب معاصی می باشد، در این انوار طیبه.

حتی یک بار ولو به اندازه ی مثقال ذره ای جهت نفسانیت و معصیت راه نداشت و ندارد به طور کلی طهارت بدن ائمه اطهار نسبت به اجزای ظاهری و باطنی آن ها محمول و مشکل است چرا که اگر مراد و منظور طهارت ظاهری اجساد آن ها باشد. پس هر مسلمانی نیز چنین طهارتی را دارا می باشد پس این را نمی توان بر ائمه ی اطهار فضیلتی به حساب آورد چرا که همه مسلمان ها نیز این گونه طهارت می کنند که اخبار و روایات زیادی در این باب وارد شده است. چنانچه در اخبار است که بول و مانند آن از ائمه بوی بد نداشت و معطر بود و زمین مأمور به بلع آن بود و این خود یکی از ویژگی های ائمه ی معصومین علیهم السلام بود.

۱- همان ۲/۸۲ – در کتاب شرح حدیث شریف کساء در مورد طهارت اهل بیت علیهم السلام بیشتر توضیح داده ایم. به علاقمندان توصیه می شود به آن کتاب شریف رجوع کنند.

۲- مفاتیح الجنان و زیارت جامعه ی ائمه المؤمنین

اگر چه ایشان غسل از ابوال خود می کردند و امر به شستن هم داشتند و این احکام بر ایشان واجب بود؛ اما انجام این احکام با طهارت ابوال و عدم نجاست معروفه که مستلزم خباثت است منافاتی ندارد.

اما نجاست به معنی وجوب غسل و نجاست شستن و لزوم احتراز به ملاحظه ی مصالح خارجیه است از نجاست و طهارت بالذات و در نهایت نظافت بودن. اگر چه اطلاق نجاست نیز در این صورت در انظار مستهجن است به جهت انصراف انظار از نجاست (من جهه الغلیه) به خباثت است لیک ایشان از نجاسات و کثافات و جمیع عیوب بدون شک پاک و منزه اند و تمام وجودشان نور محض است.

و بحر العلوم رحمه الله هم در منظومه ی خود دره النحفیه گفته است:

و السِّرُ فی فضْلِ صلوه المسْجد*** قبْرٌ لِمعْصُومٍ بِهِ مُستشْهِد

بقطْرهٍ مِنْ دمِهِ مُطهّره*** طهّرهُ اللهُ بِعبْدٍ ذکرهُ

و هِی بُیوُتٌ اذِن اللهُ بانْ*** ترْفع حتّی یُذْکر اسْمُهُ الحسن(۱)

و روایتی که مرحوم علامه مجلسی رحمه الله در بحار از راوندی در قصص الانبیا و حسن بن بسطام در طب الائمه از ابی طیبه ی حجام نقل می کند مؤید این بیان است. او روایت کرده است:

ابو طیبه گفته: من رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را حجامت کردم و یک اشرفی به من داد و خون او را نوشیدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن را نوشیدی؟ گفتم: آری، فرمود: چه چیز تو را بر آن داشت که آن را بخوری؟ گفتم بدان تبرک جستم. فرمود: از همه دردها و بیماری ها و فقر و فاقه در امان شدی، به خدا قسم هرگز آتش به تو نرسد.(۲)

غرض از این بیانات آن است که امور ائمه ی طاهرین را نباید قیاس با سایرین کرد. و حضرت زهرا علیها السلام نیز از رجیس پلیدی ها طاهره و مطهره است و نباید ایشان را

۱- الدره النجفیه/ ۹۱

۲- بحارالانوار ۱۷/۳۳

جدا از دیگر ائمه دانست. زیرا شخصیتی که امام پرور است هیچ گاه آلوده به گناه و کثافات نمی شود.

کار پاکان را قیاس از خود مگیر*** گر چه باشد در نوشتن شیر، شیر

آن یکی شیر است کآدم می خورد*** و آن یکی شیر است کآدم می درد

چنانچه آن مخدره، مطهره است، فرزند او هم طاهر و مطمر است و گوشت او از گوشت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و پوست او از پوست پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است و طهارت ظاهری و معنوی گوشت و پوست و خون پیغمبر واضح است و منافاتی با وجوب تطهیر آن بزرگوار از خون خود ندارد.

و صدوق در اعتقادات خود فرمود: علت این که امام علیه السلام سایه ندارد این است که هیکل مبارکش از عالم نور است لهذا سایه ندارد.

از حضرت ثامن الائمه علائم معینه ای برای امام نقل شده، که یکی از آن ها این است:

لا یکُونُ لهُ ظِل و فی خبر آخر لا یری له ظل.(۱)

یعنی سایه ندارد و در خبر دیگر است که سایه ای برای او دیده نمی شود چون در این عالم مقام نورانی ائمه علیهم السلام محرز گردید و اشرفیت آن ها از ملک تعقل گردید تصور این که چگونه خون و ما یخرج منهم طاهر است و سهل و آسان خواهد گردید.

و در زیارت جامعه ی کبیره چنین آمده است:

عصمکُمُ اللهُ مِن الزّللِ و آمنکُمْ مِن الْفِتنِ و طهّرکُمْ مِن الدّنسِ و أذْهب عنْکُمُ الرِّجْس و طهِّرکُمْ تطْهِیراً.

خدا شما را از لغزش نگاه داشت و از آشوب ایمن داشت و از چرک گناه پاک داشت و از شما پلیدی را برد و شما را پاکیزه کرد پاکیزه کردنی.

ص:۶۶

۱- کشف الغمه ۲/۲۹۰

نزد بعضی، نجاسات بر چهار قسم است

اول – نجاسات حدث و خبث

دوم – نجاست معصیت

سوم – نجاست صفات رذیله

چهارم – اسباب انصراف از اوست. یعنی نجاست و پلیدی از او ازّول هم از او منصرف بود. یعنی: به وسیله آیه ی تطهیر که در مورد عصمت آن بزرگوار و سایر معصومین علیهم السلام می باشد. تمام نجاسات چه اخلاقی چه غیر اخلاقی، چه ظاهری، چه باطنی، چه معنوی، چه غیر معنوی، همه از آن حضرت بدورند. گناهان یعنی خلاصه از تمام نجاسات و آلودگی های ظاهری و باطنی. پاک و منزه است و از او انصراف از اوّل امر داشته اند.

موانع چون در این عالم چهار است*** طهارت کردن از وی هم چهار است

نخستین پاکی از احداث و انجاس*** دوم از معصیت و از شر وسواس

سومی پاکی از اخلاق ذمیمه است*** که با وی آدمی همچون بهیمهاست

چهارم پاکی سرّ است از غیر*** که آن جا منتهی می گرددش سیر

هر آن کس کرد حاصل این طهارت*** بود بی شک سزاوار مناجات(۱)

در واقع پلیدی ها از نفس اماره و لوامه نشأت می گیرد. بعد از آن که پلیدی های نفس در وجود آدمی از بین برود، بر شئونات عقل و آثار نفس غلبه می کند و مانند ملائکه صاحب نفس قدسیه خواهد گردید و طاهر و مطهر خواهد بود.

اگر چه به حسب ظاهر خون بدن و آنچه از بدن خارج می شود را بشویند یا آنکه امر به تطهیر آن نمایند. از این جهت است که در باب غسل روایتی نقل شده که راوی از معصوم علیه السلام سؤال کرد، زمانی که امام علیه السلام از دار دنیا رفت و هنوز بدن مبارکش را غسل نداده اند، اگر شخصی آن بدن شریف را لمس کند غسل دارد یا نه؟ امام فرمود: هر وقت بدن و تن امام شهید را مسّ کند غسل ندارد.

در جلد دهم بحار عمار از ابن عباس روایت کرده که: در ظهر روز عاشورا حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب غبار آلود دیدم.

فِی یدِهِ قارُورهٌ فِیها دمٌ فقال یا رسُول اللهِ ما هذا الدّمُ؟ قال صلی الله علیه و آله و سلم: دمُ الْحُسیْنِ علیه السلام.(۲)

۱- گلشن راز شبستری ابیات ۴۰۴-۴۰۸

۲- بحارالانوار ۴۵/۲۳۱

و در جای دیگر ام سلمه روایت کرد: از زمانی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از دار دنیا رفته بود او را در خواب زیارت نکرده بودم، تا ظهر عاشورا در خواب دیدم ژولیده مو و گردآلود و به دو دست مبارکش شیشه ای بود که در آن ها چیز سرخی جلوه می نمود. عرض کردم: در این شیشه چیست؟ فرمود: در شیشه ای که در دست راست من است خون گلوی حسین علیه السلام است و در شیشه ای که در دست چپ من است خون گلوی شهدا است و در ذیل خبر جمال است که حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام عرض کرد:

یا رسُول اللهِ أما تری ما فعلتْ أُمّتُک بِولدِی؟ أتأْذنُ لِی أنْ آخُذ مِنْ دمِ شیْبِهِ و أُخضِّب بِهِ ناصِیتِی و ألْقی الله عزّوجلّ و أنا مُخْتضِبةٌ بِدمِ ولدِی الْحُسیْن؟(۱)

یا رسول الله آیا نمی بینی امت تو با فرزندان من چه عملی انجام داده اند؟ آیا به من اجازه می دهی من از خون محاسن حسینم بگیرم و پیشانی خود را به وسیله آن خضاب نمایم؛ و خدا را در حالی ملاقات نمایم که با خون فرزندم خضاب کرده باشم؟

و در زیارتی که از ناحیه ی مقدسه ی حضرت امام حسن عسگری علیه السلام است آمده است:

السّلامُ علی عبْدِ اللهِ بْنِ الْحُسیْنِ الطِّفْلِ الرّضِیعِ الْمرْمِی الصّرِیعِ الْمُتشحِّطِ دماً الْمُصعّدِ دمُهُ فِی السّماء.(۲)

قال الْباقِر علیه السلام فلمْ یسْقُطْ مِنْ ذلِک الدّمِ قطْرةٌ إِلی الْأرْضِ. (۳)

و روز عاشورا سیدالشهدا علیه السلام چند قطره خون را به آسمان ریختند که به زمین برگشت نکند و در زیارت است که:

أنّ دمک سکن فِی الْخُلْدِ و اقْشعرّتْ لهُ أظِلّهُ الْعرْش.(۴)

پس همان طور که حالات و صفات و ذوات و ابدان و اجسام ائمه با سایر امت فرق دارد خون و بول و آنچه از ایشان بیرون می آید نیز با دیگران فرق دارد، اما به حسب ظاهر تطهیر می فرمودند و در باطن مطهر و طاهر می باشند.

۱- همان ۴۵/ ۳۱۸

۲- همان ۹۸/۲۷۰

۳- همان ۴۵/۶۶

۴- همان ۹۸/۱۵۲

و أسْماؤُكُمْ فِی الْأسْماءِ و أجْسادُکُمْ فِی الْأجْسادِ و أرْواحُکَمْ فِی الْأرْواحِ و أنْفُسُکَمْ فِی النُّفُوسِ و آثارُکُمْ فِی الْآثارِ و قُبُورُکُمْ فِی الْقُبُورِ فما أحْلی أسْماءکُم.(۱)

و نام های شما در نام ها و جسدها ی شما در جسدها است و روح های شما در ارواح و نفس های شما در نفس ها و علامات شما در علامت و قبرهای شما در قبرها است پس چه شیرین است نام های شما.

بلکه می توان گفت هر کس پاک باشد و هر چیز پاکیزه گردد از برکت وجود این پاکان است و حتی آثار مترتبه بر وجود پاکان از آثار آفتاب و باران و آب و دریا بیشتر و بهتر است (بلکه قابل قیاس نیست).

پس باید خون امام علیه السلام پاك باشد که ملائکه در آسمان و حورالعین در بهشت ذخیره نمایند چگونه از نظر باطنی طاهر نباشد و حال آنکه به هر کجا اگر قطره ای از آن چکید برای شفای دردهای مزمن و قبولی نماز (منظور تربت است) مورد استفاده می باشد.

علائم امام در روایات

در کشف الغمه درباره ی علائم امام علیه السلام حدیث مفصلی از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:

فقال علیه السلام لِلْإمامِ علاماتٌ یُولد مخْتُوناً و یکُونُ مُطهّراً و إذا وقع علی الْأرْضِ مِنْ بطْنِ أُمّهِ وقع علی راحتیْهِ رافِعاً صوْتهُ بِالشّهادتیْن.(۲)

امام علیه السلام ختنه کرده و پاك و پاکیزه متولد می شود و چون از رحم مادر بیرون می آید با دو دست به روی زمین آید در خبر دیگر است که با دو پا به زمین آید در حالی که صدای خود را به گفتن شهادتین بلند می کند.

۱- زیارت جامعه ی کبیره

۲- کشف الغمه ۲/۲۹۰

در بحار آمده است از ران راست مادر متولد می شود و در خبر دیگر است که دست چپ خود را بر زمین می گذارد و با انگشت سبابه ی دست راست اشاره به آسمان و لبیک گوید.

در مورد تولد امام از معصوم علیه السلام سؤال کردند، فرمود: هنگامی که امام متولد می شود هاتفی از آسمان اسم امام و اسم پدر و مادر امام را ندا می کند. لهذا امام در جواب آن هاتف می گوید: لبیک.

در خیر دیگری آمده است که بر بازوی راست امام زمان علیه السلام نوشته شده:

«جاء الْحقُّ و زهق الْباطِل»(۱)

و بر بازوی چپ نوشته شده:

«و تمّتْ کلِمهُ ربِّک صِدْقاً و عدْلاً لا مُبدِّل لِکلِماتِه»(۲)

و بنابر روایتی هنگامی که متولد می شود سجده کرده و نوری از او ساطع گردد همه ی دندان های او روئیده شده است و به عبارت دیگر امام هنگام تولد تام الخلقه است. در روایت دیگر در اصول کافی چنین آمده است:

عنْ زراره عنْ أبِی جعْفرٍ علیْهِ السّلامُ قال لِلْإِمامِ عشْرُ علاماتٍ یُولدُ مُطهّراً مخْتُوناً و إذا وقع علیّ الْأرْضُ وقع علیّ راحتِهِ رافِعاً صوْتهُ بِالشّهادتیْنِ و لا یُجْنِبُ و تنامُ عیْناهُ و لا ینامُ قلْبُهُ و لا یتثاءبُ و لا یتمطی و یُری مِنْ خلْفِهِ کما یُری مِنْ أمامِهِ و نجْوُهُ کرائحه المسک و الْأرْضِ موکله بِستْرِهِ و ابْتِلاعِهِ و إِذا لبِس دِرْع رسُولِ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم کانت علیْهِ وفْقاً و إِذا لبِسها غیْرُهُ مِنْ النّاسِ طوِیلُهُمْ و قصِیرُهُمْ زادتْ علیْهِ شِبْراً و هُو مُحْدِثٌ إِلیّ أنْ تنْقضِی أیّامُهُ.(۳)

۱- سوره ی اسراء آیه ی ۸۱

۲- سوره ی انعام آیه ی ۱۱۵

۳- اصول کافی ۲/۲۳۱

امام باقر علیه السلام فرمود: امام ده علامت دارد.

۱- پاکیزه و ختنه شده متولد می شود.

۲- هنگامی که به دنیا آید کف دست به زمین نهاده و شهادتین می گوید.

۳- محتلم نشود

۴- چشمش بخوابد، ولی قلبش بیدار باشد.

۵- خمیازه نمی کشد و دهانش را باز نمی کند.

۶- پشت سرش را ببیند همان طور که از پیش رویش می بیند.

۷- مدفوعش بوی مشک دهد.

۸- زمین وظیفه دارد مدفوعش را بپوشاند و فرو برد.

۹- چون زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بپوشد اندازه ی قامتش باشد. اما اگر زره مرد دیگری را بپوشد خواه کوتاه قد یا بلند قد باشد یک وجب برای امام بلندتر باشد.

۱۰- تا زمان حیاتش محدث باشد. [فرشته به او خبر دهد]

عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام در خطبه ی خود

هنگامی که ابوبکر و همکارانش دست عمال فاطمه ی زهرا علیها السلام را از فدک کوتاه نمود و خبر به آن بزرگوار رسید، آن بضعه ی رسول صلی الله علیه و آله و سلم مقنعه و خمار بر سر پیچید و چادر به سر انداخت و لباس دادخواهی پوشید و با فرزندان خود و زنان نزدیک و بنی هاشم و قریش و بسیاری دیگر از خدمتگزاران و زنان صحابه به طرف مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حرکت نمودند. چنان آن بانوی عظمی با وقار و سکینه راه می رفت که چادرش روی زمین می کشید و پاهای مبارکش به هم می پیچید. همه ی کسانی که او را می دیدند گمان می کردند پیغمبر است که گام بر می دارد و وارد مسجد می شود.

ابوبکر در میان مهاجر و انصار نشسته بود. بی درنگ پرده ی بین مردان و زنان را کشیدند. فاطمه ی زهرا علیها السلام نخستین باری بود که پس از پدر قدم به مسجد می گذاشت. انبوه جمعیت به احترام او ازدحام را شکافته و راهی باز نمودند و گذرگاهش را هموار ساختند.

فاطمه ی زهرا علیها السلام با اندوه فراوان به طرف قبر پدر رفت. نشست و اشک ریزان صدای ناله ی سوزناک او بلند شد و همه ی جمعیت را به گریه درآورد و ضجه ی زنان و مردان لرزه بر اندام همه انداخت. صدیقه ی طاهره علیها السلام لحظه ای آرام شد. پس از آن از جای برخاست و لب به سخن گشود و حمد و ثنای الهی گفت، اما فریاد و شیون زن و مرد تا سه بار رشته ی سخن و خطابه ی او را کوتاه کرد و به امواج ضجه و نعره و جزع و فزع سپرد. دختر گرامی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ولایت مطلقه ی خود امر به سکوت داد. نفس ها در سینه ها حبس شد و فرصت مناسبی برای سخنرانی ایجاد شد و آن گاه خطبه ی مهیج خود را شروع فرمود.

خطبه ی آن حضرت مفصل است و در اکثر کتب اعم از شیعه و سنی آمده است ما چند جمله ای که با بحث و موضوع مناسبت دارد از کتاب احتجاج طبرسی رحمه الله نقل می کنیم و عصمت آن بزرگوار را از خطبه ی خود ایشان استخراج می کنیم. چند جملاتی که مورد نظر است عبارت است از:

فقالت: فجعل اللّهُ الْإیمان تطْهیراً لکم مِنْ الشرک و الصّلاه تنْزیهاً لکم عنْ الکبر و الزکاه تزکیه لِلنّفْسِ و نماءً فِی الرِّزْقِ و الصِّیام تثْبیتاً لِلْإِخْلاصِ و الْحجّ تشْیِیداً لِلدِّینِ و الْعدْل تنْسِیقاً لِلْقُلُوبِ و طاعتنا نِظاماً لِلْمِلّهِ و إِمامتنا أماناً مِن الْفُرْقهِ و الْجِهاد عِزّاً لِلْإِسْلامِ و الصّبْر معُونهً علِیّ اسْتِیجابِ الْأجْرِ و الْأمْرِ بِالْمعْرُوفِ مصْلحهً لِلْعامّهِ و برُّ الْوالِدیْنِ وِقایهً مِن السُّخْطِ و صِلهِ الْأرْحام منْسأهً فِی الْعُمُرِ و منْماهً لِلْعددِ و الْقِصاص حقْناً لِلدِّماءِ و الْوفاء بِالنّذْرِ تعْرِیضاً لِلْمغْفِرهِ و توْفِیه المکاییل و الْموازِین تغْیِیراً لِلْبخْسِ و النّهْیِ عنِ شرِّ بِالْخمْرِ تنْزیهًا عنِ الرِّجْسِ و اجْتِناب الْقذْفِ حِجاباً عنِ اللّعْنهِ و ترک السّرِقهِ إِیجاباً لِلْعِفّهِ و حرّم اللّهُ الشرک إِخْلاصاً لهُ بِالرُّبُوبِیّهِ «فاتّقُوا اللّه

حقّ تُقَاتِهِ و لَا تمُوتُنّ إِلَّا و أنْتُمْ مُسْلِمُون(۱) و أطيعو اللّهِ فِيما أمركم بِهِ و نهاكم عنْهُ فإِنّهُ «إنّما يخشى اللَّه مِنْ عِبَادِهِ الْعُلمَاءُ».(۲)

این کلمات جز از زبان معصوم خارج نمی شود. خودش پاک و مطهره است و سخنانش هم نور است که می فرماید:

پروردگار متعال ایمان را برای شما باعث تطهیر و پاکیزگی از شرک و کفر و پلیدی قرار داد. نماز را برای تنزیه دل از کبر و نخوت و زکات را برای تزکیه ی نفس و مال و جان و افزونی قوت ها و روزی مقرر فرمود و روزه را برای ثبات در اخلاص و حج را برای تشیید و محکم کردن مبانی دین و اعلام و تعظیم کلمه ی توحید و عدل را برای ارتباط و تألیف قلوب و اطاعت ما خاندان را برای حسن انتظام امور اجتماعی ملت ها و امامت ما اهل بیت را برای ایمنی و امان از اختلاف و تفرقه و لغزش و جهاد را برای عزت و ارجمندی و سربلندی ملت اسلام و صبر را برای استحقاق اجر و امر به معروف را مصالح عامه ی مردم و نیکی به والدین را برای مصونیت از غضب خداوند و صله رحم را برای پیوستگی ارحام و اقارب و تکثیر نسل وحدت ملی قرار داده است. این آیین مقدس، رشد ملی و ارتقای عقلی انسانیت است که به شما آموخته تا به کمال مطلوب و لایق خود برسید. خداوند صله ی رحم را برای زیاد شدن نفوس مسلمین (طول عمر مسلمین) و پیوستگی افراد اجتماع و اقارب و خویشان قرار داد و قصاص را برای حفظ خون های مردم و وفای به نذر را برای رسیدن به مغفرت و نیل به آمرزش الهی و تمام پیمودن کیل و وزن را برای اعتماد و حفظ اموال از نقص و زیان و نهی از شرب خمر و می را برای دوری از رجس و پلیدی و خود داری از فحاشی و دشنام را برای مصونیت از لعنت مردمان و دزدی نکردن را برای حفظ عفت و پاکدامنی قرار داده است. خداوند برای این شرک را حرام نمود تا همه با اخلاص او را بپرستند. پس تقوی الهی را به خوبی رعایت کنید به گونه ای که از این سرای با حال تسلیم خارج

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۰۲

۲- سوره ی فاطر آیه ی ۲۸ – احتجاج طبرسی ۱/۹۹

شوید. پس خدا را در اوامر و نواهیش اطاعت کنید زیرا در میان بندگان تنها دانشمندان هستند که در برابر خدا خاشعند.

در بحث مورد نظر ما شاهد مثال این جمله است که فرمودند:

و طاعتنا نِظاماً لِلْمِلّهِ و إِمامتنا أماناً لِلْفُرْقه.

و لزوم اطاعت و امامت ما را موجب امان از تفرقه و جدایی مؤمنان قرار داده است. این که خداوند تبارک و تعالی فرموده:

«یا أَیُّها الّذِین آمنُوا أطیعو اللّهِ و أطیعو الرّسُول و أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُم»(۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و پیامبر خدا و صاحبان امر (امامان هدی علیهم السلام) اطاعت کنید.

اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اطاعت ائمه معصومین علیهم السلام را در ردیف اطاعت خود قرار داده؛ یعنی اطاعت معصوم اطاعت خداوند است. همین جمله اثبات می کند که اطاعت آنان از طرف خداوند است و خود خدا، فقط ایشان را برای پیشوای مردم قرار داده و شخص گناه کار نمی تواند معصوم باشد. چنان که در سوره ی بقره می فرماید:

«و إِذْ أُبْتُلِی إِبْراهِیم ربُّهُ بکلمات فأتمّهُنّ قال إِنِّی جاعلک لِلنّاسِ إِمَاماً قال و مِنْ ذُرِّیّتِی قال لها ینَالُ عهْدِی الظَّالِمِین»(۲)

(به خاطر بیاور) هنگامی که خداوند ابراهیم را با طرق گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده ی آزمایش بر آمد. خداوند به او فرمود: من تو را امام مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از دودمان من نیز امامانی قرار بده. خداوند فرمود: پیمان من (مقام امامت) به ستمکاران نمی رسد. (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند شایسته ی این مقام اند).

آیات و روایات فراوانی فوق تواتر در این زمینه می باشد و در این که حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام حجت خداست و همانند پدر بزرگوار و شوهر و فرزندان معصومش

۱- سوره ی نساء آیه ی ۵۹

۲- سوره ی بقره آیه ی ۱۲۴

در حجت بودنشان شریکست. شک و تردیدی نیست همان هدایت و ارشاد و انذاری را که سایر معصومین علیهم السلام دارند، ایشان هم دارند.

حضرت باقر علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی درباره ی حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام می فرماید:

اطاعت ایشان بر تمامی افریدگان خداوند از جن و انس، پرندگان و حیوانات وحشی و پیامبران و فرشتگان واجب بود.(۱)

محمد بن سنان گوید: نزد امام جواد الائمه علیه السلام بودم و سخن از اختلاف شیعه به میان آمد، فرمود:

ای محمد! همانا خداوند متعال پیوسته در وحدانیت خود یکتا بود، آن گاه محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را آفرید. آنان دوران زیادی درنگ کردند و پس از آن خداوند تمامی موجودات را آفرید و آنان را بر آفرینش موجودات گواه گرفت و اطاعت آنان را بر موجودات لازم فرمود و امور موجودات را به آنان واگذار کرد. آنان هر آنچه را که خواستند حلال و هر آنچه را که خواستند حرام نمودند. البته هیچ چیزی جز آنچه را که خداوند خواسته بود نمی خواستند. پس فرمود: ای محمد! این همان آیینی است که هر کس از آن پیشی گیرد از دین خارج شده و هر کس عقب بماند نابود می گردد و هر کس ملازم و همراه آن باشد به حق پیوسته است.(۲) این مطلب را غنیمت بشمار ای محمد.(۳)

علامه ی مجلسی رحمه الله در شرح این حدیث چنین می فرماید: آنان را بر آفرینش موجودات گواه گرفت یعنی در حضور و پیش روی آنان موجودات را آفرید و آنان بر کیفیت خلقت و رموز آن اشراف داشتند. اطاعت آنان را بر تمام موجودات حتی جمادات و موجودات آسمانی و زمینی واجب ساخت و امور موجودات را به آنان

۱- دلائل طبری/ ۲۸

۲- فالرّاغِبُ عنْکُمْ مارِقٌ و اللّازِمُ لکُمْ لا حِقٌ و الْمُقصِّرُ فِی حقِّکُمْ زاهِق (زیارت جامعه ی کبیره)

۳- بحار الانوار ۱۵/۱۹

واگذار کرد، یعنی حلال و حرام کردن و بخشیدن و نبخشیدن را. هر چند ظاهر عبارت این معنی را می رساند که حتی تدبیر موجودات از حرکات و سکنات و ارزاق و عمرها و امثال آن را به آنان واگذار کرد.(۱)

ابو سعید خدری می گوید: در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم مردی از راه رسید و از حضرت درخواست کرد که درباره بیان خداوند که فرموده است:

«إسْتَكْبَرْت أمْ كُنْت مِن الْعالين»(۲)

که در خطاب به شیطان است، توضیح دهد که اینان چه کسانی هستند که از ملائکه ی مقربین برتر و والاترند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: منظور از آنان من، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می باشیم که در سُرادق عرش بودیم و دو هزار سال پیش از آنکه خداوند آدم علیه السلام را بیافریند خداوند را تسبیح می کردیم و ملائکه با تسبیح ما خدا را تسبیح می کردند. هنگامی که خداوند آدم را آفرید به ملائکه دستور فرمود که: بر او سجده کنند. البته به خاطر وجود ما مأمور به سجده ی بر آدم شدند. به جز ابلیس همه ی فرشتگان سجده کردند. خداوند متعال به او فرمود:

ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت از اینکه بر آنچه که من با دست قدرت خود آفریده ام سجده کنی؟ آیا استکبار ورزیدی یا از موجودات عالی و برتر بودی؟ یعنی از این پنج تنی که اسامی آنان در سُرادق(۳) عرش نوشته شده بود.

پس ما هستیم آن باب خدایی که از آن در وارد می شوند و هدایت یافتگان به وسیله ی ما هدایت می گردند. هر کس ما را دوست داشته باشد خداوند او را دوست داشته و به بهشت خود واردش می سازد و هر کس با ما دشمنی کند خداوند او را دشمن داشته و به آتش داخلش می کند و دوست ندارد ما را مگر کسی که از دامان پاک و پاکیزه زاده شده باشد.(۴)

۱- مرآه العقول ۵/۱۹۲ - ۱۹۵

۲- سوره ی ص آیه ی ۷۵

۳- سرا پرده، خیمه از جنس پنبه

۴- تأویل الآیات ۲/۵۰

ادامه ی خطبه ی حضرت زهرا

ثُمّ قالتْ عليْها السّلامُ: أيُّها النّاسُ اعلمو أنّى فاطِمهُ و أبِى مُحمّدٍ صلّى اللّهُ عليْهِ و آلِهِ و سلّم أقُولُ عوْداً و بدْواً و لا أقُولُ ما أقُولُ غلطاً و لا أفْعلُ ما أفْعلُ شططاً «لقدْ جاءكم رسُولٌ مِنْ أنفسكم عزِيزٌ عليْهِ مَا عنِتُّمْ حرِيصٌ علكم بِالْمُؤْمِنِين رؤُفٌ رحِيمٌ»...(۱)

آنگاه فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه ی زهرا هستم و پدرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم خاتم النبیین است. آنچه اول گفتم آخر هم همان سخن را می گویم و آنچه می گویم حساب شده است و اشتباه نمی گویم.

ای مردم! بدانید آنچه می گویم بر اساس حق و عدالت است آنگاه این آیه را تلاوت نمود که «لقدْ جاءكُمْ رسُولٌ...»(۲)

ای مردم! برای شما پیغمبری از جنس خود شما فرستاد که عزیز و بزرگوار است و سختی های زندگی شما و نابسامانی اجتماع شما بر او سخت و دشوار می نمود و او بر هدایت و ارشاد و خلاصی شما از این مشکلات طاقت فرسا حریص و بر مؤمنین رئوف و مهربان بود...

شاهد ما این جمله است:

أقُولُ عوْداً و بدْواً و لا أقُولُ ما أقُولُ غلطاً و لا أفْعلُ ما أفْعلُ شططاً.

گفتارم تماما یکنواخت از سر صدق بوده و از غلط و نادرستی به دور است و از من هرگز کلام بیجا و کردار بی ربط سر نمی زند.

طبق همان مدرکی که در آیه ی تطهیر ذکر شده، معصوم از همه ی الودگی های ظاهری و باطنی پاک و مبراست و معصوم از نسیان و فراموشی و غلط گویی و اشتباه گویی با کلام بیجا و غیره دور است. اینکه فرمود: من هرگز کلام بیجایی نمی گویم چه نادرست، چه دروغ و بی ربط، یعنی این صفات نادرست از من به دور است و کلامی از من صادر نمی شود، مگر از روی بصیرت و حکمت و آن مطابق با

۱- زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)/ ۶۹

۲- سوره ی توبه آیه ی ۱۲۸

واقع است. زیرا بسیار می شود که گوینده ای یک چیز را می گوید، سپس یک اشتباه در سخن خود می بیند که می گویند در کلامش خطا کرد و گفتارش به خطا رفت و این از مقام عصمت به دور است.

اینجا در حرمت قول اشتباه دو مسئله است

الف: قول و گفتار غلط گاهی حرام می باشد و گاهی مکروه که مانع از نقیضش نیست و گاهی غیر این می باشد، مانند خطا و سهوی که احکام خمسه منطبق بر او نخواهد شد. زیرا از آن مقسم خارج می شود و صحبت غلط گاهی عمداً و گاهی سهواً گفته می شود اما قول غلط هنگامی که عمد باشد حرام است. مثلاً اگر در احکام شریعت اسلام یا در عقائد دینیه یا مانند آن باشد.

گاهی هم مکروه است مانند جایی که شارع مقدس اسلام برای معرفت او موضوعیتی نمی بیند. یعنی مثل شئون اعتقادیه نیست و از شئون اعتقادیه بیرون است. بنابراین به آن قول غلط گفته نمی شود. پس عنوان حرام بر آن بار نمی شود.

ب: همچنین است امر به فعل دور از حقیقت و تجاوز از حد و بی ربط که از مصادیق ظلم به نفس یا به دیگران است چه عمداً باشد و چه سهواً. که اشاره شد [کلمه ی شططا به معنی ظلم و تجاوز از حد است شطّ شطّا و شُطوُطا دور شد. شطّ شططاً تجاوز کرد از حد آن و دور شد از حق. شطّ علیه فی حکمه به او در حکم ظلم و ستم کرد.]

منظور از فعل در گفتار مبارکش که فرمود: و لا افعل ما افعل (و از من هرگز کلام بی جا و بی ربط سر نمی زند) یعنی در این گفتار علی بن ابی طالب علیه السلام شاهد قول و فعل من و یاور من است [یعنی من همانند امیرالمؤمنین علیه السلام در تمام گفته هایم صادقم چون مقام عصمت دارم و همانند شوهرم هیچ وقت سخن بی ربط و بیهوده و گزاف و دروغ و خلاف واقع نمی گویم] و در این مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که دفاع از حقم می کنم، فدک مال پدرم بود که به دستور خداوند به من واگذار شد و شما خلفای ناحق غصب کردید. من ناچارم حقم را طلب نمایم. من همانند پدرم در

مقام عصـمت هستم. همان صفات عصمتی که برای پدرم است عیناً برای من هم هست. پیغمبر هرگز حرف بی ربط و گزاف و خلاف حقیقت و کذب و ... نمی گوید بلکه هر چه می گوید از ناحیه خداوند است:

کما قال الله تبارک و تعالی فی کتابه: «و ما ینْطِقُ عنِ الْهوی، إِنْ هُو إِلّا وحْی یُوحی»(۱)

خلاصه ی کلام تجاوز از حق دو جهت دارد

۱- انسـان به راه خطـا برود، ولی قصـد صواب داشـته باشـد و از آن تعبیر به قصور می شود. مثـل افرادی که در جسـتجوی حق هستند اما به خطا دچار می شوند.

۲- انسـان در عهـدش تجـاوز از حـق نمایـد و بر انگیزه ی هـوای نفس حـق را نادیـده گیرد و آن را (شـطط) و بـه تعـبیر دیگر (تقصـیر) گویند. بر این اساس است که صدیقه ی طاهره علیها السلام تأکید می کند که گفتارم نه از روی جهت اولی است (و لا اقول ما اقول غلطاً) و نه از جهت دومی که (شطط) است بلکه مبین حق و محض واقع است.

عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام از بیان امیر المؤمنین علیه السلام

احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام با ابی بکر و عمر

در آن موقعی که فدک که حق صدیقه ی طاهره علیها السلام بود دریغ کردند:

عنْ حمّـادِ بْنِ عُثْمـان عنْ أبِی عبْـدِ اللّهِ علیْهِ السّـلامُ قال: لمّا بُویع أبوبکر و اسْـتقام لهُ الْأمْرُ علیّ جمِیعُ الْمُهاجِرِین و الْأنْصارِ بعث إِلیّ فدک مِنْ أخْرج وکیل فاطِمه علیْها السّلامُ بِنْتِ رسُولِ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم مِنْها فجاءتْ فاطِمهُ الزهرا علیْها السّلامُ إِلیّ أبِی بکر ثُمّ قالتْ لِم تمْنعُنِی مِیراثِی مِنْ أبِی رسُولِ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم و أخْرجتِ وکیلی مِنْ فدک و قدْ جعلها لِی رسُولُ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم بِأمْرِ اللّهِ تعالیٰ؟

۱- سوره ی نجم آیات ۳ و ۴

از حماد بن عثمان نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی با ابوبکر بیعت شد و خلافت او بر همه ی مهاجر و انصار محقق و ثابت گردید، فردی را از جانب خود به سرزمین فدک فرستاده و دستور داد تا نماینده ی حضرت زهرا علیها السلام را از آنجا اخراج کند. در پی این اقدام حضرت فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر آمده و فرمود: چرا مرا از ارث پدرم محروم نموده و نماینده و وکیل مرا از آنجا بیرون کردی، حال اینکه پدرم آنجا را به دستور خدای متعال برای من قرار داده بود؟

فقال لها: هاتِی علِیِّ ذلک بِشُهُودٍ فجاءتْ بِأُمِّ أیْمن فقالتْ لهُ أُمُّ أیْمن: لا دشهد یا أبابکر حتی احْتجّ علیک بِما قال رسُولُ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم أنشدک بِاللّهِ ألسْت تعْلمُ أنّ رسُول اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم قال أُمُّ أیْ مِنْ أمراهُ مِنْ أهْلِ الْجنّهِ؟

فقال: بِی قالتْ فأشْهدُ أنّ اللّه عزوجل أُوحِی إِلیّ رسُولُ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم «فات ذا الْقُرْبِیُّ حقّهُ».(۱)

فجعل فدکا لها طِعْمهً بِأمْرِ اللّهِ فجاء علِیٌّ علیْهِ السّلامُ فشهِد بِمِثْلِ ذلک فکتب لها کتابا و دفعهُ إِلیْها فدخل عُمرُ فقال: ما هذا الکتاب؟ فقال: إِنّ فاطِمه علیْها السّلامُ ادّعتْ فِی فدک و شهِدتْ لها أُمُّ أیْمن و علِیٌّ علیْهِ السّلامُ فکتبته لها فأخذ عُمرُ الکتاب مِنْ فاطِمه فتفل فِیهِ و مزّقهُ!! فخرجتْ فاطِمهُ علیْها السّلامُ باکیه و هِی تقُولُ مرق اللّهِ بطنک کما مزّقتْ کتابی هذا.

ابوبکر گفت: بر این مطلب شاهد بیاور. آن حضرت نیز ام ایمن را آورد و او گفت: پیش از اینکه شهادت و گواهی بدهم باید از تو ای ابوبکر بپرسم تو را به خدا قسم آیا این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را قبول داری که فرمود: «ام ایمن یکی از زنان بهشتی است؟» گفت: آری، قبول دارم.

ام ایمن گفت: بنابراین من نیز شهادت می دهم که خداوند متعال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وحی فرستاد که حق نزدیکانت را بده.

ص:۸۰

۱- سوره ی روم آیه ی ۳۸

پس رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نیز فدک را به دستور خداوند برای فاطمه علیها السلام قرار داد پس از ام ایمن حضرت علی علیه السلام آمد و به نفع حضرت فاطمه علیها السلام شهادت و گواهی داد. ابوبکر با شنیدن این گفتگوها راضی شد و نامه ای نوشت و فدک را به حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام داد. در همین بین عمر بن خطاب رسید و گفت این نامه چیست؟ ابوبکر گفت: فاطمه علیها السلام فدک را ادعا نمود و ام ایمن و علی علیه السلام برای او گواهی دادند من هم فدک را پس دادم.

عمر بن خطاب نامه را از دست حضرت فاطمه علیها السلام گرفته و پاره پاره کرد. آن حضرت گریان شد و با این حال از مجلس ابوبکر خارج شد و فرمود: همان طور که نامه ی مرا پاره کردی، خداوند شکمت را پاره کند. [همان طور هم شد و خداوند شکم او را پاره کرد و این اثر نفرین آن برگزیده ی خدا بود].

فلمّا کان بعْد ذلک جاء علِیٌّ علیْهِ السّلامُ إلیّ أبِی بکر و هُو فِی الْمسْجِدِ و حوْلهُ الْمُهاجِرُون و الْأنْصارِ. فقال: یا أبابکر لمْ منعْت فاطِمه مِیراثها مِنْ رسُولِ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم و قدْ ملکته فِی حیاهِ رسُولِ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم. فقال أبوبکر هذا فیْ ءٌ لِلْمُسْلِمِین. فإِنْ أقامتْ شُهُوداً أنّ رسُول اللّهِ جعلهُ لها و إِلاّ فلا حقّ لها فِیهِ. فقال أمیرالمؤمنین علیْهِ السّلامُ: یا أبابکر! تحکم فِینا بِخِلافِ حکم اللّهِ تعالیٰ فِی الْمُسْلِمِین؟ قال: لا!

قال أمِیرُ الْمُؤْمِنِین علیْهِ السّلامُ: فإِنْ کان فِی یدِ الْمُسْلِمِین شیْ ءٌ یملکونه ثُمّ ادّعیْتُ أنا فِیهِ منْ تسْألُ البینه؟ قال ایاک أسْألُ البینه.

قال أمیرالمؤمنین علیْهِ السّلامُ: فما بالُ فاطِمه سألْتها الْبیِّنه علیّ ما فِی یدیْها و قدْ ملکته فِی حیاهِ رسُولِ اللّهِ صلّی اللّهُ علیْهِ و آلِهِ و سلّم و بعْدهُ و لمْ تسْألِ الْمُسْلِمِین بیِّنهً علیّ ما ادّعوْها شُهُوداً کما سألْتنِی علیّ ما ادّعیْتُ علیْهِمْ؟ فسکت أبوبکر. فقال عُمرُ: یا علِیُّ! دعْنا مِنْ کلامک فإِنّا لا نُقوِّی علِیٍّ حجتک فإِنْ أتیْت بِشُهُودٍ عُدُولٍ و إِلاّ فهُو فیْ ءٌ لِلْمُسْلِمِین لا حقّ لک و لا لِفاطِمه فِیهِ.

پس از آن امیرالمؤمنین علیه السلام به مسجد آمد و خطاب به ابوبکر که میان جماعت مهاجر و انصار بود فرمود: برای چه فاطمه را از میراث پدرش محروم ساختی در حالی که او در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مالک آن شده بود؟ ابوبکر گفت: این فیء (مال همه ی) مسلمین است. اگر شاهد بیاوری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیاتش به او بخشید، قبول است و گرنه او هیچ حقی در فدک ندارد. حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای بابکر! آیا ما و مسلمانان خلاف دستور خداوند حکم می کنیم؟ گفت: نه! این طور نیست که می گویی.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر در دست یکی از مسلمانان چیزی باشد و من ادعا کنم که مالك آن هستم، تو از کدام یک از ما درخواست شهود می نمائی؟ ابوبکر گفت: معلوم است که فقط از تو طلب شاهد می کنم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس چرا از فاطمه طلب شاهد می کنی اما از مسلمانان دیگر که مدعی هستند درخواست شاهد نمی کنی؟

ابوبکر ساکت شده و عمر گفت: ای علی! دست از این سخنان بردار که ما قادر به بحث و احتجاج با تو نیستیم. اگر در اثبات این مالکیت شاهدانی آوردید قبول است وگرنه فدك مال همه ی مسلمین بوده و نه تو و نه فاطمه هیچ حقی در آن ندارید!!

برخلاف عصمت کبری علیها السلام حکم کردن

فقال أميرالمؤمنين عليْهِ السّلامُ يا أبابكر تقْرأُ كتاب اللّهِ؟ قال: نعمْ.

قال أخْبِرْنِی عنْ قوْلِ اللّهِ عزوجل إِنّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِب عنكم الرِّجْس أهْل الْبيْتِ و يطهركم تطْهِيراً (۱) فِيمنْ نزلتْ فِينا أمْ فِی غيْرِنا؟ قال: بلْ فيكم. قال: يا أبابكر! فلوْ أنّ شُهُوداً شهِدُوا عليّ فاطِمه بِنْتِ رسُولِ اللّهِ صلّى اللّهُ عليْهِ و آلِهِ و سلّم بِفاحِشهٍ ما كنت صانِعاً بِها؟ قال: كنت أُقِيم عليْها الْحدَّ كما أُقِيمُهُ عليّ نِساءُ الْمُسْلِمِين.

ص:۸۲

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳

قال إِذنْ كنت عندالله مِنْ الكافرين. قال: و لِم؟

قال: لأنك رددْت شهاده اللّهِ لها بِالطّهارهِ و قبِلْت شهاده النّاسِ عليْها كما رددْتُ حكم اللّهِ و حكم رسُولِهِ أنْ جعل لها فدكا قدْ قبضتْهُ فِي حياتِهِ ثُمّ قبِلْت شهاده أعْرابِيٍّ بائِلٍ علِيّ عقِبيْهِ علها و أخذْت مِنْها فدكا و زعمْت أنّهُ فئ ءٌ لِلْمُسْلِمِين و قدْ قال رسُولُ اللّهِ صلّى اللّهُ عليْهِ و آلِهِ و سلّم البينه علِيّ الْمُدّعِي و الْيمِينُ علِيُّ الْمُدّعِي عليْهِ فرددْت قوْل رسُولِ اللّهِ صلّى اللّهُ عليْهِ و آلِهِ و سلّم الْبيِّنهُ علىّ مِنْ ادُّعِي و الْيمِينُ علِيُّ من ادُّعِي عليْهِ.

قال فدمْدم النّاسُ و أنكروا و نظر بعْضُهُمْ إِلىّ بعْضٍ و قالُوا صدق و اللّهِ علِيُّ بْنِ أبِي طالِبٍ عليْهِ السّلامُ و رجع علِيٌّ عليْهِ السّلامُ إِلىّ منْزِلِهِ...(۱)

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای ابوبکر! آیا قرآن را خوانده ای؟ گفت: آری.

فرمود: به من بگو آیا آیه ی شریفه ی «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» درباره ی ما نازل شده یا دیگران؟ ابوبکر گفت: البته درباره ی شما نازل شده.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای ابوبکر! اگر جماعتی گرد آمده و شهادت دهند که فاطمه علیها السلام دخت گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم العیاذ بالله مرتکب فاحشه ای شده است، تو چه خواهی کرد؟ گفت: مانند زنان دیگر مسلمان حد را بر او جاری می سازم [نعوذ بالله العلی العظیم]

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای ابوبکر! در این صورت در نزد خداوند از کافران خواهی بود. گفت: برای چه؟

فرمود: زیرا تو منکر گواهی خداوند بر طهارت او شده و شهادت گروهی از مردمان را پذیرفته ای به همین ترتیب حکم خدا و رسول را در مسئله ی فدک که آن را در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم تصاحب نموده، رد کرده و در مقابل، شهادت فردی اعرابی دور از

۱- احتجاج طبرسی ۱/ ۲۱۴-۲۱۷

تمـدن را پـذیرفته ای و فدک را از او غصب نموده ای و پنداشـته ای که آن فیئ (مال همه ی) مسـلمین است، حال اینکه پیامبر صلی الله علیـه و آله و سـلم خـود فرمـوده بـود که: البیّنه علی المُـدّعی و الیمینُ علی المُـدّعی علیْهِ (دلیـل و اثبـات بر عهـده ی شخصـی است که ادعایی مخالف دارد و دیگر تنها باید سوگند یاد کند) و تو از این فرمایش پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم نیز غافـل شـده و درست عکس آن عمـل نموده ای و از فـاطمه علیهـا السـلام که فـدک را تصـاحب نموده، اقامه ی شاهـد می کنی؟! با شـنیدن این کلام بی نقص و سر تا سر منطقی جماعت حاضر متأثر و متحیر شده و به یکدیگر خیره شدند و یک صدا گفتند: به خدا که علی راست می گوید!! سپس حضرت امیر برخاسته و به خانه ی خود بازگشت...

عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

پیش از هر نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اهل بیت علیهم السلام سلام می کرد

عبدالله بن حسن از پدرش از جدش نقل می کند که ابوالحمراء خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوید:

پس از آنکه این آیه نازل شد:

«و أْمُرْ أهْلَك بِالصّلاهِ و اصْطبِرْ علیْها...»(۱)

و نزدیکان خود را به نماز امر کن.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیش از هر نماز بر در خانه ی علی و فاطمه علیهما السلام می ایستاد و می فرمود:

الصّلواهُ رحمکُمُ اللهُ إنما یُریدُ اللهُ لیُذْهِب عنْکُمُ الرِّجْس أهْل الْبیْتِ و یُطّهِرُکُمُ تطْهیراً.

از ابی سـعید خدری روایت است که هنگامی که این آیه نازل شد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که تا مدت نه ماه هر سه وعده ی نماز را به در خانه ی فاطمه و امیرالمؤمنین علیهما السلام می آمد و با صدای بلند می فرمود: الصلوه...

۱- سوره ی طه آیه ی ۱۳۲

عنْ عبـدالله بْنِ الْحسنِ، عنْ أبِيهِ عنْ جـدِّهِ قال: قال أبُو الْحمْراءِ خادِمُ النّبيِّ صـلّى اللّهُ عليْهِ و آلِهِ و سـلّم لمّا نزلتْ هذِهِ الْآيه و أمر أهلـك باصـلاه و اصْـطبِرْ عليْهَا كان النّبيِّ صـلّى اللّهُ عليْهِ و آلِهِ و سـلّم يأْتِي باب عليٍّ و فاطِمه [عِنْـد] كل صـلاهٍ فيقُولُ: الصّـلاه رحمكم اللّهُ إِنّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِب عنكم الرِّجْس أهْل الْبيْتِ الْآيه...(۱)

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السـلام آمـده که فرمود: پس از آمدن فاطمه علیها السـلام به خانه ی من، سه روز گذشـت که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نزد ما نیامد. صـبح روز چهارشـنبه به خانه ی ما آمد. در آن هنگام اسماء بنت عُمیس در منزل ما بود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به اسماء فرمود: در این جا که مرد هست پس چرا نرفته ای؟

اسـماء عرض کرد: پـدر و مـادرم به فـدایت. وقتی دختر به خانه ی شوهر می رود و مرحله ی زفاف را می گذرانـد نیاز به زنی دارد تا نیازهای او را برآورد من به این خاطر در اینجا هستم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای اسماء! خدا حاجت دنیا و آخرت تو را برآورد.(۲)

امیرمؤمنـان علی علیه السـلام فرمود: آن روز روز سـردی بود من و فـاطمه علیه السـلام خود را بـا عبـا پوشانـده بودیم. وقتی که صـدای رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم را شـنیدیم خواستیم برخیزیم. رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: به حقی که من بر شما دارم بلند نشوید تا من بر شما وارد گردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شد و در بالای سر ما نشست. پاهای خود را با عبا پوشاند و من و فاطمه پاهای آن حضرت را گرم کردیم.

به من فرمود: کوزه ی آبی بیـاور. کوزه ی آبی به حضورش آوردم. رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم سه بار بر آن آب فوت کرد و چند آیه از قرآن را قرائت فرمود. سپس به من فرمود:

۱- سوره ی احزاب آیه ی ۳۳؛ شواهد التنزیل ۱/۴۹۷

۲- از آن جـا که اسـما همسـر جعفر طیـار بود و در این هنگام شوهرش در حبشه به سـر می بردنـد. بعضـی معتقدنـد در آن جا اشتباه لفظی رخ داده است و ظاهراً «سلمی بنت عمیس» (همسر حمزه) بوده است نه اسماء. ارشاد ۱/۱۳

این آب را بیاشام و در ته آن اندکی بگذار. به دستور آن حضرت عمل کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باقی مانده ی آب را به سر و سینه ی من پاشید و فرمود:

أذْهب اللهُ عنْک الرُّجْس یا أبا الْحسنِ و طهّرک تطْهِیرا.

خداوند ناپاکی را از تو ای ابو الحسن دور ساخت و تو را پاک و پاکیزه نمود. آنگاه فرمود: آب تازه ای بیاور. ظرف آبی به حضورش آوردم. چند آیه از قرآن را قرائت کرد و سه بار بر آن فوت کرد و آنگاه آن آب را به دخترش فاطمه علیها السلام داد و به او فرمود: بیاشام و مقداری از آن را باقی بگذار. حضرت فاطمه علیها السلام چنین کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باقی مانده ی آن را بر سر و سینه ی حضرت زهرا علیها السلام پاشید و به او فرمود:

أذْهب اللهُ عنْکِ الرُّجْس و طهّرکِ تطْهِیراً.

خداوند ناپاکی را از تو دور سازد و تو را پاک و پاکیزه نماید.(۱)

۱- بیت الاحزان/ ۶۱

موضوع سوم: عصمت صدیقه ی طاهره علیها السلام در القابش

اشاره

ص:۸۷

اکثر القاب آن حضرت که علما جمع آوری کرده اند از این قبیل می باشند:

القاب بنت المطفی کثیره*** نظمت منها نبذه یسیره

نفسی فداها و فدا ابیها*** و بعلها الولی مع بنیها

سیده انسیه حوراء*** نوریه حانیه عذراء

کریمه رحیمه شهیده*** عفیفه قانعه رشیده

شریفه حبیبه محترمه*** صابره سلیمه مکرمه

صفیه عالمه علیمه*** معصومه مغصوبه مظلومه

میمومه منصوره محتشمه*** جمیله جلیله معظمه

حامله البلوی بغیر شکوی*** حلیفه العباده و التقوی

حبیبه الله و بِنتُ الصّفوهِ*** رکن الهدی و آیه النبوه

شفیعه العصاه امّ الخیره*** تفّاحه الجنه و المطهّره

سیده النساء بنت المصطفی*** صفوه ربها و موطن الهدی

قره عین المصطفی و بضعته*** مهجه قلبه کذا بقیته

حکیمه فهیمه عقیله*** محزونه مکروبه علیله

عابده زاهده قوامه*** باکیه صابره صوّامه

عطوفه رئوفه حنّانه*** البرّه الشفیه الأنانه

والده السبطین دوحه النبی*** نور سماوی و زوجه الوصی

بدر تمام غرّه غرّاء*** روح أبیه درّه بیضاء

واسطه قلاده الوجود*** جوهره العزّه و الجلال

ولیّه الله و سرّ الله*** درّه بحر الشرف و الجود

مکینه فی عالم السماء*** أمینه الوحی و عین الله

درّه بحر العلم و الکمال*** جمال الآباء شرف الأبناء

ص:۸۸

قطب رحی المفاخر السنیه*** مجموعه المآثر العلیه

مشکاه نورالله و الزجاجه*** کعبه الامال لأهل الحاجه

لیله قدر لیله مبارکه*** ابنه من صلّت به الملائکه

قرار قلب امها المعظمه*** عالیه المحل سر العظمه

مکسوره الضلع رضیض الصدر*** مغصوبه الحق خفی القبر

البته القاب آن بزرگوار بسیار است. عمده ی آن ها این القاب بود که در منظومه ذکر شد.(۱)

معنای بتول و طاهره

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیده شد، معنای بتول چیست؟ زیرا ما از تو شنیدیم که می فرمودی: مریم و فاطمه هر دو بتول هستند؟ فرمود: بتول آن زنی است که هرگز سرخی نبیند، (یعنی خون حیض نبیند.) زیرا خون حیض از برای دختران انبیا مکروه و ناپسند است.

علت اینکه حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام را طاهره گفته اند این است که آن بانوی بزرگوار از چرک و خون حیض و خون نفاس پاک بوده و در تمام مدت عمر خود هرگز خون حیض و نفاس ندید.

علامه مجلسی رحمه الله در جلاء العیون چنین می فرماید: ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است:

فاطمه علیه السلام ۹ نام در نزد حق تعالی دارد که عبارتند از:

فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا. سپس حضرت فرمود: آیا می دانی که تفسیر فاطمه چیست؟ راوی عرض کرد: ای سید من شما برای من بگویید.

۱- عوالم جلد حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام/ ۷۰؛ کتاب بهجه قلب مصطفی لقب های حضرت را ۱۰۴ عدد ذکر کرده و خصائص فاطمیه از شیخ محمد باقر کجوری مازندرانی ۱۳۵ لقب آورده/ ۶۸؛ جنه العاصمه لقب های حضرت را ۱۲۱ مورد ذکر کرده/ ۱۳۸.

فرمود: یعنی از بدی ها بریده شده است. سپس فرمود: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج نمی نمود برای او تا روز قیامت روی زمین هیچ کفوی نبود [پس فاطمه ی زهرا علیها السلام معصومه است].

صدیقه به معنی بسیار راستگو که لقب آن بزرگوار است و مبارکه به صاحب برکت در علم، فضل، کمالات، معجزات و اولاد است. طاهره، پاکیزه از صفات نقص و زکیه، نمو کننده در کمالات و خیرات است. راضیه، راضی به قضای الهی و مرضیه، پسندیده ی خدا و دوستان خداست. محدثه، یعنی ملك با او می گفت و زهرا یعنی نورانی به نور صوری و معنوی است.(۱)

پس از آن علامه ی مجلسی رحمه الله می فرماید: این حدیث شریف دلالت می کند بر آنکه علی علیه السلام از جمیع پیغمبران و اوصیای ایشان به غیر از پیغمبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله و سلم افضل است، بلکه بعضی استدلال بر افضلیت فاطمه ی زهرا بر ایشان نیز کرده اند.(۲)

نور عصمت او می درخشید

علامه ی مجلسی رحمه الله از کتاب علل الشرایع به سند معتبر از ابان بن تغلب روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که چرا فاطمه ی زهرا علیها السلام زهرا نامیده شد؟ حضرت فرمودند: برای آنکه نور فاطمه علیها السلام روزی سه مرتبه برای امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهر می شد. در اول روز هنگامی که فاطمه علیها السلام نماز صبح می خواند و مردم در میان رختخواب های خود بودند، نور سفیدی از آن خورشید فلك عصمت ساطع می گردید و در همه ی خانه های مدینه داخل می شد و دیوارهای آنها سفید می شد. از مشاهده ی آن حالت تعجب می کردند و به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شتافتند و علت آن نور را سؤال می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: به خانه ی دخترم فاطمه علیها السلام بروید تا بفهمید آن نور از کجا ساطع شده است. هنگامی که به خانه ی آن حضرت می آمدند می دیدند که آن

۱- جلاء العیون/ ۹۰
۲- افضلیت حضرت صدیقه ی طاهره به نظر ما از جمیع انبیا و اوصیا به جز پدر و شوهر بزرگوارشان مسلم است که بحث او ان شاء الله خواهد آمد.

حضـرت در محراب عبادت نشسـته و مشـغول نماز است و از صورت انورش آن نور امام است. پس می فهمیدنـد آن نوری که مشاهـده کرده انـد از اوست. هنگـامی که ظهر می شـد و فـاطمه علیهـا السـلام مهیـای نمـاز ظهر می شـد نور زردی از پیشـانی مبـارکش می درخشـید و در خـانه های مـدینه می تابیـد و از آن نور در و دیوار و جام ها و حتی رنگ صورت ایشان زرد می شـد. چون از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم علت آن را سؤال کردنـد، حضـرت آن ها را به خانه ی فاطمه علیها السـلام می فرسـتاد. چون به آنجا می رفتنـد او را در محراب عبادت می یافتند که مشـغول نماز است و نور زردی از صورت منورش ساطع است پس می فهمیدند که این نور از صورت آن حضرت بوده است.

هنگـامی که آخر روز می شـد و آفتـاب غروب می کرد، صورت منورش سـرخ می شـد و نور سـرخی از فرح و شادی و شـکر الهی از صورت آن بزرگوار می درخشـید و داخل خانه های مدینه می شد و دیوارهای آنها سـرخ رنگ می شد. از مشاهده ی آن حالت تعجب کرده و به خدمت رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم می آمدند و از علت آن سؤال می کردند. حضـرت ایشـان را به خانه ی فاطمه علیها السـلام می فرسـتاد. آنها حضـرت زهرا را می دیدنـد که در محراب نماز نشسـته و به تسبیـح و تمجیـد الهی مشـغول است و از گونه ی لطیفش نور سـرخی ساطع است. پس می فهمیدنـد که آنچه دیـده انـد از آثار نور آن حضـرت است و پیوسـته آن نور در پیشانی انور آن حضرت بود تا آنکه حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد و آن نور به پیشانی امام حسین علیه السلام منتقل شد و پیوسته آن نور با ما هست و تا قیامت از امامی به امامی دیگر منتقل می شود.(۱)

به سـند معتبر از حضـرت امام محمد باقر علیه السـلام روایت شده است که: هنگامی که حضـرت زهرا علیها السـلام متولد شد، حق تعالی ملکی فرسـتاد تا بر زبان سـید انبیاء نام فاطمه علیها السـلام را جاری گردانید و به فاطمه علیها السلام خطاب کرد که تو را به واسطه ی علم از جهل بریدم و هم چنین تو را از حایض شدن بریدم.

۱- جلاء العیون/ ۹۰-۹۱

پس حضرت باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که حق تعالی او را در روز الست به علم خود برگزید و از کثافت حیض و آلودگی ها مطهر گردانید.

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز روایت شده که: در فاطمه علیها السلام علت ها و کثافت های زنانه نمی باشد.

ابن بابویه به سند معتبر از ابن عباس روایت کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند. سپس حضرت فرمود: خداوندا تو می دانی که این ها اهل بیت من و گرامیترین مردم نزد من هستند. پس دوست بدار هر که ایشان را دوست دارد و دشمن دار ایشان را دشمن دارد و دوستی کن با هر که با ایشان دوستی کند و دشمنی کن با هر که با ایشان دشمنی کند و یاری کن هر که ایشان را یاری می کند و ایشان را پاکیزه و مطهر گردان از هر شک و شبهه و معصوم گردان از هر گناهی و ایشان را از جانب خود با روح القدس تقویت کن.

پس فرمود: یا علی تو بعد از من پیشوا و خلیفه ی من بر امت من هستی و تو کشاننده ی مؤمنان به سوی بهشت هستی. هنگامی که به دخترم فاطمه نگاه می کنم گویا آن لحظه ای را می بینم که به صحرای محشر می آید در حالی که بر شتری از نور سوار شده و در طرف راست و چپ و پیش روی و پشت سر او هر یک هفتاد هزار ملک باشند و زنان مؤمن امت من را به دنبال خود به سوی بهشت می برد. پس هر زنی که در شبانه روز پنج نماز واجب را ادا کرده باشد و زکات مال خود را داده و از شوهر خود اطاعت کرده و اقرار به امامت علی علیه السلام بعد از من کرده باشد، به شفاعت دختر من فاطمه داخل بهشت شود.

به درستی که دختر من فاطمه علیها السلام بهترین زنان عالمیان است

گفتند: یا رسول الله! آیا او بهترین زنان زمان خود است؟ حضرت فرمود: آن مریم دختر عمران است که بهترین زنان زمان خود بود. دختر من فاطمه علیها السلام بهترین زنان عالمیان از گذشتگان و آیندگان است.

ص:۹۲

هنگـامی که در محراب عبـادت خود می ایسـتد هفتـاد هزار ملك از ملائكه ی مقربین بر او سـلام می كننـد و به او می گویند آنچه را كه ملائكه به مریم دختر عمران می گفتند:

یا فاطِمهُ إِنّ الله اصْطفاكِ و طهّركِ و اصْطفاكِ علی نِساءِ الْعالمِین.(۱)

یعنی: ای فاطمه! به درستی كه حق تعالی تو را برگزید و مطهر و پاكیزه گردانید و تو را از میان زنان عالمیان برگزید.

پس متوجه امیرالمؤمنین علیه السـلام شد و فرمود: یا علی! فاطمه علیها السـلام پاره ی تن و نور دیده و میوه ی دل من است. هر چه او را آزرده می كنـد مرا نیز آزرده می كنـد و هر چه او را شاد می كنـد مرا نیز شاد می گرداند. اول كسـی كه از اهل بیت من به من ملحق می شود او خواهد بود. پس بعد از من با او نیكویی كن.

امام حسن و امام حسـین علیهما السـلام پسران من و دو گل بوستان من و بهترین جوانان بهشت هستند. پس باید ایشان را مانند چشم و گوش خود گرامی بداری.

سپس آن جناب دست به جانب آسـمان بلنـد كرد و فرمود: خداونـدا تو را گواه می گیرم كه من دوست می دارم كسـی را كه ایشان را دوست دارد و دشمن می دارم كسی را كه ایشان را دشمن دارد و صلحم با كسی كه با ایشان صلح است و می جنگم با كسی كه با ایشان می جنگد و یارم با كسی كه با ایشان یار است.(۲)

یونس بن ظبیان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام در پیشگاه خدا ۹ نام داشت:

فاطمه، صـدیقه، مباركه، طاهره، زكیه، راضـیه، مرضـیه، محـدثه و زهرا. سـپس فرمود: آیا می دانی معنی فاطمه چیست؟ عرض كردم: ای سرور من معنی آن را برای من بیان كن.

۱- بحارالانوار ۴۳/۲۴

۲- همان/ ۹۵

فرمود: فُطِمتْ من الشّرِ به خاطر اینکه از هرگونه بدی جدا و بریده است. سپس فرمود: اگر امیرمؤمنان علی علیه السلام نبود برای فاطمه علیها السلام تا روز قیامت در سراسر روی زمین همتایی نبود از زمان حضرت آدم علیه السلام تا پایان دنیا.(۱)

آن حضرت را از این رو طاهره می گویند که از هر گونه زشتی و پلیدی پاک بود و هرگز خون حیض و نفاس ندید. و از این رو زهرا نامیده شد که در هر روز سه بار نور جمالش برای امیرمؤمنان علی جلوه می کرد.

از نام های دیگر آن بزرگوار حِصان، حُرّه، سیّده، عُذرا، حورا، مریم، کبری و بتول است.

روایت شده از این رو آن حضرت را بتول گویند که هرگز عادت قاعدگی ندید چنانکه مریم مادر حضرت عیسی نیز به همین خاطر بتول نامیده شد.(۲)

از امام باقر علیه السلام روایت است هنگامی که فاطمه علیها السلام متولد شد خداوند عزوجل به یکی از فرشتگان دستور داد که زبان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به کلمه ی فاطمه گویا کند. بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را فاطمه نامید. سپس فرمود: من تو را به علم و دانش ممتاز نموده و از ناپاکی و خون حیض به دور نگه داشتیم. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، خداوند او را در عالم ذر و میثاق به علم مفطوم ساخت و از ناپاک دور نمود.

علامه ی مجلسی رحمه الله در ذیل این حدیث می فرماید: مفطوم شدن به علم، یعنی کسی را از پستان دانش شیر دادن تا آنجا که بی نیاز و مستغنی شود و یا اینکه از جهل و نادانی به وسیله ی علم و دانش دور گردد و یا این که کسی را از شیر گرفتن و به جای آن علم به او خورانیدن. کنایه از آنکه در آغاز آفرینش تمام علوم الهی را می دانست و به هر یک از این معانی آگاه بود. «اسم فاعل که کلمه ی (فاطمه) باشد به معنای اسم مفعول است که (مفطوم) باشد مانند کلمه ی (دافق) که به معنای (مدفوق) می آید و یا اینکه بر معنای صیغه ی (تفعیل) خوانده شود که فعل متعدی باشد». (فاطمه) یعنی تو را قطع کننده ی مردم از جهل و نادانی قرار دادم. یا اینکه

۱- اصول کافی ۱/۴۶۱

۲- بیت الاحزان/ ۲۱

معنی چنین باشد که چون خداوند او را از جهل بریده، او هم مردم را از جهل و نادانی بریده و دور نگه می دارد. البته این دو معنی را در جمله ی فطمْتُكِ عنِ الطّمْثِ نمی توان اجرا کرد، مگر با زحمت و تکلف یعنی کلمه ی طمث را به معنای دیگری بگیریم و بگوئیم (چون من تو را از ناپاکی های جسمی و روحی پاک نگه داشتم تو مردم را از ناپاکی های معنوی به دور نگه می داری)...

از عایشه روایت شده که: به هنگامی که فاطمه علیها السلام از جلو می آمد، راه رفتنش باید مانند راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. او هرگز مانند دیگر زنان خون حیض ندید، زیرا از سیب بهشتی آفریده شده بود.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمود: همانا دخترم فاطمه علیها السلام حوریه است زیرا خون حیض نمی بیند و عادت ماهانه ندارد. و از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: تا وقتی که حضرت زهرا علیها السلام زنده بود خداوند دیگر زنان را بر علی علیه السلام حرام کرده بود، زیرا حضرت فاطمه علیها السلام همیشه پاک بود و خون حیض نمی دید.

امام باقر علیه السلام روایت کرده است که: پدران بزرگوارش فرموده اند که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آن جهت طاهره نامیده شد که از هر پلیدی و ناپاکی برکنار و از هر آلودگی پاک بود. او هیچ گاه خون حیض و نفاس ندید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: تا وقتی که حضرت فاطمه علیها السلام زنده بود، خداوند عالم تمام زنان را بر علی علیه السلام حرام کرده بود زیرا او طاهره بود و خون حیض نمی دید.

علامه امینی رحمه الله می فرماید: علت اینکه درهای ورودی به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از خانه ی مردم بسته شد، آن بود که می خواستند از پلیدی های ظاهری و باطنی پاک باشد و کسانی که جنب هستند از آن عبور نکرده و کسی در آنجا جنب نشود. ولی علت آنکه در خانه ی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین در خانه حضرت علی علیه السلام بسته نشد آن بود که آن دو بزرگوار به نص آیه ی تطهیر از هر گونه پلیدی پاک بودند، حتی جنابت، آن ناپاکی معنوی که در دیگران ایجاد می شود در آنها به وجود نمی آید.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آگاه باشید که مسجد من بر هر زن حائض و هر مرد جنب حرام است مگر بر محمد و خاندانش علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فرمایش آن حضرت که فرمود: آگاه باشید این مسجد برای جنب و حائض حلال نیست، مگر برای محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آگاه باشید من برای شما نام های این افراد را گفتم که گمراه نشوید.

خلاصه ی مطلب اینکه این فرموده های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این را می رساند که باز گذاشتن در آن خانه و اجازه دادن برای اهل آن از اختصاصات کسانی است که آیه ی تطهیر در شأن آن ها نازل شده و خداوند هر گونه پلیدی را از آنان دور ساخته است. (۱)

طاهره این لقب شریف از اوصاف ذاتیه ی حضرت زهرا علیها السلام است و مشتق از طُهر و آن پاکی از حیض است و طهارت.

به معنی پاک شدن و اصل آن نظافت است.

و نزاهت کما فی المجمع و المطهر: المنزّه و الطّهوریْن الماء و التراب و طهارت جمعی است، بدون قیاس. و اهل لغت می گویند: امرأه طاهر من الحیض و طاهره من النجاسه و العیوب. و معنی طهور پاک کننده است.

کما فی قوله تعالی: «و أنْزلْنا مِن السّماءِ ماءً طهُورا»(۲)

و ثعلبی گفته:

طهُورٌ طاهِرٌ بنفْسِهِ و مُطهّرٌ لِغیْرِهِ است و قوله تعالی: «رِجالٌ یُحِبُّون أنْ یتطهّرُوا و اللهُ یُحِبُّ الْمُطّهِّرین»(۳)

یا طهارت از نجاست است علی ما هو الاکثر یا طهارت از گناهان است بر طبق فرمایش خداوند که می فرماید:

«و ازْواجٌ مُطهّرةٌ»(۴)

۱- بهجه قلب المصطفی
۲- سوره ی فرقان آیه ی ۴۸
۳- سوره ی توبه آیه ی ۱۰۸
۴- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۵

ای: نساء مطهّره من الحیض و الحدث و دنس الطبع و سوء الخلق.

و قوله تعالی: «و صُحُفاً مُطهّرهً»

ای: لاـ یمسّـِها الّـا الملائکه المطهّرون و قیل مطهره عن الباطل و الکـذب و الزّور. و فی الحـدیث: الطهوُر شـرط الایمان و الطهّر بالضّم نقیض الحیض و الاطهار ایام طهاره المرئه.(۱)

شیـخ کفعمی رحمه الله فرموده: طـاهر از اسـماء الله است. یعنی منزّه از اشـیاء و امثـال و اضـداد و انـداد و از صـفات ممکنات و حالات مخلوقات از حدوث و زوال و سـکون و انتقال و تطهُر: التنزّه عما لا یحل و چون در این عالم اسماء خداوند به گونه ای ظاهر است، مظهر اسم طاهر، فاطمه ی طاهره بود که در مخلوق مانندی نداشت و از زنان دیگر امتیاز یافت.(۲)

علامه ی مجلسی رحمه الله در کتاب مصباح الانوار از حضرت امام باقر علیه السلام روایت کرده

که فرموده: فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را طاهره نامیدند،

لِطهارتِها مِنْ کلِّ دنسٍ و طهارتِها مِنْ کلِّ رفثٍ و مارأت یوماً قطّ حُمره و لا نفاساً.(۳)

معنی «رفث» در آیه ی شریفه ی: «فلا رفث و لا فُسُوق»(۴)

دشـنام دادن است و در این حـدیث اشاره شـده است به این که فاطمه علیها السـلام غیر از طهارت از پلیدی های ظاهری بدنی، طهارت از اخلاق ذمیمه ی قبیحه ی باطنیه داشـته است. و بعـد از آن امام علیه السـلام بیان از ادناس ظاهره نموده فرمودنـد: آن مخدره ی عظمی آنچه را که زنان دیدند از نفاس و غیره ندیده است.

در حدیث دیگری لقب طاهره را از القاب خاصه اش خوانده و حضرت اقدس نبوی فرموده است:

ص:۹۷

۱- مجمع البحرین ذیل کلمه ی طهر

۲- مصباح کفعمی / ۴۵۷

۳- بحارالانوار ۴۳/۱۹

۴- سوره ی بقره آیه ی ۱۹۷

إِنّا أَهْلُ بيْتٍ قدْ أذْهب الهُن عنّا الْفواحِش ما ظهر مِنْها و ما بطن.(۱)

و در ذیـل آیه ی تطبیر - تطهیر به معنی تنزیه از هر عمـل قبیـح و متعلق طهـارت یـا طهـارت ظاهر است از پلیـدی ها یا طهارت اعضـای بـدن است از جرایم و گناهـان یـا طهـارت نفس است از اخلاق رذیله با طهارت سِرّ است از ما سوی اله – و تمام این مراتب اربعه در آن طـاهره ی مطهّره موجود است. خصوصاً مورد اخیر که آن اقبـال قلبی و توجه کلی به سوی خـدا و انقطـاع صرف از خلق و اتصال کامل به خالق است.

موانع چون در این عالم چهار است*** طهارت کردن از وی هم چهار است

نخستین پاکی از احداث و انجاس*** دوم از معصیت و از شر وسواس

سوم پاکی از اخلاق ذمیمه است*** که با وی آدمی همچون بهیمه است

چهارم پاکی سر است از غیر*** که آنجا منتهی می گرددش سیر

هر آن کس کرد حاصل این طهارت*** بود بی شک سزاوار مناجات(۲)

شیخ صدوق در امالی روایت کرده است:

ابن عباس گفت: یک روز رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم نشسته بود و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد او بودنـد. گفت: خـدایا تو می دانی که این ها اهل بیت من و گرامی ترین مردم نزد من هسـتند. هر کس که آن ها را دوسـت می دارد، دوست بـدار و هر کس که با آن ها دشـمنی می کنـد، دشـمن بدار. با کسانی که با آن ها مهربانی می کنند مهربانی کن و با کسانی که به آن ها بـدی می کنند بدی کن. به کسـی که به آن ها کمک می کند کمک کن و آن ها را از پلیدی و گناهان پاک و معصوم بدار و آن ها را به روح القدس مؤید دار.

ای علی تو امـام امت من و بر آن هـا پس از من خلیفه ای. تو پیشـروی اهـل بهشـتی. گویـا من می نگرم که دخترم فـاطمه روز قیامت بر اسبی از نور سوار است و در طرف

ص:۹۸

۱- بحارالانوار ۲۳/۱۱۶

۲- گلشن راز شبستری ابیات ۴۰۴-۴۰۸

راستش هفتاد هزار فرشته و در طرف چپش هفتاد هزار و جلو رویش و پشت سرش هر کدام هفتاد هزار فرشته باشد و زنان امتم را به بهشت رهبری می کند.

هر زنی در شبانه روز پنج نماز بخواند و ماه رمضان را روزه بدارد و حج خانه ی خدا را به جا آورد و زکات مالش را بپردازد و از شوهرش اطاعت کند و پس از من پیرو علی باشد، به شفاعت دخترم فاطمه علیها السلام به بهشت رود و که دخترم فاطمه سیده ی زنان عالمیان است

عرض شد یا رسول الله او سیده ی زنان عالم خود است؟ فرمود: او مریم دختر عمران بود. اما دخترم فاطمه علیها السلام بانوی زنان عالم از اولین و آخرین است و اوست که چون در محرابش بایستد هفتاد هزار فرشته ی مقرب بر او سلام دهند و ندائی که به مریم کردند به او کنند و گویند: ای فاطمه به راستی خدا تو را برگزید و پاک کرد و برگزید بر زنان جهانیان. سپس رو به علی کرد و فرمود: ای علی! فاطمه پاره ی تن من است و نور دیده ی من و میوه ی دلم است. هر چه او را ناراحت کند من را ناراحت کرده است و او اول کسی از خاندان من است که به من می رسد. پس از من به او خوبی کن. حسن و حسین دو پسر و دو ریحان منند و هر دو سید جوانان اهل بهشتند. باید پیش تو چون گوش و چشمت عزیز باشند. سپس دست به آسمان برداشت و گفت: بار خدایا گواه باش که من دوستدار دوست آن ها و دشمن با دشمن آن ها و سازش کار با سازش کننده ی آن ها و در نبرد با نبرد کننده ی آن هایم و دشمنم با هر که بدخواه آن ها است و دوستم با هر که آن ها را دوست دارد.

در مضمون این خبر شریف معلوم است روح القدس همراه و ملازم صدیقه ی کبری است. حال چگونه ممکن است حضرت زهرا علیها السلام به زشتی ها و پلیدی ها آلوده باشند. یعنی هر آنکه با خداست حتماً دور از آلایش مردم عادی و زمینیان است. و خدا شاهد است که فاطمه ی طاهره علیها السلام از همه ی قید و بندهای دنیایی منزهه و جوهر ذاتی و قلب ملکوتی او از همه ی ذوات مقدسه پاک تر و به عبارت دیگر:

طاب ما طهُر مِنْها و طهُر ما طاب مِنْها مِن العِلِلِ و العادات علی حسب الفِطْرهِ الاُولی و عنِ الأقْذار و اذْناسِ الغواشی.

و معلوم شد که:

اولاً: از زنان سلف زن را طاهر و طاهره می نامیدند یعنی از پلیدی های ظاهری و باطنی پاک بوده است.

ثانیاً: این لقب مخصوص زنی است که در زمان او زنی بهتر و بالاتر از جهت قدس و زهد و علم و فضل و حسب و نسب و اصالت و عطا و بخشش و عصمت و عفت از او نباشد.

الحصان: این لقب شریف از برترین القاب حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام است و حصنا زنی است که پارسایی و عفت خود را نگاه می دارد.

حصنُتِ المرْأهُ حُصْناً ای عفّت فهی خاصن احْصنتِ المرأه.

زن پارسا گردید یا شوهر کرد.(۱)

خداوند در حق مریم علیها السلام فرموده:

«و الّتی أحْصنتْ فرْجها فنفخْنا فیها مِنْ رُوحِنا و جعلْناها و ابْنها آیهً لِلْعالمین»(۲)

یعنی مریم علیها السلام از روی عفت و پاکدامنی نفس خود را حفظ و نگهداری کرده و خداوند سبحان به او حضرت عیسی علیه السلام را مانند ماه تابان در شب تاریک ظلمانی مرحمت فرمود و بعد از مریم علیها السلام حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام از روی عفت نفسانیه و عصمت ذاتیه ی خود دو پسر که نوه ی پیغمبر صلی الها علیه و آله و سلم بودند آورد. [خود معصومه و شوهرش معصوم و یازده فرزندش هم از معصومین]

۱- فرهنگ جامع

۲- سوره ی انبیا آیه ی ۹۱

در کتاب مناقب محمد بن شـهر آشوب مازندرانی رحمه الله و کتاب خرائج و جرایح روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:

إِنَّ فَاطِمَهَ أَحصَنَت فَرجَهَا فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّار(۱)

همانا فاطمه پاکدامن بود پس خداوند ذریه اش را بر آتش حرام کرد.

*** احصان به چهار معنی تفسیر شده**

۱- عصمت، کقوله تعالی: (أحصَنَت فَرجَها)

۲- ازدواج، کقوله تعالی: (وَ المُحصَنَاتُ مِنَ النِّساء)

۳- زن آزاد، کقوله تعالی: (وَ مَن لَم یَستَطِع مِنکُم طَولاً أن یَنکِحَ المُحصَنات)

۴- اسلام، کقوله تعالی: (فَإذا أُحصِنَّ فَإن أَتینَ بِفاحِشَه)

و تمام این مراتب به طور کامل در وجود مقدسه ی حضرت زهرا علیها السلام موجود است.

و کذلک بناتٌ طاهرات و بنین مطهّرین.

تمام کمالات و موصوفات که در مورد وجود حضرت زهرا علیها السلام است در مورد مردان این خانواده و قوم نیز است:

لَقَد عَلَمتَ قُرَیشُ غَیر فَخرٍ*** بِانّا نَحنُ اَجوَدُهُم حضاناً

وَ اَکثَرَهُم دُرُوعاً سابِغاتٍ*** وَ اَمضاهُم اِذا طَعَنوا سَناناً

وَ اَرفَعُهُم عَنِ الضّراءِ فیهِم*** وَ أَبنیهُم اِذا انطَلقُوا لِسانا

ص: ۱۰۱

۱- مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۲۷۳

* زکّیه

این لقب مبارک نیز دلالت بر طهارت ذات کثیر البرکات حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام می کند و از صفات خاصّه ی معصومین علیهم السلام است.

تزکیه در لغت به معنی تطهیر است و زکاه چون پاک کننده ی اموال است به این اسم موسوم گردید. در تفسیر آیه ی:

(قَد أَفلَحَ مَن زَكَّاها)(۱)

اهل تفسیر گفته اند، تزکیه به معنای تطهیر از اخلاق ذمیمه است، که ناشی از غضب و حسد و بخل و حبّ جاه و حبّ دنیا و کبر و عجب است.

فرقی که بین طاهره و زکیّه است این است که: در زکیه، تزکیه شده است، اما طاهره چنین نیست. یعنی هر قدر بماند طاهر است. اگر تزکیه هم نکند طاهر و منزّه است از اخلاق رذیله و اما زکیّه، تزکیه می خواهد. فرق بین زاکیه و زکیه این است که زکیه به معنی طاهره است یعنی کسی که پاک است از جنایت کردن و نباید موجب قتل شود. جمعی آیه ۷۴ سوره کهف را زاکیه قرائت کرده اند:

(أَ قَتَلتَ نَفساً زَكِيَّةً)

و بین زاکیه و زکیه فرق گذاشته اند و گفته اند که زاکیه هرگز گناه نکرده و زکیه کسی است که گناه کند و آمرزیده شود و به بیان دیگر: نتیجه ی تزکیه طهارت است و طاهره خود نفس طهارت است. پس طاهره قوی تر از زکیه است.

در این بزرگی مقام و صفت حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام به زکیه آن است که گفته می شود آن بزرگوار فلاح و رستگاری یافت از زکات و طهارت فطریه ی ذاتیه و از اخلاق زشت و ناپسند دور بود و از آن چه که موجب نجات از عقوبات قیامت است رستگار است(۲)

ص: ۱۰۲

۱- سوره شمس آیه ۹

۲- البته مقام آن بزرگوار بالاتر از این حرف ها می باشد چون بهشت و جهنم و ... از وجود ایشان خلق شده است.

*** در زیارت آن بزرگوار چنین آمده است:**

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ صَلِّ عَلَی الْبَتُولِ الطَّاهِرَهِ الصِّدِّیقَهِ الْمَعْصُومَهِ التَّقِیَّهِ النَّقِیَّهِ الرَّضِیَّهِ الْمَرْضِیَّهِ الزَّکِیَّهِ الرَّشِیدَهِ الْمَظْلُومَهِ الْمَقْهُورَهِ الْمَغْصُوبَهِ [الْمَغْصُوبِ] حَقُّهَا الْمَمْنُوعَهِ [الْمَمْنُوعِ] إِرْثُهَا الْمَکْسُورَهِ [الْمَکْسُورِ] ضِلْعُهَا الْمَظْلُومِ بَعْلُهَا الْمَقْتُولِ وَلَدُهَا فَاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِکَ وَ بَضْعَهِ لَحْمِهِ وَ صَمِیمِ قَلْبِهِ وَ فِلْذَهِ کَبِدِهِ وَ النُّخْبَهِ [وَ التَّحِیَّهِ] مِنْکَ لَهُ وَ التُّحْفَهِ خَصَصْتَ بِهَا وَصِیَّهُ وَ حَبِیبَهِ [وَ حَبِیبَهُ] الْمُصْطَفَی وَ قَرِینَهِ [وَ قَرِینَهُ] الْمُرْتَضَی وَ سَیِّدَهِ النِّسَاءِ وَ مُبَشِّرَهِ الْأَوْلِیَاءِ حَلِیفَهِ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ وَ تُفَّاحَهِ الْفِرْدَوْسِ وَ الْخُلْدِ الَّتِی شَرَّفْتَ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّهِ وَ سَلَلْتَ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَئِمَّهِ وَ أَرْخَیْتَ دُونَهَا حِجَابَ النُّبُوَّهِ(۱)

یعنی: خدایا بر محمّد و اهل بیت او رحمت فرست و بر بتول، طاهره، صدّیقه، معصومه، تقیّه، نقیّه، رضیّه، مرضیّه، زکیّه، رشیده، ستم دیده و مقهوره درود فرست. حق او غصب شد و ارثش را بردند و دنده اش را شکستند و بر شوهرش ستم کردند. فرزندش، کشته شد فاطمه دختر گرامی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم پاره ی تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و سویدای قلب او و پاره ی جگر او و انتخاب شده ی تو برای او است و تحفه و هدیه ای که مخصوص وصیّتش [امیر المؤمنین علیه السلام] ساختی و محبوبه ی مصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم و همسر گرامی مرتضی علیه السلام و سیده ی زنان عالمیان و مژده گیر به امامان و حلیف ورع و زهد و سیب بهشت و خلودی که میلادش را به زنان بهشت مشرّف گردانیدی و انوار امامان را از او به وجود آوردی و برابر او پرده ی نبوّت افکندی...

ص: ۱۰۳

۱- مفاتیح الجنان

هی و الله آیه لرسول الله*** بل رَحمتُه بها أهداها

هی عند الاله اعظم خلقاً*** و بها دار فی القرآن رحاها

هی مشکوه عصمه علقت*** من سماء الوجود مثل رکاها

اُمّ آل الرّسول عُصبَتُهم*** هی لولاها لم یکن آل طه

بابی ثمّ اُرتی ثمّ اَهلی*** ثمَّ مالی و من سواها فداها

بأبی فاطماً و قد فطمت*** باسمها نار حشرها و لظاها

بأَبی فاطماً شَفیعه حشرٍ*** بابی من بحکمها شفعاها

بأَبی من تکون خالصه*** عن میولات نفسها و هواها

شمس امّ القری و امّ ابیها*** بأبی امّها و امّی ایاها

و لقد قلت انّها علمت*** آخر الکاینات من مبداها

کلّ من یجتنی ثمار علوم*** هی والله امّها و مناها

کیف اُحصی ثنائها وَ لَعَمری*** عجز النّاس عن اداء ثناها(۱)

* دلیل دیگر بر عصمت زنان برگزیده شده

قال الله تبارک و تعالی: (وَ إِذ قالَتِ المَلائِکَهُ یا مَریَمُ إِنَّ اللهَ اصطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصطَفاکِ عَلی نِساءِ العالَمینَ* یا مَریَمُ اقنُتی لِرَبِّکِ وَ اسجُدی وَ ارکَعی مَعَ الرَّاکِعین)(۲)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است. ای مریم! (به شکرانه ی این نعمت) برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جا بیاور و با رکوع کنندگان رکوع نما.

۱- خصائص فاطمیه/ ۱۱۸

۲- سوره آل عمران آیات ۴۲- ۴۳

یعنی همچنـان که مریم را از زنـان زمـان خودش برگزیـدم، فـاطمه ی زهرا علیهـا السـلام را از بـانوان عالمیـان انتخاب کردم و برگزیـده ی ماست و معلوم است که پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سـلّم افضل از عمران است و فرزنـدان فاطمه علیها السـلام از حضرت عیسی علیه السلام افضلند.

همان است که حسان بن ثابت در شعر خود گفته است:

وَ اِن اَحصَنَت مَریَمُ فَرجَها*** فَجائَت بِعَینی کَبدرِ الدُّجی

لَقَد اَحصَنَت فاطِمُ بَعدَها*** فَجائَت بسبطی نَبی الهُدی

و حضرت مریم علیها السلام بزرگترین شخصیت زن در جهان خود بوده است، اما حضرت صدیقه ی کبری علیها السلام افضل بانوان دو عالم است.

فی کتاب علل شـرایع باسـناد الی اَبی عبدالله علیه السلام انه قال: إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهُ علیها السلام مُحَدَّثَهً لِأَنَّ المَلَائِکَهَ کَانَت تَهبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِیهَا کَمَا تُنَادِی مَریَمَ بِنتَ عِمرَانَ، فَتَقُولُ یَا فَاطِمَهُ إِنَّ اللهَ اصطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصطَفاکِ عَلی نِساءِ العالَمِینَ(۱)

یَا فَاطِمَهُ اقنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسـجُدِی وَ ارکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ فَتُحَـدِّثُهُم وَ یُحَـدِّثُونَهَا فَقَـالَت لَهُم ذَاتَ لَیلَهٍ أَ لَیسَتِ المُفَضَّلَهُ عَلَی نِسَـاءِ العَالَمِینَ مَریَمَ بِنتَ عِمرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَریَمَ کَانَت سَـیِّدَهَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَکِ سَیِّدَهَ نِسَاءِ عَالَمِکِ وَ عَالَمِهَا وَ سَیِّدَهَ نِسَاءِ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِین(۲)

امام صادق علیه السـلام فرمود: همانا فاطمه علیها السـلام محدثه نامیده شده چون که ملائکه از آسمان پایین می آمدند و او را صـدا می زدنـد، همان طوری که مریم علیها السـلام را صـدا می زدنـد و می گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و طاهر و پاکیزه خلق کرده و بر زنان عالمیان برتری داده است.

ص: ۱۰۵

۱- نور الثقلین ۱/ ۳۳۶

۲- همان ۱/ ۳۳۷

ای فاطمه! برای پروردگارت عبادت کن و سجده بنما و رکوع کن با رکوع کنندگان. پس حضرت فاطمه علیها السلام با آنان سخن می گفت. یک شبی حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: مگر مریم دختر عمران سرور زنان جهانیان نیست؟ ملائکه گفتند: مریم سرور زنان عالم خود بود و خداوند تو را سرور زنان اولین و آخرین قرار داده است.

عَن ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ خَطَّ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم أَربَعَ خِطَطٍ فِی الأَرضِ وَ قَالَ أَتَدرُونَ مَا هَذَا؟ قُلنَا: اللهُ وَ رَسُولُهُ أَعلَمُ. فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم أَفضَلُ نِسَاءِ أَهلِ الجَنَّهِ أَربَعٌ: خَدِیجَهُ بِنتُ خُوَیلِدٍ وَ فَاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ مَریَمُ بِنتُ عِمرَانَ و آسِیَهُ بِنتُ مُزَاحِمٍ امرَأَهُ فِرعَون(۱)

ابن عباس گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم چهار خط روی زمین کشید و فرمود: می دانید خط ها چیست؟ گفتند: خدا و رسولش آگاه هستند. فرمود: برترین زنان بهشتی چهار زنند، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلّم، مریم دختر عمران و آسیه زن فرعون دختر مزاحم.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم فِی وَصِیَّتِهِ لَهُ: یَا عَلِیُّ! إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَشرَفَ عَلَی الدُّنیَا فَاختَارَنِی مِنهَا عَلَی رِجَالِ العَالَمِینَ، ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّانِیَهَ فَاختَارَکَ عَلَی رِجَالِ العَالَمِینَ بَعدِی، ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّالِثَهَ فَاختَارَ الأَئِمَّهَ مِن وُلدِکَ عَلَی رِجَالِ العَالَمِینَ بَعدَکَ. ثُمَّ اطَّلَعَ الرَّابِعَهَ فَاختَارَ فَاطِمَهَ عَلَی نِسَاءِ العَالَمِین(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در وصیت خود به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا علی خداوند عزوجل بر دنیا نگریست مرا بر اهل عالم برگزید. سپس برای بار دوم تو را بر مردان عالم اختیار کرد. سپس برای بار سوم ائمه ی هدی علیهم السلام از فرزندان تو را برگزید و بر مردان عالم اختیار نمود. سپس برای بار چهارم فاطمه علیها السلام را برگزید و بر زنان دو عالم برتری داد.

۱- خصال ۱/ ۱۹۵

۲- همان ۱/ ۱۹۶

* صدیقه ی طاهره، معصومه است باید معصوم او را غسل دهد

مفضل بن عمر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه کسی فاطمه علیها السلام را غسل داد؟ فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام. من از فرمایش او دلگیر شدم. حضرت فرمود: گویا از این جمله دلگیر شدی؟ عرض کردم: آری. فرمود: دلگیر نشو او صدیقه است و جز صدیق کسی نباید او را غسل دهد. مگر نمی دانی که مریم علیها السلام را کسی جز حضرت عیسی علیه السلام غسل نداد(۱)

* اما روایات

۱- عَن عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلّم سُئِلَ مَا البَتُولُ؟ فَإِنَّا سَمِعنَاکَ یَا رَسُولَ اللهِ تَقُولُ إِنَّ مَریَمَ بَتُولٌ وَ فَاطِمَهَ بَتُولٌ. فَقَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم: البَتُولُ الَّتِی لَم تَرَ حُمرَهً قَطُّ أَی لَم تَحِض فَإِنَّ الحَیضَ مَکرُوهٌ فِی بَنَاتِ الأَنبِیَاء(۲)

در مباحث قبل گذشت که دختران انبیا خصوصاً حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام آلوده به خون حیض نمی شوند. علاوه بر این، آیه ی تطهیر نیز گذشت و این آیه ثابت می کرد که فاطمه ی زهرا علیها السلام از هر نظر معصومه است.

۲- عن الصَّادِقُ علیه السلام تَدرِی أَی شَیءٍ تَفسِیرُ فَاطِمَهَ علیها السلام قَالَ: فُطِمَت مِنَ الشَّرِّ وَ یُقَالُ: إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهَ لِأَنَّهَا فُطِمَت عَنِ الطَّمث(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ معنی فاطمه این است که از بدی و شر بریده شده است و گفته شده: فاطمه به خاطر این فاطمه نامیده شد که آن حضرت از طمث بریده شده است.

کلمه ی طَمث در لغت عرب به معنی حیض شدن است. المَرأه طَمثاً: حائض شدن زن. طَمث: فساد، خون، شک و ریبه(۴)

ص: ۱۰۷

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۵

۲- همان ۴۳ /۱۶

۳- وسائل الشیعه ۲/ ۷۱۴- ۷۱۵

۴- فرهنگ جامع

پس حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام از تمام بدی ها و شرها و نواقص و کمبودها و آلودگی های ظاهری و باطنی و هرچه که باشد بریده شده است. زیرا در غیر این صورت با مقام عصمتش منافات دارد و قوی ترین دلیل بر عصمت آن بزرگوار همان آیه ی تطهیر است که مفصل توضیح داده شد.

۳- سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم مَا البَتُولُ؟ قَالَ: الَّتِی لَم تَرَ حُمرَةً قَطُّ وَ لَم تَحِض فَإِنَّ الحَیضَ مَکرُوهٌ فِی بَنَاتِ الأَنبِیَاءِ وَ قَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم لِعَائِشَةَ: یَا حُمَیرَاءُ! إِنَّ فَاطِمَةَ لَیسَت کَنِسَاءِ الآدَمِیِّینَ لَا تَعتَلُّ کَمَا تعتلن(۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم پرسیده شد: معنی بتول چیست؟ حضرت فرمودند: بتول آن زنی است که هرگز سرخی نبیند (خون حیض). زیرا حیض در دختران انبیا ناپسند است (یعنی قبیح می باشد) و در جواب عایشه فرمودند: ای حمیرا! به درستی که فاطمه همانند زنان دیگر نیست که خون حیض ببیند (یعنی او معصومه و مطهره است)

کلمه ی لا۔ تعتل علت است و علت، یعنی بیماری و مرض و ... مانند خون حیض که خود علت است که در میان زنان وجود دارد اَعَلَهُ اللهُ: خداوند او را بیمار گردانید. تَعَلَّتِ المَرئَه مِن نِفاسِها: زن از ایام نفاس بیرون آمد.

اِعتِلال: مشغول داشتن به کاری. عارض شدن چیزی. بیمار گردیدن(۲)

۴- قَالَ أَبُو عَبدِ اللهِ علیه السلام حَرَّمَ اللهُ النِّسَاءَ عَلَی عَلِی مَا دَامَت فَاطِمَهُ حَیَّهً لِأَنَّهَا طَاهِرَهٌ لَا تَحِیض(۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند تا زمانی که فاطمه علیها السلام زنده بود، زنان دیگر رابر علی بن ابی طالب علیه السلام حرام کرد زیرا فاطمه علیها السلام حیض نمی شد.

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۶

۲- فرهنگ جامع

۳- بحار الانوار ۴۳/ ۱۶

* فاطمه علیها السلام علت غائی است

۵- کسی که سبب روشنی دادن به عوالم و ملائکه ی آسمان است و کسی که چندین میلیون سال قبل از خلقت آدم علیه السلام و غیره بوده و تمام عوالم دنیا و آخرت به وجود او پا به عرصه ی حیات گذاشته اند و اگر او نبود هیچ مخلوقی وجود پیدا نمی کرد [که روایات بسیاری در این مورد آمده است]، باید کسی باشد که از تمام نواقص بشری و آلودگی های ظاهری و معنوی مبرا باشد.

علامه مجلسی رحمه الله از کتاب ارشاد القلوب دیلمی از سلمان فارسی نقل کرده که: سلمان فارسی گوید: در مسجد حضور رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم نشسته بودم در این هنگام عباس عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم وارد شد و سلام کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم او را جواب گفت:

عرض کرد: یا رسول الله! برای چه خداوند اهل بیت علی بن ابی طالب علیه السلام را بر ما فضیلت داد با اینکه اصل و ریشه ی ما یکی است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: الان تو را آگاه خواهم کرد. ای عمو! بدان که خداوند تبارک و تعالی من و علی را در وقتی آفرید که نه آسمان و نه زمینی و نه بهشتی و نه جهنمی و نه لوحی و نه قلمی بود. سپس هنگامی که خداوند عزوجل اراده نمود آدمی را خلق کند ما را آفرید. کلمه ای گفت و آن کلمه نور شد. سپس برای بار دوم کلمه ای دیگر گفت و آن روح شد. آن دو را ممزوج و مخلوط کرد و من و علی را از آن دو بیافرید.

سپس از نور من عرش را خلق کرد، پس مقام من از عرش بالاتر است. سپس از نور علی علیه السلام آسمان ها را خلق کرد، پس علی علیه السلام از آسمان ها والاتر است. سپس از نور حسن علیه السلام نور خورشید و از نور حسین علیه السلام نور ماه را آفرید. پس آن دو بزرگوار از خورشید و ماه بزرگتر و بالاتر هستند. (اصلاً سبب به وجود آمدن خورشید و ماه حسن و حسین علیهم السلام بوده است).

و ملائکه خداوند متعال را تسبیح می گفتند، و در تسبیحشان می گفتند: سبوح قدوس از انواری که خداوند آن ها را گرامی داشت.

ص: ۱۰۹

هنگـامی که خداونـد متعـال اراده فرمود تا ملائکه را بیازمایـد، ابری از ظلمت و تاریکی بر آنان فرسـتاد که ملائکه هیـچ جا را نمی دیدند. نه اول و نه آخر را. ملائکه عرضه داشـتند: الها و سیّدا از زمانی که ما را آفریده ای هرگز چنین ظلمتی ندیده ایم. مـا تو را به حق این انوار طیبه ای که خلق کردی و آن هـا را بر همه چیز فضـیلت و برتری داده ای قسم می دهیم تا این پرده ی تاریکی و ظلمت را از ما برطرف کنی.

خـدای عزوجـل فرمود: به عزت و جلالـم سوگنـد این کار را انجام می دهم [تا شـما بفهمیـد که من موجودی بهتر از این انوار مقدسه نیافریدم و مطیع آن ها گردید و در مقابل آنان تواضع نشان دهید] سپس نور فاطمه علیها السلام را آفرید و مطیع آن ها گردید و در مقابل آنان تواضع نشان دهید] سـپس نور فاطمه علیها السلام را آفرید و آن را مانند قندیل به عرش معلق گردانید. و آسـمان هـا و زمین هـای هفت گانه به واسـطه ی نور فاطمه ی زهرا علیها السـلام روشن شدنـد. و به همین خاطر فاطمه علیها السلام زهرا نامیده شد.

ملائکه نیز تسبیـح خـدا را گفتنـد و خداونـد را سـتایش کردنـد. پس خداونـد فرمود: به عزت و جلالم سوگند، ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای محبین فاطمه و پدر و شوهر و فرزندانش قرار دادم.

سلمان می گوید: عباس بن عبدالمطلب بیرون آمد و در راه علی بن ابی طالب علیه السلام را ملاقات کرد. پس او را به سینه ی خود چسباند و میان دو چشم او را بوسید و گفت: به فدای عترت (محمّد) مصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم شوم که خداوند شما اهل بیت و عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم را اکرام فرمود(۱)

از این قبیـل روایـات صـدها مورد چه در کتب شـیعه و چه کتب عـامه وجود دارد که دائر مـدار افضـل و اشـرف بودن چهارده معصوم علیهم السـلام می باشـند و علت غایی همه ی مخلوقات این بزرگوارانند که در حدیث شـریف کساء اشاره شد و سابقاً گـذشت. پس اگر اهـل بیت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلّم معصوم نبودنـد خصوصاً حضـرت صـدیقه ی طاهره علیها السلام خداوند این همه تشریفات را در احادیث قدسی و قرآنش بیان نمی کرد. خداوند،

۱- همان ۲۵/ ۱۶

بزرگان و انبیا از آدم علیه السلام تا انبیای اولوالعزم را به بهانه ای دچار بلا و گرفتاری کرد و به برکت توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت معصومش آنان را نجات می داد.

۶- وَ فِی کِتَابِ مَولِدِ فَاطِمَهَ علیها السلام لِابنِ بَابَوَیهِ یَرفَعُهُ إِلَی أَسمَاءَ بِنتِ عُمَیسٍ قَالَت: قَالَ لِی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ قَد کُنتُ شَهِدتُ فَاطِمَهَ علیها السلام وَ قَد وَلَدَت بَعضَ وُلدِهَا فَلَم أَرَ لَهَا دَماً فَقَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم: إِنَّ فَاطِمَهَ خُلِقَت حُورِیَّهً فِی صُورَهِ إِنسِیَّه(۱)

اسماء بنت عمیس می گوید: فاطمه علیها السلام بچه های خود را که به دنیا آورد و من از او قطره ی خونی ندیدم. این مطلب را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم گفتم: که من خود در بعضی از ولادت بچه های او حاضر بودم اما خونی از او ندیدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در جواب اسماء بنت عمیس فرمودند:

فاطمه علیها السلام حوریّه ای در صورت انسان است یعنی فاطمه به ظاهر انسان است ولی در حقیقت، او حوریه می باشد. یعنی خلاصه خون و آلودگی در او راه ندارد و همانند زنان دیگر نیست که سرخی ببیند و آلوده به خون حیض یا نفاس گردد، چون خدا او را پاک و مطهر قرار داده است.

۷- فی مِصبَاحُ الأَنوَارِ، عَن أَبِی جَعفَرٍ عَن آبائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَهَ، لِطَهَارَتِهَا مِن کُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِن کُلِّ رَفَثٍ وَ مَا رَأَت قَطُّ یَوماً حُمرَهً وَ لَا نِفَاساً(۲)

امام باقر علیه السلام از پدران گرامیشان روایت فرموده اند که: همانا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلّم طاهره نامیده شده به خاطر اینکه از هر دنس طاهر و پاک است و به خاطر اینکه از هر رفث پاک و پاکیزه می باشد و هرگز یک روز هم (بلکه یک لحظه هم) نه خون حیض دید و نه نفاس.

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۷

۲- همان ۴۳/ ۱۹

کلمه ی دنس به معنی چرک و پلیدی است و کلمه ی رفث به معنی کلام قبیح و زشت و هم به معنی جماع آمده است. شاید در این جا کنایه از عدم جنابت باشد. یعنی معصوم این حالت را که سایر مردم دارند، ندارد و پاک و مطهره است که سابقاً اشاره شد.

* شبهه ی اوّل

بعضی ها از روی ناآگاهی به بعضی روایات اشکال گرفته و روایت معروف و مشهور نبوی صلی الله علیه و آله و سلّم را زیر سئوال آورده و به او خدشه وارد کرده اند. آن روایت این است که از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که از او پرسیدند: چرا حضرت زهرا علیها السلام را بتول ملقب گردیده است؟

آن حضرت در جواب فرمودند: برای اینکه او مانند زنان دیگر حیض نمی بیند و هرگز از او خون حیض دیده نشده است. آن فرد مذکور روایت را نپذیرفته و گفته است همان طوری که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مقتضای آیه ی کریمه ی:

(قُل إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُم...)(۱)

مانند دیگر افراد بشر [خواب و خوراک و ... داشت](۲) بی تردید چه خدیجه ی کبری علیها السلام و چه فاطمه ی زهرا علیها السلام و چه مادران سایر ائمه ی معصومین علیهم السلام را نمی توان از غرائز بشری و عروض عادات عمومی زن ها مستثنی ساخت، مگر اینکه آن روایات (در صورت صحّت صدورشان) توجیه و تفسیر گردد. مانند اینکه گفته شود مثلاً هنگام به دنیا آمدن امامان، مادرانشان پاک و پاکیزه بوده اند و یا مطلقاً خون حیض و نفاس و استحاضه از آن ها دیده نشده است. چنانکه در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است که:

لَم یُرَ علی بَولٍ وَ لا غائطٍ قَطُّ.

یعنی هرگز او را در حال بول و غائط ندیده اند.

۱- سوره کهف آیه ی ۱۱۰

۲- سوره ی فصلت آیه ی ۶

*** جواب شبهه**

با کمال تأسف این آقا با روایات آشنایی ندارد و نه تنها روایات، بلکه با قرآن هم آشنایی ندارد. با اینکه نصّ قرآن و روایات نبوی و روایات ائمّه علیهم السلام را سابقاً بیان کردیم و مفصل توضیح دادیم. از آیه ی تطهیر و غیره ثابت کردیم که حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام مقام عصمت دارد و در رتبه سوم قرار گرفته است. و حتی از تفاسیر شیعه و سنی گفته شد که آیه ی تطهیر را بیان کرده اند و آن حضرت، از همه جهات از تمام آلودگی های ظاهری و باطنی پاك و مطهر است که بیانش گذشت و آیات دیگر همچون آیه ی شریفه ۴۲ سوره ی مبارکه ی آل عمران:

(وَ إِذ قَالَتِ المَلَائِكَةُ يا مَرِيَمُ إِنَّ اللهَ اصطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصطَفاكِ عَلى نِساءِ العالَمين)

و افضلیت حضرت صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها السلام را بر مریم علیها السلام توضیح دادیم و گفتیم تفسیر ظاهری این آیه مربوط به مریم علیها السلام بود ولی تفسیر معنوی و تأویل آن مربوط به حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام بود. و اما روایات عدیده ای در بحار و کتب دیگر راجع به عصمت و طهارت حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام ذکر کردیم. روایات از نظر سند هیچ اشکالی ندارند. نه یک روایت بلکه روایات متعددی بالاتر از تواتر در کتب شیعه و سنی در فضائل و مناقب و عصمت و طهارت آن بزرگوار داریم و خلاصه در حق کسی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وَقالَ اَللّهُمَّ اِنَّ هؤُلاَّءِ اَهْلُ بَيْتى وَخاَّصَّتى وَحاَّمَّتى لَحْمُهُمْ لَحْمى وَدَمُهُمْ دَمى يُؤْلِمُنى ما يُؤْلِمُهُمْ وَ يَحْزُنُنى ما يَحْزُنُهُمْ اَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَهُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُمْ وَ مُحِبٌّ لِمَنْ اَحَبَّهُمْ اِنَّهُمْ مِنّى وَ اَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صَلَواتِكَ وَ بَرَكاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ غُفْرانَكَ وَ رِضْوانَكَ عَلَىَّ وَ عَلَيْهِمْ وَ اَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهيراً.

و در حق کسی که خدای تبارک و تعالی به ملائکه فرموده:

فَقالَ اللّهُ عَزَّوَجلَّ یا مَلاَّئِکَتی وَ یا سُکّانَ سَمواتی اِنّی ما خَلَقْتُ سَماَّءً مَبْنِیَّهً وَلا اَرْضاً مَدْحِیَّهً وَلا قَمَراً مُنیراً وَلا شَمْساً مُضِیَّئَهً وَلا فَلَکاً یَدُورُ وَلا بَحْراً یَجْری وَلا فُلْکاً یَسْری اِلاّ فی مَحَبَّهِ هؤُلاَّءِ الْخَمْسَهِ الَّذینَ هُمْ تَحْتَ الْکِساَّءِ فَقالَ الْامینُ جِبْراَّئیلُ یا رَبِّ وَ مَنْ تَحْتَ الْکِساَّءِ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ اَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ وَمَعْدِنُ الرِّسالَهِ هُمْ فاطِمَهُ وَ اَبُوها وَ بَعْلُها وَ بَنُوها(۱)

به قدری ما دلیل بر عصمت و طهارت صدّیقه ی طاهره داریم که ریب و شک و ابهام و جهل برای کسی باقی نخواهد ماند.

در یک کلام حق شناخت و معرفت به ساحت مقدسه حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام همانند منزلت شب قدر است.

«البته معرفت به ساحت آن بزرگوار قابل قیاس با این منزلت (شب قدر) نیست بلکه از باب تمثل است.»

و باید پذیرفت و اقرار نمود که معرفت کامل به حبیبه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نداریم.

و در جواب آیه شریفه که درسوره ی کهف می فرماید:

(قُل إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُم یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُم إِلهٌ واحِدٌ...)

باید گفت که در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام چنین آمده است:

۱- فی تفسیر علی بن ابراهیم قمی جَعفَرُ بنُ أَحمَدَ عَن عُبَیدِ اللهِ بنِ مُوسَی عَنِ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ بنِ أَبِی حَمزَهَ عَن أَبِیهِ وَ الحُسَینِ بنِ أَبِی العَلَاءِ وَ عَبدِ اللهِ بنِ وَضَّاحٍ وَ شُعَیبِ العَقَرقُوفِیِّ جَمِیعُهُم عَن أَبِی بَصِیرٍ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام فِی قَولِهِ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُم یعنی فِی الخَلقِ أَنَّهُ مِثلُهُم مَخلُوق...(۲)

یعنی: من در خلقت مانند شما آفریده شده هستم (و آفریننده نیستم)

۱- حدیث شریف کساء

۲- نور الثقلین ۳/ ۳۱۳- تفسیر صافی ۲/ ۳۵

۲- عَن أَبَانِ بنِ تَغلِبَ عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکَم أَتَزَوَّجُ فِیکَم وَ أُزَوِّجُکُم إِلَّا فَاطِمَهَ علیها السلام فَإِنَّ تَزوِیجَهَا نَزَلَ مِنَ السَّمَاء.

ابان بن تغلب از ابی جعفر علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: همانا من نیز مثل شما بشر هستم و مانند شما ازدواج می کنم ولی فاطمه مانند شما نیست زیرا ازدواج او براساس فرمانی که از آسمان نازل شد صورت گرفت.

به او می گویم: مراد از بشرٌ مثلکم در آیه ی شریفه چیست؟ آیا معنی آن این است که من بشری در صورت، مثل شما هستم؟ یا آنکه بشری به صورت و سیرت و جنس و ذات و بدن و حقیقت مانند شمایم؟ یعنی آثار و خصوصیات بدن های شما و بدن من یکی است؟ مورد دوم که اشتباه است. [صدها روایات و اخبار، درباره ی طینت پیغمبر و ائمه هدی طیّب علیین و خالص است.]

کیفیت ولادت و ایام شیر خوارگی و احوال ایشان و سایه نداشتن و از جلو و پشت سر دیدن و روایات خلقت ارواح و قلوب شیعه از زیادی گِل پاکیزه ی آنان. همه ی این روایات که از حد تواتر افزون است که بیشتر آن ها در کتاب شریف کافی و بصائر الدرجات و غیره موجود می باشند(۱)

و اختصاصاتی دارد چه در احکام تشریعی و چه تکوینی و چه شخصی و از جمله ی آن ها طهارت از انواع نجاسات است. نه از نجاسات اند و نه مولد آن و نه منتهی به آن می شوند و آنچه ولایت دارند در تشریع و تکوین همه ی این ها از جانب خداوند متعال به اهل بیت عصمت و طهارت اضافه شده است و هیچ کدام از آن ها را مستقل ندارند.

نویسنده ای که در بعضی از مقالات خود می نویسد چه خدیجه ی کبری علیها السلام و چه فاطمه علیها السلام و چه مادران سایر ائمه را نمی توان از غرائز بشری و عروض عادات عمومی زن ها مستثنی ساخت، در جوابش باید گفت: مگر در این عالم استثنا وجود

۱- در بحارالانوار ۱/ ۲۵- ۲۲۵- ۶۷- ۷۷ علاوه بر اینکه بر او وحی می شود.

نـدارد. مگر نه اینکه در همین مورد عادت ماهانه اختلاف وجود دارد بعضـی از زن ها مدت عادت ماهانه شان ۳ روزه است و بعضی بیشتر (تا حداکثر ۱۰ روز)

مگر نه اینکه صریحاً آیات قرآن است که باردار شدن حضرت مریم علیها السلام بدون شوهر است؟ مگر نه اینکه همسر بعضی پیامبران در حالیکه نازا بودنـد و در سن یائسـگی به سـر می بردنـد بشارت فرزند دار شدن به فرزندانی همچون یحیی به آن ها داده شده؟ معنای این حرف یعنی چه که فاطمه علیها السـلام را نمی شود از عادات زنانه مستثنی کرد؟ یعنی همانند زنان عادی است. اینکه به مقام عصمت آن بزرگوار توهین است پس معصومه بودن آن حضرت چه می شود؟

خلاـصه مـا حق نـداریم که تفسـیر و توجیه کلاـم اهل بیت علیهم السـلام را به دلخواه خود و بـدون دلیل و مجوز شـرعی تغییر دهیم.

در روایات آمده است: حَدِیثَنَا صَعبٌ مُستَصعَب.

فهم و درک حـدیث مـا سـخت و مشـکل است و دانسـتن آن کـار هر کسـی نیست. همچنان که قرآن آیات ناسـخ و منسوخ و متشابه و محکم دارد روایات اهل بیت علیهم السلام نیز همین طور است. پس حرف این شخص برخلاف صریح قرآن و گفتار حضرات معصومین علیهم السلام است و باید به عدم فهم و عقل و فکر خود اقرار و اعتراف کند.

* شبهه ی دوم

این آقای محترم همان طوری که ذکر کردیم با مبانی دین آشـنایی نداشـته، در نتیجه شـبهاتی را مطرح می کنـد تا عده ای که فهم و درک دینشان ضعیف است درب گناه را باز دیده و هر کاری که انجام می دهند منتسب به دین بدانند و خلاصه حربه و بهانه ای دست بگیرند و به نام دین تمام کنند. این ها همگی نا آگاهی نسبت به مبانی دین است.

این آقا می گوید: در مورد ازدواج حضرت زهرا علیها السلام تمسک به روایتی پیدا کردیم:

انصَرَفَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم إِلَی أَزوَاجِهِ فَأَمَرَهُنَّ أَن یُدَفِّفنَ لِفَاطِمَهَ فَضَرَبنَ بِالدُّفُوف.

ص: ۱۱۶

یعنی پس از انجام مراسم عقـد کنان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلّم به سوی همسـران خود توجه کرده و آن ها را امر کرد تـا اظهـار سـرور و شادمانی نماینـد و طبق معمول زمان دف بزننـد. (دف ظاهراً به معنای وسـیله ی موسـیقی آن زمان بوده است).

دف زدن و شادی کردن در عروسـی ها از واقعه ی مذکوره در مورد عروسـی حضـرت زهرا علیها السـلام که استعمال دف که وسـیله ی تفریح آن زمان بوده و به امر شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم انجام گردید، دریافت می شود که به کار بردن وسیله ی موسیقی زمان در مراسم عروسی اشکالی ندارد.

شیخ طوسی در کتاب امالی صفحه ی ۱۳۲ چاپ جدید عنوان (جواز الدف عند العرس) (یعنی: جایز بودن دف زدن در مجلس عروسـی) را یکی از عنـاوین کتـاب مزبور قرار داده که عیناً نقل و ترجمه می شود. شـیخ به اسـناد خودش [چنین اسـنادی غلط است] از ضیعی بن عبد الرحمن بن محمّد بن علی بن هیار نقل می کند که:

حَدَّثِنی أَبِی عَن أَبِیهِ عَن جَدِّهِ عَلِیِّ بنِ هَبَّارٍ قَالَ اجتَازَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم بِدَارِ عَلِیِّ بنِ هَبَّارٍ فَسَمِعَ صَوتَ دَفٍّ. فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: عَلِیُّ بنُ هَبَّارٍ عَرَّسَ بِأَهلِهِ. فَقَالَ: «حَسَنٌ هَذَا النِّکَاحُ لَا السِّفَاحُ» ثُمَّ قَالَ صـلی الله علیه و آله و سـلّم: أَسنِدُوا النِّکَاحَ وَ أَعلِنُوهُ بَینَکُم وَ اضرِبُوا عَلَیهِ بِالدَّفِّ فَجَرَتِ السُّنَّهُ فِی النِّکَاحِ بِذَلِک(۱)

یعنی: پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلّم به خانه ی علی بن هبار که یکی از صـحابه بود عبور کرد و صدای دفی را شنید. پیامبر صلی الله علیـه و آلـه و سـلّم پرسـید: این چیست؟ و چه خـبر است؟ گفتنـد: امشب شب عروسـی علی بن هبـار است و به همین مناسـبت اظهار شادمانی و اسـتعمال دف کرده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: این طرز نکاح خود را استوار سازید و به آن رو آور شوید و در بین خود این قبیل مجالس نکاح را اعلان کنید و برای شـرکت در آن از مسـلمانان دعوت نمایید و بر چنین نکاح و ازدواجی دف بزنید (کنایه از اینکه شادی و مسرت ابراز دارید).

ص: ۱۱۷

۱- بحار الانوار ۷۶/ ۲۶۱

شیخ طوسی در دنباله ی روایت می فرماید: پس سنت اسلامی در این جاری شد که در نکاح ها دف زده شود و در کتاب مجمع البحرین و در کتاب المنجد است که دف وسیله ای است که در شادی ها زده می شود و موجب برانگیختگی شادی و نشاط و سرور می شود. در هر زمان و در هر محل و استان آلات موسیقی که در مراسم شادی و عروسی به کار برده می شود متفاوت است.

به هر حال مسلم است که هرگاه محرمات دیگر مانند اختلاط زن و مرد بیگانه و کشف حجاب از نامحرم و نظیر آن ها نباشد اصل استعمال دف و انواع شادی مناسب با زمان و مکان و عرف جامعه اشکال شرعی نخواهد داشت و یکی از مستندات اینکه استعمال آلات موسیقی در مراسم عقد کنان به فتوای بسیاری از علما بی اشکال می باشد همین روایت است.

❊ جواب شبهه ی دوم

در امالی صفحه ۵۱۸ مجلس ۱۸ حدیث ۱۱۳۸، ۴۵ چاپ جدید مؤسسه ی بعثت قم چنین گفتاری دیده می شود. بلی کتاب امالی، املاء شیخ طوسی است، ولی عنوان گذاری ها توسط نویسنده و راوی بوده است نخ شیخ. کتاب امالی کتاب فقهی نیست که اظهار نظر فقهی شیخ باشد بلکه شیخ تنها متن احادیث و اخبار را روایت می کند و اظهار نظر شخصی ندارد و جمله ی خاتمه ی خبر، کلام راوی است، نه اظهار نظر شیخ طوسی رحمه الله.

❊ اشکال ها:

۱- استناد به روایتی که در یکی از کتاب های غیر فقهی آمده است.

۲- روایت اشکال سندی دارد.

۳- روایت اشکال متنی (تعارض با احادیث دیگر) دارد.

۴- اظهار نظر شخصی نویسنده: «به هر حال مسلم است که...» در حالی که حرمت موسیقی خود عنوان خاص دارد.

ص: ۱۱۸

۵- باز می نویسد: اصل استعمال دف و انواع شادی مناسب با زمان و مکان و عرف جامعه اشکال شرعی نخواهد داشت.

می گوییم: این اظهار نظر ایشان مستند شرعی ندارد، زیرا احکام شرعی ثابتند و تغییر نمی کنند و الا این اشکال رد خاتمیت و کامل بودن (اَلیَوم اَکمَلتُ لَکُم دینَکُم) دین و رسالت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ایها النَّاسُ حَلَالِی حَلَالٌ إِلَی یَومِ القِیَامَهِ وَ حَرَامِی حَرَامٌ إِلَی یَومِ القِیَامَهِ أَلَا وَ قَد بَیَّنَهُمَا اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی الکِتَابِ وَ بَیَّنتُهُمَا لَکُم فِی سِیرَتِی وَ سُنَّتِی(۱)

و احکام شرع تابع زمان و مکان و عرف (اکثریت جامعه و مقبولیت آنان) نیست که:

(وَ إِن تُطِع أَکثَرَ مَن فِی الأَرضِ یُضِلُّوکَ عَن سَبیلِ اللهِ إِن یَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِن هُم إِلَّا یَخرُصُون)(۲)

۶- در جواب به گفته ایشان که می گوید: «یکی از مستندات اینکه استعمال آلات موسیقی در مراسم عقد کنان به فتوای بسیاری از علما بی اشکال می باشد همین روایت است»، باید بگوئیم: شیخ طوسی رحمه الله در کتاب فقهی خود المبسوط(۳) بعد از نقل خبر می فرماید:

... و علی مذهبنا لا یصح لان ذلک محضور استعماله

یعنی بنابر مذهب ما شیعه صحیح نیست زیرا استعمال دف نامشروع است.

در کتاب الصراط المستقیم جلد ۱ صفحه ی ۱۵۸ از بعضی از کتاب های سنی ها اخباری را هم چون خبر امالی نقل می کند و در نهایت می فرماید: ما می گوییم این اخبار از اخبار فاسد شما (سنی ها) است(۴)

۱- وسایل الشیعه ۲۷/ ۱۶۱ ح ۱۲

۲- سوره ی انعام آیه ی ۱۱۶

۳- المبسوط ۴/ ۲۰

۴- روایت نقل شده در بعضی از منابع اهل سنت نیز ذکر شده است که قابل اعتبار نیست و از درجه اعتبار ساقط است.

حضرت آیت الله خوئی رحمه الله و همچنین مرحوم حضرت آیت الله گلپایگانی این خبر را ضعیف و بی اعتبار می دانند و زدن دف را نیز مانند دیگر وسیله های موسیقی حرام و نامشروع می دانند.

در کتاب صراط النجاه آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله، این سئوال ها از ایشان شده است و پاسخش را مرحوم آیت الله خوئی رحمه الله داده است.

در جلد ۱ آن، صفحه ی ۳۷۴ سئوال ۱۰۲۷ آمده است:

سئوال: آیا جایز است در عروسی ها و ولادت های اهل بیت علیهم السلام دف بزنیم و آیا صحیح است که در ازدواج حضرت زهرا علیها السلام دف زده اند؟

پاسخ حضرت آیت الله خوئی رحمه الله: جایز نیست زیرا آن ها از وسیله های لهو است و برای زنان در عروسی جایز نیست که دف بزنند مگر آواز تنها و در جلد ۲ صفحه ی ۲۹۰ مسئله ۹۲۵ آمده است.

سئوال: آیا شنیدن غنا و موسیقی حرام است و چه دلیلی بر حرام بودن آن است؟(۱)

پاسخ حضرت آیت الله خوئی رحمه الله: شنیدن غنا و موسی حرام است به اتفاق همه ی علما و دلیل بر حرام بودنش آن است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: صاحب طنبور روز قیامت رو سیاه محشور می شود در حالی که در دست او طنبوری از آتش است و بر سر او هفتاد هزار فرشته و در دست هر فرشته پُتکی است که با آن به سر و صورتش می زنند. ترانه خوان از قبر خود کور و کر و لال محشور می شود و صاحب و زننده ی دف مانند او محشور می شود...

در صراط النجاه جلد ۲ صفحه ی ۲۹۴ مسئله ی ۹۲۹ آمده در بعضی از روایات آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از مکانی می گذشتند که صدای دف شنیدند فرمودند: این صدای چیست؟ گفتند: فلانی با همسرش عروسی کرده. فرمود: این سفاح است نه نکاح...

یعنی نکاح با سفاح جمع نمی شود چون نکاح سنت رسول الله است و باید کار خلاف شرع در آن انجام نداد. اما سفاح به معنی فساد و کار بیهوده و بی عقلان است.

ص: ۱۲۰

۱- آقایان گلپایگانی و تبریزی و آقای خمینی و ... نیز به این سئوال همین پاسخ را داده اند.

و در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم از محله ی بنی زریق گذشت و صدای عروسی شنید و فرمود: این چیست؟ گفتند: ای رسول خدا! فلانی عروسی کرده است. فرمود: دین خود را کامل کرده است (این است نکاح نه سِـفاح (بی عقلی) و سپس فرمود: نکاح، پنهانی نباشد. اگر پنهانی بود ولیمه بدهد. نکاح باید دیده شود و یا صدای دف شنیده شود. نظر شما درباره ی این دو خبر چیست؟

پاسخ حضرت آیت الله خوئی رحمه الله: روایات جایز دانستن زدن دف، نزد ما معلول (معیوب) و ظاهر آن ها متروک هستند به دلایلی که در جای خود توضیح داده ایم و در جواب مسئله ی ۹۳۰ فرموده اند: تفصیلی (تفاوتی) در حرام بودن استعمال دف و غیر آن از وسیله های غنا در عروسی ها و غیر آن ها نیست. همچنان که تفاوتی بین انواع دف ها نیست و به کار بردن همه ی آن ها حرام است. و الله العالم.

حضرت آیت الله گلپایگانی رحمه الله در کتاب الشهادات الاول صفحه ی ۱۲۲ می فرماید: ما می گوییم در حرام بودن لهو و لعب جای هیچ گونه اشکالی نیست... دو خبر ذکر شده در جواز و یا امر به دف زدن در عروسی، سند آن دو تمام نیست و تحقق شهرتی که جُبران کننده ی مبنا باشد ندارد. خلاصه وسیله ی موسیقی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم منحصر به دف نبوده است و در روایات متعددی از آن ها نام برده شده است و روایت نقل شده در بعضی از منابع سنی ها نیز ذکر شده است مانند: کشف الخفاء عجلونی جلد ۱ صفحه ی ۱۴۵ خبر ۴۲۲ ترمذی از عایشه می گوید: که آن را تضعیف کرده است...

❋ چند روایت در این باره

در پایان چند روایت در مورد موسیقی و آلات لهو و لعب مزیداً بر دلیل ذکر می کنیم تا اهل خرد بر این بیندیشند و عمر خود را صرف باطل و ابزار شیطان نکند و خود را مستغنی از قرآن و روایات عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ندانند و فریب دیگران را نخورند و عصمت و طهارت معصوم علیهم السلام را زیر سئوال نبرند.

ص: ۱۲۱

۱- سخن طنبور چیست؟

در کتاب روضات الجنّات نقل شده است که امیر المؤمنین علیه السلام شنید مردی طنبور می نوازد آن حضرت او را از این کار بازداشت و طنبورش را شکست و از آن مرد خواست که از کارش توبه نماید. او نیز توبه نمود. آنگاه فرمود: آیا می دانی که طنبور در هنگامی که نواخته می شود چه می گوید؟ عرض کرد: جانشین رسول خدا داناتر است فرمود: طنبور در آن حالت می گوید:

سَتَندِمُ سَتَندِمُ اَیا صاحبی*** سَتَدخُلُ جَهَنَّمَ اَیا ضاربی

ای صاحب من! به زودی پشیمان می شوی، به زودی پشیمان می شوی، ای نوازنده ام! به زودی به دوزخ می روی(۱)

۲- حرمت غناء

قال الصادق علیه السلام: لا یَحِلُّ بَیعُ الغِناءِ وَ لا شِراؤُهُ وَ استِماعُهُ نِفاقٌ وَ تَعَلُّمُهُ کُفرٌ.

امام صادق علیه السلام فرمود: خرید و فروش آلات غنا حرام، شنیدنش دورویی و یاد گرفتنش کفر است(۲)

۳- مسئولیت گوش و چشم و دل

شخصی از امام صادق علیه السلام از غنا (شنیدن آوای طرب انگیز) پرسش نمود. آن حضرت پاسخ داد: آیا سخن خدای تعالی را نشنیده ای که فرموده:

(إِنَّ السَّمعَ وَ البَصَرَ وَ الفُؤادَ کُلُّ أُولئِکَ کانَ عَنهُ مَسؤُلاً)

همانا گوش و چشم و دل همه مسئولند و سپس فرمود:

یُسأَلُ السَّمعُ عَمَّا سَمِعَ وَ الفُؤَادُ عَمَّا عُقِدَ وَ البَصَرُ عَمَّا اَبصَر.

گوش از آنچه که شنیده، دل از آنچه که به آن معتقد شده و چشم از آنچه که دیده، پرسش می شوند(۳)

۱- روضات الجنات به نقل از مستدرک ۱۳/ ۲۲۱ کتاب تجارت ب ۷۹ ح ۲۰

۲- دعائم الاسلام ۲/ ۲۰۹ ح ۷۶۷ به نقل از مستدرک ۱۳/ ۲۲۱ کتاب تجارت

۳- دعائم الاسلام ۲/ ۲۱۰ به نقل از مستدرک ۱۳/ ۲۲۱ کتاب تجارت

۴- نشانه های افراد پست و فرو مایه:

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: فرومایه کیست؟ فرمود:

مَن یَشرَبُ الخَمرَ وَ یَضرِبُ بِالطُّنبُور.

فرومایه کسی است که شراب بنوشد و طنبور بنوازد(۱)

۵- نخستین آوازه خوان:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم کَانَ إِبلِیسُ أَوَّلَ مَن تَغَنَّی(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: شیطان نخستین کسی بود که آوازه خوانی نمود.

۶- سرگرمی به آلات موسیقی:

حضرت امام رضا علیه السلام در بیان گناهان کبیره می فرماید:

وَ اجتِنَابُ الکَبَائِرِ وَ هِیَ قَتلُ النَّفسِ الَّتِی حَرَّمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ وَ الزِّنَا وَ السَّرِقَهُ وَ شُربُ الخَمرِ وَ عُقُوقُ الوَالِدَینِ... وَ الِاشتِغَالُ بِالمَلَاهِی وَ الإِصرَارُ عَلَی الذُّنُوب.

دوری از گناهان کبیره عبارت است از کشتن کسی که خدا ریختن خون او را حرام کرده است، زنا و دزدی، نوشیدن خمر، نارضایتی پدر و مادر و ...، سرگرم شدن به آلات موسیقی و پافشاری بر گناهان(۳)

۷- کیفر مطربان و نوازندگان:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: یُحشَرُ صَاحِبُ الطُّنبُورِ یَومَ القِیَامَهِ أَسوَدَ الوَجهِ وَ بِیَدِهِ طُنبُورٌ مِن نَارٍ وَ فَوقَ رَأسِهِ سَبعُونَ أَلفَ مَلَکٍ بِیَدِ کُلِّ مَلَکٍ مِقمَعَهٌ یَضرِبُونَ

۱- خصال ۱/ ۳۲ به نقل از بحار ۷۹/ ۲۵۱ ب ۱۰۰ ح ۵. کلمه ی طنبور در لغت نوعی از آلات طرب است. در فارسی تَنبور یکی از آلات موسیقی که دارای دسته ی دراز و کاسه ی کوچک شبیه سه تار می باشد. فرهنگ عمید و جامع

۲- تفسیر عیاشی ۱/ ۴۰

۳- عیون اخبار الرضا/ ۲۶۵- ۲۶۹ به نقل از بحار الانوار ۱۰/ ۳۵۹

رَأسَهُ وَ وَجهَهُ وَ یُحشَرُ صَاحِبُ الغِنَاءِ مِن قَبرِهِ أَعمَی وَ أَخرَسَ وَ أَبکَمَ وَ یُحشَرُ الزَّانی مِثلَ ذَلِکَ وَ صَاحِبُ المِزمَارِ مِثلَ ذَلِکَ وَ صَاحِبُ الدَّفِّ مِثلَ ذَلِک.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: نوازنده ی طنبور در روز قیامت در حالی محشور می شود که صورتش سیاه است و طنبوری از آتش به دست دارد و هفتاد هزار فرشته از بالای سرش با عمود آهنین بر سر و صورت او می زنند و آوازه خوان کور و کر و گنگ و زنا کار از قبرش محشور می شود و نوازنده ی نی(۱) و نوازنده ی دایره نیز به این شکل محشور می شوند(۲)

۸- نواختن و گوش دادن به سازهایی از قبیل تار و کمانچه و پیانو و طنبور و دف و نظائر آن از گناهان کبیره به حساب آمده است.

فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السلام در ضمن گناهان کبیره می فرماید:

و الِاشتِغَالُ بِالمَلَاهِی

به اتفاق جمیع فقها ساختن و خرید و فروش آلات لهو و لعب معامله اش باطل است. در روایتی شیخ حر عاملی در فصول روایت می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود: یاد دادن، یاد گرفتن، با آن کار کردن، اجرت گرفتن و جمیع تصرفات در صنعتی که هیچ جهت حلالی در آن نباشد و جز شر و فساد چیزی بر آن مترتب نیست مانند بربط (آلت موسیقی که شبیه به عود است و با آن می نوازند) مزمار (نی)، شطرنج، صلیب نصارا، بت ها و هرچه شبیه آن باشد حرام است.

... وَ ذَلِکَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللهُ الصِّنَاعَةَ الَّتِی حَرَامٌ هِیَ کُلُّهَا الَّتِی یَجِیءُ مِنهَا الفَسَادُ مَحضاً نَظِیرَ البَرَابِطِ وَ المَزَامِیرِ وَ الشِّطرَنجِ وَ کُلِّ مَلهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلبَانِ وَ الأَصنَامِ وَ مَا أَشبَهَ ذَلِکَ مِن صِنَاعَاتِ الأَشرِبَهِ الحَرَامِ وَ مَا یَکُونُ مِنهُ وَ فِیهِ الفَسَادُ مَحضاً وَ لَا یَکُونُ فِیهِ وَ لَا مِنهُ شَیءٌ مِن وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعلِیمُهُ

۱- یکی از آلات موسیقی که با دهان نواخته می شود

۲- جامع الاخبار/ ۱۸

وَ تَعَلَّمُهُ وَ العَمَلُ بِهِ وَ أَخذُ الأجرِ عَلَيهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِن جَمِيعِ وُجُوهِ الحَرَكَاتِ كُلِّهَا...(۱)

در این مورد روایات فراوانی است که برای حقانیت و اثبات مطلب کفایت می کند.

یک سـئوال: در اینجا باید از این آقای محترم پرسید با این ادله ی قوی و مستند و مستدل که از قول پیغمبر و اهل بیت عصمت و عترت علیهم السـلام گفته شد، آیا می توان گفت کسی که مقام عصمت دارد، به خصوص حضرت صدیقه ی طاهره، فاطمه ی زهرا علیها السـلام که خداوند متعال او را از جمیع گناه و معاصـی و لغزش ها و حتی از ترک اولی، منزّه و پاک و مطهر قرار داده، العیاذُ باللّه در عروسـی او دف و آلات لهوی که در قرآن از گناهان کبیره شناخته شده است به کار ببرند. همانند سوره ی لقمان آیه ی ۶ که می فرماید:

(وَ مِنَ النَّاسِ مَن یَشتَری لَهوَ الحَدیثِ لِیُضِلَّ عَن سَبیلِ اللهِ بِغَیرِ عِلمٍ وَ یَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُم عَذابٌ مُهین)

و از مردم کسانی هستند که حدیث لهو و لعب خرید و فروش می کنند تا مردم را بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و آیات الهی را به مسخره می گیرند. برای آنان عذابی خوار کننده خواهد بود.

روایات متواتری هم در کتاب اخبار از پیغمبر و اهلبیت علیهم السلام وارد شده است که تعدادی را به عنوان دلیل ذکر کردیم. انصاف بده و قدری در اندیشه ی خود تدبر کن.

۱- تحف العقول/ ۳۵۲

موضوع چهارم: فضائل حضرت زهرا علیها السلام

اشاره

ص: ۱۲۷

*** بعضی از آیات قرآن در مورد حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام**

۱- (فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لَا أُضِیعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثَی...)(۱)

خداوند درخواست آن ها را پذیرفت و فرمود من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد.

عمار روایت کرده که منظور از کلمه ی «ذَکَر» امیر المؤمنین علیه السلام است و از «اُنثی» حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام است(۲)

۲- (مَرَجَ البَحرَینِ یَلتَقِیان)(۳)

دو دریا را در هم آمیخت تا به هم پیوستند و در یک جا جمع شدند.

فرات در کتاب تفسیر خود از حضرت رضا علیه السلام در ذیل این آیه فرمودند: مراد از این دو دریا حضرت علی و فاطمه علیهما السلام هستند و مراد از برزخ که به معنی فاصله ی بین دو چیز است در آیه ی:

(بَینَهُما بَرزَخٌ) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم هستند.

و مقصود از لؤلؤ و مرجان که به معنای مروارید است و از آن دو دریا خارج می شود، در آیه ی (یَخرُجُ مِنهُمَا اللُّؤلُؤُ وَ المَرجان) امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند(۴)

۳- (وَ ما خَلَقَ الذَّکَرَ وَ الأُنثی)(۵)

سوگند به خدا که بیافرید مرد و زن را.

قال الباقر علیه السلام: فَالذَّکَرُ أَمِیرُ المُؤمِنِینَ علیه السلام وَ الأُنثَی فَاطِمَه علیها السلام.

امام باقر علیه السلام فرمود: منظور از لفظ ذکر امیر المؤمنین علیه السلام و منظور از لفظ انثی فاطمه علیها السلام است(۶)

۱- سوره ی آل عمران آیه ی ۱۹۵

۲- مناقب شهر بن آشوب- بحار ۴۳/ ۳۲

۳- سوره ی الرحمن آیه ی ۱۹

۴- تفسیر فرات ۴۵۹ ح ۵۵۹- القطره ۱/ ۴۲۱

۵- سوره ی لیل آیه ی ۳

۶- مناقب شهر بن آشوب- نور الثقلین ۵/ ۵۸۹

۴- عن اَبی جعفر علیه السلام فی قوله: (إِنَّها لَإِحدَی الکَبر* نَذیراً لِلبَشَر)(۱)

به درستی که سقر هر آینه یکی از دواهی و بلایای بزرگ است که برای انسان انذار دهنده است. سقر یکی از بلایای عظیمه ای است برای ترسانیدن آدمیان.

قال: یعنی فَاطِمَه علیها السلام.

یعنی فاطمه یکی از آیات بزرگ الهی و داهیه ی عظیمی است که [مردم را از عذاب الهی] می ترساند(۲)

۵- روی اَنّ فاطمه تمنت وکیلًا عند غزه علّی علیه السلام فنزل: (رَبُّ المَشرِقِ وَ المَغرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذهُ وَکیلا)(۳)

فاطمه علیها السلام در هنگام جنگ های علی علیه السلام با دشمنان آرزو می کرد که ای کاش شخصی بود که بین امیر المؤمنین علیه السلام و دشمنانش به حق حکم می کرد که این آیه نازل شد(۴)

۶- خداوند از روی کنایه نام ۱۲ زن را در قرآن آورده است

۱) (... اسکُن أَنتَ وَ زَوجُکَ الجَنَّهَ...) «سوره بقره آیه ۳۵- حوّا»

۲) (ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذینَ کَفَرُوا امرَأَتَ نُوحٍ وَامرَأَت لُوط...) «سوره تحریم آیه ۱۰»

۳) (... امرَأَتَ فَرعَونَ إِذ قالَت رَبِّ ابنِ لی عِندَک بَیتاً...) «سوره تحریم آیه ۱۱- آسیه»

۴) (وَ امرَأَتُهُ قائِمَهٌ فَضَحِکَت...) «سوره هود آیه ۷۱- لابراهیم»

۵) (... الآنَ حَصحَصَ الحَق...) «سوره یوسف آیه ۵۱»

۶) (... وَ أَصلَحنا لَهُ زَوجَه...) «سوره انبیاء آیه ۹۰- زکریا»

۱- سوره ی مدثر آیات ۳۵ و ۳۶

۲- تفسیر قمی ۲/ ۳۹۶

۳- سوره ی مزمل آیه ی ۹

۴- مناقب شهر بن آشوب- بحار ۴۳/ ۴۳

۷) (... وَ آتَیناهُ أَهلَهُ...) «سوره انبیاء آیه ۸۴- لایوب»

۸) (إِنِّی وَجَدتُ امرَأَةً تَملِکُهُم...) «سوره نمل آیه ۲۳- بلقیس»

۹) (قالَ إِنِّی أُریدُ أَن أُنکِحَکَ إِحدَی ابنَتَیَّ هاتَین...) «سوره قصص آیه ۲۷- لموسی»

۱۰) (وَ إِذ أَسَرَّ النَّبِیُّ إِلی بَعضِ أَزواجِهِ حَدیثا...) «سوره تحریم آیه ۳- حفصه و عایشه»

۱۱) (وَ وَجَدَکَ عائِلاً فَأَغنی) «سوره ضحی آیه ۸- خدیجه علیها السلام»

۱۲) (مَرَجَ البَحرَینِ یَلتَقِیان) «سوره الرحمن آیه ۱۹- فاطمه علیها السلام»

سپس خصلت های آن ها را ذکر می کند

التَّوبَهِ مِن حَوَّاءَ (قالا رَبَّنا ظَلَمنا...) «سوره اعراف آیه ۲۳»

وَ الشَّوقِ مِن آسِیَهَ (... رَبِّ ابنِ لی عِندَکَ بَیتاً...) «سوره تحریم آیه ۱۱»

وَ الضِّیافَهِ مِن سَارَهَ (وَ امرَأَتُهُ قائِمَهٌ...) «سوره هود آیه ۷۱»

وَ العَقلِ مِن بِلقِیسِ (قالَت إِنَّ المُلُوکَ إِذا دَخَلُوا قَریَهً...) «سوره نمل آیه ۳۴»

وَ الحَیَاءِ مِنِ امرَأَهِ مُوسَی (فَجاءَتهُ إِحداهُما تَمشی...) «سوره قصص آیه ۲۵»

وَ الإِحسَانِ مِن خَدِیجَهَ (وَ وَجَدَکَ عائِلاً...) «سوره ضحی آیه ۸»

وَ النَّصِیحَهِ لِعَائِشَهَ وَ حَفصَهَ (یا نِساءَ النَّبِیِّ لَستُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیتُنَّ فَلا تَخضَعنَ بِالقَولِ فَیَطمَعَ الَّذی فی قَلبِهِ مَرَضٌ وَ قُلنَ قَولاً مَعرُوفاً* وَ قَرنَ فی بُیُوتِکُنَّ وَلا تَبَرَّجنَ تَبَرُّجَ الجاهِلِیَّهِ الأُولی وَ أَقِمنَ الصَّلاهَ وَ آتینَ الزَّکاهَ وَ أَطِعنَ اللهَ وَ رَسُولَه...) «سوره احزاب آیات ۳۲ و ۳۳»

وَ العِصمَهِ مِن فَاطِمَهَ علیها السلام (... وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُم...) «سوره آل عمران آیه ۶۱»

وَ إِنَّ اللهَ تَعَالَی أَعطَی عَشَرَهَ أَشیَاءَ لِعَشَرَهٍ مِنَ النِّسَاءِ

التَّوبَهَ لِحَوَّاءَ زَوجَهِ آدَمَ علیه السلام

وَ الجَمَالَ لِسَارَهَ زَوجَهِ إِبرَاهِیمَ علیه السلام

وَ الحِفَاظِ لِرَحمَهَ زَوجَهِ ایوبَ علیه السلام

وَ الحُرمَهَ لِآسِیَهَ زَوجَهِ فِرعَونَ

وَ الحِکمَهَ لِزَلِیخَا زَوجَهِ یُوسُفَ علیه السلام

وَ العَقلَ لِبِلقِیس زَوجَهِ سُلَیمانَ علیه السلام

وَ الصَّبرَ لبرخانه أُمِّ مُوسَی علیه السلام

وَ الصَّفوَهَ لِمَریَمَ أُمِّ عِیسَی علیه السلام

وَ الرِّضَی لِخَدیجَهَ زَوجَهِ المُصطَفَی صلی الله علیه و آله و سلّم

وَ العِلمَ لِفَاطِمَهَ زَوجَهِ المُرتَضَی علیه السلام

*** حضرت زهرا علیها السلام در ۹۷ فضیلت مشترک با سایر اهل کساء**

۱) قوله تعالی: (الصِّراطَ المُستَقیم) «سوره فاتحه آیه ۶»

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: إنَّ اللهَ جَعَلَ عَلِیّاً وَ زَوجَتَهُ وَ أَبنَاءَهُ حُجَجَ اللهِ عَلَی خَلقِهِ وَ هُم أَبوَابُ العِلمِ فِی أُمَّتِی مَنِ اهتَدَی بِهِم هُدِیَ إلی صِراطٍ مُستَقِیمٍ(۱)

گفتار خداوند متعال: راه راست

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: به درستی که خداوند متعال علی و همسر گرامیش و فرزندانش را حجت های خدا بر خلقش قرار داده و آنان در میان امتم درهای علم اند. کسی که به ایشان اقتدا و اهتدا کند به راه راست هدایت شده است.

۲) «الاسماء» قوله تعالی: (وَ عَلَّمَ آدَمَ الأَسماءَ کُلَّها...) «سوره بقره آیه ۳۱»

أَسمَاءَ أَنبِیَاءِ اللهِ، وَ أَسمَاءُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ، وَ الطَّیِّبِینَ مِن آلِهِمَا، وَ أَسمَاءِ خِیَارِ شِیعَتِهِم وَ عُتَاهِ أَعدَائِهِم.

۱- عوالم جامع الآثار و الاخبار عن النبی و الائمه الاطهار

«اشتراک در اسامی»

گفتار خداوند متعال: و خدای عالم همه ی اسماء را به آدم تعلیم فرمود...

منظور از اسماء و نام ها، اسامی پیامبران الهی و نام های معصومین محمد صلی الله علیه و آله و سلّم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و پاکان از آل آنان و اسامی خوبان شیعیانشان و دشمنان گمراهشان می باشد.

۳) «اُسجُدُوا لِآدم» قوله تعالی: (وَ إِذ قُلنا لِلمَلَائِکَهِ اسجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا...)

«سوره بقره آیه ۳۴»

أَمَرَ اللهُ تَعَالَی المَلَائِکَهَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ، تَعظِیماً لَهُ أَنَّهُ قَد فَضَّلَهُ بِأَن جَعَلَهُ وِعَاءً لِتِلکَ الأَشبَاحِ الَّتِی قَد عَمَّ أَنوَارُهَا الآفَاقَ(۱)

«اشتراک در سجده کردن ملائکه»

گفتار خداوند متعال: و چون گفتم فرشتگان را که همه بر آدم سجده کنید...

خداوند متعال به ملائکه امر کرد که برای آدم سجده کنند و این سجده از برای تعظیم آدم بود که آن را فضیلت داده بر ملائکه به خاطر اینکه حضرت آدم علیه السلام ظرفی برای اشباح نورانی ائمه ی اطهار بود که نورشان همه ی آفاق را در بر گرفته بود. (یعنی نور اهل بیت علیهم السلام در صلب حضرت آدم بوده است)

۴) «الشجره» قوله تعالی: (... هذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَکُونا مِنَ الظَّالِمین) «سوره بقره آیه ۳۵»

شَجَرَهَ العِلم فَإِنَّهَا لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ خَاصَّهً دُونَ غَیرِهِم وَ لَا یَتَنَاوَلُ مِنهَا بِأَمرِ اللهِ إِلَّا هُم وَ مِنهَا مَا کَانَ یَتَنَاوَلُهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام(۲)

«در اشتراک آن درخت»

گفتار خداوند کریم: ... و به این درخت (گندم یا سیب) نزدیک نشوید. اگر به این درخت نزدیک شوید از جمله ی ستمکاران خواهید بود.

۱- تفسیر امام حسن عسکری/ ۲۱۹

۲- همان/ ۲۲۱

منظور از آن درخت که خداوند آدم و حوا را از خوردن آن نهی فرموده بود درخت علم بود. چون آن درخت برای محمد صلی الله علیه و آله و سلّم بود، نه برای آن ها و خداوند امر فرمود که کسی از آن درخت تناول نکند مگر آنان و از آن درخت (اعلم) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام تناول فرمودند.

۵) «کلمات» قوله تعالی: (فَتَلَقَّی آدَمُ مِن رَبِّهِ كَلِماتٍ فَتابَ عَلَيه...) «سوره بقره آيه ۳۷»

مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَين عليهم السلام.

«اشتراک در کلمات»

گفتار خداوند: پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت که خداوند توبه ی او را پذیرفت و خداوند توبه پذیر و مهربان است.

منظور از آن کلمات محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.

۶) «فتاب عليكم» قوله تعالی: (... فَتابَ عَلَيكُم إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحيم) «سوره بقره آيه ۵۴»

فَلَمَّا استَمَرَّ القَتلُ فِيهِم... فَاجتَمِعُوا وَ ضَجُّوا: يَا رَبَّنَا بِجَاهُ مُحَمَّدٍ الأَكرَمِ، وَ بِجَاهِ عَلِيٍّ الأَفضَلِ الأَعظَمِ، وَ بِجَاهِ فَاطِمَةَ الفُضلَى، وَ بِجَاهِ الحَسَنِ وَ... لَمَّا غَفَرتَ لَنَا... فَرَفَعَ عَنهُمُ القَتل(۱)

«بخشیدن بنی اسرائیل»

گفتار خداوند: ... و توبه ی شما را پذیرفت که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

پس هنگامی که قتل و کشتار در میانشان (بنی اسرائیل) استمرار پیدا کرد همگی جمع شده و فریاد زدند: ای پروردگار، ما به جاه و مقام محمد گرامی و به جاه و مقام علی برتر و عظیم و به جاه و مقام فاطمه دارای

۱- بحار الانوار ۱۳/ ۲۳۵

فضیلت والاـو به جها و مقام حسن و حسین ما را بیامرز (پس به برکت این اسامی مقدسه) کشت و کشتار از میان آن ها برطرف شد.

۷) «و اذا استسقی موسی لِقومه» قوله تعالی: (وَ إِذِ استَسقی مُوسی لِقَومِهِ فَقُلنَا اضرِب بِعَصاکَ الحَجَر...) «سوره بقره آیه ۶۰»

فَقَالَ مُوسَی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الأَنبِیَاءِ، وَ بِحَقِّ عَلِیٍّ سَیِّدِ الأَوصِیَاءِ وَ بِحَقِّ فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ النِّسَاءِ، وَ بِحَقِّ الحَسَنِ سَیِّدِ الأَولِیَاءِ، وَ بِحَقِّ الحُسَینِ سَیِّدِ الشُّهَدَاءِ وَ بِحَقِّ عِترَتِهِم وَ خُلَفَائِهِم سَادَهِ الأَزکِیَاءِ لَمَّا سَقَیتَ عِبَادَکَ هَؤُلَاءِ(۱)

«اشتراک در استجابت دعا برای طلب آب و باران کردن»

گفتار خداوند متعال: (یاد آرید) وقتی را که موسی برای قوم خود به جستجوی آب برآمد...

موسی علیه السلام عرض کرد: خداوندا! به حق محمد سرور پیامبران و به حق علی سرور اوصیا و به حق فاطمه سرور زنان و به حق حسن سرور اوصیا و به حق حسین سرور شهیدان و به حق عترتشان سرور پاکان که برای این بندگان خود آب فرست.

۸) «بکلمات» قوله تعالی: (وَ إِذِ ابتَلی إِبراهِیم رَبُّهُ بِکَلِمات...) «سوره بقره آیه ۱۲۴»

مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در کلمات»

گفتار خداوند کریم که می فرماید: به یاد آور هنگامی که خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود و او همه را به جای آورد. خداوند به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم.

منظور از این کلمات محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

۱- تفسیر امام حسن عسکری/ ۲۶۱

۹) «قولوا آمنا بالله و ما اُنزل الینا و آمنتم» قوله تعالی: (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أَنزِلَ إِلَینا وَ ما أَنزِلَ إِلی إِبراهِیمَ وَ إِسماعِیل...) «سوره بقره آیات ۱۳۶ و ۱۳۷»

عَنَی بِذَلِکَ عَلِیّاً وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در ایمان آوردن»

گفتار خداوند که می فرماید: بگویید که ما مسلمین ایمان به خدا آورده ایم و به آن کتابی که بر پیغمبر ما فرستادند و به آن چه بر پیغمبران گذشته چون ابراهیم و اسماعیل و ...

منظور ایمان آوردن به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام.

۱۰) «الصلاه» قوله تعالی: (حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلاهِ الوُسطی...) «سوره بقره آیه ۲۳۸»

الصّلاه: رَسُولَ اللهِ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در صلات وسطی»

گفتار خداوند متعال: در هر نماز باید توجه و مواظبت کامل داشته باشید خصوص نماز وسطی...

مقصود از نماز وسطی رسول الله و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

۱۱) «حبّه» قوله تعالی: (... أَموالَهُم فِی سَبِیلِ اللهِ کَمَثَلِ حَبَّه...) «سوره بقره آیه ۲۶۱»

حبّه فاطمه علیها السلام.

«مشترک بودن حضرت فاطمه علیها السلام با سایر معصومین علیهم السلام در حبه»

گفتار خداوند متعال: مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می کند مانند دانه ای است که از یک دانه هفت خوشه بروید...

منظور از آن حبه (یک دانه) وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام است که درّ گران بها است.

ص: ۱۳۵

۱۲) (إِنَّ اللهَ اصطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبراهیمَ وَ آلَ عِمرانَ عَلَی العالَمین) «سوره آل عمران آیه ۳۳»

دَخَلَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم عَلَی فَاطِمَهَ الزَّهرَاءِ علیها السلام وَ عَائِشَهَ... فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم یَا عَائِشَهُ أَ وَ مَا عَلِمتِ أَنَّ اللهَ اصطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبراهِیمَ وَ آلَ عِمرانَ وَ عِلِیّاً وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ وَ حَمزَهَ وَ جَعفَراً وَ فَاطِمَهَ وَ خَدِیجَهَ عَلَی العالَمِین(۱)

«اشتراک در برگزیدن»

گفتار خداوند متعال: به حقیقت که خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم وارد بر فاطمه زهرا علیها السلام و عایشه شد. سپس رو به عایشه فرمود: ای عایشه! آیا نمی دانی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه علیها السلام را بر همه ی جهانیان برگزید.

۱۳) «اِنَّ الله اصطفاک» قوله تعالی: (وَ إِذ قالَتِ المَلائِکَهُ یا مَریَمُ إِنَّ اللهَ اصطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصطَفاکِ عَلی نِساءِ العالَمِین) «سوره آل عمران آیه ۴۲»

ای: علی نسآء عالمی زمانک لأنّ فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم سیّده نساء العالمین(۲)

«برگزیدن آن حضرت»

گفتار خداوند متعال: و هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و برتری بخشید بر زنان جهانیان (مریم را بر زنان زمان خود برگزید).

اما فاطمه علیها السلام سرور زنان دو عالم است. یعنی حضرت مریم برگزیده ی زنان زمان خودش بود ولی فاطمه علیها السلام را بر زنان دو عالم برگزید. علاوه بر

۱- بحار الانوار ۳۷/ ۶۳

۲- همان ۱۴/ ۱۹۳

اینکه حضرت فاطمه علیها السلام از مادر خود خدیجه علیها السلام و مریم و آسیه افضل و برتر است.

۱۴) «نسائنا» قوله تعالی: (... فَقُل تَعالَوا نَدعُ أَبناءَنا وَ أَبناءَکُم وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُم...) «سوره آل عمران آیه ۶۱»

یعنی: فاطمه علیها السلام.

«منظور از کلمه ی نسائنا یعنی: زنانمان را می آوریم»

گفتار خداوند متعال: ... فرزندان و همسرانتان را بیاورید ما نیز فرزندان و همسرانمان را می آوریم...

مراد از زنان، حضرت فاطمه علیها السلام می باشد، که قرار شد پیامبر با نصارای مدینه به مباهله و نفرین بپردازند تا از خدا درخواست کنند که هرکدام بر حق است خداوند بر سر دیگری عذاب فرستد و آن ها را نابود کند که گروه نصاری پشیمان گشته و حاضر به مباهله نشدند، چون می دانستند که صد درصد هلاک خواهند شد و لذا قبول کردند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم صلح کنند و جزیه و مالیات بدهند تا آنان را آزاد گذارند. یعنی خلاصه از عظمت پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام جرئت نکردند به مباهله برخیزند.

و منظور از کلمه ی نسائنا حضرت فاطمه علیها السلام بود که در میان چهار معصوم بود و برای مباهله و نفرین و دعا آماده شدند.

۱۵) قوله تعالی: (... وَ اِنَّما تُوَفَّونَ اُجُورَکُم یَومَ القِیامَهِ...) «سوره آل عمران آیه ۱۸۵»

یعنی: عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«پاداش عظیم»

گفتار خداوند متعال: روز قیامت همه ی شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید.

منظور علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند که روز قیامت به اجر و پاداش عظیم نزد پروردگارشان خواهند رسید.

ص: ۱۳۷

۱۶) «اَو اُنثی» قوله تعالی: (فَاستَجابَ لَهُم رَبُّهُم أَنِّی لا أَضیعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنکَم مِن ذَکَرٍ أَو أنثی...) «سوره آل عمران آیه ۱۹۵»

ای: الفَوَاطِمِ الثَّلَاث المهاجرات مَعَ عَلِی علیه السلام.

«اشتراک در پاداش»

گفتار خداوند متعال: پس خداوند دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی مزد نگذارم.

در این آیه مقصود از کلمه ی انثی (زن) حضرت فاطمه علیها السلام است و اعمال آن بزرگوار نزد خداوند محفوظ است و در حد اعلی اجر و پاداش داده می شود.

۱۷) «الصالحین» قوله تعالی: (وَ مَن یُطِعِ اللهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذینَ أَنعَمَ اللهُ عَلَیهِم مِنَ النَّبِیِّینَ... وَ الصّالِحینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفیقا) «سوره نساء آیه ۶۹»

ای: فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک با صالحین»

گفتار خداوند متعال: و آنان که خدا و رسول را اطاعت کنند... و اینان (در بهشت) چه نیکو رفیقانی هستند.

منظور از صالحین و خوبان فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

۱۸) «الوسیله» قوله تعالی: (وَ ابتَغُوا إِلَیهِ الوَسیلَهَ) «سوره مائده آیه ۳۵»

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم فِی الجَنَّهِ دَرَجَهٌ تُسَمَّی الوَسِیلَهَ وَ هِیَ لِنَبِیٍّ وَ أَرجُو أَن أَکُونَ أَنَا فَإِذَا سَأَلتُمُوهَا فَاسأَلُوهَا لِی فَقَالُوا مَن یَسکُنُ مَعَکَ فِیهَا یَا رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم قَالَ فَاطِمَهُ وَ بَعلُهَا وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در وسیله بودن»

گفتار خداوند متعال: ای اهل ایمان از خدا بترسید و به وسیله ی ایمان و پیروی از اولیای حق به خدا توسل جویید. یعنی منظور از وسیله محمد و آل محمد علیهم السلام هستند.

ص: ۱۳۸

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: در بهشت درجه ای است به نام وسیله، پس وقتی شما حاجتی را از خداوند درخواست کنید، به آن وسیله متصل شوید، که آن وسیله من باشم.

عرض کردند: یا رسول الله! چه کسی با شما در بهشت ساکن می شود؟ فرمودند: علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستیم. در کارهای دین و دنیا ما را در نزد پروردگار واسطه قرار دهید تا خداوند به برکات ما امور شما را اصلاح کند.

۱۹) قوله تعالی: (... وَ عَلَی الأَعرافِ رِجالٌ یَعرِفُونَ کُلًّا بِسیماهُم...)

«سوره اعراف آیه ۴۶»

النَّبِیِّ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«منظور از (و علی الاعراف رجال)»

گفتار خداوند متعال: مردانی هستند که همه به سیمایشان شناخته می شوند.

یعنی افراد اعراف، افرادی هستند با نفوذ و صاحب قدرت که دوزخیان (اهل کفر و شرک و نفاق) را مؤاخذه و سرزنش می کنند و به واماندگان در اعراف (نام محلی در قیامت) کمک می کنند که از آن سرزمین عبور کنند و به سر منزل سعادت برسند. در روایات آمده است که فرموده اند:

نَحنُ الأَعرَاف

ماییم اعراف. یعنی خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم اعرافند که واماندگان را کمک می کنند تا به بهشت برسند. پس مراد از اعراف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

۲۰) «الحقّ» قوله تعالی: (... إِن کانَ هذا هُوَ الحَقَّ مِن عِندِک...) «سوره انفال آیه ۳۲»

إِذَا کُنتَ رَسُولَ اللهِ وَ عَلِیٌّ وَصِیُّکَ مِن بَعدِکَ وَ فَاطِمَهُ بِنتُکَ سَیِّدَهُ نِسَاءِ العَالَمِینَ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ ابنَاکَ سَیِّدَا شَبَابِ أَهلِ الجَنَّهِ وَ حَمزَهُ عَمُّکَ سَیِّدُ

الشُّهَدَاءِ وَ جعفَرٌ الطَّيّارُ ابنُ عَمِّکَ یَطِیرُ مَعَ المَلَائِکَهِ فِی الجَنَّهِ وَ السِّقَایَهُ لِلعَبَّاسِ عَمِّکَ... إن کانَ هـذا هُوَ الحَقَّ مِن عِندِکَ فَأَمطِر عَلَینا حِجارَهً مِنَ السَّماء(۱)

«فاطمه علیها السلام حق است»

گفتار خداونـد متعال: و چون لجاجت کردنـد و گفتند: خدایا اگر این قرآن به راستی حق و از جانب توست پس با این حال بر سرمان سنگی از آسمان ببار...

در کافی از ابی بصـیر روایت شـده که این آیه راجع به نصب امیر مؤمنان از جانب رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلّم بوده است. کسانی که عـداوت علی علیه السـلام را در دل داشـتند از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلّم سـئوال کردند: نصب علی از جانب شما امامت و وصایت دلخواه شما بوده یا فرمان الهی است؟ فرمود: به امر الهی است. (مصداق کامل آن در جریان غدیر خم است) که بعد از معرفی امیر المؤمنین علیه السـلام به امامت و وصایت برای همه، شخصی طاغی قبول نکرد و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم آمد و گفت: گفتید نماز بخوانید، ایمان بیاورید، حج انجام دهید، زکات دهید و روزه بگیرید قبول کردیم. اما نصب پسر عمویت به امامت و وصایت از جانب خودت بود یا از جانب خدا؟

فرمود: از جانب خدا بود. از روی عناد گفت: خدایا اگر محمد آنچه می گوید راست است عذابی بر من بفرست. که در همان لحظه سنگی از آسمان یا صاعقه ای آمد و او را هلاک کرد.

اما در این آیه شخصـی به رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلّم گفت: اگر تو رسولی و علی وصـی توست بعد از تو و فاطمه دخترت سـرور زنان عالمیان و حسن و حسـین دو پسر تو سرور جوانان اهل بهشتند و حمزه عمویت سرور شهیدان و جعفر طیار پسـر عمویت با ملائکه در بهشت پرواز می کند و سقایت (آب دادن) به حاجیان برای عمویت عباس است... خدایا اگر در این امور نزد تو حق است، پس

۱- همان ۳۵/ ۳۲۱

بر من سنگی از آسمان ببار. پس فاطمه علیها السلام حق است و انکار او موجب عذاب الهی در دنیا و آخرت می شود.

۲۱) «لذی القربی» قوله تعالی: (وَ لِذِی الْقُربی وَ الْیَتامی...) «سوره انفال آیه ۴۱»

ای: فاطمه علیها السلام و من یلی أمرها من بعدها من ذرّیتها الحجج علی الناس.

«اشتراک در ذی القربی»

گفتار خداوند متعال: ... و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان... این آیه راجع به خمس است. یعنی بدانید ای گروه مؤمنان آنچه غنیمت و فایده به دست آوردید پس محققاً یک پنجم آن از برای خدا و برای رسول و برای ذوی القربی که ائمه علیهم السلام باشند و یتیمان و فقرا و در راه ماندگان از سادات است. اگر به خدا ایمان آورده باشید و به آنچه نازل کردیم.

خمس در هفت چیز است:

۱- معادن و ذخایر زیرزمینی از فلزات و جواهرات و نفت و نمک و امثال آن ها.

۲- گنج و آن چیزهایی که در زیر زمین دفن باشد.

۳- غوث، چیزهایی که از ته دریا استخراج می شود مثل مروارید و مرجان و امثال آن ها.

۴- زمینی که اهل ذمه ی یهود و نصاری و مجوس از مسلمین خریداری کنند.

۵- مال حلال مخلوط به حرام که مقدار حرامش و صاحبانش معلوم نباشد.

۶- غنائم دار الحرب (در جنگ) مشروط به شرائطی که در کتب فقهیه مانند کتاب جهاد مطرح شده.

۷- سودی که مکاسب از تجارت و صناعات و زراعات و غیر آن ها از کلیه ی استفادات بعد از مصرف مؤونه ی سالیانه ی خود و عیالات و معارف مشروعه مثل زیارات و ضیافات و توسلات و امثال آن ها. و لذی القربی که مذهب امامیه است که به امام وقت باید داد و در زمان غیبت به نایب عام، یعنی مجتهد جامع الشرایط و

سهم الفرض و مراد از ذوی القربی خویشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است، اعم از ائمه ی هدی علیهم السلام و سادات ذو العزّ و الاحترام.

مراد از ذوی القربی فاطمه و کسانی که بعد از آن حضرت هستند از ذراری آن بزرگوار و فرزندان معصومش که بر مردم حجت خدای متعال هستند می باشد. حضرت فاطمه علیها السلام یکی از مصادیق اکمل ذوی القربی و دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم می باشد.

۲۲) «الصادقین» قوله تعالی: (... اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) «سوره توبه آیه ۱۱۹»

ای: علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام و ذرّیتهم الطاهرون الی یوم القیامه.

«اشتراک با صادقین»

گفتار خداوند متعال: ای اهل ایمان خدا ترس باشید و به مردان راستگوی با ایمان بپیوندید.

یعنی با علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فرزندان و ذراری پاک آنان باشید تا روز قیامت.

۲۳) «اُولوا الارحام» قوله تعالی: (وَ أُولُوا الأَرحامِ بَعضُهُم أَولی بِبَعض...)

«سوره انفال آیه ۷۵»

ای: النَّبِيِّ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَين علیهم السلام.

«فاطمه ی زهرا علیها السلام از اولی الارحام است»

گفتار خداوند متعال: و صاحبان ارحام یعنی صاحبان و وارثان در کتاب خدا بعضی مقدم بر بعضی دیگر مقرر شده اند.

یعنی این ولایت و اولویت در مورد خویشاوندان به صورت قوی تر و جامع تری است. زیرا خویشاوندان مسلمان علاوه بر ولایت ایمان و

هجرت، ولایت خویشاوندی نیز دارند. به همین جهت آن ها از یکدیگر ارث می برند. در حالی که غیر خویشاوندان از یکدیگر ارث نمی برند.

ثابت ثمالی از امام زین العابدین علیه السلام روایت نموده که فرمودند: این آیه درباره ی ما نازل شده است.

عبدالله بن حسن با سند خود از پدران بزرگوارش روایت کرده: هنگامی که ابوبکر فدک را از حضرت فاطمه علیها السلام منع و دریغ نمود و خبرش به آن حضرت رسید، آمد و فرمود پسر ابی قحافه آیا در کتاب خداوند است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم. حقیقتاً چیز عجیبی گفته ای و بر خداوند افترا بسته ای. آیا از روی عمد کتاب خداوند متعال را پشت سر انداخته ای. مگر این کتاب خداوند نیست که می فرماید: صاحبان رحم بعضشان بر بعضی دیگر برتری دارند در ارث و ...

یعنی مراد از اولی الارحام بعضهم اولی ببعض... این افرادند پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام(۱)

۲۴) « اهل البیت» قوله تعالی: (... رَحمَتُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیکُم أَهلَ البَیتِ...)

«سوره هود آیه ۷۲»

ای: النَّبِیِّ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام از اهل بیت است»

گفتار خداوند متعال: آیا از کار خدا عجب داری. رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت است زیرا خدا بسیار ستوده صفات و بزرگوار است.

منظور از اهل بیت پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند. روایت است که امیر المؤمنین علیه السلام بر جمعی می گذشت و بر ایشان سلام کرد. گفتند: و علیک السلام و رحمه الله و برکاته و مغفرته و رضوانه.

۱- نور الثقلین ۲/ ۱۷۲

فرمودند:

لَا تُجَاوِزُوا مَا قَالَتِ المَلَائِکَهُ لِأَبِینَا إِبرَاهِیمَ علیه السلام وَ رَحمَتُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ عَلَیکُم أَهلَ البَیتِ.

از مـا تجـاوز نکنیـد. یعنی این اهـل بیت، مـا هستیم نه غیر ما، در آن هنگامی که ملائکه به پـدر ما ابراهیم علیه السـلام گفتنـد: رحمه الله و برکاته علیکم اهل البیت(۱)

پس خلاـصه مراد از اهل بیت پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسـین علیهم السـلام می باشـند. پس حضـرت فاطمه علیها السلام یکی از اعضای اصلی اهل بیت می باشند.

۲۵) «طوبی لهم» قوله تعالی: (... طُوبی لَهُم وَ حُسنُ مَآب) «سوره رعد آیه ۲۹»

قَالَ رَسُولُ اللهِ صـلی الله علیه و آله و سـلّم: لَقَد شَـهِدَ إِملَاکَ فَاطِمَهَ جَبرَئِیلُ وَ مِیکَائِیلُ وَ إِسـرَافِیلُ فِی أُلُوفٍ مِن مَلَائِکَهٍ وَ لَقَد أَمَرَ اللهُ طُوبَی فَنَثَرَت عَلَیهِم مِن حُلَلِهَا وَ ...(۲)

«مصداق طوبی لهم»

گفتار خداوند متعال: آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آن ها و مقام نیکوی آن ها.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلّم فرمودند: به حقیقت ملائکه و جبرئیل و میکائیل و اسـرافیل در میان هزاران ملائکه، در حق فاطمه علیها السـلام شـهادت دادند (یعنی در شب عروسـی حضـرت فاطمه علیها السلام به عنوان شاهد بودند) و خداوند به درخت طوبی امر فرمود که (در جشن عروسی آن حضرت) نثار کند.

معمولاًـ رسم است که وقـتی عروس را به خـانه ی دامـاد می برنـد از زیور آلاـت خود بر سـر مردم می ریزنـد. در اینجـا از آن حضـرت تعبیر به طوبی شده است، یعنی در شب عروسـی، آن بزرگوار، درخت طوبی بوده و حلل و زیور آلات خود را بر سـر مردم پخش می کرد.

۱- منهج الصادقین ۴/ ۴۳۹

۲- بحار الانوار ۸/ ۱۴۲

۲۶) «کشجره طیّبه» قوله تعالی: (أَ لَم تَرَ کَیفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً کَلِمَهً طَیِّبَهً کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصلُها ثابِتٌ وَ فَرعُها فِی السَّماء) «سوره ابراهیم آیه ۲۴»

قَالَ جَبرَئِیلُ لِلنَّبِی صلی الله علیه و آله و سلّم: أَنتَ الشَّجَرَه وَ عَلِیٌّ غَصنُهَا وَ فَاطِمَهَ وَرَقُهَا وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ ثِمَارُهَا.

«اشتراک در شجره ی طیبه»

گفتار خداوند متعال: ای رسول مگر ندانستی که چگونه خدا کلمه ی پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه ی آن برقرار باشد و شاخه ی آن به آسمان رفعت و سعادت بالا رود.

جبرئیل به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد: تو اصل درختی (شجره ی نبوت) و علی شاخه و فاطمه برگ و حسن و حسین علیهم السلام میوه ی آن درختند.

جابر جعفی گوید: من از امام باقر درباره ی قول خداوند عز و جل سئوال کردم که می فرماید: مانند درخت پاک که اصلش ثابت و شاخه اش در آسمان است، فرمودند: منظور از درخت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و علی تنه ی آن و فاطمه شاخه ی آن و اولاد آن حضرت میوه های آن و شیعیان ما برگ های آن می باشند.

حضرت زهرا علیها السلام مصداق درخت طیبه و پاک می باشد که در قرآن آمده است(۱)

۲۷) «اهل الذکر» قوله تعالی: (... فَسئَلُوا أَهلَ الذِّکرِ إِن کُنتُم...) «سوره نحل آیه ۴۳»

ای: مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک با اهل ذکر»

گفتار خداوند متعال: و ما پیش از تو (ای محمد) غیر از رجال مؤید به وحی خود کسی را به رسالت نفرستادیم. بروید و از اهل ذکر سئوال کنید اگر نمی دانید.

۱- نور الثقلین ۲/ ۵۳۶

مراد از اهل ذکر یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند که از خاندان وحی و نبوتند.

۲۸) «ذی القربی» قوله تعالی: (... وَ إِیتاءِ ذِی القُربی...) «سوره نحل آیه ۹۰»

ای: فَاطِمَهُ وَ أَولَادُهَا علیهم السلام.

«اشتراک با ذی القربی»

گفتار خداوند متعال: همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می کند.

منظور از ذوی القربی حضرت فاطمه علیها السلام و اولاد آن بزرگوار می باشد.

۲۹) «آیاتنا» قوله تعالی: (سُبحانَ الَّذی أَسری بِعَبدِهِ لَیلًا مِنَ المَسجِدِ الحَرامِ إِلَی المَسجِدِ الأَقصَی الَّذی بارَکنا حَولَهُ لِنُرِیَهُ مِن آیاتِنا...) «سوره اسراء آیه ۱»

ای: عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در آیاتنا»

گفتار خداوند متعال: پاک و منزّه است خدایی که در مبارک شبی بنده ی خود (محمد) را از مسجد الحرام (مکه ی معظمه) به مسجد الاقصایی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت سیر داد تا آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست.

مقصود از آیاتنا علی و فاطمه حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

روایات فراوانی است که در شب معراج راجع به اهل بیت آن حضرت خصوصاً وجود مبارک مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام سفارش زیاد شده است. پس یکی از آیات الهی وجود پر برکت حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه ی زهرا علیها السلام می باشد.

۳۰) «ذا القربی» قوله تعالی (وَ آتِ ذَا القُربی حَقَّه...) «سوره اسراء آیه ۲۶»

ای: فاطمه علیها السلام.

«مصداق ذا القربی»

گفتار خداوند متعال: حقوق خویشاوندان را ادا کن.

این فرمان مربوط به فدک است که حق حضرت صدیقه ی طاهره فاطمه زهرا علیها السلام می باشد. یعنی ای پیامبر حق فاطمه را بده.

جریان فدک از این قرار است: چون این آیه ی شریفه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فدک را به حضرت فاطمه علیها السلام بخشید و در مدت حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم در دست آن بزرگوار بود، و منافع آن را صرف فرزندان می کرد. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به شهادت رسید، حق دخت گرامیش را با زور و عدوان گرفتند و حتی وقتی که برای دفاع از حقش نزد ابی بکر رفت و با دلیل حقش را ثابت نمود، او بهانه آورد و حدیث جعل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم گفته: مَا تَرَکنَاهُ صَدَقَه آنچه من می گذارم صدقه است.

با اینکه همه ی علمای شیعه و سنی روایت کرده اند، فدک که سرزمین بسیار وسیعی بود، از آن فاطمه ی زهرا علیها السلام بوده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در زمان حیات خود به آن حضرت بخشید، اما حق آن حضرت را منع کردند و تصاحب کردند. ما این قضیه را مفصل در کتاب فدک ذکر کرده ایم. اهل مطالعه به آن جا رکوع کنند. پس منظور از ذا القربی وجود مقدسه ی حضرت فاطمه علیها السلام می باشد.

۳۱) قوله تعالی: (وَ إِمَّا تُعرِضَنَّ عَنهُمُ ابتِغاءَ رَحمَهٍ مِن رَبِّکَ تَرجُوها فَقُل لَهُم قَولاً مَیسُورا) «سوره اسراء آیه ۲۸»

نزلت فی علیّ و فاطمه حیث أهدی ملک حبشه الی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم عشره اِماء.

گفتار خداوند متعال: و چنانچه از ارحام چون فعلاً نادار هستی و در آینده به لطف خدا امیدواری اکنون اعراض کرده و توجه به حقوقشان نتوانی کرد باز به گفتار خوش آن ها را از خود دل شاد کن.

این آیه ی شریفه در حق علی و فاطمه علیها السلام نازل شده است.

ص: ۱۴۷

پادشاه حبشه (نجاشی) ده کنیز برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم هدیه فرستاد.

شیرازی عالم سنی در کتابش ذکر کرده هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم درخواست کرد یکی از آن ده کنیز را برای کارهای منزل به ایشان بدهند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم گریه کرد و فرمود: به آن خدایی که مرا به حق برای پیامبری فرستاد در مسجد چهارصد مرد وجود دارد که نه طعامی و لباسی دارند و اگر نمی ترسیدم آنچه را که خواستی به تو می دادم.

من نمی خواهم به تو کنیز ندهم، اما می ترسم که علی بن ابی طالب علیه السلام در روز قیامت با تو مخاصمه کند. پس نماز و تسبیح را یاد آن حضرت داد. شاید منظور تسبیحات اربعه باشد که معروف و مشهود است.

در روایات آمده است که: حضرت فاطمه علیها السلام آن قدر با مشک آب آورد که اثر آن در سینه ی مبارکش باقی ماند. آن قدر گندم آسیا کرد که دست هایش پینه بست. آن قدر خانه را جارو کرد که لباس هایش سیاه شد. از فشار اینگونه زخم ها دچار ضعف شدیدی گردید. یکی از روزها حضرت علی علیه السلام به آن حضرت گفت: برو از پدر خود تقاضای کنیزی کن تا در کار خانه به تو کمک کند. وقتی که حضرت فاطمه ی زهرا علیها السلام به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم آمد، دید عده ای در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم مشغول گفت و گو هستند. فاطمه ی زهرا علیها السلام خجالت کشید با آن حضرت صحبت کند، لذا به طرف خانه ی خود برگشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم متوجه شدند که زهرا علیها السلام حاجتی داشت. لذا روز دیگر صبح زود نزد آن دو بزرگوار آمد و فرمود: ای فاطمه! چه حاجتی داشتی که دیروز پیش من آمدی؟ حضرت فاطمه خجالت کشید و چیزی نگفت. حضرت علی علیه السلام جریان را به عرض آن حضرت رسانید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: آیا می خواهید که چیزی بهتر از کنیز را به شما تعلیم دهیم. عرض کردند: آری یا رسول الله! فرمود: هنگامی که می خواهید بخوابید ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۴ مرتبه الله اکبر بگویید.

حضـرت زهرا علیها السلام پس از شنیدن این موضوع سه مرتبه عرض کرد: از خدا و رسول راضی شدم. امیر مؤمنان فرمود: تو از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم کنیزی خواستی پس خداوند به ما ثواب آخرت را عنایت فرمود.

ابوهریره گوید: چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از نزد فاطمه بیرون رفت، این آیه نازل شد(۱)

۳۲) «وسیله» قوله تعالی: (... یَبتَغُونَ إِلی رَبِّهِمُ الوَسِیلَه...) «سوره اسراء آیه ۵۷»

هُمُ النَّبِیُّ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در وسیله»

گفتار خداوند متعال: (آن بت هایی که کافران آن ها را به خدایی می خوانند) خود به درگاه خدا وسیله ی تقرب می جویند.

که مراد از وسـیله (که مردم به توسط آن وسـیله تقرب می جوینـد در کارهای دنیا و آخرتی خودشان) در این جا پیامبر اکرم و علی و فاطمه و حسن و حسـین اند علیهم السلام. پس حضرت فاطمه علیها السلام یکی از آن وسایلی است که مردم توسط آن بزرگوار در کارهای دینی و دنیایی خودشان به خداوند متعال تقرب می جویند.

۳۳) «وَ یُبَشِرُ المؤمنین» قوله تعالی: (قَیِّماً لِیُنذِرَ بَأساً شَدِیداً مِن لَدُنهُ وَ یُبَشِّرَ المُؤمِنِینَ الَّذِینَ یَعمَلُونَ الصَّالِحاتِ أَنَّ لَهُم أَجراً حَسَناً) «سوره کهف آیه ۲»

یُبَشِّرُ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلّم بِالجَنَّهِ عَلِیّاً وَ جَعفَراً وَ عَقِیلاً وَ حَمزَهَ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَین.

«اشتراک در بشارت مؤمنین»

گفتار و فرمایش خداوند: و اهل ایمان را که اعمال آن ها نیکوست با اجرا بسیار نیکو بشارت دهد.

ص: ۱۴۹

۱- نور الثقلین ۳/ ۱۵۷

یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلّم علی و جعفر و عقیل و حمزه و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به بهشت بشارت می دهد.

۳۴) قوله تعالی: (وَ لَقَد عَهِدنا إِلی آدَمَ مِن قَبلُ فَنَسِیَ...) «سوره طه آیه ۱۱۵»

کَلِمَاتٍ فِی مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«اشتراک در عهدی که خدا با آدم بست»

فرمایش خداوند متعال: و ما با آدم عهد کردیم او را استوار و ثابت قدم نیافتیم.

یعنی به او امر کردیم که گرد شجره ی نهی شده نگردد و از آن نخورد، پس فراموش کرد. یعنی امر ما را ترک نمود و از آن درخت نهی شده تناول کرد.

منظور از این نهی، نهی تنزیهی و ترک اولی است. یعنی بهتر بود که جناب آدم علیه السلام از آن درخت نهی شده میل نمی فرمود و نسیان و فراموشی به معنای ترک و عدم عزم است. یعنی جناب آدم ترک اولی نمود و از آن درخت تناول نمود و عزمش را برای آنکه از آن درخت نخورد جزم نکرد، بلکه عمداً آن را تناول نمود.

در اینجا می فرماید: ما در حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام با کلماتی از جناب آدم علیه السلام عهد گرفتیم.

نسیان در اینجا شاید عزیمت نهی است به طوری که تأویل و رخصت را قبول نمی کند. یعنی در انجام کار رخصت و اجازه نمی دهد و غیر منسی و نسیان یعنی فراموشی اصل نهی است. یا اینکه بگوئیم منسی آن چیزی که فراموش شده است، فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم وصی آن حضرت و فرزندان آن دو بزرگوار (از معصومین علیهم السلام باشد). نسیان در اینجا به معنی ترک باشد.

در کافی از قول امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ی شریفه روایت شده است: وَ لَقَد عَهِدنا إِلی آدَمَ مِن قَبلُ (یعنی ما از قبل به آدم) کلماتی را در حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه هدی علیهم السلام از فرزندان آن ها عهد کردیم، ولی آدم این عهد ما را فراموش کرد.

از قول امام باقر علیه السلام روایت شده است که: خداوند از آدم در حق محمد صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم عهد گرفت، ولی آدم به طور محکم به این عهد وفا نکرد (که آنان دارای چنان صفاتی اند).

در حدیثی دیگر فرموده اند: خداوند از صاحبان عزم و جزم عهد و پیمان گرفت، به اینکه من پروردگار شما و محمد صلی الله علیه و آله و سلّم رسول من است و علی علیه السلام امیر المؤمنین و اوصیایش بعد از آن صاحبان امر و خزینه دار علم من می باشند و اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین مرا یاری می دهد و دولت مرا ظاهر می سازد و از دشمنان من انتقام می جوید. گفتند: به همه این ها اقرار می کنیم و گواهی می دهیم. اما جناب آدم اقرار نکرد. پس این عزمیت و قصد برای این پنج تن آل عبا ثابت شد در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (که ان شاء الله در وقت ظهور پیاده خواهد شد)(۱)

شاید منظور این باشد که آنچه در حق پنج تن آل عبا، از اظهار فضایل و مناقب به عهده جناب آدم بود، به مرحله ظهور نرساند. یا زمان مهلت نداد آن چنان فضایل و مناقب آنان را برای مردم معرّفی کند و این فضیلت برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ماند، که با ظهور خود ان شاء الله آن چنان که حق مطلب است در حق پنج تن را به مرحله ظهور برساند تا بر همه عالم، مقام و فضایل و مناقب آن بزرگواران روشن گردد.

۱- تفسیر صافی ۲/ ۸۰

همان طور که بسیاری از علوم هنوز برای بشر کشف نشده که با ظهور ایشان ان شاء الله همگی آشکار می شود، همان طور هم فضایل ایشان مو به مو برای مردم آشکار می شود و هیچ کاری را در حق آنان وا نمی گذارد و ترک نمی کند. البته عمق مطلب خوب برای ما روشن نیست. باز هم باید به اهلش یعنی به معصومین علیهم السلام ارجاع داد تا برای ما معنا کنند.

حَدِیثَنَا صَعبٌ مُستَصعَب.

فهم حدیث ما قدری سخت است، همچنان که بعضی از آیات قرآن مانند آیات متشابه درک و فهمش مشکل است و باید به معصومین علیهم السلام علم او را ارجاع داد.

۳۵) قوله تعالی: (وَأمُر أَهلَکَ بِالصَّلاهِ وَ اصطَبِر عَلَیها...) «سوره طه آیه ۱۳۲»

نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ فاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

کَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: یَأتِی بَابَ فَاطِمَهَ کُلَّ سُحرَهٍ فَیَقُولُ السَّلَامُ عَلَیکُم أَهلَ البَیتِ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ الصَّلَاهَ یَرحَمُکُمُ اللهُ...

«فاطمه علیها السلام اهل پیامبر»

فرمایش خداوند متعال: تو اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش.

این آیه در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم هر بامداد بر در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها می آمد و می فرمود:

السلام علیکم اهل البیت و رحمه الله و برکاته الصلاه یرحمکم الله.

سلام بر شما اهل خانه (وحی و رسالت) و رحمت و برکات خدا بر شما باشد. نماز مرا به پای دارید.

ابی سعید خدری گوید: چون این آیه شریفه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم تا مدت ۹ ماه در هر وعده نماز به در خانه فاطمه و امیر مؤمنان علیهما السلام می آمد و به آواز بلند می گفت:

الصَّلَاةَ رَحِمَکَمُ اللهُ الصَّلَاةَ إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکَمُ الرِّجسَ أَهلَ البَیتِ وَ یُطَهِّرَکُم تَطهِیراً.

خداونـد اراده فرموده که از شـما اهل بیت رجس و پلیدی و هر آلودگی ظاهری و باطنی را دور کرده و شـما را پاک و پاکیزه قرار داده است(۱)

و ضـمناض این مطلب را هم ثـابت می کنـد که امر کردن اهـل بیت علیهم السـلام به خصوص بر نمـاز بـاعث می شود تا مردم عظمت این فریضه الهی را لمس کنند و شبانه روز به یاد آل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم باشند و در زندگی خودشان این کار را نقش دهند.

۳۶) أَنَّ رَسُولَ اللهِ صـلی الله علیه و آله و سـلّم: أَمَرَ بِقَطعِ لِصٍّ فَقَـالَ اللِّصُّ یَا رَسُولُ اللهِ قَـدَّمتُهُ فِی الإِسـلَامِ وَ تَأمُرُهُ بِالقَطعِ فَقَالَ لَو کَانَتِ ابنَتِی فَاطِمَهُ فَسَمِعَت فَاطِمَهُ فَحَزِنَت فَنَزَلَ جبرَئِیلُ بِقَولِهِ: (لَئِن أَشرَکتَ لَیَحبَطَنَّ عَمَلُکَ) «سوره زمر آیه ۶۵»

فَحَزِنَ رَسُولُ اللهِ صـلی الله علیه و آله و سـلّم فَنَزَلَ: (لَو کـانَ فِیهِمـا آلِهَهٌ إِلاَّـ اللهُ لَفَسَـدَتا) «سوره انبیـاء آیه ۲۲» فَتَعَجَّبَ النَّبِیُّ مِن ذَلِکَ فَنَزَلَ جَبرَئِیلُ وَ قَالَ: کَانَت حَزِنَت مِن قَولِکَ فَهَذِهِ الآیاتُ لِمُوَافَقَتِهَا لِتَرضَی(۲)

«حزن فاطمه علیها السلام حزن خداوند است»

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلّم دسـتور دادنـد تا دست دزدی را قطع کنند. پس آن دزد گفت: این دست را در اسـلام تقدیم کرده ام ولی اکنون فرمان به قطع آن می دهی؟ پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: دخترم فاطمه علیها السلام هم که باشـد این کـار را انجام می دهم (العیاذ بالله). [آن بی بی دو عالم که معصومه است و هرگز این کار را انجام نمی دهنـد اما این صـحبت از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم برای مردم است که حق الناس و خیانت به مال مردم نکنند و فکر سرقت به سرشان نزند که احکام خداوند در حق او جاری خواهد شد.] این خبر به گوش

۱- منهج الصادقین ۶/ ۴۴

۲- بحارالانوار ۴۳/ ۴۳

حضرت فاطمه علیها السلام رسید و از صحبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم ناراحت شد. جبرئیل نازل شد و از جانب خداوند تبارک و تعالی گفت: اگر به خدا شرکت آوری عملت را محو و نابود می گرداند، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم ناراحت شد. سپس این آیه نازل شد که: اگر به جز خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل در آسمان راه می یافت. یعنی اگر غیر از خداوند متعال که مستحق عبودیت است نه غیر او خدای دیگری بود هر آینه آسمان و زمین تباه می شدند و نظام کارهای آن درهم می شکست. پس خدا و معبودی غیر از خدای یگانه وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از این مطلب تعجب کرد. جبرئیل فرود آمد و گفت: فاطمه از گفتار تو محزون و ناراحت شد. پس این آیات کریمه برای دلداری حضرت زهرا علیها السلام آمد تا راضی و خشنود گردد و از محزونیت بیرون آید.

البته این خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم از باب کنایه است. به اصطلاح عرف به در می زنند که دیوار بشنود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم که مقام عصمت دارد و منزّه از چنین صفات است.

خلاصه ربط این مطلب این است که حزن و ناراحتی حضرت فاطمه علیها السلام همانند حزن و ناراحتی پیامبر گرامی است. من جمله همان روایتی که می فرماید:

فَاطِمَهُ بَضعَهٌ مِنِّی مَن آذَاهَا فَقَد آذَانِی.

فاطمه پاره تن من است. کسی که او را اذیت کند مرا اذیت نموده است.

۳۷) «عباد مکرمون» قوله تعالی: (... سُبحانَهُ بَل عِبادٌ مُکرَمُون) «سوره انبیاء آیه ۲۶»

ای: مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهَ علیهم السلام.

«اشتراک با بندگان گرامی»

فرمایش خداوند متعال: و گفتند خدای رحمان دارای فرزند است. خدا پاک و منزّه از آن است، بلکه همه بندگان مقرب خدا هستند.

که منظور از عباد مکرمون و بندگان خاص و مقرب خداوند محمد و علی و فاطمه اند. پس حضرت فاطمه علیها السلام یکی از بندگان خاص و مقرب خداوند، بعد از پیامبر و امیر مؤمنان علیهما السلام است.

۳۸) قوله تعـالی: (... وَ هُم فی مَا اشتَهَت أَنفُسُهُم خالِدُون* لا یَحزُنُهُمُ الفَزَعُ الأکبَرُ وَ تَتَلَقَّاهُمُ المَلائِکَهُ هذا یَومُکَمُ الَّذی کُنتُم تُوعَدُون) «سوره انبیاء آیات ۱۰۲ و ۱۰۳»

ای: فَاطِمَهُ علیها السلام وَ ذُرِّیَّتُهَا وَ شِیعَتُهَا.

«فاطمه علیها السلام اهل بهشت»

فرمایش خداونـد متعال: آن ها هرگز آواز جهنم را نخواهنـد شـنید و به آنچه مشـتاق و مایل آننـد (در بهشت) تا ابد متنعمند و هیچ گاه فزع و فریاد هنگامه بزرگ قیامت آن ها را محزون نخواهد ساخت و فرشـتگان رحمت با آنان ملاقات کنند. این است آن روز (سعادت) شما که در دنیا به شما وعده می دادند.

یعنی فاطمه علیها السلام و ذراری و شیعیان آن حضرت از روز فزع بزرگ قیامت در امان هستند. مرحوم شیخ صدوق در امالی خود روایت مفصلی از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم نقل کرده که فرمود: یا علی تو و شیعیان تو بر حوض (کوثر) وارد می شوید. تو کسی را که تو را اجابت کرده و پیروی نموده و در خط و مشی تو بوده آب می دهی و کسی را که نمی پسندی و در خط و مشی تو نبوده آب نمی دهی و شماها روز قیامت از فزع و ترس بزرگ قیامت در امان هستید(۱)

۳۹) قوله تعالی: (الَّذینَ أُخرِجُوا مِن دِیارِهِم بِغَیرِ حَق...) «سوره حج آیه ۴۰»

ای: أَمِیرِ المُؤمِنِینَ علیه السلام وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ مَا ارتَکَبَ مِن أَمرِ فَاطِمَهَ علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام مظلوم است»

فرمایش خداوند متعال: آن مؤمنانی که (به ظلم کفار) به ناحق از خانه هایشان آواره شدند.

یعنی امیر مؤمنان علیه السـلام و فرزنـدان آن حضـرت و آن مصائبی که درباره فاطمه علیها السـلام از دشـمنان دیدنـد و آزار و اذیت هایی که در حق آن بزرگوار لمس کردند.

ص: ۱۵۵

۱- نور الثقلین ۳/ ۴۶۰

البته این مطلب کلی است و درباره سایر معصومین علیهم السلام که از دشمنان انواع آزار و اذیت ها دیدند مانند مصائب امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین نیز می باشد. امام باقر علیه السلام می فرماید: این آیه در حق ما نازل شده است(۱) و در اینجا خاصه درباره وجود مقدسه حضرت زهرا علیها السلام نازل شده است.

۴۰) قوله تعالی: (... وَ بِئرٍ مُعَطَّلَهٍ وَ قَصرٍ مَشید) «سوره حج آیه ۴۵»

ای: فَاطِمَهُ وَ وُلدُهَا علیهم السلام مُعَطَّلِینَ مِنَ المِلک.

«غصب فدک فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: ... و چه چاه و قنات های آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی که بی صاحب گشت.

یعنی فاطمه علیها السلام و فرزندان آن بزرگوار که از ملک بی نصیب ماندند. یعنی چه اموال منقول و غیر منقول که به غارت برده شد. و چه زمین هایی که دشمن به غصب و تصاحب گرفت. و چه منازل و خانه ها که به وسیله دشمن تخریب شد و خصوصاً فدک که به دست دشمن دست به دست گشت و به دست صاحب اصلی آن نرسید، که حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندانش باشد. و اگر فدک سالم می بود و به دست صاحبان اصلی آن می رسید، جهان را آباد و گلستان می کردند و همه جهان از فقر نجات می یافت. از پرتو آن بزرگواران دولت مند می گشتند و همه امور دنیا و آخرت اصلاح می شد.

۴۱) قوله تعالی: (وَ ما أَرسَلنا مِن قَبلِکَ مِن رَسُولٍ وَ لا نَبی...) «سوره حج آیه ۵۲»

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: أَصَابَهُ خَصَاصَهٌ فَجاءَ إِلَی رَجُلٍ مِنَ الأَنصَارِ فَقَالَ لَهُ هَل عِندَکَ مِن طَعَامٍ؟ فَقَال نَعَم یَا رَسُولَ اللهِ وَ ذَبَح لَهُ عَنَاقاً وَ شَوَاهُ فَلَمَّا أَدنَاهُ

۱- نور الثقلین ۳/ ۵۰۱

مِنهُ تَمَنَّى رَسُولُ اللهِ صلى الله علیه و آله و سلّم: أَن یَکُونَ مَعَهُ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ علیهم السلام فَجَاءَ أَبُوبَکرٍ وَ عُمَر...(۱)

فرمایش خداوند متعال: و ما پیش از تو هیچ رسول و پیغمبری نفرستادیم جز آنکه چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد، شیطان (جن و انس) در آیات الهی القای دسیسه کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نزد مردی از انصار آمد فرمود: آیا طعامی نزد تو است؟ عرض کرد: بلی یا رسول الله و برای آن حضرت بزغاله ای ذبح کرد و آن را بریان نمود. وقتی آن را نزد حضرت آورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم آرزو می کرد که ای کاش علی و فاطمه و حسن و حسین نیز با او بودند تا از آن گوشت با هم میل می فرمودند.

۴۲) قوله تعالی: (قَد أَفلَحَ المُؤمِنُونَ) «سوره مؤمنون آیه ۱»

ای: رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام جزو رستگاران»

فرمایش خداوند متعال: همانا اهل ایمان به پیروزی و رستگاری رسیدند.

یعنی رسول خدا و امیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام مصداق کامل این آیه هستند و مؤمن واقعی و کامل می باشند که رستگار و پیروز مندند.

۴۳) قوله تعالی: (... الیَومَ بِما صَبَرُوا أَنَّهُم هُمُ الفائِزُون) «سوره مؤمنون آیه ۱۱۱»

ای: بِصَبرِ عَلِیِّ بنِ أَبِی طَالِبٍ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ علیهم السلام فِی الدُّنیَا عَلَی الطَّاعَاتِ وَ عَلَی الجُوعِ وَ الفَقرِ، وَ بِمَا صَبَرُوا عَلَی المَعَاصِی وَ صَبَرُوا عَلَی البَلَاءِ لِلّهِ فِی الدُّنیَا(۲)

۱- بحار الانوار ۱۷/ ۸۶

۲- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ۱/ ۵۳۲

«فاطمه علیها السلام جزو رستگاران»

فرمایش پروردگار عزیز: من هم امروز جزای خیر به آن بندگان خود خواهم داد و آن ها امروز رستگاران عالمند.

یعنی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام در دنیا بر طاعات و بر گرسنگی و فقر و بلا به خاطر خداوند صبر می کردند و روز قیامت جزا و پاداش این امور را به نحو اکمل در نزد خداوند دارا هستند.

۴۴) قوله تعالی: (وَ لَو لا فَضلُ اللهِ عَلَیکُم وَ رَحمَتُه...) «سوره نور آیه ۱۰»

ای: فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام مصداق فضل و رحمت خداوند»

فرمایش خداوند متعال: و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما مؤمنان نبود.

در این جا حضرت فاطمه علیها السلام فضل و رحمت خداوند است بر بندگان همانند معصومین دیگر.

۴۵) قوله تعالی: (اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَالأَرضِ مَثَلُ نُورِه...) «سوره نور آیه ۳۵»

ای: فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام مصداق نور خداوند»

فرمایش خداوند متعال: خدا نور آسمان ها و زمین است. داستان نورش به مشکاتی می ماند که در آن چراغی روشن باشد و آن چراغ در میان شیشه ای که تلألؤ آن گویی ستاره ایست درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آن که شرقی و غربی نیست شرق و غرب جهان بدان فروزان است.

که منظور از مشکات حضرت فاطمه علیها السلام می باشد. در تفسیر نور آمده که در رابطه با این آیه در میان مفسران چند قول است. بعضی گویند: صفت نور خدا که آن را به مؤمنان داده همان ایمان است. بعضی گویند: مثل نور، مثل من آمن به است. یعنی کسی که ایمان به او بیاورد. عده ای

گویند: مثل نور خداوند، قرآن است که در قلب مؤمن است. عده ای گویند: منظور نور محمد صلی الله علیه و آله و سلّم است و اضافه این نور به ذات خود به خاطر شرافت آن حضرت است. یعنی مثل نور محمد صلی الله علیه و آله و سلّم چون مشکاتی است که از غایت وضوح و ظهور مثل نور است. عده ای گویند: منظور نور طاعت است. و گویند مصباح چراغی است که در آن فتیله و روغن باشد و سراج فتیله ای است که روشنی می دهد(۱)

خلاصه: منظور کمشکات فاطمه علیها السلام می باشد. اصول کافی از قول امام صادق علیه السلام روایت کرده که در گفتار خداوند عزوجل که فرمود: اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَالأَرضِ مَثَلُ نُورِه کَمِشکاهٍ مقصود حضرت فاطمه علیها السلام است. فیها مِصباحٌ- مصباح امام حسن علیه السلام است. المِصباحُ فی زُجاجَه مقصود امام حسین علیه السلام، کَأَنَّها کَوکَبٌ دُرِّی حضرت فاطمه علیها السلام ستاره ای است که در میان زنان اهل دنیا می درخشد(۲)

۴۶) قوله تعالی: (فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَن تُرفَعَ وَ یُذکَرَ فیهَا...) «سوره نور آیه ۳۶»

ای: بِبُیُوتُ الأَنبِیَاءِ وَ بَیتُ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ مِن أَفَاضِلِهَا.

«خانه فاطمه علیها السلام نورانی ترین خانه ها»

فرمایش خداوند متعال: در خانه های خدا (مانند معابد و مساجد و منازل انبیاء و اولیاء) خداوند رخصت داده که آن جا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود.

که مقصود از بیوت (خانه ها) خانه های پیامبران است و خانه علی و فاطمه علیها السلام از بهترین خانه ها هستند.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که در ذیل آیه شریفه فرمودند: این خانه ها، خانه های انبیاء است و خانه علی نیز جزو آن خانه ها می باشد.

۱- منهج الصادقین ۶/ ۳۱۴

۲- نور الثقلین ۳/ ۶۰۲

در روایت دیگری ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در این مورد سئوال کرد فرمود: این ها خانه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است(۱)

۴۷) قوله تعالی: (رِجالٌ لا تُلهیهِم تِجارَهٌ وَلا بَیعٌ عَن ذِکرِ الله...) «سوره نور آیه ۳۷»

ای: عَلِیٌّ وَالحَسَنُ وَالحُسَینُ وَ فَاطِمَه علیهم السلام وَ أَبُوذَرٍّ وَ سَلمَانُ وَ الِقدَادُ وَ صُهَیبٌ.

«فاطمه علیها السلام هیچ گاه از یاد خدا غافل نشود»

فرمایش خداوند سبحان: پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خداوند غافل نگرداند.

این افراد منظور علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام ابوذر و سلمان و مقداد و صهیب هستند.

۴۸) قوله تعالی: (... وَ جَعَلنا بَعضَکُم لِبَعضٍ فِتنَه...) «سوره فرقان آیه ۲۰»

«آزمایش مردم به وسیله دشمنی با فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: ما بعضی شما بندگان را سبب آزمایش بعضی دیگر قرار دادیم.

یعنی ما برخی شما را برای برخی دیگر آزمایش قرار دادیم و از جمله این ابتلاها فقر است به اغنیا و امت های پیغمبران و دشمنی ایشان با پیامبران و چاره جز این نیست. ما آنان را می آزماییم تا اهل صبر و شکر از افراد جزع و کافران ممتاز گردند. (صبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلّم به آن چه کفار در حق آن حضرت می گفتند). یعنی ما بعضی از شما را برای دشمنی با علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام مورد آزمایش قرار می دهیم که ببینیم شما با این بزرگواران چه می کنید؟ آیا دوستشان دارید یا با آنان دشمنی می ورزید و صبر آنان هم در مقابل آزار و اذیت و دشمنی شما هم متقابلاً معلوم است(۲)

ص: ۱۶۰

۱- نور الثقلین ۳/ ۶۰

۲- تفسیر منهج و صافی

۴۹) قوله تعالی: (... خَلَقَ مِنَ الماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهراً...) «سوره فرقان آیه ۵۴»

نَزَلَت فِی النَّبیِّ وَ عَلِیٌّ بنُ أَبِی طَالِب ابنُ عَمِّ النَّبِیِّ وَ زَوجُ فَاطِمَهَ علیهم السلام(۱)

«اشتراک در خلقت»

فرمایش خداوند متعال: و او خدایی است که از آب (نطفه) بشر را آفرید و بین آن ها خویشاوندی و هم بستگی و ازدواج را قرار داد.

این آیه در حق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و علی بن ابی طالب پسر عمّ رسول خدا و همسر او فاطمه نازل شده است.

۵۰) قوله تعالی: (... رَبَّنا هَب لَنا مِن أَزواجِنا وَ ذُرِّیَّاتِنا...) «سوره فرقان آیه ۷۴»

ای: فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام از یک نسل طیب و پاک»

در مورد فرمایش خداوند متعال که می فرماید: و آنان هستند که هنگام دعا با خدای خود گویند: پروردگارا ما را از جفتمان فرزندانی مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشد.

روایت شده که مراد از ازواجنا حضرت خدیجه علیها السلام است و مراد از ذریاتنا حضرت فاطمه علیها السلام و از قره اعین حسن و حسین علیهما السلام و اجعلنا للمتقین اماماً علی بن ابی طالب و ائمه علیهم السلام می باشد(۲)

۵۱) قوله تعالی: (أُولئِکَ یُجزَونَ الغُرفَهَ بِما صَبَرُوا...) «سوره فرقان آیه ۷۵»

ای: عَلِیَّ بنَ أَبِی طَالِبٍ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ وَ فَاطِمَه علیهم السلام.

۱- عوالم ۱۱/ ۷۹

۲- نور الثقلین ۴/ ۶۷

«فاطمه علیها السلام در غرفه های بهشتی»

فرمایش خداوند متعال: چنین است پاداش صبرشان غرفه های جنت و قصرهای بهشتی یابند که در آن جا با تحیت و سلام برخورد کنند.

منظور از این افراد علی بن ابی طالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام اند.

۵۲) قوله تعالی: (وَ تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدین) «سوره شعراء آیه ۲۱۹»

ای: عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام از یک نسل پاک و طاهر»

فرمایش خداوند متعال: و به انتقال تو در اهل سجود آگاهست.

امام باقر علیه السلام می فرماید: منظور از این آیه آن افرادی است که در اصلاب و پشت انبیا می باشند(۱) که مقصود علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند که از پدران و مادران پاک و طاهر به وجود آمده اند.

۵۳) قوله تعالی: (بِنَصرِ اللهِ یَنصُرُ مَن یَشاء) «سوره روم آیه ۵»

ای: نَصرَ فَاطِمَهَ لِمُحِبِّیهَا.

«نصرت فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: به یاری خدا که هر که را بخواهد نصرت و پیروزی می بخشد یعنی حضرت فاطمه علیها السلام محبینش را یاری می کند.

۵۴) قوله تعالی: (فَآتِ ذَا القُربی حَقَّهُ وَالمِسکین...) «سوره روم آیه ۳۸»

جَعَلَ فَدَک لِفَاطِمَهَ بِأَمرِ اللهِ.

«فاطمه علیها السلام مصداق ذا القربی»

فرمایش خداوند متعال: پس حق نزدیکانت را بده.

یعنی فدک را برای فاطمه علیها السلام قرار داد و ملک شخصی آن حضرت نمود.

١- نور الثقلين ۴/ ۶۷

۵۵) قوله تعالی: (تَتَجافی جُنُوبُهُم عَنِ المَضاجِعِ...) «سوره سجده آیه ۱۶»

فِی حَدِیثِ تَزوِیجِ فَاطِمَهَ علیها السلام مِن عَلِی علیه السلام فَدَعَا لَهَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم فِی دُنیَاهَا وَ آخِرَتِهَا ثُمَّ أَتَاهُمَا فِی صَبِیحَتِهِمَا وَ قَالَ: السَّلَامُ عَلَیکُم أَدخُلُ رَحِمَکُمُ اللهُ؟ فَفَتَحَت أَسمَاءُ البَابَ وَ کَانَا نَائِمَینِ تَحتَ کِسَاءٍ فَقَالَ عَلَی حَالِکُمَا فَأَدخَلَ رِجلَیهِ بَینَ أَرجُلِهِمَا فَأَخبَرَ اللهُ عَن أَورَادِهِمَا تَتَجافی جُنُوبُهُم عَنِ المَضاجِعِ الآیَه(۱)

«فاطمه علیها السلام نماز شب می خواند»

فرمایش خداوند متعال: (شب ها) پهلو از بستر خواب حرکت دهند و با بیم و امید (در نماز شب) خدای خود را بخوانند.

در حدیث تزویج فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فاطمه علیها السلام را خواند و برای دین و آخرتش دعا فرمود. سپس در صبح همان روز حضور فاطمه علیها السلام رسید و فرمود: سلام بر شما. حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد: خدا شما را رحمت کند وارد شوید.

اسماء بنت عمیس در را باز کرد و علی و فاطمه علیها السلام در زیر کساء خواب بودند. پیامبر حال آن دو بزرگوار را جویا شد. سپس از پایین پای علی علیه السلام وارد اتاق شد. پس خداوند آن حضرت را خبر داد از اوراد و اذکاری که آن دو (شبانه روز داشتند) و آیه را برای آنان خواند: (شب ها) پهلو از بستر خواب حرکت دهند و با بیم و امید (در نماز شب) خدای خود را بخوانند.

۵۶) قوله تعالی: (وَ جَعَلنا مِنهُم أَئِمَّهً یَهدُونَ بِأَمرِنا...) «سوره سجده آیه ۲۴»

نَزَلَت فِی وُلدِ فَاطِمَهَ علیهم السلام.

«فرزندان فاطمه علیها السلام ائمه هدی هستند»

ص: ۱۶۳

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۱۷

فرمایش خداوند متعال: و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را به امر هدایت کنند قرار دادیم.

این آیه در مورد فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام نازل شده که ائمه هدی علیهم السلام باشند که مردم را به سوی خدا هدایت می کنند و حجت های پروردگارند بر مردم و خلق در اثر پرتوی هدایت آن بزرگواران به سعادت ابدی می رسند.

۵۷) قوله تعالی: (... يُرِيدُ اللهُ لِيُذهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ أَهلَ البَيت...) «سوره احزاب آیه ۳۳»

ای: رَسُولُ اللهِ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَين علیهم السلام.

«اشتراک با اهل بیت»

فرمایش خداوند متعال: خدا چنین می خواهد که رجس و هر آلایش را از شما خانواده نبوّت ببرد و شما را از هر عیب پاکیزه و منزّه گرداند.

که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می باشند. البته سایر ائمه معصومین را نیز در بر می گیرد.

۵۸) قوله تعالی: (يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذكُرُوا اللهَ ذِكراً كَثيرا) «سوره احزاب آیه ۴۱»

ای: تَسبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهرَاءِ علیها السلام مِنَ الذِّكرِ الكَثِير.

«تسبیح فاطمه علیها السلام ذکر کثیر»

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید ذکر حق و یاد خدا را (به دل و زبان) بسیار کنید.

که مقصود از ذکر زیاد تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می باشد. یعنی تسبیح حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از ذکر کثیر است.

۵۹) قوله تعالی: (إِنَّ الَّذين يُؤذُونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ الله...) «سوره احزاب آیه ۵۷»

نَزَلَت فِيمَن غَصَبَ أَمِيرَ المُؤمِنِينَ علیه السلام حَقَّهُ وَ أَخَذَ حَقَّ فَاطِمَةَ علیها السلام وَ آذَاهَا.

«خداوند دشمنان فاطمه علیها السلام را لعن می کند»

ص: ۱۶۴

فرمایش خداوند متعال: آنان که خدا و رسول را (به عصیان و مخالفت) آزار و اذیت می کنند، خدا آن ها را در دنیا و آخرت لعن کرده...

این آیه در حق کسانی نازل شده که حق امیرمؤمنان علیه السلام را غصب کردندو حق حضرت فاطمه علیها السلام اعم از فدک و ... را با زور و عدوان و غصب گرفتند.

۶۰) قوله تعالی: (إِنَّا عَرَضنَا الأَمانَةَ عَلَی السَّماواتِ وَالأَرضِ...) «سوره احزاب آیه ۷۲»

ای: أَروَاحَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَ الحُسَینِ علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام امانت عظمی خداوند»

فرمایش خداوند متعال: ما بر آسمان ها و زمین و کوه های عالم عرض امانت کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیدند و اندیشه کردند تا انسان (ناتوان) بپذیرفت و ایشان هم در ادای امانت بسیار ستم کار و نادان بود.

مقصود این است که ارواح محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را بر ایشان عرضه داشت و انسان قدرت تحمل این بار گران را نداشت و در حق آن ظلم و ستم کرد.

۶۱) قوله تعالی: (وَ ما یَستَوِی الأَحیاءُ وَ لَا الأَموات...) «سوره فاطر آیه ۲۲»

ای: فَالأَحیَاءُ عَلِیٌّ وَ حَمزَهُ وَ جَعفَرٌ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ فَاطِمَهُ وَ خَدِیجَهُ علیهم السلام،

«فاطمه علیها السلام برای همیشه زنده است»

فرمایش خداوند متعال: و ابداً زندگان با مردگان برابر نیستند.

مقصود در این جا این است که علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه و خدیجه علیهم السلام برای همیشه در نزد خداوند از احیا و زندگانند. (در مقابل آنان بنی امیه و امثال آن برای همیشه مردگانند و هیچ درک و شعوری جز ظلم و ستم ندارند.)

۶۲) قوله تعالی: (ثُمَّ أَورَثنَا الکِتابَ الَّذینَ اصطَفَینا مِن عِبادِنا...) «سوره فاطر آیه ۳۲»

ای: لِوُلدِ فَاطِمَه علیها السلام.

«فرزندان فاطمه علیها السلام بندگان برگزیده خدا»

فرمایش خداوند متعال: پس (از آن پیامبران سلف) ما آن خاندان را که از بندگان خود برگزیدیم، وارث علم قرآن گردانیدیم.

که مقصود از عباد و بندگان برگزیده، فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام می باشند.

۶۳) قوله تعالی: (وَ قالُوا الحَمدُ لِلّهِ الَّذی أذهَب عَنّا الحَزَن...* الَّذی أَحَلَّنا دارَ المُقامَهِ مِن فَضلِهِ لا یَمَسُّنا فیها نَصَبٌ وَ لا یَمَسُّنا فیها لُغُوب) سوره فاطر آیه ۳۴ و ۳۵»

فَإذَا دَخَلَتِ الجَنَّهَ وَ نَظَرَت إلَی مَا أَعَدَّ اللهُ لَهَا مِنَ الکَرَامَهِ قَرَأَت: «بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ الحَمدُ لِلّهِ الَّذِی أَذهَبَ عَنَّا الحَزَنَ إنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ... لُغُوب»(۱)

«فاطمه علیها السلام در روز قیامت غرق در نعمت های الهی است»

فرمایش خداوند متعال: حمد خدا را گویند که حزن و اندوه ما را برد. همانا خدای ما بسیار بخشنده و پاداش دهنده سپاس است. شکر آن خدایی را که از لطف و کرم ما را به منزل دائمی بهشت وارد کرد که در این جا هیچ رنج و المی به ما نرسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت.

هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام وارد بهشت می شود و به آن چه خداوند منان از کرامت هایی که برای آن بزرگوار مهیا فرموده می نگرد این را می خواند.

۶۴) «العالین» قوله تعالی: (یا إِبلیسُ ما مَنَعَک أَن تَسجُدَ لِما خَلَقتُ...) «سوره ص آیه ۷۵»

قَالَ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلّم: أَنَا وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین.

«تکبر ابلیس در سجده به فاطمه علیها السلام و دیگر اهل کسا»

فرمایش خداوند متعال که فرمود: ای ابلیس تو را چه مانع شد که به موجودی که من به دو دست خود آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر کردی یا از بلند رتبگان بودی؟

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: مقصود من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستیم که به خاطر ما تکبر کرد و کرنش نشان نداد.

۱- همان ۴۳/ ۲۲۷

۶۵) «القربی» قوله تعالی: (... قُل لا أَسئَلُکَم عَلَیهِ أَجراً إِلاّ المَوَدَّهَ فِی القُربی...)(۱)

ای: عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ ابنَاهُما علیهم السلام.

«اشتراک با نزدیکان پیامبر»

فرمایش خداوند متعال: بگو من از شما اجر رسالت نخواهم، جز این که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید.

که مقصود از قربی، علی و فاطمه و فرزندان آن بزرگوار می باشد.

۶۶) «لیله مبارکه» قوله تعالی: (اِنّا اَنزَلناهُ فی لَیلَهٍ مُبارَکَهٍ...) «سوره دخان آیه ۳»

فهی فاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام لیله مبارکه»

فرمایش خداوند متعال: ما آن قرآن را در شب مبارک فرستادیم تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم.

که مقصود از لیله مبارکه وجود مقدسه حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

۶۷) قوله تعالی: (... حَمَلَتهُ أُمُّهُ وَ وَضَعَتهُ کُرها...) «سوره احقاف آیه ۱۵»

لَمّا حَمَلَت فَاطِمَهُ علیها السلام بِالحُسَینِ علیه السلام... کَرِهَت حَملَهُ... وَ لَکِنَّهَا کَرِهَتهُ لِأَنَّهَا عَلِمَت أَنَّهُ سَیُقتَلُ وَ فِیهِ نَزَلَت هَذِهِ الآیه(۲)

«فاطمه علیها السلام مصداق مادر فداکار»

فرمایش خداوند متعال: و ما ایشان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم. مادر با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود.

۱- سوره شوری آیه ۲۳

۲- همان ۴۴/ ۲۳۱

این آیه در مورد امام حسین علیه السلام است. هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام به امام حسین علیه السلام باردار شد، حمل آن حضرت برای حضرت زهرا علیها السلام سخت بود. البته کراهت و رنج و زحمت به خاطر این بود که خبر شهادت آن بزرگوار را شنید و دانست که به زودی ستم کاران آن حضرت را شهید می کنند. و این آیه در مورد این مطلب نازل شد.

۶۸) قوله تعالی: (ذلِکَ بِأَنَّ اللهَ مَولَی الَّذینَ آمَنُوا وَ أَنَّ الکافِرِینَ...) «سوره محمّد آیه ۱۱»

ای: وَلِیَّ عَلِیٍّ وَ حَمزَهَ وَ جَعفَرٍ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

فرمایش خداوند متعال: این از آن روست که خدا یار مؤمنان است و کافران هیچ مولا و یاوری ندارند.

یعنی خداوند یاور علی و حمزه و جعفر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است.

۶۹) قوله تعالی: (إِنَّ الَّذینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ الله...) «سوره فتح آیه ۱۰»

دَعَا رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: عَلِیّاً وَ حَمزَهَ وَ فَاطِمَهَ علیهم السلام فَقَالَ لَهُم بَایِعُونِی بِیعَهَ الرِّضَا... ثم قَرَأ «اِنَّ الَّذین...»

«بیعت فاطمه علیها السلام با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم»

فرمایش خداوند متعال: ای رسول! مؤمنانی که با تو بیعت کردند به حقیقت با خدا بیعت کردند.

پیامبر و علی و حمزه و فاطمه علیهم السلام را خواند. سپس به آن ها گفت: با من بیعت کنید این بیعت رضا و خشنودی خداوند است. سپس این آیه را قرائت نمود.

۷۰) قوله تعالی: (مَنَّاعٍ لِلخَیرِ مُعتَدٍ مُریب) «سوره ق آیه ۲۵»

لَمَّا کَتَبَ الأَوَّلُ کِتَابَ فَدَکَ یَرُدُّهَا عَلَی فَاطِمَهَ علیها السلام مَنَعَهُ الثَّانِی، فَهُوَ» مُعتَدٍ مُرِیب»(۱)

«دشمن فاطمه علیها السلام معتد مریب است»

ص: ۱۶۸

۱- همان ۳۰/ ۱۵۸

فرمایش خداوند متعال: از هر کار خیر مانع می گشت و به حق خلق ستم می کرد و همیشه شکاک بود.

ابوبکر نامه ای نوشت تا فدک را به فاطمه علیها السلام بدهند اما عمر مانع شد و او را از این کار منع نمود. پس او معتد مریب است. ستم گر بود و در دین شک داشت. در صلح حدیبیه که بنابر مصالحی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم صلح نمود. پس از این جریان عمر گفت: من در نبوّت محمد شک دارم. چرا که با مشرکان مکه صلح کرد.

۷۱) قوله تعالی: (کانُوا قَلیلاً مِنَ اللَّیلِ ما یَهجَعُون* وَ بِالأَسحارِ هُم یَستَغفِرُون) «سوره ذاریات آیات ۱۷ و ۱۸»

نَزَلَت فِی عَلِیٍّ بنِ أَبِی طَالِبٍ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ فَاطِمَةَ علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام نماز شب می خواندند»

فرمایش خداوند متعال: و از شب اندکی را می خوابند و سحرگاهان از درگاه خدا طلب آمرزش می کنند.

این آیه شریفه در حق علی بن ابی طالب و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام نازل شده که شب ها کم می خوابیدند و مشغول عبادت بودند. و بعضشان با ریشمانی به گردن شب را نمی خوابیدند. و حضرت زهرا علیها السلام در شب جمعه ها در محراب عبادت تا صبح مشغول عبادت و دعا برای مؤمنان و همسایگان بود. امام حسن علیه السلام می گفت: ای مادر من که هرچه می بینم، شما برای همسایگان و مؤمنین و مؤمنات دعا می کنید و برای خودتان دعا نمی کنید! فرمود:

یَا بُنَیَّ الجَارَ ثُمَّ الدَّار

ای پسرم! اول همسایه بعد خودمان.

۷۲) «المتقین» قوله تعالی: (اِنَّ المُتَّقینَ فی جَنّاتٍ وَ نَعیمٍ) «سوره طور آیه ۱۷»

نَزَلَت خَاصَّةً فِی عَلِیٍّ وَ حَمزَةَ وَ جَعفَرٍ وَ فَاطِمَةَ علیهم السلام.

«اشتراک با متقین»

فرمایش خداوند متعال: متقین هم امروز در باغ های بهشت پر نعمتند.

که در حق علی و حمزه و جعفر و فاطمه علیهم السلام نازل شده است.

۷۳) قوله تعالی: (... وَ اتَّبَعَتهُم ذُرِّیَّتُهُم بِإیمانٍ أَلحَقنا بِهِم ذُرِّیَّتَهُم...) «سوره طور آیه ۲۱»

یعنی: فَفَاطِمَهُ علیها السلام مَعَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم فِی دَرَجَتِهِ وَ عَلِیٌّ علیه السلام مَعَهُمَا.

«فاطمه علیها السلام در بهشت به پیامبر اکرم ملحق می شود»

فرمایش خداوند متعال: و آنان که به خدا ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند، ما فرزندانشان را به آن ها می رسانیم.

یعنی فاطمه علیها السلام را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم در درجه آن حضرت و علی علیه السلام را با آن دو بزرگوار در یک درجه قرار می دهیم و فرزندانشان هم به آن ها ملحق می شوند.

۷۴) قوله تعالی: (فَأَوحی إِلی عَبدِهِ ما أَوحی) «سوره نجم آیه ۱۰»

فَأَوحَی اللهُ إِلَیهِ أَن زَوَّجَهُ فَاطِمَهُ وَ أَتَّخِذَهُ وَصِیّاً.

«ازدواج فاطمه علیها السلام به دستور پیامبر»

فرمایش خداوند متعال: پس خدا به بنده خود وحی کرد که هیچ کس درک آن وحی را نتوان کرد.

یعنی خداوند وحی فرمود به سوی بنده اش رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم: که فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی علیه السلام در بیاورد و علی علیه السلام را به عنوان وصی اتخاذ کن.

۷۵) قوله تعالی: (عِندَ سِدرَهِ المُنتَهی) «سوره نجم آیه ۱۴»

فَاطِمَهَ فَرعُهَا

«فاطمه علیها السلام شاخه درخت سدره المنتهی»

فرمایش خداوند متعال: در نزد سدره المنتهی.

یعنی فاطمه علیها السلام فرع و شاخه آن درخت است.

گفته شده است سدره المنتهی درختی است بر بالای آسمان هفتم و اعمال همه مخلوقات و علم ملائکه و سایر مخلوقین به آن جا منتهی می شود. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت شده که در شب معراج چون به سدره المنتهی رسیدم جبرئیل گفت: این سدره المنتهی است که هرکس از امت تو به هر کیفیتی که بمیرد به اینجا خواهد رسید. پس آن حضرت فرمود: من نگاه کردم دیدم که چهار جوی از زیر آن بیرون می آید. نهری از آب، نهری از عسل مصفی، نهری از شیر و نهری از می. و عظمت آن درخت به طوری بود که اگر سوار تندرو در سایه او هزار سال می رفت به آخر آن نمی رسید(۱)

۷۶) «الدُسُر» قوله تعالی: (وَ حَمَلناهُ عَلی ذاتِ أَلواحٍ وَ دُسُر) «سوره قمر آیه ۱۳»

قَالَ النَّبِی صلی الله علیه و آله و سلّم: نَحنُ الدُّسُرُ لَولَانَا مَا سَارَتِ السَّفِینَهُ بِأَهلِهَا.

«اشتراک با دُسُر»

فرمایش خداوند متعال: ما نوح را در کشتی که اساسش محکم بود نشاندیم.

کلمه دسر به معنای میخ آهنی است که کشتی را با آن اصلاح کنند. یعنی میخ هایی که کشتی را با آن می بندند، دسار است به معنی مسمار. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: ما دسر هستیم اگر ما نبودیم کشتی جناب نوح حرکت نمی کرد.

۷۷) قوله تعالی: (فَإِذَا انشَقَّتِ السَّماءُ فَکانَت وَردهً کَالدِّهان) «سوره الرحمن آیه ۳۷»

أَجلَسَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: فَاطِمَهَ علیها السلام عَن یَسارِهِ... وَ أَنَّکِ یَا فَاطِمَهُ عَن یَمِینِ العَرشِ وَ أَنَّ اللهَ کَسَاکِ ثَوبَینِ أَحَدُهُمَا أَخضَرُ وَالآخَرُ وَردِیٌّ... إِنَّ اللهَ یَقُولُ: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّماءُ».

«فاطمه علیها السلام در طرف راست عرش است»

فرمایش خداوند متعال: آن گاه که آسمان شکافته شود و همچون گل، سرخ گون و چون روغن روان گردد.

۱- منهج الصادقین ۹/ ۷۸

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم فاطمه علیها السلام را طرف چپ خود نشانید و فرمود: تو ای فاطمه در طرف راست عرش هستی و خداوند متعال دو جامه به تو می پوشاند که یکی از آن دو جامه سبز و دیگری گلگون سرخ است. خداوند می فرماید: آن گاه که آسمان شکافته شود و همچون گل، سرخ گون و چون، روغن روان گردد.

۷۸) قوله تعالی: (قَد سَمِعَ اللهُ قَولَ الَّتی تُجادِلُکَ فی زَوجِها...) «سوره مجادله آیه ۱»

أَنَّ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم قَالَ لِفَاطِمَةَ: إِنَّ زَوجَکَ یُلَاقِی بَعدِی کَذَا... فَقَالَت: یَا رَسُولَ اللهِ أَلَا تَدعُو اللهَ أَن یَصرِفَ ذَلِکَ عَنهُ؟... فَهَبَطَ جَبرَئِیلُ فَقَالَ: «قَد سَمِعَ الله»...

«خدا سخن فاطمه را می شنود»

فرمایش خداوند متعال: خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله برخاسته و شکوه به خدا می برد محققاً شنید و گفت و گوی شما را نیز می شنود.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: شوهر تو بعد از من مرا ملاقات خواهد کرد. عرض کرد: یا رسول الله! از خدا نمی خواهی تا آن را از او دور و منصرف کند. جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله برخاسته و شکوه او را به خدا می برد شنید. این آیه تفسیر دیگری هم دارد. رجوع شود به نور الثقلین ۵/ ۲۴۵.

۷۹) قوله تعالی: (إِنَّمَا النَّجوی مِنَ الشَّیطانِ لِیَحزُنَ الَّذینَ آمَنُوا...) «سوره مجادله آیه ۱۰»

فی روایه اَن فاطمه علیها السلام رَأَت فَاطِمَةَ الرُّؤیَا مُعَیَّنَه وَ بَعدَ اِخبارَهَا الرَّسُول صلی الله علیه و آله و سلّم: أنزل الله الآیه.

«توصیه خداوند به فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: همیشه نجوی و راز گفتن از شیطان و عمل منافقان است که می خواهد مؤمنان را دل تنگ و پریشان خاطر کند.

در روایتی آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام خوابی دید و به رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم خبر داد. این آیه نازل شد که همیشه نجوی و راز گفتن از شیطان است

که می خواهند مؤمنان را دل تنگ و پریشان خاطر کنند. البته روایت مفصلی دارد که علاقمندان می توانند رجوع کنند به نور الثقلین ۵/ ۲۶۱.

۸۰) قوله تعالی: (... وَ یُؤثِرُونَ عَلی أَنفُسِهِم وَ لَو کانَ بِهِم خَصاصَه) «سوره حشر آیه ۹»

نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام

«ایثار فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: مهاجران را بر خویش مقدم می دارند و هرچند به آن نیازمند باشند.

این آیه شریفه در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده که مسلّم است ایثار آن چهار بزرگوار و فضه خادمه که سه روز روزه گرفتند و در هر سه شب غذای خود را به اسیر و یتیم و مسکین دادند و با آب افطار کردند.

۸۱) قوله تعالی: (وَ إِذَا رَأَوا تِجارَهً أَو لَهواً انفَضُّوا إِلَیها وَ تَرَکُوکَ...) «سوره جمعه آیه ۱۱»

إنَّ دِحیَهَ الکَلبِیِّ جَاءَ یَومَ الجُمُعَهِ مِنَ الشَّام بِالمِیرَهِ فَنَزَلَ عِندَ أَحجَارِ الزَّیتِ ثُمَّ ضَرَبَ بِالطُّبُولِ لِیُؤذِنَ النَّاسَ بِقُدُومِهِ فَتَفَرَّقَ النَّاسُ إِلَیهِ إِلَّا عَلِیٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ فَاطِمَهُ وَ سَلمَانُ وَ أَبُوذَرٍّ وَ المِقدَادُ وَ صُهَیبٌ وَ تَرَکُوا النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلّم قَائِماً یَخطُبُ عَلَی المِنبَرِ... وَ نَزَلَ فِیهِم رِجالٌ لا تُلهِیهِم تِجارَهٌ الآیه ۳۷ نور

«اشتراک با مردان خدا جوی»

فرمایش خداوند متعال: و این مردم چون تجارت یا لهو و لعب و بازیچه ای ببینند بدان شتابند و تو را در نماز تنها گذارند.

روایت شده که روز جمعه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم در حال خواندن خطبه نماز جمعه بود که دحیه کلبی که برای تجارت شام رفته بود، به مدینه رسید و پشت سر او بنی خزرج و از پشت سر او زید بن متاب نیز رسید. هر نوبت که دحیه به مدینه می آمد انواع طعام از گندم و جو و آرد و برنج و روغن زیتون و ... می آورد و در احجار الزیت در بازار مدینه فرود می آمد و آغاز به طبل زدن

می کرد. تا مردم خبردار می شدند برای خرید متاع و کالا متوجه او می شدند و حتی به استقبال او بیرون می رفتند. در آن روز هم که او رسید طبل زدند و مردم آواز طبل را شنیده و از مسجد بیرون دویدند و غیر از دوازده نفر کسی در مسجد نماند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم چون این حال را مشاهده کرد فرمود:

لولا هؤلاء لسومت لهم الحجاره من السماء

اگر این جماعت نیز بیرون می رفتند، سنگ ها از آسمان برای هرکدام از ایشان نازل می گشت و همه را هلاک می کرد. پس حق سبحانه این آیه را نازل فرمود و ایشان را مورد عتاب قرار داد(۱) خلاصه کسی باقی نماند مگر این چند نفر علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام و سلمان و ابوذر و مقداد و صهیب. و رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم را رها کردن در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم خطبه نماز جمعه را می خواند. و این آیه نیز در حق این چند بزرگوار نام برده نازل گشت:

رِجالٌ لا تُلهیهِم تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَن ذِکرِ...

پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا غافل نگرداند و نماز به پاداشته و زکات به فقیران دهند و از روزی که دل و دیده ها در آن روز حیران و مضطرب است ترسان و هراسانند.

۸۲) قوله تعالی: (... یَومَ لا یُخزِی اللهُ النَّبِیَّ وَالَّذینَ آمَنُوا مَعَهُ...) «سوره تحریم آیه ۸»

لَا یُعَذِّبُ اللهُ مُحَمَّداً وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ لَا یُعَذَّبُ عَلِیُّ بنُ أَبِی طَالِبٍ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ حَمزَهُ وَ جَعفَر(۲)

ص: ۱۷۴

۱- منهج الصادقین ۹/ ۲۸۷

۲- همان ۸/ ۶۷

«فاطمه علیها السلام جزو ایمان آورندگان»

فرمـایش خداونـد متعال: در آن روزی که خـدا پیغمبر خود و گروه با ایمان و گرویـدگان به او را ذلیل نسازد. در آن روز نور (ایمان و عبادت) آن ها در پیش رو و سمت راست ایشان می رود.

یعنی خداونـد هرگز محمـد صـلی الله علیه و آله و سلّم علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسـین و حمزه و جعفر را عذاب نکند.

۸۳) قوله تعالی: (... نُورُهُم یَسعی بَینَ أَیدیهِم وَ بِأَیمانِهِم...) «سوره تحریم آیه ۸»

یُضیءُ عَلی الصِّرَاطِ لِعَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ مِثلَ الدُّنیَا سُبعِینَ مَرَّه(۱)

«نور فاطمه علیها السلام روشن کننده محشر»

فرمایش خداوند متعال: (در آن روز) نور آن ها در پیش رو و پشت سر آن هاست.

نور علی و فاطمه برای مردم در محشر و عبور از صـراط هفتاد برابر دنیا روشـنی می دهـد. نور این بزرگواران قابل قیاس با نور صراط یـا انوار دیگر نیست. بلکه همه مخلوقـات به نور ولایـت این بزرگواران و فرزنـدان معصوم و پاکشان محتاج می باشـند. مردم محتـاج به نور ولایت و نبوّت آن ها هسـتند. آنان نیازی به دیگران ندارنـد چون هم هادینـد و هم هـدایت شـده از جانب خداوند سبحان.

۸۴) قوله تعالی: (وَ مَریَمَ ابنَتَ عِمرانَ الَّتی أَحصَنَت فَرجَها...) «سوره تحریم آیه ۱۲»

هذا مثل ضرب الله لفاطمه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام رحمش را پاکیزه نگه داشت»

فرمـایش خداونـد متعـال: و یادآور حال مریم دختر عمران را که رحمش را پاکیزه داشتیم. این آیه را خداونـد برای عصـمت و پـاکی و عفت حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام مثـال زده است. تأویلاً رسول گرامی صـلی الله علیه و آله و سـلّم فرمودنـد: فاطمه رحمش را پاکیزه داشت.

۱- همان

پس خداوند فرزندان و ذراری آن بزرگوار را بر آتش جهنم حرام کرد. چون فاطمه زهرا علیها السلام جزو چهار زنی است که خداوند آن ها را نمونه قرار داد. البته مقام آن بزرگوار از آن سه نفر بالاتر است.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: از میان مردان نمونه ها زیاد است ولی از میان زنان کامل نشد مگر چهار نفر. آسیه دختر مزاحم زن فرعون، مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دخت گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم چهار خط روی زمین کشید و فرمود: می دانید چرا این خط ها را کشیدم. اصحاب گفتند: نه یا رسول الله! خدا و رسولش عالمند. فرمود: برترین زنان عالم چهار نفرند. خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلّم، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم زن فرعون(۱)

۸۵) قوله تعالی: (رَبِّ اغفِر لی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَن دَخَلَ بَیتِی...) «سوره نوح آیه ۲۸»

وَ قَد کانَ قَبرُ عَلِیٍّ بنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام مَعَ نُوحٍ فِی السَّفِینَهِ. فَلَمَّا خَرَجَ مِنَ السَّفِینَهِ تَرَکَ قَبرَهُ خَارِجَ الکُوفَهِ فَسَأَلَ نُوحٌ رَبَّهُ المَغفِرَهَ لِعَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ علیها السلام قَولُهُ: «وَ لِلمُؤمِنِینَ وَ المُؤمِنات»(۲)

«فاطمه علیها السلام مشمول دعای حضرت نوح»

فرمایش خداوند متعال در مورد سخن نوح: بارالها مرا و پدر و مادر و هر که با ایمان به خانه من داخل شود و همه مردان و زنان با ایمان عالم را ببخش.

گفته اند: منظور از این سخن حضرت نوح، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم هستند. یعنی کسی که داخل در ولایت اهل بیت علیهم السلام و داخل در بیت انبیا شده باشد، دعای نوح در حق او مستجاب است. و قبر علی بن ابی طالب علیه السلام با نوح در کشتی بود. قبر حضرت را کشتی، خارج از کوفه قرار داد. پس جناب نوح از خداوند

ص: ۱۷۶

۱- نور الثقلین ۵/ ۳۷۷

۲- بحار الانوار ۴۲/ ۲۳۷

درخواست مغفرت برای مؤمنین و مؤمنات کرد که مؤمن حقیقی علی بن ابی طالب علیه السلام و مؤمنه حقیقی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است.

۸۶) قوله تعالی: (إِنَّ الأَبرارَ یَشرَبُونَ مِن کَأسٍ کانَ مِزاجُها کافُورا... إِنَّ هذا کانَ لَکُم جَزاءً وَ کانَ سَعیُکُم مَشکُوراً) «سوره انسان آیات ۵– ۲۲»

ای: نَزَلَت فِی عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَین علیهم السلام.

«فاطمه علیها السلام نوشنده شراب کافور»

فرمایش خداوند متعال: و نیکوکاران عالم در بهشت از شرابی نوشند که طبعش کافور است...

این سوره در حق علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده که جریانش در حق آن سه نفر یتیم و اسیر و مسکین اشاره شد.

۸۷) قوله تعالی: (... لا یَرَونَ فیها شَمساً وَ لا زَمهَریرا) «سوره انسان آیه ۱۳»

قال ابن عباس: بینا أهل الجنّه فی نعیمهم اِذ سطع لهم نور فظّنّوه شمساً فقالوا: اِنّ ربّنا یقول: «لا یرون فیها شمسا» فیقول رضوان: هذه فاطمه و علی ضحکا فأشرقت الجنان من نور ضحکهما.

«حکایت خنده فاطمه و علی علیهما السلام»

فرمایش خداوند متعال: و آن جا نه آفتابی سوزان بیند و نه سرمای زمهریر.

ابن عباس گوید: در آن وقتی که اهل بهشت در ناز و نعمت به سر می برند، نوری برای آن ها نور افشانی می کند که خیال می کنند آن نور، نور خورشید است. می گویند: خداوند و پرورگار ما می فرمود: در آن جا (قیامت) نه آفتابی ببینند و نه سرمای زمهریر. پس این چه نوری است. پس رضوان خازن بهشت می گوید: این نور ولای فاطمه و علی می باشد.

ص: ۱۷۷

۸۸) قوله تعالی: (وُجُوهٌ یَومَئِذٍ مُسفِرَه* ضاحِکَهٌ مُستَبشِرَه) «سوره عبس آیات ۳۸ و ۳۹»

عَن أَنَسِ بنِ مَالِكٍ قَالَ سَأَلتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم عَن قَولِهِ: «وُجُوهٌ یَومَئِذٍ مُسفِرَهٌ» قَالَ: یَا أَنَسُ هِیَ وُجُوهُنَا بَنِی عَبدِ المُطَّلِبِ أَنَا وَ عَلِیٌّ وَ حَمزَهُ وَ جعفَرٌ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ وَ فَاطِمَهُ، نَخرُجُ مِن قُبُورِنَا وَ نُورُ وُجُوهِنَا کَالشَّمسِ الضَّاحِیَهِ یَومَ القِیَامَه(۱)

«اشتراک با چهره های خندان روز قیامت»

فرمایش خداوند متعال: در آن روز طایفه ای رخسارشان فروزان و خندان و شادمانند.

انس بن مالک گوید: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم سئوال ردم منظور خداوند متعال که می فرماید: در آن روز رخسارشان فروزان و خندان و شادند چیست و چه افرادی اند؟ فرمودند: ای انس این چهره های ما فرزندان عبدالمطلب است. من و علی و حمزه و جعفر و حسن و حسین و فاطمه. از قبرها و چهره های ما نور خارج می شود و مانند خورشید فروزان، روز قیامت خندانیم.

۸۹) قوله تعالی: (کَلَّا إِنَّ کِتابَ الأَبرارِ لَفی عِلِّیّین* وَ ما أَدرئکَ ما عِلیّوُن* کِتابٌ مَرقُوم)

قال الباقر علیه السلام: وَ هُوَ رَسُولُ اللهِ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَین علیهم السلام

«اشتراک با نیکوکاران»

فرمایش خداوند متعال: چنین نیست نیکوکاران با نامه اعمالشان در بهشت علیین برونـد و چگونه به حقیقت علیین آگاه توانی شد. کتابی است نوشته شده.

از امام باقر علیه السلام روایت است که: این ابرار و نیکان منظور علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اند.

ص: ۱۷۸

۱- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل ۲/ ۴۲۴

۹۰) قوله تعالی: (إِنَّهُم يَکيدُونَ کَيدا) «سوره طارق آيه ۱۵»

کَادُوا رَسُولَ اللهِ صلی الله عليه و آله و سلّم: وَ کَادُوا عَلِيّاً عليه السلام وَ کَادُوا فَاطِمَه عليها السلام.

«مکر خداوند بر عليه دشمنان فاطمه عليها السلام»

فرمايش خداوند متعال: هرچه بتواند مکر می کنند و ما هم در مقابل مکرشان مکر خواهيم کرد.

دشمنان در حق رسول الله و علی و فاطمه مکر کردند و خدا هم مکرشان را به خودشان برگردانيد و عذاب سخت بر ايشان مهيا کرده است. گرچه به سزای اعمال دنيايی خود رسيدند ولی به سزای اعمالشان در آخرت نيز بايد برسند.

۹۱) قوله تعالی: (وَ الشَّفعِ وَ الوَتر) «سوره فجر آيه ۳»

ای: أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ فَاطِمَه عليها السلام.

فرمايش خداوند متعال: قسم به جفت و فرد.

منظور از شفع و وتر امير مؤمنان و فاطمه زهرا عليها السلام هستند. گرچه اين دو به نماز جفت و طاق يا روز نحر (قربانی) و روز ترويه و عرفه گفته شده، ولی در روايتی است که الشفع، حسن و حسين و وتر، حضرت علی عليهم السلام هستند(۱)

۹۲) قوله تعالی: (يا أَيَّتُهَا النَّفسُ المُطمَئِنَّه* ارجِعِی إِلی رَبِّک راضِيَهً مَرضِيَّه) «سوره فجر آيات ۲۷ و ۲۸»

عن اَبی عبدالله عليه السلام فی المؤمن حين يقبض روحه قَالَ: وَ يُمَثَّلُ لَهُ رَسُولُ اللهِ صلی الله عليه و آله و سلّم وَ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ وَ فَاطِمَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَينُ وَ الأَئِمَّهُ مِن ذُرِّيَّتِهِم عليهم السلام فَيُقَالُ لَهُ هَذَا رَسُولُ اللهِ وَ ... فَيَفتَحُ عَينَيهِ فَيَنظُرُ فَيُنَادِی رَوحَهُ

۱- نور الثقلين ۵/ ۵۷۱

مُنَادٍ مِن قِبَلِ رَبِّ العِزَّهِ فَیَقُولُ: «یا أَیَّتُهَا النَّفسُ المُطمَئِنَّهِ» إِلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهلِ بَیتِهِ «ارجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً بِالوَلَایَه»(۱)

«آمدن حضرت فاطمه علیها السلام بر بالین مؤمنان»

فرمایش خداوند متعال: ای نفس مطمئن به حضور پروردگارت باز آی گر تو خوشنود و او راضی از تو است.

از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: وقتی که موقع قبض روح مؤمن می شود رسول الله و امیرمؤمنان و فاطمه زهرا و حسن و حسین و ائمه از فرزندان آن بزرگواران در حضور او ظاهر می شوند، سپس به او گفته می شود: این آقا رسول الله است و این آقا امیر مؤمنان و این بانوی بزرگوار فاطمه زهرا علیها السلام هستند. سپس چشمان خود را باز می کند و از جانب پروردگار متعال روح آن مؤمن را ندا می دهند که: ای نفس مطمئن و آرمیده بیا به سوی محمّد و اهل بیت محمد علیهم السلام و در حالی که خشنودی باز گردد به ولایت آنان.

۹۳) قوله تعالی: (وَ لَلآخِرَهُ خَیرٌ لَکَ مِنَ الأُولی* وَ لَسَوفَ یُعطِیکَ رَبُّکَ فَتَرضی) «سوره ضحی آیات ۴ و ۵»

دَخَلَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم عَلَی فَاطِمَهَ وَ هِیَ تَطحَنُ بِالرَّحَی وَ عَلَیهَا کِسَاءٌ مِن أَجِلَّهِ الإِبِلِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَیهَا قَالَ یَا فَاطِمَهُ تَعَجَّلِی مَرَارَهَ الدُّنیَا الیَومَ لِنَعِیمِ الآخِرَهِ غَداً فَأَنزَلَ اللهُ تَعَالَی «وَ لَسَوفَ یُعطِیکَ رَبُّکَ فَتَرضی».

«اعطای خداوند به فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: و البته عالم آخرت برای تو بهتر از دنیاست و پروردگار تو به زودی به تو چندان عطا کند که تو راضی شوی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم (روزی) بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد و دید دخت گرامیش مشغول آسیاب کردن گندم است. لباسی از پشم شتر پوشیده.

۱- فضائل الشیعه/ ۳۰- اصول کافی ۳/ ۱۲۷

هنگـامی که نگـاهش به دخت گرامی خود افتاد گریه کرد و فرمود: ای فـاطمه! (مرارت چنـد صـباح) دنیا را برای نعمت های فردای آخرت تحمّل کن و خداوند این آیه را فرستاد: به زودی (آنقدر) به تو خواهیم بخشید تا راضی شوی.

۹۴) (لَیلَهُ القَدرِ) یَعنِی فَاطِمَهَ علیها السلام (الرُّوحُ) رُوحُ القُدُسِ وَ هُوَ فِی فَاطِمَهَ علیها السلام. «سوره قدر ۳ و ۴»

«فاطمه علیها السلام لیله القدر»

فرمـایش خداونـد متعـال: مـا این قرآن عظیم الشأن را در شب قـدر نازل کردیم و چه تو را به عظمت این شب قـدر آگاه تواند داد. شب قدر «به مقام و مرتبه» از هزار ماه بهتر و بالاتر است.

منظور از لَیلَهُ القَدرِ وجود مقدسه حضرت زهرا علیها السلام می باشد و منظور از «الرُّوحُ» روح القدس که در مورد آن وجود پر برکت است.

۹۵) قوله تعالی: (... یُقیمُوا الصَّلاهَ وَ یُؤتُوا الزَّکاه وَ ذلِکَ دینُ القَیِّمَه) «سوره بیّنه آیه ۵»

هِیَ فَاطِمَه علیها السلام.

«فاطمه علیها السلام قیّمه»

فرمایش خداوند متعال: این است دین درست.

منظور از قیّمه وجود مقدسه حضـرت صدیقه طاهره علیها السلام می باشد. قیّمه یعنی کسی که مستقیم است در دین و راه عوج و کجی نـدارد. از حق به باطل نگرایـد و از باطل و کذب و زور، پاک و منزّه است که مصداق کامل و اتمّ آن حضـرت فاطمه علیها السلام می باشد.

۹۶) قوله تعالی: (إِنَّا أَعطَیناکَ الکَوثَر) «سوره کوثر آیه ۱»

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: یَا عَلِیُّ أَمَّا المُنَادِی فَجَبرَئِیلُ وَ المَاءُ مِن نَهَرٍ یُقَالُ لَهُ: الکَوثَرُ... وَ هُوَ لِی وَ لَکَ وَ لِفَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ لَیسَ لِأَحَدٍ فِیهِ شَیء.

ص: ۱۸۱

«فاطمه علیها السلام خیر کثیر»

فرمایش خداوند متعال: (ای رسول) ما به تو اعطای بسیار بخشیدیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: یا علی... آب نحری است که کوثر گفته می شود و برای من و تو و فاطمه و حسن و حسین است نه برای کسی دیگر و دیگران بهره ای از او ندارند.

البته در روایت دیگری چنین آمده که ابن عباس گوید: هنگامی که این سوره مبارکه نازل شد (انا اعطیناک الکوثر ما به تو کوثر دادیم) علی بن ابی طالب علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد: یا رسول الله! کوثر چیست؟ فرمود: نحری است که خداوند با آن مرا گرامی داشته. علی بن ابی طالب عرض کرد: این نحر شریفی است. پس برای ما توصیف فرما یا رسول الله. فرمود: بلی یا علی! کوثر نحری است که زیر عرش آبش جاری است. از شیر سفیدتر، از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است. سنگ ریزه آن از زمرد و یاقوت و مرجان است. گیاه او زعفران است. خاکش مشک خوش بوست. اصل و پایه او در زیر عرش خداوند است. سپس بر شانه علی علیه السلام زد و فرمود: یا علی! این نحر برای من و تو و محبین تو بعد از من است.

۹۷) قوله تعالی: (إِذا جاءَ نَصرُ اللهِ وَ الفَتح) «سوره نصر آیه ۱»

لمّا أقبل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم وَ اَنزَل الله تعالی «اذا جاءَ نصر الله» قال صلی الله علیه و آله و سلّم یا علی بن ابی طالب و یا فاطمه قولا: «جاءَ نصر الله و الفتح...»

«فتح و پیروزی برای فاطمه علیها السلام»

فرمایش خداوند متعال: چون هنگامه فتح و پیروزی با یاری خدا فرا رسد.

چون این آیه شریفه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شد فرمود: یا علی بن ابی طالب و یا فاطمه گویید: اذا جاء نصر الله والفتح. یاری و پیروزی خداوند آمد(۱)

۱- عوالم جلد حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام

* مناقب مشترک

اشاره

علامه امینی رحمه فرموده است که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در پانزده منقبت با سایر معصومین علیهم السلام مشترک است که ما به ذکر چند مورد می پردازیم:

اوّل: زهرای مرضیه یکی از علل آفرینش است

روایات بسیاری در این مورد از فریقین (شیعه و سنی) وارد شده من جمله ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت کرده است:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم: لَمَّا خَلَقَ اللهُ تَعالی آدَمَ و نَفَخَ فِیهِ مِن رُوحِهِ اِلتَفَت آدَمُ یَمنَهَ العَرشِ فَإِذَا فِی النّور خَمسَهُ سُجَّداً وَ رُکعا. فَقَالَ آدم: هَل خَلَقتَ أَحداً مِن طِین قَبلِی؟ قَالَ: لَا یا آدم. قَالَ: فَمَن هَؤُلَاءِ الخَمسَه الاَشباح الَّذِینَ أَرَاهُم فِی هِیئَتِی و صُورَتی؟ فَقَالَ: هَؤُلَاءِ خَمسَهٌ مِن وُلدِکَ لَولَاهُم مَا خَلَقتُکَ وَ لَا خَلَقتُ الجَنَّهَ وَ النَّارَ وَلَا العَرشَ وَ لَا الکُرسِیَّ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الأَرضَ وَ لَا المَلَائِکَهَ وَلَا الجِنَّ وَلَا الإِنسَ. شَقَقتُ لَهُم اسماً مِن أَسمَائِی فَأَنَا المَحمُودُ وَ هَذَا مُحَمَّدٌ وَ أَنَا العالَی وَ هَذَا عَلِیٌّ وَ أَنَا الفَاطِرُ وَ هَذِهِ فَاطِمَهُ وَ أَنَا ذُو الإِحسَانِ وَ هَذَا الحَسَنُ وَ أَنَا المُحسِنُ وَ هَذَا الحُسَینُ. آلَیتُ بِعِزَّتِی أَنَّهُ لَا یَأتِینِی أَحَدٌ بِمِثقَالُ ذَرَّهٍ مِن خَردَلٍ مِن بُغضِ أَحَدِهِم إِلَّا أَدخَلتُهُ نَارِی وَ لا أُبالِی. یَا آدَمُ هَؤُلَاءِ صَفوَتِی مِن خَلقِی بِهِم أُنجِیهِم وَ بِهِم أُهلِکَهُم فَإِذا کانَ لَکَ اِلَیَّ حاجَهً فَبِهؤلاءِ تَوَسَّل(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود هنگامی که خدای تعالی حضرت آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او بدمید آدم به سمت راست عرش نگاه کرد و آن جا پنج شبح غرق در نور به حال سجده و رکوع مشاهده کرد: عرض کرد خدایا قبل از من کسی را از خاک خلق کرده ای؟ جواب آمد: نه نیافریده ام.

۱- منهج الصادقین ۳/ ۲۲۳

عرض کرد: پس این پنـج شـبح که آن ها را در هیئت و صورت همانند خود می بینیم چه کسانی هسـتند؟ خدای تعالی فرمود: این پنج تن از نسل تو هسـتند. اگر آن ها نبودند تو را نمی آفریدم. نام های آنان را از اسامی خود مشـتق کرده ام. اگر این پنج تن نبودند، نه بهشت و دوزخ را می آفریدم نه عرش و کرسـی، نه آسمان و زمین را خلق می کردم و نه فرشتگان و انس و جن را.

منم (محمود) و این (محمّـد) است منم (عـالی) و این (علی) است منم (فـاطر) و این (فـاطمه) است منم (احسان) و این (حسن) است و منم (محسن) و این (حسـین) است. به عزتم سوگند هر بشـری به مقدار ذره بسـیار کوچکی کینه و دشمنی آن ها را در دل داشته باشد، او را در آتش دوزخ می افکنم.

ای آدم!... این پنـج تن برگزیـدگان من هسـتند و نجات و هلاکت هرکس، وابسـته به حبّ و بغضـی است که نسـبت به آن ها دارد. ای آدم! هر وقت از من حاجتی می خواهی به آنان توسل کن.

ابوهریر می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه سخن خود فرمود:

نَحنُ سَفینَهُ النَّجاه، مَن تَعَلَّقَ بِها نَجی وَ مَن هادَ عَنها هَلَکَ، فَمَن کانَ لَهُ اِلَی اللهِ حاجَهٌ فَلیَسئَل بِنا اَهلَ البَیت.

ما (پنـج تن) کشتی نجاتیم هرکس با ما باشد نجات یابد و هرکس که از ما رو گردان شود هلاک گردد. پس هرکس حاجتی از خدا می خواهد پس به وسیله ما اهل بیت از حضرت حق تبارک و تعالی مسئلت نماید.

دوم: نام پنج تن بر ساق و بر در بهشت نوشته شده است

ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روایت کرده است که فرمود:

لَیلَهَ عُرِجَ بِی إِلَی السَّمَاءِ رَأَیهمتُ عَلَی بَابِ الجَنَّهِ مَکتُوباً لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیٌّ حَبِیبُ اللهِ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ صَفوَهُ اللهِ فَاطِمَهُ أَمَهُ اللهِ عَلَی مُبغِضِیهِم لَعنَهُ الله.

در شب معراج به سمت آسمان این کلمات را دیدم که بر در بهشت نوشته شده بود. خدایی جز خدای بی همتا نیست. (محمد) پیامبر خداست (علی) محبوب خداست (فاطمه) و (حسن) و (حسین) برگزیدگان خدا هستند. لعنت خدا بر کسانی که کینه و دشمنی آنان را دارند.

سوم: فاطمه علیها السلام خیره الله است

حافظ عاصمی در کتاب «زین الفتی» آورده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود:

إنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَشرَفَ عَلَی الدُّنیَا فَاختَارَنی مِنهَا عَلَی رِجَالِ العَالَمِینَ ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّانِیَهَ فَاختَارَکَ عَلَی رِجَالِ العَالَمِینَ بَعدِی ثُمَّ اطَّلَعَ الثَّالِثَهَ فَاختَارَ الأَئِمَّهَ مِن وُلدِکَ عَلَی رِجَالِ العَالَمِینَ بَعدَکَ ثُمَّ اطَّلَعَ الرَّابِعَهَ فَاختَارَ فَاطِمَهَ عَلَی نِسَاءِ العَالَمِین.

خدای تبارک و تعالی به دنیا (یعنی جمیع بشر) نظری افکند و از همه مردان عالم مرا انتخاب کرد. آن گاه بار دوم نظر فرمود و از جمیع مردان جهان تو را برگزید. و بار سوّم ائمه ای که از فرزندان تو هستند انتخاب فرمود. سپس بار چهارم از جمیع زن های عالم (فاطمه) را برگزید.

چهارم: بهشت با تصویر فاطمه علیها السلام منور است

انس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلّم روایت می کند که آن حضرت فرمودند:

اِنَّ آدَمَ صلوات اللهِ عَلَیهِ نَظَرَ فی الجَنَّهِ فَلَم یَرَ صُورَهٌ مِثلَ صُورَتِهِ فقال: الهی لَیسَ فِی الجَنَّهِ صُورَهٌ مِثلَ صُورَتی؟

فَأَخبرَهُ اللهِ تعالی وَ اَشارَ اِلی الجَنَّهِ الفِردوس فَرأی قَصراً مِن یاقُوتَهٍ بَیضاءِ فَدَخَلَها فَرأ خَمسَ صُوَرٍ مَکتوبٌ عَلی کُلِّ صُورَهِ اِسمُها: اَنَا مَحمود و هذا اَحمَد، اَنَا الأعلی و هذا علّی، اَنَا الفاطر و هذه فاطِمَه، اَنَا المُحسِن وَ هذا حسن، اَنَا ذُو الأِحسان و هذا حُسین.

حضـرت آدم علیه السـلام چـون در بهشت به هر سـو نگریست و صـورتی را به شـكل و قیـافه خود نیـافت، عرض كرد: خـدایا صورتی نظیر چهره من نیافریده ای؟ خدای متعال او را متوجه بهشت فردوس كرد. حضـرت آدم علیه السـلام در آنجا قصری از یاقوت سـفید دید. هنگامی كه وارد آن قصـر شد پنج تصویر مشاهده كرد كه اسامی هر یك از آن ها به این شـرح نوشته شده بود:

من محمودم و این احمد است، من اعلی هستم و این علی است، من فاطرم و این فاطمه است، من محسنم و این حسن است، من ذوالاحسانم و این حسین است.

پنجم: اهتدا و اقتداء و تمسک

كه آن عبارت است از هدایت یافتن و پیروی كردن مردم از آنان و در موقع نیاز متوسل شدن به آن ها.

انس از رسول اكرم صلی الله علیه و آله و سلّم روایت می كند كه فرمود:

صَلَّی رَسُولُ اللهِ صـلی الله علیه و آله و سـلّم صَـلَاهَ الفَجرِ فَلَمَّا انفَتَـلَ مِن صَـلَاتِهِ أَقبَلَ عَلَینَا بِوَجهِهِ الكَرِیم عَلَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ قَالَ: مَعَاشِـرَ النَّاسِ مَنِ افتَقَدَ الشَّمسَ فَلیَستَمسِك بِالقَمَرِ وَ مَنِ افتَقَدِ القَمَرَ فَلیَستَمسِك بِالزُّهَرَهِ فَمَنِ افتَقَدَ الزُّهَرَهَ فَلیَستَمسِك بِالفَرقَدَینِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللهِ صـلی الله علیه و آله و سـلّم أَنَا الشَّمسُ وَ عَلِیٌّ القَمَرُ وَ فَاطِمَهُ الزُّهَرَهُ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ الفَرقَدَانِ وَ كِتَابُ اللهِ لَا یَفتَرِقَانِ حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الحَوض.

روزی پیامبر اكرم صلی الله علیه و آله و سلّم با ما نماز صبح به جای آورد و پس از فراغت از نماز روی مباركش را به سوی ما گردانید و فرمود: ای جماعت مسـلمان هركس كه آفتاب را از دست بدهد پس باید به ماه تمسك جوید و در فقدان ماه دست به دامان زهره شود و اگر زهره را نیابد به دو ستاره (فرقدان) پناه آورد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم سئوال شد که یا رسول الله مقصود از آفتاب و ماه و زهره و (فرقدان) دو ستاره نور افشان چیست؟

فرمود: من آفتابم، علی ماه و فاطمه، زهره و دو ستاره حسنین هستند. آنان با کتاب خدا، دو دستاویز بشرند و همواره به هم پیوسته اند و هرگز از یک دیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض (کوثر) به من ملحق شوند.

ششم: در مقام ولایت با سایر معصومین علیهم السلام شریک است

جنگ و یا صلح با فاطمه علیها السلام و دوستی یا دشمنی نسبت به او عیناً همانند جنگ و یا صلح با علی و حسنین علیهم السلام و حبّ و یا بغض نسبت به آنهاست.

زید بن ارقم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم چنین روایت می کند:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم لِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ أَنَا حَربٌ لِمَن حَارَبَکُم وَ سِلمٌ لِمَن سَالَمَکُم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم خطاب به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام فرمود: هرکسی که با شما از در صلح و آشتی در آید من نیز با او در صلح و صفا خواهم بود.

هفتم: منقبت حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام با سایر معصومین علیهم السلام

حضرت زهرا علیها السلام در مقام رکن بود با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم نسبت به علی بن ابی طالب علیه السلام جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله چنین روایت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به حضرت علی علیه السلام فرمود:

سَلَامٌ عَلَیکَ یَا أَبَا الرَّیحَانَتَینِ أُوصِیکَ بِرَیحَانَتَیَّ مِنَ الدُّنیَا فَعَن قَلِیلٍ یَنهَدُّ رُکنَاکَ وَ اللهُ خَلِیفَتِی عَلَیکَ فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام هَذَا أَحَدُ رُکنَيَّ الَّذِی قَالَ لِی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم فَلَمَّا مَاتَت فَاطِمَهُ علیها السلام، قَالَ عَلِيٌّ هَذَا الرُّکنُ الثَّانِی الَّذِی قَالَ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلّم.

سلام بر تو ای پدر دو ریحانه من یا علی؛ محافظت کردن از آن دو را به تو سفارش می کنم، قبل از آن که هر دو رکن تو از بین برود، تو را به خدا می سپارم که او نگهدارنده توست.

جابر بن عبدالله روایت را چنین ادامه می دهد:

پس از شهادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: این بود یکی از آن دو رکن من که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم می فرمود و اینک منهدم گردید و هنگامی که فاطمه علیها السلام چشم از جهان فرو بست، علی علیه السلام فرمود: این بود همان رکن دوّمی که به قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم امروز از دست دادم.

هشتم: فاطمه علیها السلام محدّث است یعنی حدیث فرشتگان را می شنود

مرحوم کلینی در این باره در اصول کافی جلد ۱ مفصل توضیح داده است.

روایتی در این مورد آمده است که در این منقبت حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام با علی علیه السلام و اولاد معصومین او شریک است و او نیز محدّثه بوده چنانکه امامان دوازده گانه محدّث بوده اند. حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

فَاطِمَهَ بِنتَ رَسُولِ الله صلی الله علیه و آله و سلّم کَانَت مُحَدَّثَهً وَ لَم تَکُن نَبِیَّه، إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهُ مُحَدَّثَهَ لِأَنَّ المَلَائِکَهَ کَانَت تَهبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِیهَا کَمَا تُنَادِی مَریَمَ بِنتَ عِمرَانَ فَتَقُولُ یَا فَاطِمَهُ إِنَّ اللهَ اصطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصطَفاکِ عَلی نِساءِ العالَمِینَ یَا فَاطِمَهُ اقنُتِی لِرَبِّکِ وَ اسجُدِی وَ ارکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ فَتُحَدِّثُهُم وَ یُحَدِّثُونَهَا.

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم محدّثه بود ولی پیامبر نبود. فاطمه علیها السلام را از این جهت محدّثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می شدند و با او سخن می گفتند، همان گونه که با مریم دختر عمران گفتگو می کردند که فاطمه به درستی که خدای تعالی تو را پاک و منزّه گردانید و از تمام زنان عالم تو را برگزید. ای فاطمه برای پروردگارت قنوت و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان رکوع کن و با آنان گفتگو می کرد و آنان نیز با او گفتگو می کردند.

ص: ۱۸۸

نهم: برای شیعیان فاطمه علیها السلام هم بشارت بهشت وجود دارد

چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم به شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان (معصومش) بشارت بهشت را داده است، شیعه فاطمه علیها السلام نیز در اخبار عیناً در ردیف شیعیان علی علیه السلام است.

گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در مدح شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام سخن می گوید و گاه در منقبت شیعیان فاطمه علیها السلام و همین روش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نشان گر این است که حضرت زهرا علیها السلام خود استقلال دارد و دارای کرامات و مقام والا و صاحب ولایت کبری می باشد که روایت مفصلی در مورد ثواب الاعمال و فاطمه زهرا مرحوم علامه امینی و دیگر کتب اخبار از شیعه و سنّی است.

دهم: مبدأ خلقت در خوی و سرشت و شئون دیگر آفرینش است

قضیه ولادت آن بزرگوار نمونه بارز این بحث است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام سئوال می کند که ولادت فاطمه علیها السلام چگونه بوده است؟ آن حضرت در ابتدای کلام می فرماید: نَعَم. گفتن کلمه نعم (بلی) در شروع سخن نشانگر عظمت موضوع می باشد.

نَعَم إِنَّ خَدِیجَهَ عَلَیْهَا السلام لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلّم هَجَرَتْهَا نِسْوَهُ مَکَّهَ فَکُنَّ لَا یَدْخُلْنَ عَلَیْهَا وَ لَا یُسَلِّمْنَ عَلَیْهَا وَ لَا یَتْرُکْنَ امْرَأَهً تَدْخُلُ عَلَیْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِیجَهُ لِذَلِکَ وَ کَانَ جَزَعُهَا وَ غَمُّهَا حَذَراً عَلَیهِ. فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَهَ کَانَت فَاطِمَهُ علیها السلام تُحَدِّثُهَا مِن بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ کَانَتْ تَکْتُمُ ذَلِکَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلّم فَدَخَلَ رَسُولُ اللهِ یَوْماً فَسَمِعَ خَدِیجَهَ تُحَدِّثُ فَاطِمَهَ علیها السلام فَقَالَ لَهَا یَا خَدِیجَهُ مَنْ تُحَدِّثِینَ قَالَتِ الْجَنِینُ الَّذِی فِی بَطْنِی یُحَدِّثُنِی وَ یُؤْنِسُنِی. قَالَ

یَا خَدِیجَهُ هَذَا جَبْرَئِیلُ یُخْبِرُنِی أَنَّهَا أُنْثَی وَ أَنَّهَا النَّسْلَهُ الطَّاهِرَهُ الْمَیْمُونَهُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَیَجْعَلُ نَسْلِی مِنْهَا وَ سَیَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّهً وَ یَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِی أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْیِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَدِیجَهُ علیها السلام عَلَی ذَلِکَ إِلَی أَنْ حَضَرَتْ وِلَادَتُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَی نِسَاءِ قُرَیْشٍ وَ بَنِی هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَیْنَ لِتَلِینَ مِنِّی

مَا تَلِی النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَیْهَا أَنْتَ عَصَیْتِنَا وَ لَمْ تَقْبَلِی قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً یَتِیمَ أَبِی طَالِبٍ فَقِیراً لا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِی ءُ وَ لا نَلِی مِنْ أَمْرِکِ شَیْئاً. فَاغْتَمَّتْ خَدِیجَهُ علیها السلام لِذَلِکَ فَبَیْنَا هِیَ کَذَلِکَ إِذْ دَخَلَ عَلَیْهَا أَرْبَعُ نِسْوَهٍ سُمْرٍ طِوَالٍ کَأَنَّهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِی هَاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لا تَحْزَنِی یَا خَدِیجَهُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّکِ إِلَیْکِ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُکِ أَنَا سَارَهُ وَ هَذِهِ آسِیَهُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِیَ رَفِیقَتُکِ فِی الْجَنَّهِ وَ هَذِهِ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ کُلْثُمُ أُخْتُ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَیْکِ لِنَلِیَ مِنْکِ مَا تَلِی النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ. فَجَلَسَتْ وَاحِدَهٌ عَنْ یَمِینِهَا وَ أُخْرَی عَنْ یَسَارِهَا وَ الثَّالِثَهُ بَیْنَ یَدَیْهَا وَ الرَّابِعَهُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَهَ علیها السلام طَاهِرَهً مُطَهَّرَهً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَی الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّی دَخَلَ بُیُوتَاتِ مَکَّهَ وَ لَمْ یَبْقَ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلا أَشْرَقَ فِیهِ ذَلِکَ النُّورُ وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ کُلُّ وَاحِدَهٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتٌ مِنَ الْجَنَّهِ وَ إِبْرِیقٌ مِنَ الْجَنَّهِ وَ فِی الْإِبْرِیقِ مَاءٌ مِنَ الْکَوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَهُ الَّتِی کَانَتْ بَیْنَ یَدَیْهَا فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْکَوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَیْنِ بَیْضَاوَیْنِ أَشَدَّ بَیَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْیَبَ رِیحاً مِنَ الْمِسْکِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَفَّتْهَا بِوَاحِدَهٍ وَ قَنَّعَتْهَا بِالثَّانِیَهِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْهَا فَنَطَقَتْ فَاطِمَهُ علیها السلام بِالشَّهَادَتَیْنِ وَ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِی رَسُولُ اللَّهِ سَیِّدُ الْأَنْبِیَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِی سَیِّدُ الْأَوْصِیَاءِ وَ وُلْدِی سَادَهُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَیْهِنَّ وَ سَمَّتْ کُلَّ وَاحِدَهٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ یَضْحَکْنَ إِلَیْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِینُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلادَهِ فَاطِمَهَ علیها السلام وَ حَدَثَ فِی السَّمَاءِ نُورٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلائِکَهُ قَبْلَ ذَلِکَ وَ قَالَتِ النِّسْوَهُ خُذِیهَا یَا خَدِیجَهُ

طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَیْمُونَةً بُورِکَ فِیهَا وَ فِی نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً وَ أَلْقَمَتْهَا ثَدْیَهَا فَدَرَّ عَلَیْهَا(۱)

بعد از آنکه خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ازدواج کرد، زن های مکه از او دوری جسته و دیگر به خانه او نمی آمدند و در هنگام ملاقات با خدیجه علیها السلام از سلام کردن به او خودداری می کردند و از ورود زنان به خانه او جلوگیری می کردند. به همین خاطر قلب خدیجه علیها السلام را غم و وحشت فرا گرفت البتّه نه از ترس جان خودش، بلکه برای خطری که جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را تهدید می کرد.

هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام باردار بود، حضرت فاطمه علیها السلام در شکم او مونس و هم صحبت مادر بود و با او سخن می گفت و خدیجه را به صبر و بردباری دعوت می کرد.

جناب خدیجه علیها السلام این موضوع را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مخفی می داشت تا اینکه یک روز غفلتاً رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم وارد خانه شد و سخن گفتن فاطمه را با خدیجه علیها السلام شنید. پیامبر پرسید: با چه کسی سخن می گفتی؟ عرض کرد: این کودکی که در شکم من است هم صحبت و مونس تنهائی من است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: ای خدیجه! اینک جبرئیل به من خبر می دهد که این کودک دختر است. به درستی که او اصل و ریشه نسب مبارک و پاکیزه من است که خدای تبارک و تعالی سلسله اولاد مرا از او قرار داده است و از ائمه طاهرین و خلفای روی زمین بعد از انقضای دوران وحی من از نسل اوست. حضرت فاطمه علیها السلام تا هنگام ولادتش با خدیجه علیها السلام سخن می گفت و مونس و هم صحبت مادر بود. وقتی که میلادش نزدیک شد خدیجه علیها السلام به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که زمان وضع حمل من نزدیک است به نزد من آیید و مرا در ولادت نوزادم یاری و مساعدت نمائید، ولی آنان چنین پاسخ دادند: ای خدیجه! چون تو در امر ازدواجت گفتار ما را قبول نکردی و از سخنان ما سرپیچی نمودی و محمّد یتیم آل ابی طالب را که فقیری تهیدست است

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۲

به همسری برگزیدی ما نیز هرگز نزد تو نمی آئیم و در هنگام وضع حمل یار و پرستارت نخواهیم بود.

حضـرت خدیجه علیها السـلام از جواب آنان بسیار غمگین و آزرده شد. در آن بین ناگهان چهار زن همانند زنان بنی هاشم به خانه جناب خدجه علیها السلام وارد شدند، در حالی که خدیجه علیها السلام از دیدار آنان هراسان شده بود. یکی از آن چهار زن به او گفت: ای خدیجه! غم مخور، پروردگار تو ما را برای یاری تو فرستاده است. ما خواهران و یاوران تو هستیم. من ساره هستم. این آسیه دختر مزاحم، رفیق بهشتی تو است. این مریم دختر عمران و این کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را برای کمـک تو فرسـتاده است تا «در این حالت که هر زنی معمولاً به کمک زنان دیگر نیازمنـد است» یار و پرسـتار تو باشـیم. یک نفر از آن چهار زن در سـمت راست خـدیجه علیها السـلام، دوّمی در طرف چپ او، سوّمی در پیش رویش و چهارمی در پشت سر او «به ترتیبی که برای تولّد نوزاد مرسوم است» نشستند.

فاطمه علیها السـلام پاک و پاکیزه تولد یافت و چون آن مولود مقدّس به زمین فرود آمد، نوری از طلعت او ساطع شد که پرتو آن در تمام خانه های مکّه وارد گردیـد و در شـرق و غرب زمین محلّی نماند که از آن نور بی بهره باشد. در آن هنگام ده نفر از حور العین که در دست هر یـک ظرف بهشتی پر از آب کوثر و یک طشت بهشتی بود وارد شدنـد و آن ها را به آن بانویی که در پیش روی حضـرت خدیجه علیها السـلام نشسـته بود دادند و آن بانو حضرت فاطمه علیها السلام را «نه با آب های دنیا» بلکه با آب کوثر شـست و شو نمود و سـپس در میان پارچه ای که از شـیر سـفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود پیچید و از همان پارچه مقنعه ای برای سـر مبارک او ترتیب داد و قبل از این که او سـخن بگوید، فاطمه علیها السـلام چنین سخن را آغاز فرمود: شـهادت می دهم که خـدایی جز (الله) نیست و این که پـدرم پیام آور از جانب خدا و سـیّد و سالار پیمبران است و این که همسـرم سـیّد الاوصـیا و فرزندانم سـیّد و سالار نوادگان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم هستند. این کلمات، نخستین سخن حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام بعد از تو اوست و سپس

ص: ۱۹۲

فاطمه علیها السلام به هریک از آن چهار زن با ذکر نامشان سلام فرمود و آنان شاد و خندان به سلام او پاسخ گفتند. حوران بهشتی که در آن جا حضور داشتند ولادت حضرت زهرا علیها السلام را به یک دیگر مبارک باد گفتند و دامنه این شور و سرور به آسمان ها کشیده شد و اهالی آسمان هر یک در بشارت و تهنیت بر دیگران پیشی می گرفت.

آن نور بسیار درخشانی که در میلاد حضرت فاطمه علیها السلام در آسمان ها درخشید، نوری که قبل از آن هرگز فرشتگان نظیر آن را مشاهده نکرده بودند، بشارت دهنده این مطلب بود که عالم از طلعت این نوزاد چراغان است و جهان از پرتو رحمت این بانو نورباران است. آن چهار زن نوزاد را به خدمت خدیجه علیها السلام آوردند و گفتند: ای خدیجه! فرزند خود را بگیر که پاک و پاکیزه و مطهّر و مبارک است و برکات بی پایان الهی در وجود او و نسل اوست...

تا این جا اشتراک در فضائل و مناقب بود که هر چه خدای متعال بر سایر معصومین افاضه کرده است به حضرت فاطمه علیها السلام هم افاضه کرده، به استثنای نبوّت و امامت که آن هم وجهش برای ما معلوم نیست. حکمت آن دست پروردگار متعال است و نظر این بنده حقیر این است که حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام به غیر از پدر و شوهر بزرگوارشان، از همه فرزندانشان بلکه از همه انبیا افضلند. چنانکه ائمه هدی از همه انبیا به غیر از وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم افضلند. و چنان که حضرت بقیّه الله عجل الله تعالی فرجه الشّریف در یک روایتی فرموده است:

وَ فِی ابنَهِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم لِی أُسوَهٌ حَسَنَه.

و در دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم برای من اسوه حسنه است و افضل از انبیای عظام هم می باشد، غیر از پدر بزرگوارش که موضوع بحث افضلیت آن بزرگوار از انبیای عظام هم ان شاء الله خواهد آمد. که خود دلیل قوی بر عصمت و طهارت آن پاره تن پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم است.

ما موضوع طهارت و عصمت و فضائل و مناقب آن حضرت را اجمالاً ـ بیان می کنیم، فقط برای افراد ناآگاه یا جاهل و یا مغرض، تا معرفت خود را به ساحت

مقدّس حضرت صدیقه طاهره علیها السلام کامل کنند و از تقصیر و کوتاهی خود یا خدای ناکرده اگر جسارت و توهین بی ادبانه ای از خود نشان داده اند، عذر تقصیر خود را به پیشگاه آن ولیّ الله العظمی ببرند و طلب عفو کنند تا خدای منّان به وجود برکت آن بزرگوار، ایشان را ببخشد و افرادی که معرفت خوبی به بی بی دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارند اعتقاد و ایمانشان بیشتر گردد و ضمناً دلیل محکمی باشد برای معاندین و دشمنان آن بزرگوار و فرزندان و شوهر و پدر معصومش.

بسیاری از ادله ای که ما در این کتاب اقامه می کنیم و به رشته تحریر در آوردیم از مدارک و مآخذ خود معاندین و دشمنان است، امّا خداوند متعال دلشان را کور گردانیده تا در هر دو جهان به قول قرآن کور باشند:

كما قال الله تبارك و تعالى: (وَ مَن كانَ فى هذِهِ أَعمى فَهُوَ فِى الآخِرَهِ أَعمى وَ أَضَلُّ سَبيلا)(١)

و در واقع امر، اینان نه دنیا را دارند و نه آخرت را بلکه از هر دو جهان به خاطر اعمال ننگین خود زیان و خسران می بینند.

كما قال الله تعالى: (خَسِرَ الدُّنيا وَ الآخِرَهَ ذلِكَ هُوَ الخُسرانُ المُبين)(٢)

۱- سوره اسراء آیه ۷۲

۲- سوره حج آیه ۱۱

موضوع پنجم: افضلیت حضرت زهرا علیها السلام از انبیاء به جز پدر بزرگوارش و امیر مؤمنان علیهما السلام

اشاره

ص: ۱۹۵

* اشتراک حضرت زهرا علیها السلام با ائمّه اطهار علیهم السلام در فضائل (به جز امامت)

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام جوهره آفرینش میوه نبوّت و گزیده ولایت است. آن بانوی دو جهان بر تمامی افراد، بشر حتی پیامبران و مرسلین غیر از پدر بزرگوار و شوهر گرامی اش برتری دارد. ادله ما آیاتی از قرآن مجید و روایات فراوانی از ائمه معصومین است.

همان دلیلی که برتری پیامبر اکرم و امیر المؤمنین علیهما السلام را بر دیگران اثبات می کند، همان دلیل گواه برتری آن حضرت نیز می باشد، که مقداری از این ادله گذشت و در این جا هم مطالبی را خواهیم آورد که برتری آن حضرت را ثابت می کند. من جمله آیه تطهیر که مفصلاً بحث شد و خلاصه مطلب اینکه خداوند متعال در این آیه شریفه بر عصمت و طهارت آن بزرگوار گواهی داده است زیرا که خداوند هر گونه پلیدی و ناپاکی ظاهری و باطنی و هرگونه معصیت و گناه کوچک و بزرگ حتی حدیث نفس به آنچه که ناروا باشد و خدا را خوش نیاید و یا آنکه چیزی از آن ها به خاطرش بگذرد همه را از آن بزرگ بانوی آفرینش به دور ساخته است.

بنابراین حضرتش به نصّ این آیه و صراحت آن از هرگونه عیب و نقصی به طور مطلق پاک و پاکیزه است. زیرا هرگونه وسوسه و حدیث نفس و خطورات ناروای قلبی، رجس (ناپاکی) به شمار می رود و آن حضرت از هرگونه رجسی به دور است. بنابراین آن بزرگوار که در بالا ـ ترین رتبه عصمت و طهارت قرار دارد و در آیات قرآن چیزی که دلیل بر عصمت و طهارت دیگر پیامبران تا حد چهارده معصوم علیهم السلام باشد وجود ندارد. از این جهت عصمت هیچ یک از پیامبران برابر با عصمت حضرت زهرا علیها السلام نیست و بدین جهت شرافت و برتری ویژه آن حضرت خواهد بود.

روایاتی که در این رابطه وجود دارد عبارتند از:

روایتی است که علامه مجلسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

وَ هِیَ الصِّدِّیقَهُ الکَبرَی وَ عَلَی مَعرِفَتِهَا دَارَتِ القُرُونُ الأولَی(۱)

ابوالحسن نجفی در کتاب ارزنده اش (ملتقی البحرین صفحه ۴۰) می گوید: مقصود از قرون نخستین، دوران زندگی تمام پیامبران و اوصیا و امت های آنان از حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلّم است یعنی خداوند هیچ یک از پیامبران را مبعوث نکرد، مگر اینکه به فضیلت و محبت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اقرار کنند.

مؤید این مطلب روایتی است که سید هاشم بحرانی رحمه الله صاحب تفسیر برهان از آن حضرت آورده است که فرمود:

* نبوّت هیچ پیامبری تکمیل نشد

مگر اینکه به فضیلت و محبت آن حضرت اقرار کرد(۲)

علامه مجلسی رحمه الله در باب میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم از محمد بن سنان روایت کرده است که: در خدمت حضرت جواد الائمه علیه السلام بودم و از اختلاف شیعیان در باب معرفت ائمه علیهم السلام و حالات و صفاتشان صحبت به میان آوردم حضرت فرمود:

ای محمد! همانا خداوند تبارک و تعالی همیشه و پیوسته در وحدانیت خود تنها و یکتا بود، آنگاه محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را آفرید. آنان روزگاری طولانی در همان حالت بودند و سپس دیگر مخلوقات را آفریده و آنان را بر آفرینش ایشان گواه گرفت و اطاعت از آنان را واجب نمود و امور موجودات را به اینان سپرد. آنان هر آنچه را که بخواهند حلال کرده و هرچه را که نخواهند حرام می نمایند و البته هرگز اراده و خواستی، مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی اراده کرده باشد ندارند. سپس فرمود: ای محمد! این دیانتی است که هرکس از آن جلو افتد از مرز تجاوز کرده هرکس نسبت به آنان تخلف ورزد نابود شود و هرکس به آنان پیوندد به حق پیوسته است. ای محمد! این مطلب را کاملاً متوجه باش(۳)

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۰۵ چاپ ایران

۲- مدینه المعاجز سید هاشم بحرانی

۳- بحار الانوار ۴۳/ ۱۰۷

* اگر امیر المؤمنین علیه السلام نبود همسری برای فاطمه علیها السلام یافت نمی شد

عن المُفَضَّلُ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام قَالَ لَو لَما أَنَّ اللهَ تَعَالَی خَلَقَ أَمِیرَ المُؤمِنِینَ لَم یَکُن لِفَاطِمَهَ کُفوٌ عَلَی وَجهِ الأَرضِ آدَمُ فَمَن دُونَ(۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر علی بن ابی طالب علیه السلام با آن حضرت ازدواج نمی کرد تا روز قیامت بر روی زمین از آدم به بعد همسری برای او وجود نداشت.

علامه مجلسی رحمه الله می فرماید: با این روایات می توان برتری علی و فاطمه علیهما السلام را بر عموم پیامبران غیر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم استدلال کرد(۲)

محدث بزرگ مرحوم طبری رحمه الله شیعه، از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که حضرت فرمود: اطاعت حضرت زهرا علیها السلام بر همه مخلوقات از جن و انس و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است(۳) و در حق آن بزرگوار فرموده:

اِنَّها رُوحی وَ نَفسی وَ قَلبی وَ بَضعَتی وَ ثَمَرَهُ فُؤادی وَ نُورُ بَصَری وَ فَلذَهُ کَبِدی وَ شَجَنَتی وَ اِنَّها مِنّی وَ اَنَا مِنها.

که نظائر آن در کتب فریقین (شیعه و سنی) فراوان موجود است(۴)

هرچه کمالات امیر المؤمنین علیه السلام دارد، مگر امامت در ایشان نیست که آن هم خواست خداوند است. همان طوری که امیر المؤمنین علیه السلام تساوی با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم داشت مگر از جهت نبوت، همین طور حضرت صدیقه طاهره علیها السلام هم برابر و کفو امیر المؤمنین علیه السلام بود، مگر از جهت امامت و زوجیت مطاعه. همان طور که قرآن کریم می گوید:

(الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ)(۵)

(وَ لِلرِّجالِ عَلَیهِنَّ دَرَجه)(۶)

۱- همان

۲- همان

۳- دلائل الامامه، طبری/ ۲۸

۴- نور الابصار/ ۴۱- فرائد السمطین ۲/ ۶۶

۵- سوره نساء آیه ۳۴

۶- سوره بقره آیه ۲۲۸

رتبه فاضله و درجه راجحه که برای حضرت علی علیه السلام است و آن هم در کنار اطاعت صاحب مقام امامت و ولایت مرجوح است. پس همان اتحاد معنوی نبوی و علوی در وجود ذی جود حضرت با عصمت فاطمه جاری است.

وَلا شَکَّ اَنَّ فاطِمَهَ خُلِقَت لِاَجلِ عَلی وَ اَنَّ عَلیاً لِأَجلِها وَ اَنَّهما کُفوانَ وَ مُتَّحِدان لا یَفتِرقان فی عالَمِ الأَبدیَّهِ بِلا شائِبَهٍ وَ رَیبَهٍ.

و در حدیث دیگری:

عَنِ النّبی صلی الله علیه و آله و سلّم یا عَلّی اَنتَ نَفسی الّتی بَینَ جَنَبی وَ فاطِمَهُ رُوحی الَّتی بَینَ جَنَبیَّ(۱)

پس جناب امیر المؤمنین علیه السلام نفس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و حضرت صدیقه طاهره علیها السلم روح پیغمبر است. شاید گفته شود منزلت روح بالاتر از منزلت نفس است. لکن نفس و روح از جهتی متحدند و بر معنی واحد یا آن که این مقالات از امور اعتباریه و اضافیه است بر حسب موارد و مواقع اطلاق می شود.

* سخن قوشجی

ملّا علی قوشجی (سنی) گفته است این فرقه علیله ذلیله (شیعه)، قائل به عصمت زنی شده اند، با آن که همه اهل سنت و جماعت اعتقاد به عصمت همه انبیا ندارند.

هم چنین قوشجی از طرف عبد الحمید بن ابی الحدید معتزلی از مفضلّه بغداد، فضیلت فاطمه طاهره علیها السلام را بر حضرت امیر علیه السلام و خلفای دیگر نقل می کند و گفته است: مردم در مورد جناب امیر علیه السلام غالی و مقصر و محب به افراط رسیده اند و این دو طایفه در معرض هلاکتند و ما طایفه مفضله بر راه استوار و طریق مستقیم اعتدال می باشیم که علی بن ابی طالب را بعد از نبی خیر خلق الله می دانیم(۲)

مع ذلک می گویند حکمت بر تقدیم خلفا و نصب بر خلافت ایشان بود و عبارت ایشان این است:

۱- نور الابصار/ ۴۱

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید ۱۲- ۱۶

الحَمدُ لله الذی فَضَّلَ المَفضُولَ عَلی الفاضِلِ لِحِکمَهٍ اِقتِضاها التَکلیف(۱)

حمد و ستایش از خدایی است که مفضول را بر فاضل فضیلت داده است به خاطر حکمتی است که اقتضای تکلیف است. (یعنی می گوید: حکمت این بود که خلفای سه گانه بر علی بن ابی طالب مقدم باشند. اما نصب و خلافت و امامت حق امیر المؤمنین علیه السلام است نه ابی بکر و خلفای سه گانه).

هر منصف عاقلی از این عبارت سست و اعتقادات پست، حقیقت عقیده فرقه ناجیه شیعه امامیه را می فهمد و آنان که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را افضل دانسته اند، خواسته اند شرافت حضرت شاه ولایت را محو نمایند. و حال آنکه شیعه چنین چیزی را نگفته است و این از افتراهای این افراد است که ما را متهم به غلو و افراط می کنند. ما نه اهل غلو هستیم و نه اهل افراط و تفریط. بلکه اهل تفریط آنان هستند که در حق امامان کوتاهی می کنند و بلکه گمراه می باشند.

و این ابیات در تقدیم و تفضیل حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بر جناب شاه اولیا از ابن ابی الحدید مشهور و مذکور است:

و خَیرُ خَلقِ اللهِ بَعدَ المُصطَفی*** اَعظَمُهُم یَومَ الفِخار شَرَفاً

السیّد المُعَظَّم الوَصیّ*** بَعدَ البَتوُل المُرتَضی عَلّی

والناهُ ثُمَّ حَمزَه وَ جَعفَرٍ*** ثُمَّ عَتیقُ بَعدَهُم لا یُنکَرُ

المُخلِصُ الصِّدیقُ ثُمَّ عُمَر*** فارُوق دینِ اللهِ ذاکَ القَسوَرُ

وَ بَعدَهُ عُثمان ذُو النّورَین*** هذا هُوَ الحَقُّ بِغَیرِ مَبینِ

این ابیات را ابن ابی الحدید معتزلی گفته است. در کتاب انس النفوس و غیره از اهل سنت، در تفضیل حضرت فاطمه بر حضرت امیر ادله سخیفه ای اقامه شده و تمام آن ها ناشی از اعراض فاسده و خیالات واهی است.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

وَ الَامرُ بِيَدِ اللهِ تعالی يُفضِّلُ بَعضَ عِبادِه مِن اوليائِهِ علی بَعض وَ هُوَ المُعِزُّ وَ المُذِلَّ وَ قال عزّوجل: تِلکَ الرُّسُلُ فَضَّلنا بَعضَهُم عَلی بَعضٍ...(۱)

ای الأنبياء وَ الَأولياء لکِنَّ الَّذينَ خالَفُوهُم اضـدادهم فی الـدّين وَ اَعـداءهُم فی الآخِرَهِ وَ الاوُلی عَلی نحو اليقين و انّهم مِنَ الفِرقَهِ الطّاغيه وَ الفِئَه الباغيه نحو اليهود و نصاری و بنی الُامّيه و ... و الشّيعه مِن هؤلاء بُرَآد فَويل لِمَن شُفعائه خصماء(۲)

امر به دست خـداست که بعضـی از بنـدگان را بر بعضـی ديگر فضـيلت داده و خداونـد عزت می دهـد و ذليل می کند. و خدا فرموده: آن رسولان را ما فضيلت داديم بعضی را بر بعضی ديگر.

و لکن آن هايی که با انبيا مخالفت می کننـد ضد انبيا هسـتند و دشـمنان آن هايند در آخرت. و به طور يقين اينها از سـرکشان هستند و جزء فرقه ستمگران هستند. همانند يهود و نصاری و ...

و شيعه از اين حرف ها به دور است و وای به حال آن ها که شيعه با اين ها روز قيامت مخاصمه کند. آن ها دليلی برای جواب شيعه قطعاً ندارنـد و در آخر کار محکوم و مخـذول و محروم خواهنـد شـد. اين ها مسـئولند که در آيات صـريح قرآن که در مورد عصـمت معصومين عليهم السلام و آيات امامت و ولايت خدشه وارد می کنند و بر طبق هوای نفس خود عمل می کنند. در واقع اين هـا رافضـی هسـتند که از ائمه هـدی عليهم السـلام کنـاره گيری می کننـد و به ولاـيت افرادی چنـگ زده انـد که خودشان انتخاب کرده انـد نه خداوند تبارک و تعالی. البته در روز قيامت هم بايد از آنان ياری بخواهند که هر دو در خسـران مبين هستند.

۱- سوره بقره آيه ۲۵۳

۲- خصائص فاطميه/ ۳۲۳

* نظر شیعه درباره خواستگاری معصومه علیها السلام

مـذهب ما بر آن است که معصومه را معصوم باید بخواهد و جز معصوم خواسـتن او را نشاید. اگر چنین چیزی جایز باشد، باید گفت که شـخص فاسـقی معصومه را تحت حکومت خود می گیرد و او را برخلاف رضای خداونـد متعال امر نمایـد. خـداوند منّان نیز ابـا دارد که زن مطیع و مؤمنه ای که همه کارهایش مورد رضایت اوست، تحت حکم و فرمان مردی فاسق و گنه کار باشـد. ولکن عکس آن جـایز است. چنـان که همه ائمه، معصوم بودنـد اما زنان ایشان معصوم نبودنـد. از میان زنان فقط ۲ نفر معصوم بودند: اول مریم علیها السلام و دوم صدیقه طاهره علیها السلام.

بـاز می گوییم علت اینکه زن معصومه نبایـد همسر مرد غیر معصوم شود این است که: زن معصوم درست کـار و نیـک رفتـار است و مرد غیر معصوم خطاکار. پس آنکه دارای مقام عصمت است البته بر غیر معصوم شرف دارد و جایز نیست، اهل صواب در اطاعت اهل خطا بیایند. بلکه عقیده ما این است که معصومه و شخصـی که عمرش را در راه اطاعت پروردگار صرف کرده و یا حتی کسـی هم که معصوم نیست اما ممکن است یک گناه مرتکب نشـده باشد باز لیاقت درخواست ازدواج با معصومه را ندارد تا چه رسد به اینکه آن شخص فاسق و گناه کار باشد.

و اصـلاً حکمت خـدا بر این نیست که زن معصوم در تحت فرمان غیر معصوم باشـد. به هر حال زن معصوم از این قاعده خارج است. همان گونه که بزرگان و سـران قریش برای خواسـتگاری آن بزرگوار آمـده بودنـد و رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سلّم در پاسخ می فرمودند ازدواج فاطمه دست من نیست. خداوند او را به عقد علی علیه السلام درآورده.

چرا که خداوند در قرآن در ذیل آیه شریفه:

(الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَی النِّساءِ)(۱)

ص: ۲۰۲

۱- سوره نساء آیه ۳۴

نیز به این نکته اشاره کرده است که: مردان بر زنان مسلط هستند. پس زن معصوم تحت تسلط فرد غیر معصوم نمی تواند قرار بگیرد، بلکه باید تحت تسلط شخصی باشد که یا هم تراز خود او باشد یا از او بالاتر باشد. زیرا هیچ گاه مرد غیر معصوم حرف زن معصوم را نمی فهمد. اما مرد معصوم به راحتی زن غیر معصوم را تحت تسلط خود قرار می دهد چه آن که مرد غیر معصوم نیز زن غیر معصوم خود را طبق صریح قرآن تحت تسلط قرار می دهد. اما از لحاظ قانون طبیعت هم عاقلانه نیست که زن معصوم تحت تسلط مرد غیر معصوم قرار بگیرد چرا که از لحاظ درک و شعور و عقل از آن مرد بالاتر است. و چه بسا آن مرد زن خود را به فساد اخلاقی فرا بخواند و یک چنین چیزی اصلاً امکان ندارد.

لیکن مخفی نماند که طبق روایت عوالم العلوم، خداوند متعال هیچ زنی را با مردی مساوی قرار نداده و برابر نکرده جز فاطمه علیها السلام، که در آیه مباهله او را مساوی با امیر المؤمنین علیه السلام ذکر فرموده. اما در جهت خاصه کانّه این عموم تخصیص یافته به نحوی که می توان از خصایص آن بزرگوار شمرد و شاهد بر این صحبت روایات معتبر از ائمّه هدی علیهم السلام می باشد از آن جمله:

۱- وَ یُطِیعُهَا فِی جَمِیعِ مَا تَأْمُرُهُ(۱)

۲- و در اخبار دیگر دارد که گاهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: فاطمه را اطاعت کن و گاهی به فاطمه علیها السلام می فرمود: علی را اطاعت کن. علتش آن بود که بفهماند فاطمه علیها السلام به خطا نمی رود و رأی او رأی پیغمبر است. و برای همین بود که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در این مدت نُه سال نه فاطمه، من را به غضب آورد و نه من او را به غضب آوردم.

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۲۰۱

حال که علی علیه السلام کفو فاطمه علیها السلام شد و فاطمه علیها السلام کفو علی علیه السلام، پس بر علی علیه السلام حرام بود که زنی اختیار کند با آن که در اسلام چنین کاری ممنوعیت نداشت(۱)

۳- همچنین روایت شده که:

حَرَّمَ اللهُ النِّسَاءَ عَلَی عَلِیٍّ مَا دَامَت فَاطِمَهُ حَیَّهً لِأَنَّهَا طَاهِرَهٌ لَا تَحِیض.

یعنی خداوند زنان را بر امیر المؤمنین علیه السلام حرام کرد تا زمانی که فاطمه علیها السلام زنده بود، برای آنکه آن بزرگوار حیض نمی شدند(۲)

علاوه بر این یکی از ویژگی هایی که آن بانوی عظمی داشت در هر شب عذراء بود. پس معنی هم کفو بودن این دو بزرگوار در این مورد، خاصّه عصمت است یعنی فاطمه زهرا علیها السلام معصومه بوده و باید با معصوم ازدواج کند و اگر یقیناً امیر المؤمنین علیه السلام نبود، کفو و همسری برای حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام نبود که روایت او گذشت و این خود برهان واضح و روشنی بر عصمت آن بزرگوار است. پس:

وَالمعصُومَه لا یَنکَحُها اِلّا المَعصوم و الصّدیقه لا یَغسِلُها اِلّا الصّدیق.

سئوال: یکی از دلایل عصمت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام افضلیت ایشان از انبیای اولوالعزم به غیر از پدر و شوهرش است. حال سئوال اینجاست که به چه دلیل ایشان از انبیای اولوالعزم افضل هستند؟

۱- همان ۴۳/ ۱۵۳

۲- همان ۴۳/ ۱۶

* افضیلت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت آدم علیه السلام

اگر حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام صفّی الله و آفریده از خاك و مسجود ملائکه و پدر آدمیان و برگزیده ای از بندگان خدا بود که رشته انسان به او منتهی می شود و او اصل اصیل این فروع ثابته است همان طوری که قرآن فرموده:

(إِنَّ اللهَ اصطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبراهیمَ وَ آلَ عِمرانَ عَلَی العالَمین)(۱)

از او به عنوان برگزیده یاد نموده و در زیارت آن جناب آمده است:

السّلامُ عَلَیکَ یا صَفِیُّ الله

و او را صفوه الله می نامند و در کوه صفا نیز خلعت اصطفا به او پوشیده گردید، لیکن حضرت صدّیقه کبری علیها السلام از روز نخست با صفوت و صفا بود، بلکه صفوت آدمیت از آن منبع عصمت و طهارت و از پرتو آن بزرگوار به آدم علیه السلام عنایت و مرحمت شد. اینجا نیز ادله فوق تواتر داریم که مجال ذکرشان نیست. که مقداری از آن ها بیان شده به اضافه حدیث شریف کساء و آیه اِنَّ اللهَ اصطَفاكِ(۲) را که ملائکه مَلَاِ اَعلی در وقت نماز و غیر آن بر وی عرضه داشتند و به جای نام شریف مریم، فاطمه علیها السلام را خطاب می نمودند، و آن بزرگوار به (امّ الائِمّه و الذّرّیه المصطفویه) ملقب گردید.

اگر حضرت آدم علیه السلام را در بدو خلقت به مفاد آیه (وَ عَلَّمَ آدَمَ الأَسماءَ کُلَّها)(۳) تعلیم اسماء کردند، حضرت صدّیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام (امّ الأسماء) بود و عالم به حقایق و مسلمیات اشیا از اوّل دنیا تا آخر بوده و خود اسمی از اسماء حُسنی که به آن اسم بلند مرتبه حضرت آدم علیه السلام توسّل جست و نجات یافت.

۱- سوره آل عمران آیه ۳۳

۲- سوره آل عمران آیه ۴۲

۳- سوره بقره آیه ۳۱

اگر حضـرت آدم علیه السلام از خاک خلق گردید، حضرت صدّیقه علیها السلام طینت مرضیه و نطفه زکیه اش از میوه بهشتی بود و چقدر فرق است بین کسـی که از خاک آفریده شود با کسـی که از نور پاک محمّدی صلی الله علیه و آله و سلّم آفریده شـود و شوهرش حضـرت امیر المؤمنین علیه السـلام (ربّ الارض و ابوتراب) باشـد، البته نسبت به خـاک داشـتن یـا نسـبت با صـاحب مقـام لولاک امتیـاز بی انـدازه دارد. اگر حضـرت آدم علیه السـلام شـرف پـدری بر فرزنـدان خـود داشت (وَ هُوَ اَبُو الادَمیین) حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام شرف مادری بر ائمّه معصومین علیهم السلام و ذریّه فاطمیین دارد.

(وَ هِی اُمُّ الائِمَّه الخِیَرَه البَرَرَه وَ لِذُرّیَه الطَّیِّبَهَ الطّاهِرَه).

به علاوه کثرت نسل آن مکرّمه مطهّره تا روز قیامت موهبت بزرگ دیگری است.

اگر حضـرت آدم علیه السلام از خوردن گندم از بهشت بیرون آمد و به زمین هبوط نمود، حضرت زهرا علیها السلام از ایثار و بذل چند قرص نان تمام بهشت های هشـتگانه را متصـرف شد و آیات کریمه در سوره هل اتی و غیر آن در شأن آن حضـرت نازل گردید. به علاوه بهشت مخصوصـی از برای ایشان بنیان و بنیاد گشت و به انواع قصرهای عالی و بناهای رفیع و خیمه ها و جنات عالیات سلطنت یافت.

اگر حضـرت آدم علیه السـلام پس از اکمال خلقت و تحفه روح، عطسه کرد و الحمدلله گفت و تحمید نمود، حضرت صدیقه طاهره علیها السـلام پس از ولادت، شهادتین گفت و بعد از نام پدر و شوهر بزرگوارشان نام تک تک از فرزندان معصوم خود را برده و یاد کردند.

اگر حضـرت آدم علیه السلام بنا به روایتی از خدا خواست تا مقام خمسه طیّبه را به او دهد و حوّا تمنّای جایگاه والای حضرت زهرا علیهـا السـلام را برای خـود کرد و پس از این خواسـته هـا از نعمت هـای بهشـتی مهجـور و محروم شدنـد، و پس از طلب کردن مقام ایشان، در کامشان زهر حرمان و هجران ریخته شد و از دارالسّرور به دار الغرور و از

دار القرار به دار البوار(۱) هبوط کردند، لیکن عاقبت از تمسّک و توسّل به آن بزرگوار به جایگاه اولیّه خود بازگشت نمودند و توبه ایشان قبول شد.

اگر هابیل را از آدم علیه السلام گرفتند و شیث هبه الله را که پدر ثانی انبیای مرسلین و اولیای کاملین است، در عوض به او بخشیدند، در حالی که شیث افضل از هابیل بود و پیغمبری بزرگوار بود.

وَ بِهِ یَفتَخِرُ آدَمَ فی یَوم القِیامَهِ.

و خداوند سبحان از وی خواست فخر دودمان آدم علیه السلام بماند، اما ابراهیم از ماریه قبطیه گرفته شد و فدای جناب امام حسین علیه السلام گردید(۲) و امام حسین علیه السلام افضل از ابراهیم بود تا برای ائمّه پدر ثانی باشد و از آن بزرگوار نسل کثیر در خانمان رسالت بماند.

وَ بِهِ یَفتَخِرُ النَّبی یَومَ القِیامَهِ وَ هُوَ مِن مَواهِب الله علی هذه الائمَّه.

اگر حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام یک صد سال برای ترک اولی یا دوری از بهشت یا فراق حوّا گریست، به نحوی که مرغان هوا از اشک دیدگانش سیراب می شدند و از این کار حضرت آدم متعجب بودند و رقّت می نمودند، جناب صدیقه طاهره علیها السلام نیز از خوف خدا و فراق حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلّم و گمراهی این امّت و مظلومی شوهرش چندان گریست که در شمار پیغمبران بزرگ و گریه کن قرار گرفت. و قبل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و پس از شهادت آن حضرت از خوف پروردگار و از دست دادن پدر بزرگوارش، دیده مبارکش خشک نشد و اهل مدینه بلکه اهل زمین و آسمان را به فزع و جزع آورد.

و حدیث البکائون خمسه(۳)

۱- بوار زمین نامزروع، ناآباد و خراب

۲- حدیقه الشیعه ۱/ ۲۷۹

۳- کشف الغمّه ۱/ ۴۹۸

در کتب مناقب و مصائب مشهور است اگر جناب حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام از حضرت احدیّت منزل و مکان اولیه را می خواست، و از پروردگار خود تمنّای بهشت می نمود، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پیوسته رضای خدای خود را می خواست و حدیث آن عبارت است از: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به خانه فاطمه زهرا علیها السلام رفت، دید که گلیمی از پشم پوشیده و با دست مبارک خود آرد خمیر می کند و فرزند خود را شیر می دهد. آب از چشم مبارکش جاری شد و فرمود:

یَا بِنتَاه تَعَجَّلِی مَرَارَهَ الدُّنیَا بِحَلَاوَهِ الآخِرَهِ... فَقَد أَنزَلَ اللهُ وَ لَسَوفَ يُعطِيكَ رَبُّكَ فَتَرضی(۱)

ای دخترم مرارت دنیا را برای رسیدن به شیرینی آخرت تحمل کن همانا که خداوند بر من نازل کرده که آنقدر به تو می دهد که تو راضی شوی.

حضرت فاطمه علیها السلام نیز حمد و شکر خدا را به جا آورد.

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت نوح علیه السلام

اگر جناب نوح علیه السلام برای هلاک قوم و خسران عاقبت ایشان آن قدر گریه کرد که معروف به نوح شد (نوح از نیاحه است)،(۲) فاطمه زهرا علیها السلام نیز از برای ضلالت این امت مرحومه و سوء عاقبت ایشان چنان گریان بود که عالم امکان را بیت الاحزان خود نمود.

حضرت نوح علیه السلام از طول عمر و زیادی سن، شیخ الانبیاء نامیده شد، و از آن جهت احترامی فوق العاده یافت و تا روز قیامت شهرت فوق العاده یافت. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در مدت کمی که در دنیا زندگی کرد، نزد خدا و رسول حرمتی بی پایان و فضیلتی روشن و واضح یافت که در آن خردسالی بر چنین شیخ سالخورده ای که اولوالعزم نیز بود برتری جست.

۱- سوره ضحی آیه ۵- نور الثقلین ۱۰/ ۵۹۴- ۵۹۵
۲- کشف الغمّه ۱/ ۴۹۸

اگر حضرت نوح علیه السلام برای خود و یاران اندکش کشتی نجات از طوفان ساخت، آخر کشتی نجات او دست به دامان ولایت و دوستی فاطمه زهرا علیها السلام و پدر و شوهر و فرزندانش علیهم السلام شد و به ایشان پناه جسته از طوفان خلاص شدند و حدیث مسمار و احادیث دیگر در توسل حضرت نوح علیه السلام در کتب شیعه و سنی موجود است(۱)

اگر دعای حضرت نوح علیه السلام مستجاب گردید، چنانکه قرآن مجید بشارت اجابتش را خبر داد، حضرت فاطمه علیها السلام در دفعات عدیده قرین اجابت آمد و آنچه در حق ابن حنتمه فرمود مستجاب شد.

اگر حضرت نوح علیه السلام مکرر در آیات کریمه قرآن به طور صحیح یاد شده، جناب عصمت کبری علیها السلام در اغلب آیات مبارکه تلویحاً یاد شده، بلکه ثلث قرآن در حق خمسه طیّبه و عترت معصومین ایشان نازل گردید.

اگر حضرت نوح علیه السلام هلاکت قوم خود را خواست و همه را به طوفان بلا داد جناب صدّیقه طاهره علیها السلام صبر بر اذیّت های این امت کرده و لب به نفرین نگشود.

اگر حضرت نوح علیه السلام خواست از فرزندان ناخلف خود شفاعت نماید و به ساحل نجاتش برسانند مقبول نشد همان طور که قرآن می فرماید:

(إِنَّهُ لَیسَ مِن أَهلِکَ)(۲)

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در روز جزاء شفیعه کبری می باشد و قطعاً بعد از پدر بزرگوار و شوهرش امیر المؤمنین علیه السلام شفاعت خواهد کرد.

ص: ۲۰۹

۱- امالی شیخ صدوق مجلس ۳۹- ۱/ ۲۱۸

۲- سوره هود آیه ۴۶

*** افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت ابراهیم علیه السلام**

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام در میان خاندانش برگزیده شد، طبق آیه شریفه:

(إِنَّ اللهَ اصطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبراهیمَ)(۱)

جزو آل ابراهیم جناب صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام است، که خداوند آیه اِنَّ اللهَ اصطَفاكِ را که ظاهراً در حق مریم علیها السلام اما در باطن در حق آن بزرگوار نازل شده است را در قرآن بیان فرمود.

اگر در قرآن بر ابراهیم علیه السلام سلام داده شده است بر آل یس هم سلام کردند. یس حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است و نزدیکترین از نزدیکان آل یس، حضرت فاطمه علیها السلام است.

اگر به حضرت ابراهیم علیه السلام با گفتن

(وَ آتَیناهُ فِی الدُّنیا حَسَنَه)(۲)

یک حسنه دادند، به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حسنات دادند و آیات:

(آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَه)(۳) و (مَن جاءَ بِالحَسَنَهِ فَلَهُ عَشرُ أَمثالِها)(۴) و (وَ مَن یَقتَرِف حَسَنَةً)(۵)

در شأن آن بزرگوار نازل شد. اگر ملوک روم از اسحاق نبی از نسل ابراهیم علیه السلام بودند، یازده نفر از ائمّه معصومین از ذریّه فاطمه علیها السلام نیز اوصیای مرضیین شدند.

اگر در حق حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود:

(أَن طَهِّرا بَیتِیَ لِلطّائِفینَ وَ العاکِفین)(۶)

در حق حضرت فاطمه علیها السلام آیه تطهیر نازل شد:

۱- سوره آل عمران آیه ۳۳

۲- سوره نحل آیه ۱۲۲

۳- سوره بقره آیه ۲۰۱

۴- سوره انعام آیه ۲۶

۵- سوره شوری آیه ۲۳

۶- سوره حج آیه ۶۸

(إِنَّما يُريدُ اللهُ لِيُذهِبَ عَنكَمُ الرِّجسَ أَهلَ البَيتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطهيرا)(۱)

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند عزوجل فرزند خود اسماعیل علیه السلام را خواست قربانی کند، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در زمان حمل و شیر دادن فرزندش از شهادت ایشان آگاه بود و با آنکه قدرت بر دفع آن داشت ایشان را فدا نمود. اگر در حق حضرت ابراهیم علیه السلام آیه:

(إِنَّ أَولَى النَّاسِ بِإِبراهيمَ لَلَّذينَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِيُّ وَ الَّذينَ آمَنُوا)(۲)

نازل شد حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بنا به آیه اقرب تابعین و اشرف مؤمنات به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم بودند.

مَن تَبِعَنی فَإِنَّهُ مِنِّی(۳) و نهایت متابعت را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم کرد که خاصّه و خلاصه نبوّت شد و به مقام فاطمه مِنّی وَ اَنَا مِن فاطِمَه(۴) رسید.

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام را خداوند به لشکر یاد فرمود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به ذکر یاد نمود.

(الَّذینَ یَذکُرُونَ اللهَ قِیاماً وَ قُعُوداً)(۵)

اگر به حضرت ابراهیم علیه السلام ملکوت سماوات نشان داده شد همان طور که در قرآن آمده:

(نُری إِبراهیمَ مَلَکُوتَ السَّماوات)(۶)

در خانه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دریچه ای بود تا به عرش اعظم که از آن هر چیز را مشاهده می فرمود.

۱- سوره احزاب آیه ۳۳

۲- سوره آل عمران آیه ۶۸

۳- سوره ابراهیم آیه ۳۶

۴- مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۳۹۱

۵- سوره آل عمران آیه ۱۹۱

۶- سوره انعام آیه ۷۵

اگر حضرت ابراهیم علیه السلام از شام به مکّه معظّمه هجرت فرمود. آن برگزیده خدا حضرت زهرا علیها السلام نیز از مکّه مکرّمه به مدینه طیّبه مهاجرت کرد و هر یک مأموریت مهاجرت داشتند.

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت موسی علیه السلام

اگر حضرت موسی علیه السلام معجزات زاهره (روشن و درخشان) داشت، آن صدیقه طاهره علیها السلام کرامات روشنی داشت. اگر بر حضرت موسی علیه السلام مَنّ و سَلوی(۱) نازل شد، از دعای آن حضرت نیز مائده آسمانی و میوه های بهشتی نازل گردید. اگر بر جناب حضرت موسی علیه السلام در زمان کوتاهی تورات نازل شد، بر حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در زمان اندکی سه برابر قرآن مجید، مصحف نازل گردید.

اگر به موسی علیه السلام عصایی از بادام تلخ دادند، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را شجره طوبی مرحمت کردند.

اگر خداوند در آن زمان از میان همه مردمان جناب موسی علیه السلام را به مفاد آیه کریمه (أَنَا اختَرتُک)(۲) اختیار فرمود، جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را هم به مفاد آیه کریمه (إِنَّ اللهَ اصطَفاکِ) از میان همه زنان عالمیان برگزید.

اگر حضرت موسی علیه السلام زمان مناجات با قاضی الحاجات به طور سینا می رفت و با حضور خداوند اعلی راز و نیاز داشت، جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در اوقات نمازهای پنج گانه به محراب عبادت رفته و چندان قیام به وظائف و آداب طاعات می نمود که پای مبارکش ورم کرده کما اینکه در خبر است که:

تَوَرَّمَت قَدَمَاه مِن کَثره العِباده(۳)

ص: ۲۱۲

۱- منّ و سلوی در سه جای قرآن آمده است. سوره بقره آیه ۷۵، سوره اعراف آیه ۱۶۰ و سوره طه آیه ۸۰. من و سلوی دو نوع غذای آسمانی بوده که خداوند برای بنی اسرائیل نازل فرمود.

۲- سوره طه آیه ۱۳

۳- مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۳۸۹

اگر در طور سینا از تجلی حق از جبین جناب موسی علیه السلام نوری ساطع و لامع شد و از هوش رفت از رخساره حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در صبح و ظهر و عصر انواری خاصه به رنگ های مختلف همیشه درخشنده بود.

اگر از حضرت موسی علیه السلام در ایام حمل و پس از ولادت و ایام شیر خوارگی معجزات و خارق عاداتی ظاهر گردید از خفای حمل و داخل شدن در تنور آتش و حرکت در دریا و آنچه در خانواده فرعون کرد از جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در ایام حمل و ولادت و ایام شیر خوارگی به اتفاق فریقین کرامات و معجزات و خارق عادات زیادی ظاهر گردید(۱) همانند صحبت کردن در شکم مادر و شهادت دادن به هنگام تولد.

اگر فرعون از احضار قبطیان و ساحران و دیگران، حضرت موسی علیه السلام را طلب کرده و خواست او را مغلوب نماید، و خداوند او را به واسطه عصا و غیره یاری کرد، چند تن بازرگان، حضرت زهرا علیها السلام را به مجامع عامّه خودشان از عروسی و غیره دعوت نمودند، تا آن بزرگوار را خجالت زده و آزرده نمایند و زینت های خودشان را جلوه دهند. اما خداوند متعال از بهشت جامه های زیبا برای او فرستاد و دیده و دل آن ها را ربود که بسیاری از زنان ایمان آورده به شرف اسلام فائز شدند.

اگر حضرت موسی علیه السلام علاوه بر مرتبه فخیمه رسالت، عصا و ید بیضا و آیات نُه گانه داشته، فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین و نه نفر از آیات شیعه الهیه از صُلب مطهّر فرزندش جناب امام حسین علیه السلام از دامن پاک ایشان بوده اند، علاوه بر این همگی ارتباط و انتساب به شجره نبوّت محمدیه داشتند.

اگر حضرت موسی علیه السلام دریا را شکافت و گمراهان امت خود را غرق نمود، در حضرت امیر مؤمنان و جناب فاطمه علیها السلام امور خارق العاده ای به چشم می خورد که

ص: ۲۱۳

۱- امالی شیخ صدوق/ ۴۷۵

انبیای سلف از اولوالعزم و غیر آن ها روی حاجت همیشه به سوی این بزرگواران داشتند و نجات از مهالک را از توسل به ایشان می خواستند. چنانچه در کتب امامیه از حالات موسویه و التجاء او به این خانواده زکیه اخبار زیادی وارد است(۱)

* افضلیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بر حضرت عیسی علیه السلام

اگر حضرت عیسی علیه السلام از نفخه روح الامین خلق شد، جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام از نور پروردگار و میوه بهشت و عرق و پر و موی(۲) بال جبرئیل خلق شد.

اگر حضرت عیسی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت و پس از ولادت فرمود:

(إِنِّی عَبدُ اللهِ آتانِیَ الکِتابَ وَ جَعَلَنی نَبِیًّا)(۳)

جناب حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیز در رحم مادرش خدیجه علیها السلام و بعد از ولادت سخن گفت و خدا را به وحدانیّت یاد کرد.

اگر حضرت عیسی علیه السلام را خداوند در قرآن مبارک خواند. حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام را در اسفار انجیل مبارکه اش نامید و او را به کثرت نسل و ذریّه اش مژده داد و خبر از شهادت دو فرزند و اولاد گرامیش را به او داد.

اگر حضرت عیسی علیه السلام خبر از خوردنی ها و ذخائر بنی اسرائیل می داد، آن بزرگوار از علم ما کان و ما یکون خبر می داد.

اگر مادران انبیای عظام، شرافت و عظمت شأن مریم، مادر حضرت عیسی علیه السلام را ندارند هیچ یک از زنان شرافت فضل و علوّ قدر و سُمُوّ مقام خدیجه سیّد النسوان مادر جناب فاطمه زهرا علیها السلام را ندارند. بلکه شایسته و سزاوار است فاطمه زهرا با این عصمت ذاتی و جلالت قدر، از چنین مادری کریمه فخر مادران و از اقدس سیّد کاینات یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم به دنیا بیاید.

ص: ۲۱۴

۱- رجوع شود به امالی شیخ صدوق مجلس ۳۹

۲- امالی شیخ صدوق مجلس ۸۷

۳- سوره مریم آیه ۳۰

اگر جمعی از نصاری مشهور به مریمیّه اند و مریم علیها السلام را از کبار پیغمبران می دانند، این امّت مرحومه نیز همگی فاطمیه اند، با آنکه او را پیغمبر نمی دانند. اما از پیغمبرانش برتر و بالاترش می دانند و حضرت عیسی علیه السلام را در آخر الزّمان ملازم رکاب آخرین فرزند برومندش دانند.

اگر در شأن حضرت عیسی علیه السلام است:

(وَ أَیَّدناهُ بِرُوحِ القُدُس)(۱)

در شأن حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است که حضرت مقدّس نبوّی صلی الله علیه و آله و سلّم مکرر خبر داد که اینان مؤیّد به روح القدس می باشند.

اگر بر حضرت عیسی علیه السلام جبرئیل و ملائکه رحمت نازل می شدند و او را به تعلیم کتاب آسمانی پیوسته مژده می دادند، بر حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام نیز جبرئیل و ملائکه نازل شده و او را به عنایات رحمانیّه و افاضات سبحانیه مژده می دادند.

اگر حضرت عیسی علیه السلام در زمره پیغمبران کم سن بود بیشتر از سی و سه سال نداشت و از پیغمبران دیگر زودتر رخت از عالم خاک به افلاک کشید. فاطمه زهرا علیها السلام نیز در زمره حِسان نِسوان عالمیان در دنیا زمان اندکی زیست فرمود. پس از هجده سال از این دار الزّوال توجه به حظیره القدس و اعلی علیین فرمود و به جوار پروردگار و پدر بزرگوارش ملحق شد و از مِحَن و فِتَن و شدائد زمان رحل اقامت دائمه انداخت.

صلوات الله علیها و علی ابیها و علی بعلها و علی بنیها و علی شیعتها و محبیها

۱- سوره بقره آیه ۸۷

*** تفسیر یک آیه از قرآن**

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتِينَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصّادِقِينَ وَ الصّادِقاتِ وَ الصّابِرِينَ وَ الصّابِراتِ وَ الْخاشِعِينَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقِينَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصّائِمِينَ وَ الصّائِماتِ وَ الْحافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذّاكِرِينَ اللّهَ كَثِيراً وَ الذّاكِراتِ أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِيماً)(۱)

به درستی که مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنانی که در طاعت و وظایف خود ثبات ورزند و راستگویان در قول و عمل و صبر کنندگان در طاعت ها و معاصی و تواضع کنندگان از برای خدا و صدقه دهندگان از هر دو طائفه به آن چه واجب است در مالشان از زکوات و خمس ها و روزه داران از برای خدا از مردان و زنان و مردان و زنانی که عفت خود را حفظ می کنند و مردان و زنانی که بسیار یاد خدا می کنند خدا برای ایشان آمرزش گناهان و مزد بزرگ بر طاعت ایشان آماده کرده است.

شأن نزول: فی نور الثقلین ج ۴ ص ۲۷۷ قال مقاتل بن حیان:

لما رجعت أسماء بنت عمیس من الحبشه مع زوجها جعفر بن أبی طالب علیه السلام دخلت علی نساء النبی صلی الله علیه و آله و سلّم فقالت هل نزل فینا شیء من القرآن قلن لا فأتت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم فقالت یا رسول الله إن النساء لفی خیبه و خسار فقال و مم ذلک قالت لأنهن لا یذکرن بخیر کما یذکر الرجال فأنزل الله تعالی هذه الآیه.

در این آیه کریمه خداوند سبحان زنان را با مردان این امّت به ده صفت به طریق مقابله برابری داده و ستوده و آنچه از مردان خواسته از زنان هم خواسته است و در این ده چیز حکم به مساوات فرموده و آن هم بر حسب استدعای (اسماء بنت عمیس خثعمیّه) شد.

ص: ۲۱۶

۱- سوره احزاب آیه ۳۵

زمانی که اسماء بنت عمیس از حبشه بازگشت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم عرضه داشت که زنان مرا ناامید می کنند و به من زیان می رسانند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: چرا؟

عرضه داشت: به خاطر اینکه زنان مرا به خیر یاد نمی کنند، همچنان که مردان یاد می شوند. این آیه مبارکه در مدح این صنف زن که دارای عمل خیرند نازل شد. خلاصه اگر در اخبار اسلام و آثار اهل بیت علیهم السلام و تفاسیر ایشان ملاحظه شود می بینید در زمره مردان و زنان از جهت اسلام و ایمان و قنوت و صدق و صبر و خضوع و انفاق و روزه و حفظ ذکر دوام کسی بالاتر و کاملتر از این مرد و زن یعنی شاه اولیا و سیّده النّساء در این عالم و عوالم دیگر نیامده است. یعنی هریک از این مراتب به قدری که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به اعلی درجه کمال رسیده بود، فاطمه زهرا علیها السلام هم اقتداء کرده و از موافقت و برابری با آن بزرگوار باز نمی ماند.

در حدیث (کفائه) هم کفو گذشت که خداوند سبحان آن جناب را برای حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام خلق فرمود تا شوهر او باشد و هم کفو او گردد و اگر خلق نمی شد برای آن بزرگوار کفوی نبود. و این حدیث دلیل محکمی است بر جلالت قدر و عصمت فاطمه زهرا علیها السلام.

پس چنان که امیر المؤمنین علیه السلام شخص اوّل مسلمین است تا آخر آیه، فاطمه زهرا علیها السلام نیز شخص اول مسلمات است تا آخر آیه وگرنه برتری نسبت به دیگران زنان نداشت. بلکه همین دوازده زنی که خداوند در قرآن یاد کرده و هریک را با صراحت و با کنایه توصیف به صفتی کرد، تمام آن ها راجع به صدیقه طاهره علیها السلام است و بالاتر. یعنی خواه حوّا به توبه و ساره به جمال و رحمت و زن ایوب را به حفظ و آسیه را به حرمت و زلیخا را به حکمت و بلقیس را به عقل و برحانه مادر موسی را به صبر و مریم را به صفوت و خدیجه علیها السلام را به رضا و فاطمه علیها السلام را به علم تمجید کرد، همه آن ها برای حضرت زهرا علیها السلام با نهایت کمال صادق است.

تمام این صفات و مقامات با آثارش به دلالت علم و روشنایی آن در انسان کامل جمع می شود و چنین کسی از علم، به مقام رضا و درجه برگزیدگی از جانب خدا

می رسد و از علم در بلاها صابر و در مسلک عقل سالک و به حکمت حقه ادراک خیر کثیر می کند و در عوالم علویه محترم و به حفظ حق می آید و به جمال معنوی و صوری آراسته می گردد و پیوسته در اکثار توبه و انابه الی الله گوی سبقت از همگان می رباید. پس وصف علم و طهارت از همه صفات اشرف و افضل است و علم و دانایی از همه مقامات بالاتر و برتر است.

علامه مجلسی رحمه الله در اجابت دعا، فاطمه زهرا علیها السلام را در زمره پیغمبران بزرگ، یعنی آدم و نوح و یوسف و موسی و هارون و ایّوب و زکریا علیهم السلام و جناب خاتم انبیای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم به شمار آورده است. یعنی چنانکه خداوند دعوت این انبیای عظام را اجابت کرد، دعوت حضرت زهرا علیها السلام را هم اجابت نمود. پس از آدم علیه السلام سلسله رجال و بندگان از مردان خدا منتهی به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شد و از حوّا امّ البشر سلسله زنان و کنیزان خدا منتهی به جناب فاطمه کبری علیها السلام شد. پس بعد از امیر المؤمنین علیه السلام کسی بهتر نیامد و بعد از فاطمه زهرا علیها السلام هم زنی همانند آن بزرگوار مادر دهر نزاده و به عقیده اهل اسلام، حضرت ابراهیم علیه السلام خلیل شیعه است و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افضل از او است و در زنان فرد کامل مریم علیها السلام است که معصومه بود و فاطمه زهرا علیها السلام افضل از اوست چنان که پیغمبران اولوالعزم افضل از رسل و غیر رسل هستند، با آنکه در جهت روح القدس و عصمت مساوات داشتند.

ممکن است دو زن معصومه باشند و یکی بر دیگری برتری داشته باشد و شرف هر زمانی به واسطه اهل اوست و هر قدر از آدم علیه السلام تا خاتم، زمان ها به وجود پیغمبران مشرف شد و سعادت یافت، زمان پیغمبر رحمت هم، به واسطه وجود مبارکش و چهار نفر دیگر از اهل عصمت همان مقدار شرف گرفت.

علی هذا شرافت شریعت و امّت هر پیغمبر و ذریّه طاهره اش بر حسب علوّ و قدر و مکانت صاحب آن است و علاوه بر اصالت ذاتیه از جهت اصل و نسب فضیلت و مزیت می یابند. پس تمام مغفرت و اجر عظیم برای آن مرد و زنی است که به این اوصاف ده گانه موصوف بوده باشد و هم چنین برای آن زنی است که به صفات این

دوازده زن متصف گردد، بله کسی که دارای مرتبه جلیله عصمت است، البته احاطه کافی به این مراتب و مقامات دارد و خود بدیهی است که اجر عظیم، در مقابل عمل عظیم است و مغفرت مخصوص جهت بزرگان دین و نیکان از بندگان معصوم است.

* اخبار و روایات طهارت و عصمت

سابقاً روایات و اخباری که بر طهارت و عصمت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دلالت می کرد را علاوه بر آیه تطهیر که دلیل محکمی بر عصمت آن حضرت بود آوردیم. اما الان خود روایات را برای دسته بندی و نظم موضوع در آخر کار می آوریم.

* اما روایات

۱- عَن عَلِیٍّ علیه السلام: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلّم سُئِلَ مَا البَتُولُ؟ فَإِنَّا سَمِعنَاکَ یَا رَسُولَ اللهِ تَقُولُ إِنَّ مَریَمَ بَتُولٌ وَ فَاطِمَهَ بَتُولٌ. فَقَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم: البَتُولُ الَّتِی لَم تَرَ حُمرَهً قَطُّ أَی لَم تَحِض فَإِنَّ الحَیض مَکرُوهٌ فِی بَنَاتِ الأَنبِیَاء(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمودند: از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلّم سئوال شد که ما از شما شنیدیم که فرمودید: مریم و فاطمه علیها السلام بتول هستند. بتول یعنی چه؟ فرمودند: بتول آن زنی است که خون حیض نمی بیند هرگز خون حیض در دختران انبیاء پسندیده نیست [زیرا مقام عصمت دارند مانند حضرت فاطمه علیها السلام]

۲- سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم مَا البَتُولُ؟ قَالَ الَّتِی لَم تَرَ حُمرَهً قَطُّ وَ لَم تَحِض فَإِنَّ الحَیضَ مَکرُوهٌ فِی بَنَاتِ الأَنبِیَاءِ وَ قَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم: لِعَائِشَهَ یَا حُمَیرَاءُ إِنَّ فَاطِمَهَ لَیسَت کَنِسَاءِ الآدَمِیِّینَ لَا تَعتَلُّ کَمَا تعتلن(۲)

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۵

۲- همان/ ۱۶

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم سؤال شد: معنای بتول چیست؟ فرمودند: بتول زنی است که هرگز سرخی نمی بیند و هرگز حیض نمی شود، زیرا حیض در دختران انبیاء ناپسند است.

و هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به عایشه فرمودند: ای حمیرا! (به عایشه می گفتند حمیرا) به درستی که فاطمه مانند زنان آدمیان نیست که خون ببیند و علّت در او باشد و علّت و نقص در فاطمه نیست. (زیرا او معصومه است)

۳- عَن أَبِی جَعفَرٍ علیه السلام عَن آبائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرَهَ لِطَهَارَتِهَا مِن کُلِّ دَنَسٍ وَ طَهَارَتِهَا مِن کُلِّ رَفثٍ وَ مَا رَأَت قَطُّ یَوماً حُمرَهً وَ لَا نِفَاسا(۱)

از امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل فرموده است که: همانا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلّم طاهر و پاک است به خاطر طهارت و عصمتش هرگز خون سرخ (حیض) و هرگز خون نفاس ندیده.

۴- قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم إِنَّ فَاطِمَهَ أَحصَنَت فَرجَهَا فَحَرَّمَ اللهُ ذُرِّیَّتَهَا عَلَی النَّار(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم: به درستی که فاطمه علیها السلام عفت (عصمت) دارد و خداوند ذراری و فرزندان آن بزرگوار را بر جهنم حرام فرموده است و بدنشان از آتش دوزخ نمی سوزد.

۵- عَن أَنَسِ بنِ مَالِکٍ عَن أُمِّهِ قَالَت مَا رَأَت فَاطِمَهُ علیها السلام دَماً فِی حَیضٍ وَ لَا فِی نِفَاس(۳)

انس بن مالک از مادرش نقل می کند که گوید: هرگز فاطمه علیها السلام خون ندید، نه خون حیض و نه نفاس (و نه غیره)

۶- قال صلی الله علیه و آله و سلّم: فَأَیُّمَا امرَأَهٍ صَلَّت فِی الیَومِ وَ اللَّیلَهِ خَمسَ صَلَوَاتٍ وَ صَامَت شَهرَ رَمضَانَ وَ حَجَّت بَیتَ اللهِ الحَرَامَ وَ زَکَّت مَالَهَا وَ أَطَاعَت زَوجَهَا وَ

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۹

۲- همان/ ۲۰

۳- همان/ ۲۱

وَ وَالَتْ عَلِيّاً بَعْدِي دَخَلَتِ الْجَنَّهَ بِشَفَاعَهِ ابْنَتِي فَاطِمَهَ وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَهُ نِسَاءِ العَالَمِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ أَ هِيَ سَيِّدَهُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ صلى الله عليه و آله و سلّم ذَاکَ لِمَرِيَمَ بِنتِ عِمرَانَ فَأَمَّا ابنَتِي فَاطِمَهُ فَهِيَ سَيِّدَهُ نِسَاءِ العَالَمِينَ مِنَ الأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحرَابِهَا فَيُسَلِّمُ عَلَيهَا سَبعُونَ أَلفَ مَلَكٍ مِنَ المَلَائِكَهِ المُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَت بِهِ المَلَائِكَهُ مَرِيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَهُ إِنَّ اللهَ اصطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصطَفَاكِ عَلى نِساءِ العالَمِين(۱)

این روایت ترجمه اش گذشت.

۷- عن ابی جعفر علیه السلام قال: إِنَّ بَنَاتِ الأَنبِيَاءِ صلى الله عليه و آله و سلّم لَا يَطمَثنَ إِنَّمَا الطَّمثُ عُقَوبَه عقوبَه(۲)

از امام باقر علیه السلام روایت است که: به درستی که دختران انبیا خون (حیض و آلودگی) نمی بینند، چون طَمث (خون) (خود یک نوع کم عقلی است و یک نوع نقصان است) همانا طَمث خود یک نوع عقوبت است.

۸- قال صلی الله علیه و آله و سلّم: مَن آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَمَن آذَاهَا بَعدَ مَوتِي وَ مَن آذَاهَا بَعدَ مَوتِي كَمَن آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَن آذَاهَا فَقَد آذَانِي وَ مَن آذَانِي فَقَد آذَى اللهَ وَ هُوَ قَولُ اللهِ (إِنَّ الَّذِينَ يُؤذُونَ اللهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللهُ فِي الدُّنيا وَ الآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُم عَذاباً مُهينا)(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: کسی که فاطمه علیها السلام را در زمان حیات من آزار دهد انگار مرا آزار داده و کسی که مرا اذیّت کند خداوند را آزار داده است و این قول خداوند است که می فرماید: کسانی که خدا و رسولش را آزار دهند، خداوند آن ها را در دنیا و

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۲۴

۲- همان/ ۲۵

۳- همان- سوره احزاب آیه ۵۷

آخرت لعنت کرده است و عذاب مهین و خوار کننده ای برای آن ها مهیا و آماده است و اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم اذیت خداوند است.

۹- و قال صلی الله علیه و آله و سلّم: إِنَّ فَاطِمَهَ شِجنَهٌ مِنِّی یُؤذِینِی مَا آذَاهَا وَ یَسُرُّنِی مَا سَرَّهَا وَ إِنَّ اللهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَیَغضَبُ لِغَضَبِ فَاطِمَهَ وَ یَرضَی لِرِضَاهَا(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: فاطمه شادی من است، هرکس فاطمه را اذیت و آزار دهد مرا آزار و اذیت کرده. و خداوند متعال به خاطر غضب فاطمه غضب می کند و برای خوشنودی آن حضرت خوشنود گردد.

۱۰- قال صلی الله علیه و آله و سلّم: یَا فَاطِمَهُ أَبشِرِی فَإِنَّ اللهَ تَعَالَی اصطَفاکِ عَلی نِساءِ العالَمِینَ وَ عَلَی نِسَاءِ الإِسلَامِ وَ هُوَ خَیرُ دِین(۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: ای فاطمه! بشارت می دهم تو را به اینکه خداوند متعال تو را بر زنان عالم و بر زنان اسلام برگزیده و این بهترین دین است.

۱۱- قال صلی الله علیه و آله و سلّم: حَسبُکَ مِن نِسَاءِ العَالَمِینَ مَریَمُ بِنتُ عِمرَانَ وَ خَدِیجَهُ بِنتُ خُوَیلِدٍ وَ فَاطِمَهُ بِنتِ مُحَمَّدٍ وَ آسِیَهُ امرَأَهُ فِرعَونَ وَ فِی رِوَایَهِ مُقَاتِلٍ وَ الضَّحَّاکِ وَ عِکرِمَهَ عَنِ ابنِ عَبَّاسٍ وَ أَفضَلُهُنَّ فَاطِمَه(۳)

و فرمودند: ای فاطمه! همین بس که خداوند تو را برتر از زنان دو عالم قرار داده مریم علیها السلام دختر عمران و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و آسیه زن فرعون. و در روایتی از ضحاک و عکرمه از ابن عباس دارد که بهترین آن چهار زن فاطمه علیها السلام است.

۱۲- عَن نَافِعِ بنِ أَبِی الحَمرَاءِ قَالَ شَهِدتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم ثَمَانِیَهَ أشهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَی صَلَاهِ الغَدَاهِ مَرَّ بِبَابِ فَاطِمَهَ علیها السلام فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیکُم أَهلَ البَیتِ وَ

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۲۶

۲- همان/ ۳۶

۳- همان

رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ الصَّلَاهَ إِنَّما یُرِیدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنکَمُ الرِّجسَ أَهلَ البَیتِ وَ یُطَهِّرَکُم تَطهِیرا(۱)

نافع بن ابی حَمراء گوید: ما شاهد بودیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مدت ۶ ماه هنگامی که برای نماز صبح بیرون می آمد- به در خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و می ایستاد و می فرمود: سلام بر شما اهل خانه و رحمت و برکت خداوند بر شما باد. همانا خداوند اراده فرموده که پلیدی و رجس را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک و طاهر قرار دهد از هر جهت. (راجع به این آیه مفصل توضیح داده شد)

۱۳- عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام: لَو لَا أَنَّ اللهَ خَلَقَ أَمِیرَ المُؤمِنِینَ لِفَاطِمَهَ مَا کَانَ لَهَا کُفوٌ عَلَی الأَرض.(۲) و قال صلی الله علیه و آله و سلّم: لَولَاکَ لَمَّا کَانَ لَهَا کُفوٌ عَلَی وَجهِ الأَرض(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر خداوند متعال امیر مؤمنان علیه السلام را نمی آفرید برای فاطمه علیها السلام ابداً هم کفو و هم شأنی بر روی زمین نبود. و در خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند: اگر تو نبودی هم کفو و همسری برای فاطمه علیها السلام بر روی زمین نمی بود.

۱۴- قال صلی الله علیه و آله و سلّم: اللّهُمَّ بَارِک فِیهِمَا وَ بَارِک عَلَیهِمَا وَ بَارِک لَهُمَا فِی شِبلَیهِمَا وَ رُوِیَ أَنَّهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلقِکَ إِلَیَّ فَأَحِبَّهُمَا وَ بَارِک فِی ذُرِّیَّتِهِمَا وَ اجعَل عَلَیهِمَا مِنکَ حَافِظاً وَ إِنِّی أُعِیذُهُمَا بِکَ وَ ذُرِّیَّتَهُمَا مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ وَ رُوِیَ أَنَّهُ دَعَا لَهَا فَقَالَ أَذهَبَ اللهُ عَنکِ الرِّجسَ وَ طَهَّرَکِ تَطهِیرا(۴)

فرمودند: خداوندا مبارک گردان آن دو را (علی و فاطمه علیهما السلام) و مبارک گردان بر آن دو و مبارک گردان آن دو را در مورد دو پسرشان (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) و فرمودند: خداوندا علی و فاطمه علیهما السلام محبوب ترین خلق نزد من هستند. پس دوستشان بدار. من آن دو و ذریّه شان را از شرّ شیطان رجیم به تو پناه می دهم (آن ها را از شر

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۵۳

۲- همان/ ۹۷

۳- همان/ ۱۰۷

۴- همان/ ۱۱۶ و ۱۱۷

شیطان حفظ فرما) و فرمودند: خداوند رجس و پلیدی را از تو ببرد و تو را پاک قرار دهد پاک شدنی.

۱۵- فقال النّبی صلی الله علیه و آله و سلّم: یَا أَسمَاءُ ائتِینِی بِالمِخضَبِ فَمَلَأَتُهُ مَاءً فَمَجَّ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله و سلّم فِیهِ وَ غَسَّلَ قَدَمَیهِ وَ وَجهَهُ ثُمَّ دَعَا بِفَاطِمَهَ فَأَخَذَ کَفّاً مِن مَاءٍ فَضَرَبَ بِهِ عَلَی رَأسِهَا وَ کَفّاً بَینَ یَدَیهَا ثُمَّ رَشَّ جِلدَهُ وَ جِلدَهَا ثُمَّ التَزَمَهَا فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا مِنِّی وَ أَنَا مِنهَا. اللَّهُمَّ کَمَا أَذهَبتَ عَنِّی الرِّجسَ وَ طَهَّرتَنِی فَطَهِّرهَا ثُمَّ دَعَا بِمِخضَبٍ آخَرَ ثُمَّ دَعَا عَلِیّاً علیه السلام فَصَنَعَ بِهِ کَمَا صَنَعَ بِهَا ثُمَّ دَعَا لَهُ کَمَا دَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ قُومَا إِلَی بَیتِکُمَا جَمَعَ اللهُ بَینَکُمَا وَ بَارَکَ فِی نَسلِکُمَا وَ أَصلَحَ بَالَکُمَا ثُمَّ قَامَ فَأَغلَقَ عَلَیهِ بَابَهُ قَالَ ابنُ عَبَّاسٍ فَأَخبَرتِنِی أَسمَاءُ بِنتُ عُمَیسٍ أَنَّهَا رَمَقَت رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم فَلَم یَزَل یَدعُو لَهُمَا خَاصَّهً وَلَا یُشرِکُهُمَا فِی دُعائِهِ أَحَداً حَتَّی تَوَارَی فِی حُجرَتِه(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: ای اسما آب تازه ای بیاور، ظرف آبی به حضور ایشان آورد. (سه بار بر آن آب فوت کرد و چند آیه از قرآن را قرائت فرمود و به حضرت علی فرمود: مقداری از آن را بیاشام) و باقی مانده آب را به سر و سینه آن حضرت پاشید و فرمود: خداوند ناپاکی را از تو ای ابوالحسن دور سازد و تو را پاک و پاکیزه نمود. آنگاه فرمود: ای اسماء آب تازه ای بیاور. آبی به حضورش آوردم چند آیه قرآن را قرائت کرد و سه بار بر آن فوت کرد و آنگاه آن آب را به دخترش فاطمه علیها السلام داد و به او فرمود بیاشام و اندکی بگذار حضرت فاطمه علیها السلام چنین کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم باقی مانده آب را بر سر و سینه حضرت زهرا علیها السلام پاشید و به آن حضرت فرمود: خداوند ناپاکی را از تو دور سازد و تو را پاک و پاکیزه نماید.

ابن عباس گوید: به من خبر داد اسماء بنت عمیس که پیوسته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم برای علی و فاطمه علیهما السلام دعا می کرد و کسی را شریک دعای آنان قرار نمی داد تا او را اهل خانه اش کرد. یا تا داخل خانه اش شد.

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۲۲

۱۶- عَن أَبِی بَصِیرٍ عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام قَالَ حَرَّمَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی عَلِیٍّ النِّسَاءَ مَا دَامَت فَاطِمَهُ حَیَّهً قُلتُ وَ کَیفَ قَالَ لِأَنَّهَا طَاهِرَهٌ لَا تَحِیضُ(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جلّ بر علی علیه السلام زنان را (ازدواج کردن با زنان) حرام کرد تا هنگامی که فاطمه علیها السلام زنده بود.

راوی می گوید: سئوال کردم چرا؟ فرمود: چون فاطمه علیها السلام طاهر است و هرگز خون نمی بیند.

۱۷- عَن أَسمَاءَ بِنتِ عُمَیسٍ قَالَت قَالَ لِی رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم وَ قَد کُنتُ شَهِدتُ فَاطِمَهَ وَ قَد وَلَدَت بَعضَ وُلدِهَا فَلَم نَرَ لَهَا دَماً. فَقُلتُ: یَا رَسُولَ اللهِ! إِنَّ فَاطِمَهَ وَلَدَت فَلَم نَرَ لَهَا دَماً. فَقَالَ: یَا أَسمَاءُ إِنَّ فَاطِمَهَ خُلِقَت حُورِیَّهً إِنسِیَّه(۲)

اسماء بنت عمیس گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود: فاطمه علیها السلام در ولادت فرزندان خود خون ندید. عرض کردم: یا رسول الله! چرا فاطمه علیها السلام در به دنیا آوردن فرزندان خود خون ندید؟

فرمود: چون فاطمه علیها السلام حوریّه ای است که به صورت انسان خلق شده است. (علاوه بر این، چون مقام عصمت دارد و معصومه از پلیدی و رجس به دور است، از هر عیب و نقص و آلودگی های ظاهری و باطنی منزّه است).

۱۸- قَالَ رَسُولُ الله صلی الله علیه و آله و سلّم: إِنَّ فَاطِمَهَ خُلِقَت حُورِیَّهً فِی صُورَهِ إِنسِیَّهٍ وَ إِنَّ بَنَاتِ الأَنبِیَاءِ لَا یَحِضن(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: فاطمه علیها السلام حوریّه ای است که به صورت انسان آفریده شده است و به درستی دختران انبیا حیض نمی بینند.

۱۹- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم: اِبنتی فاطمه حوراء آدمیّه لم تحض و لم تطمث و انّما سمّاها (فاطمه) لأنَّ الله فطمها و محبّیها عن النار(۴)

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۱۵۳

۲- عوالم جلد فاطمه زهرا علیها السلام/ ۳۰

۳- بحار الانوار ۴۳/ ۳۱

۴- بحار الانوار ۴۳/ ۵۴

و فرمودنـد: ایضاً: دخترم فاطمه علیها السـلام حوراء آدمیّه است. هرگز حیض نمی شود و هرگز این صـفت را نـدارد (حیض و ...) و همانا فاطمه نامیده شده است به خاطر اینکه خداوند فاطمه و دوستان آن حضرت را از آتش قطع کرده و بریده است.

۲۰- قال الصّادق علیه السلام أتَدرِی أَیُّ شَیءٍ تَفسِیرُ فَاطِمَهَ قُلتُ أَخبِرنِی یَا سَیِّدِی قَالَ فُطِمَت مِنَ الشَّر و یقال: إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهَ لِأَنَّهَا فُطِمَت عَنِ الطَّمث(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: می دانی معنا و تفسیر فاطمه علیها السلام چیست؟ راوی گوید عرض کردم: به من خبر بده ای سرور من و آقای من!

فرمودند: از شرّ و بدی بریده شده است و فاطمه نامیده شده است زیرا از خون بریده شده است.

۲۱- قـالت عـائشه: کنّا نخیط و نغزل و الأبره باللّیل فی ضوء وجه فاطمه و قالت: اِذا اَقبلت فاطمه کانت مشـیتها مشـیه رسول الله صلی الله علیه و آله و سـلّم و کانت لا تحیض قطّ خلقت من تفّاحه الجنّه و لقد وضـعت الحسن بعد العصر و طهارت من نفاسها فاغتسلت و صلّت المغرب و لذلک سمّیت الزهراء(۲)

عـایشه گویـد: مـا در شب که خیـاطی می کردیم و بـا سوزن لبـاس می دوخـتیم از نور چهره فـاطمه علیهـا السـلام اسـتفاده می کردیم. به همین خاطر زهرا نامیده شده است (که نور چهره اش منوّر بود).

و هنگامی که فاطمه علیها السلام به طرف ما آمد، منش و رفتار آن حضرت شبیه منش و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم بود و هرگز حیض نمی دید. فاطمه علیها السـلام از سیب بهشتی خلق شده است و بعد از عصری بود که امام حسن علیه السلام را به دنیا آورد، از نفاس پاک بود (یعنی هرگز خون نفاس ندید).

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۵۷

۲- همان/ ۶۰

۲۲- قال الحافظ السیوطی: و من خصائص فاطمه علیها السلام أنّها کانت لا تحیض و کانت اِذا ولدت طهرت من نفاسها بعد ساعه حتّی لا تفوتها صلاه و لذلک سمّیه الزهراء(۱)

حافظ سیوطی (عالم سنّی) گوید: از خصائص فاطمه علیها السلام این بود که حیض نمی دید و هنگامی که امام حسن علیه السلام را به دنیا آورد یا امام حسین علیه السلام را، نفاس ندید و پاک و مطهّر بود و همان ساعت نمازش فوت نشد بلکه نمازش را همان ساعت خواند به خاطر این زهرا نامیده شده است.

۲۳- ینابیع المودّه: عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم و انّما سمّیت فاطمه البتول لانّها تبتّلت من الحیض و النفاس لأنّ ذلک عنب فی بنات الانبیاء اَو قال نقصان(۲)

عالم سنی در کتاب ینابیع الموده از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم روایت می کند که فرمودند: همانا فاطمه علیها السلام بتول نامیده شد زیرا آن حضرت تَبتل و بریده و جدا است از حیض و نفاس. زیرا این خود یک نقصان (حیض و نفاس) و عیب است و دختران انبیاء از این نقص مُبرّاء هستند.

۲۴- و قال صلی الله علیه و آله و سلّم و سمّیت فاطمه بتولاً لأنّها تبتّلت کل لیله معناه ترجع کل لیله بکراً(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: فاطمه علیها السلام نامیده شد بتول به خاطر اینکه او هر شب بکر بود (و از خون حیض بریده بود).

۲۵- و قال صلی الله علیه و آله و سلّم و سمّیت فاطمه بتولاً لأنّها تبتّلت و تقطعت عما هو معتاد العورات فی کلّ شهر و لانّها ترجع کل لیله بکراً(۴)

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۶۳

۲- همان/ ۶۴

۳- همان/ ۶۳

۴- همان

۲۶- عَن إِسحَاقَ بنِ جعفَرِ بنِ مُحَمَّدِ بنِ عِیسَی بنِ زَیدِ بنِ عَلِیٍّ قَالَ سَمِعتُ أَبَا عَبدِ اللهِ علیه السلام یَقُولُ إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهُ مُحَدَّثَهً لِأَنَّ المَلَائِکَهَ کَانَت تَهبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِیهَا کَمَا تُنَادِی مَریَمَ بِنتَ عِمرَانَ فَتَقُولُ یَا فَاطِمَهُ إِنَّ اللهَ اصطَفاکِ وَ طَهَّرَکِ وَ اصطَفاکِ عَلی نِساءِ العالَمِینَ یَا فَاطِمَهُ اقنُتِی لِرَبِّکَ وَ اسجُدِی وَ ارکَعِی مَعَ الرَّاکِعِینَ.

فَتُحَدِّثُهُم وَ یُحَدِّثُونَهَا فَقَالَت لَهُم ذَات لَیلَهٍ أَلَیسَتِ المُفَضَّلَهُ عَلَی نِسَاءِ العَالَمِینَ مَریَمَ بِنتَ عِمرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَریَمَ کَانَت سَیِّدَهَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَکِ سَیِّدَهَ نِسَاءِ عَالَمِکِ وَ عَالَمِهَا وَ سَیِّدَهَ نِسَاءِ الأَوَّلِینَ وَ الآخِرِین(۱)

اسحاق بن جعفر بن عیسی بن زید بن علی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: همانا فاطمه علیها السلام مُحَدّثه نامیده شد. چون ملائکه از آسمان پائین می آمدند و آن حضرت را خطاب می کردند به همان خطابی که مریم علیها السلام را دادند که ای مریم دختر عمران و ... و می گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاک قرار داده و بر زنان عالم برگزیده است. ای فاطمه! عبادت کن برای پروردگارت و سجده کن و رکوع بنما با رکوع کنندگان پس ملائکه با آن حضرت گفتگو و حدیث می کردند و سخن می گفتند و در مقابل، فاطمه زهرا علیها السلام نیز با آن ها سخن می گفتند و شبی با آنان گفت: آیا مریم بنت عمران بر زنان عالم برتر نیست؟

ملائکه گفتند: مریم بزرگ زنان زمان خودش بود و خداوند عزّ و جل تو را بزرگ زنان عالم خود و بزرگ زنان دو عالم قرار داده است (پس تو مقامت از همه زنان دو عالم برتر است چه از آسیه چه مریم چه حتی مادرت حضرت خدیجه علیها السلام).

ص: ۲۲۸

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۶۸

۲۷- قَالَت عَائِشَهُ لِفَاطِمَهَ علیها السلام: أَلَا أَبَشِّرُکِ أَنِّی سَمِعتُ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلّم یَقُولُ لَسَیِّدَاتُ نِسَاءِ أَهلِ الجَنَّهِ أَربَعٌ مَریَمُ بِنتُ عِمرَانَ وَ فَاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ وَ خَدِیجَهُ بِنتُ خُوَیلِدٍ وَ آسِیَهُ بِنتُ مُزَاحِمٍ امرَأَهُ فِرعَون(۱)

روزی عایشه به حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: همانا بشارت می دهم تو را به این که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم که فرمودند: که سرور و بزرگ زنان بهشت چهار نفر اند مریم بنت عمران و فاطمه بنت محمد و خدیجه بنت خویلد و آسیه بنت مزاحم که زن فرعون بود.

۲۸- عن عائشه قالت: ما رأیت قطّ اَحَداً أفضل من فاطمه غیر اَبیها(۲)

از عایشه روایت شده است که گوید: من هرگز احدی را برتر از فاطمه ندیدم.

۲۹- قَالَ صلی الله علیه و آله و سلّم: أَتَانِی مَلَکٌ فَبَشَّرَنِی أَنَّ فَاطِمَهَ سَیِّدَهُ نِسَاءِ أَهلِ الجَنَّهِ أَو نِسَاءِ أُمَّتِی(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: ملک نزدیک من آمد و مرا بشارت داد که فاطمه بزرگ زنان اهل بهشت و زنان اُمّتَم است.

۳۰- و قدر روی اَنّ الله تعالی لمّا خلق الحور العین فی نهایه الحسن و الجمال قالت الملائکه الهنا و مولانا و سیّدنا هل خلقت خلقاً أحسن منهنّ فجاءهم النداء من العلی الأعلی اِنّی خلقت سیّدات نساء العالمین و فضّلتهنّ علی الحور العین کفضل الشمس علی الکواکب و هنّ آسیه بنت مزاحم و مریم ابنه عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت رسول الله(۴)

روایت شده است که خداوند متعال هنگامی که حور العین آفرید در نهایت حُسن و زیبایی و جمال ملائکه گفتند: پروردگار ما و مولای ما و سیّد ما آیا خلقی از آفریده ای که از حور العین زیباتر باشد؟

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۹۰

۲- همان/ ۹۳

۳- همان/ ۹۳

۴- همان/ ۱۰۹

ندا آمد از جانب خداوند علی اَعلی که: من زنان دو جهان را خلق کرده ام و آن ها را بر حُور العین فضیلت داده ام همانند فضیلت خورشید بر سایر کواکب و آن ها آسیه دختر مُزاحم و مریم دختر عمران و خدیجه دختر خُویلَد و فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم می باشند.

۳۱- عَن أَبِی عَبدِ اللهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ إِنَّا أَنزَلناهُ فِی لَیلَهِ القَدرِ اللَّیلَهُ فَاطِمَهُ وَ القَدرُ اللهُ فَمَن عَرَفَ فَاطِمَهَ حَقَّ مَعرِفَتِهَا فَقَد أَدرَکَ لَیلَهَ القَدرِ وَ إِنَّمَا سُمِّیَت فَاطِمَهَ لِأَنَّ الخَلقَ فُطِمُوا عَن مَعرِفَتِهَا(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: انا انزلنا فی لیله القدر منظور از لیله (شب) فاطمه و از قدر خداوند است. پس کسی که حق فاطمه علیها السلام را شناخت حقیقتاً شب قدر را درک کرده است.

همانا فاطمه علیها السلام فاطمه نامیده شد چون خلق از معرفتش درمانده اند و بریده اند و معرفتش و درک معرفتش را ندارند.

۱- بحار الانوار ۴۳/ ۶۵

*** قصائدی که بر فضائل، طهارت و عصمت حضرت زهرا علیها السلام دلالت دارد.**

وَ إِنَّ مَریَمَ أَحصَنَت فَرجَهَا*** وَ جاءَت بِعِیسَی کَبدرِ الدُّجی

فَقَد أَحصَنَت فَاطِمُ بَعدَهَا*** وَ جَاءَت بِسِبطَی نَبِیِّ الُهدَی(۱)

**

وَ قَد رُزِئنَا بِهِ مَحضاً خَلِیقَتُه*** صَافِی الضَّرَائِبِ وَ الأَعرَاقِ وَ النَّسَب

وَ کُنتَ بَدراً وَ نُوراً یُستَضَاءُ بِه*** عَلَیکَ تَنزِلُ مِن ذِی العِزَّهِ الکُتُب

وَ کَانَ جَبرَئِیلُ رُوحُ القُدُسِ زَائِرَنَا*** فَغَابَ عَنَّا وَ کُلُّ الخَیرِ مُحتَجَب

فَلَیتَ قَبلَکَ کَانَ المَوتُ صَادَفَنَا*** لَمَّا مَضَیتَ وَ حَالَت دُونَکَ الحُجُب(۲)

**

ای بنای وجود ربانی*** وی ز جودت وجود امکانی

فاطمه، ای ز نور رخسارت*** عرش و کرسی و فرش نورانی

آنچه بر طور تافت نور تو بود*** که شد از هوش پور عمرانی

تو همان نور سرمدی که شدی*** محتجب در حجاب جسمانی

به خدا در مشیمه عصمت*** نبود چون تو درّ پنهانی

عفت و عصمت و شرف ز خضوع*** بر قدوم تو سود پیشانی

ای که در صحنه عبودیت*** نشدی غافل از خدا آنی

به نماز تو بر ملائکه فخر*** می کند ذات پاک سبحانی

شد نبوّت به انبیای عظام*** از شناسایی تو ارزانی

اسوه صاحب الزمان مهدی*** بر حجج حجّتی و برهانی

گفت در مدح تو رسول خدا*** سرور کل عالی و دانی

حسن و خوبی اگر مجسم بود*** در حقیقت به شکل انسانی

ص: ۲۳۱

۱- حسان بن ثابت، بحار الانوار ۴۳/ ۵۰

۲- حسان بن ثابت، بحار الانوار ۴۳/ ۱۹۶

آن وجود شریف فاطمه است*** که نباشد دگر وِرا ثانی

بلکه تو برتری از آن به جهان*** آری این مدح را، تو شایانی

ای که در عرصه گاه توحیدت*** فکر را نیست جای جولانی

چیست باغ فدک که خصم زبون*** غصب حقّت کند به نادانی

به در خانه ی تو جبرائیل*** یافته افتخار دربانی

ای تو اُمّ الائمّه النُّجَباء*** که نبی را فروغ چشمانی

هر چه در شأن تو سخن گویند*** به حقیقت تو برتر از آنی

پایگاهت به عرصه ی محشر*** کرده مسحور عالی و دانی

چون شب قدر، قدر تو مجهول*** در فضای علوم انسانی

سرو جانم فدای عصمت تو*** گر قبولم کنی به قربانی

دامن عفت تو می گیرم*** تا مرا از عذاب برهانی

(قائمی) رستگار خواهد شد*** گر کند بر در تو دربانی(۱)

****

فاطِمَهُ الزَّهراءِ عَن عِصمَتِها*** یَعیی بَیانُ الوَصفِ مَهما وَصفا

هرکه درباره عصمت فاطمه زهرا وصف کند در بیان آن عاجز و خسته خواهد شد(۲)

****

وَلی الفَخر فاطِمَ وَ اَبیها*** ثُمَّ فَخری بِرَسُولِ اللهِ اِذ زَوَّجنیها(۳)

****

بَرَّهٌ طَیِّبَهٌ طاهِرَهٌ*** مَریَمُ الکُبری عِفافاً وَ وَرَعَ(۴)

۱- محمد جواد قائمی همدانی- نائب همدانی

۲- حاج محمد باقر ایروانی

۳- حضرت امیر المؤمنین

۴- مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۳۴۱

صدّیقهٌ خِلقَت لِصِدِّ*** یق شَریفٍ فِی المَناسِب

اِختارَهُ وَ اختارَها*** طُهرَینِ مِن دَنَسِ المعایب

اَسماهُما قُرِنا عَلی سَطرٍ*** بِظِلِّ العَرشِ راتِبٍ

کانَ الاِلهَ وَلیَّهُما وَ*** امینه جَبریلُ خاطِبٌ

وَ المَهرُ خُمسُ الأَرضِ مَو*** هِبَهٌ تَعالَت فِی المَواهِب

وَ تَهابُها مِن حَملِ طوُبی*** طُیِّبَت تِلکَ المَناهِبُ(۱)

صدّیقه ای که برای صدیق شریف در نسب، آفریده شده است خداوند متعال (علی علیه السلام) و آن بانو را برگزید. نام های آنان در یک سطر قرین و همسان شده در زیر سایه عرش و در ردیف یک دیگر قرار گرفته اند. خداوند متعال ولیّ آن دو و جبرائیل امین خطبه خوان است. مهریه او خمس روی زمین موهبتی که خداوند در بین دیگر موهبت ها ارزانی داشته است. و نثار او از بار درخت طوبی است که نثار بس پاکیزه ای است.

*****

اَیَّها السّائِلُ المسائِلُ دُونی*** کُلُّ ذی جَوهرٍ عَزیزٌ ثَمینٌ

ای پرسش گر سئوالات از من! هر آن کس که دارای گوهر است ارزشمند می باشد.

ما اَنَا ذامِنَ الثَّری اَخرِجُونی*** اَنا دُرٌّ مِنَ السَّمآءِ نَثَرُونی

مرا از خاک بیرون نیاورده اند من درّی از آسمانم که نثارم کردند

یَومَ تَزوِیج وَالِدِ السِّبطَینِ*** کُنتُ مِن جَوهَرِ وَ لا اَعراضاً

روز عروسی پدر سبطین (حسن و حسین علیهما السلام) من از جنس جواهر بودم.

مَوضِعی فِی السَّمآءِ وَ لَیسَ انخِفاضاً*** اِنَّما حُمرَتی اَتَتنی اعتِراضاً

نه جایگاهم در آسمان بود نه در پایین، سرخی ام رنگی است که بر من عارض شده است.

۱- عبدی کوفی

كُنتُ اَصفی مِنَ اللُجَینِ بَیاضاً*** صَغَبتنی دِماءٌ نَحرِ الحُسَینِ(۱)

من از آب سفید تر بودم ولی خون گلوی حسین رنگینم ساخت

*****

ریزدم ز درج دهن گوهر*** در ثنای دختر پیغمبر

فاطمه که یذهب عنکم را*** گفته در طهارت او داور

فاطمه که شخص پیمبر را*** جان پاک آمده در پیکر

فاطمه که سینه و دستش را*** بوسه زد ز مرتبه پیغمبر

زهره ای که سینه ی آن جنّت*** جنّتی که چشمه ی آن کوثر

مادری که دختر او زینب*** دختری که بر پدرش مادر

کاخ عصمتش به زمین بر پا*** تاج عزّتش به فلک بر سر

نور او به ارض و سما ظاهر*** روی او به نور خدا مظهر

چون خدا نبود و راهنما*** گر علی نبود بر او همسر

زن مگوی و از همه ی مردان*** بنگرش به مرتبه بالاتر

*****

عصمت حق فاطمه صدیقه ی کبری منم*** دخت ختم الانبیا کفو علی زهرا منم

طاهره منصوره صدیقه زکیّه فاطمه*** راضیه مرضیه امّ انسیه حورا منم

آنکه از پیدایش هستی میان هست و بود*** بانوی هر دو سرا ریحانه ی طاها منم

شمسه ی برج حیا چشم و چراغ انبیا*** بوده قدر و عزّتش پیوسته ناپیدا منم

پاک بانویی که در قرآن به وصف پاکی اش*** آیه ی تطهیر گفته داور دانا منم

هست در من آنچه آمد از خدا بر انبیا*** دین منم قرآن منم ایمان منم تقوا منم

وحی می گویی منم توحید می جویی منم*** بلکه مرآت جمال حق ز سر تا پا منم

دختر آخر رسول و همسر اوّل امام*** اول و آخر منم دنیا منم و عُقبی منم

۱- کشکول شیخ بهایی به نقل از ریاض المدح و الرثاء شیخ سلیمان بلاذری بحرانی/ ۲۲۱ و ۲۲۲

آنچه می جویند پاکان یافت در من مصطفی*** بر مشام او شمیم جنه المأوی منم

دختری را کز جلال و عزّت و مجد و وقار*** بوسه زد بر سینه و بر دست او بابا منم

مادر پاکی که در دامان پاک خویشتن*** پاک دختی پرورد چون زینب کبری منم

گر به یک عیسی کند مریم به گیتی افتخار*** مادر والا مقام یازده عیسی منم

بانویی کز خاک پایش دست لطف کبریا*** بر سر انسان نهاده تاج کَرَّمنا منم

هر که دارد فخر بر آبا و بر اجداد خود*** آنکه خود فخر است بر اجداد و بر آبا منم

فخر بر آبا و بر اجداد تنها نیستم*** افتخار ذات پاک خالق یکتا منم

هست سِرّی اینکه حق خورده قسم بر مهر و ماه*** معنی والشمس واللّیل اذا یغشی منم

ذکر و تسبیح خدا با مهر من گردد قبول*** روح بخش سبّح اسم ربّک الاعلی منم

دین و قرآن و ولایت زنده با خون من است*** کُشته ی راه علی عالی اعلا منم...(۱)

*****

ای کتاب ثنای تو قرآن*** وی ثنا گسترت خدای جهان

حسن یزدان به چهره ات پیدا*** سرّ هستی به سینه ات پنهان

دشمنی با تو تلخ تر از کفر*** دوستی با تو خوش تر از ایمان

بارِش رحمت تو بی آغاز*** دفتر مدحت تو بی پایان

دل شیر خدا ز تو روشن*** جان ختم رسل تو را قربان

خانه ی خاکی تو قبله ی دل*** حجره ی کوچک تو کعبه ی جان

خادم کوی فضّه ات حوری*** عاشق روی قنبرت غِلمان

قصه ی عصمتت نه حدّ سخن*** گفتن مدحتت نه کار بیان

بذل یک نان تو کُند نازل*** سوره ی هل اتی علی الانسان

کیستی تو که مصطفی می گفت*** جان بابا فدات فاطمه جان

کیستی ای تجلی توحید*** کیستی ای حقیقت ایمان

کیستی ای ملک به تو مبهوت*** کیستی ای بشر ز تو حیران

ص: ۲۳۵

۱- سازگار

کیستی ای محبتت جنّت*** کیستی ای عداوتت نِیران

کیستی ای فراق تو همه درد*** کیستی ای وصال تو درمان

کیستی تو که در هجوم ستم*** آمدی حافظ امام زمان(۱)

*****

زهرا که بود ما حصل هستی عالم*** هم دختر خاتم بود و مادر خاتم

گویم چه به وصفش که توصیف نیاید*** جایی که کند مدح وی را خالق اعظم

بی او به خدای خدا خلق نمی شد*** چرخ و فلک و مهر و مه و هستی عالم

با بودن او کرد خدا خلقت احمد*** با بودن او حقّ علی گشت مسلم

هنگام ندامت چو به او شد متوسل*** شد نزد خدا واسطه ی توبه ی آدم

میلاد ورا نوح نبی جشن گرفته*** تا نام خوش فاطمه شد ناجیش از یم

شد باغ گل از یک نگهش آتش نمرود*** تا منزل نمرود شود نار جهنم

در سینه ی او سینه ی سینا متجلّی*** احرام به تن، حضرت موسی شده محرم

ز انفاس خوشش صاحب دم گشته مسیحا*** دم می زند از فاطمه در عرش دما دم

در مکه قدم زد که ز یمن قدم او*** میلاد علی شد به بر دیده مجسم

بر ختم رسل داده خدا سوره ی کوثر*** کز کوثر او آب خورد چشمه ی زمزم

از تیغ علی راست شده قامت اسلام*** قد قامت او قامت کفار کند ختم

از عصمت او شرح دهد آیه ی تطهیر*** از عزت او دم زده پیغمبر اکرم

در صلح و صفا داده حسن را به جهان شیر*** با نهضت خون، شیر حسینش شده توام

در ورع به ما سید سجاد*** باقر شده در مکتب او عالم اعلم

صادق شده در مدسه اش فارغ تحصیل*** موسی شده از مرحمتش کاظم عالم

از دولت او گشته رضا ضامن آهو*** مغلوب جوادش شده صد زاده ی اکثم

از همت او شمع هدایت شده هادی*** حُسن حسن از حُسن رخش گشته مجسم

او می کند از بهر براندازی بیداد*** اسباب ظهور پسر خویش فراهم

ص: ۲۳۶

۱- همان

ز بهر سرافرازی اسلام خدیجه*** از هستی خود دیده فرو بست به عالم

ایثار وی از لطف خدا گشت تلافی*** حق داد به او هستی و شد بر همه اقدم

از ختم رسل فاطمه را حامله گردید*** شد همدم او آسیه و ساره و مریم

شد خادمه ی خدمت او خواهر موسی*** بر چاکریش بر جبرئیل مصمم(۱)

*****

ای آنکه تویی واسطه ی خلقت عالم*** محبوبه ی حق، نور دل حضرت خاتم

ای صدر نشین شرف و عصمت تاریخ*** مجموعه ی هستی شده در هست تو متغم

جایی که خدا وصف تو را کرده به کوثر*** جایی که دما دم بزند دم ز تو آدم

جایی که تو را مدح کند آیه ی تطهیر*** جایی که پدر خوانده تو را ام پدر هم

گویم چه به توصیف تو ای نادره ی دهر*** هرگز نتوان قطره کند منقبت یم

آنقدر بگویم که تویی فوق تصوّر*** عاجز بود از آنکه کند درک تو را هم

حق خوانده تو را طاهره در مجمع قرآن*** زیرا که تویی پاکتر از پاکی شبنم

در عرش به منصوره تویی شُهره ی آفاق*** در فرش تو را نام فراوان شده توأم

یک فوج تو را فاطمه خوانند که هستی*** یک دسته تو را راضیه دانند مسلّم

هم فاطمه و عالمه و عاطفه ای تو*** بین همه اسماء تو زهرا شده اقدم

از شوق تو در مروه کند هروله هاجر*** شد در هدفش آسیه بهر تو مصمّم

سارا و صفورا زده اند دست توسل*** بر دامن پر مهر تو ای بانوی عالم

ام النجبا ام اب و ام کتابی*** ناموس خدا هستی و هم همسر ابن عم

گنجینه ی اسراری و در خلوت لاهوت*** کس نیست به اسرار خدا غیر تو محرم

از شرم تو شرمنده بود تا ابدالدّهر*** ماه و زحل و مشتری و نیّر اعظم

از چشمه ی جوشان تو شد ساری و جاری*** در کعبه و در باغ جنان کوثر و زمزم

از جود و سخای تو زبانم شده الکن*** چون ریزه خور خوان و گدایت شده حاتم

از یمن قدوم تو زمین، خلد برین است*** از مقدم تو باغ ولایت شده خرّم

۱- ژولیده

از بس که مقام تو عظیم است و رفیع است*** شد آینه دار حرمت حضرت مریم

ای مام حسین و حسن ای شافعه ی حشر*** نسوان جهانند مؤخّر تو مقدّم

با این همه قدر و عظمت بعد پیمبر*** در فصل جوانی ز چه شد قامت تو خم

جا دارد اگر شهپر جبریل بسوزد*** از ماتم جانسوز تو مظلومه ی عالم(۱)

*****

اَیکبَرُ عَن قَدرِ البَتُولَهِ اَنَّها*** تُلامِسُ ما فِی القَدرِ وَ هِی تَفورُ

آیا مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام بالاتر از این که آن حضرت آنچه را که در دیگ می جوشد دست می زند.

اَما هِی البِنتُ المُصطَفی طابَعَ الحِصی*** بِخاتَمِه وَ المُسلِمُونَ حَضُورٌ

آیا او دختر مصطفی صلی الله علیه و آله و سلّم نیست که بر روی ریگ ها با انگشتری خود مهر زد در حالی که مسلمانان حاضر بودند.

مَظهَرُ اَسرارِ الاِله الَّتی لَها*** عَلی باطِنِ السِّرِ الخفِّی ظَهُورٌ

او مظهر اسرار خداوندی است و همان کسی است که باطن به سرّ پنهان بر او آشکار است.

وَ مَن کانَ الحُورُ الحِسانُ تَزوُرُها*** لَهُنَّ لَدَیها غَیطَهٌ وَ سَرورٌ

او کسی است که حوریه های زیبا به زیارتش می آیند و نسبت به حضرتش غبطه خورده و شادمانند(۲)

*****

۱- ژولیده

۲- بلاذی بحرانی

یا حبَّذا مِن لَیلَهِ المیلادِ*** اللَّیلَهِ العِشرینَ مِن جُمادی

چه خوش است میلاد شب بیستم جمادی

میلادِ بِنتِ المُصطَفی الرَّسُولِ*** صِدّیقهٍ طاهِرَهٍ بَتُولٍ

میلاد دختر حضرت مصطفی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم صدّیقه و طاهره و بتول

سَیِّدَهٌ اِنسیَهٌ حَوراءُ*** فاطِمَهٌ زکیَّهٌ زَهراء

بانوی انسانی و حوریّه ای بهشتی، فاطمه ای پاک و درخشنده چهره

یا لَیلَهٌ سَرَّ بِها مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله و سلّم*** اِذ وُلِدَت بِنتُ النَّبی اَحمَد صلی الله علیه و آله و سلّم

چه خوش آن شبی که محمد صلی الله علیه و آله و سلّم در آن خشنود شد هنگامی که دختر احمد پیامبر زاده شد.

میلادُها سَرَّ قُلُوبَ البَشَر*** لِأَنَّها شَفیعَهٌ فِی المَحشَرِ

تولد او دل انسان ها را شاد کرد زیرا او شفیعه ی روز محشر است.

وَ قَرَّتِ العُیُونُ مِن اَبناها*** کَذاکَ قَرَّت عَینُ مَن وَالاها

دیدگان از فرزندانش روشن شد. هم چنین دیده ی هر که او را دوست دارد و به ولایت پذیرفته است روشن گردید.

خَدیجَهٌ بِمَکَهً مَلیکَهٌ*** کانَت عَلی العَریشِ وَ الأَریکَهِ

خدیجه ملکه ی مکّه است که بر روی تخت و سریر نشسته است.

حَقَّت لَها لَو فَخَرت مَدَیَ الزَّمِن*** بِبنتها اُمّ الحُسَینَ وَ الحَسَنِ

شایسته اوست که همواره به دخترش که مادر حسین و حسن است مباهات کند.

نُورُ الاِلَه قَد ضَحی وَ اَشرَقَ*** غُصنُ النَّبی قَد عَلاوَ اَورَقَ

نور خداوند درخشید و روشن شد. شاخه ی وجود پیامبر بالا رفته و به برگ و بار نشسته است.

وَ اَشرَقَت مَکَّهُ بِالأَنوارِ*** وَ طَیِّبَهُ کَذاکَ بِا الأزهارِ

مکّه با نورها درخشیدن گرفت و مدینه ی پاک با شکوفه هی او روشن گردید.

بِکّلِ الآفاقِ ضِیاؤُها ضَحی*** اَنارَ اَطباقَ السَّمواتِ العُلی

در تمام کرانه های گیتی نورش پرتو افکنده و طبقات آسمان های بالا را روشن کرده است.

وَ نُورُها قَد کانَ قِندیلُ الضِّیاءِ*** مُعَلَّقاً فی ساقِ عَرشِ الکِبریاء

نور و چراغدان و قندیل روشن است که بر ساق عرش خداوند بزرگ آویخته شده است(۱)

*****

هِی قُطبُ دائِرَهِ الوُجُودِ وَ نُقطَهُ*** لَمّا تَنَزَّلَت اَکثَرَتِ کَثَراتُها

او قطب و نقطه ی مرکزی دایره ی هستی است که به هنگام فرود آمدنش فزونی هایش را فزونی.

هی اَحمَدُ الثانی وَ اَحمَدُ عَصرِها*** هِی عُنصُرُ التَّوحیدِ فی عَرَصاتِها

او احمد دوم و احمد دوران خویش است او در میدان های یکتا شناسی اساس و عنصر اولیه است.(۲)

*****

هِی مِشکاهُ نُورِ اللهِ جَلَّ جَلالُهُ*** زَیتُونَهُ عَمَّ الوَری بَرَکاتُها

او چراغدان نور خداوند متعال و درخت زیتونی است که برکاتش همگان را در بر گرفته است.

نَحنُ مِن بارِی السَّمواتِ سِرُّ*** لَو کَرِهنا وُجُودَها ما بَراها

ما سرّی از آفریدگار آسمان ها هستیم که اگر از پیدایش آن ها خوشمان نمی آمد آن ها را نمی آفرید.

بَل بِآ ثارِنا وَ لُطفِ رِضانا*** سَطَحَ الأَرضَ وَ السَّمآءَ بَناها

بلکه به آثار و لطافت خشنودی ماست که زمین را گسترده و آسمان را برافراشته است(۳)

*****

۱- الکوکب الدّری، شیخ مهدی مازندرانی

۲- بهجه قلب المصطفی/ ۲۲۱

٣- بهجه قلب المصطفى/ ٢٢٣

فِی الذَّرِّ کَوَّنَها الباری وَ صَوَّرَها*** مِن قَبلُ ایجادِ خَلقِ اللَّوحِ وَ القَلَمِ

در عالم ذر خداوند متعال او را به وجود آورد و پیش از ایجاد لوح و قلم به آن صورت بخشید.

وَ تَوَجَّت تاجَ نُورِ حَولَهُ دُرَرٌ*** یُضیئ کَالشَّمسِ اَو کَالنَّجمِ فِی الظُّلَمِ

تاجی از نور بر سرش نهاده که اطرافش گوهرهایی می درخشد همانند خورشید یا ستاره ای در تاریکی.

لله اَباحُ نُورِ طالَما سَکَنُو*** سِرَّ الغُیُوب قَادوا سائِرَ الاَمِمِ

خدا شبح های از نور دارد که از مدّت ها قبل در سراپرده ی غیب ساکن بودند و بر دیگر امّت ها آقایی و سادات داشتند(۱)

محمد بن منصور السرخس:

و اراد رب العرش ان یلقی بها*** شجر کریم العرق و الاغصان

فقضی فزوجها علیاً انه*** کان الکفی لها بلا نقصان

و قضی الاله بان تولد منهما*** ولدان کالقمرین یلتقیان

سبطا محمد الرسول و فلذتا*** کبد البتول کذلک یعتلقان

فَبنی الامامه و الخلافه و الهدی*** بعد الرساله ذانک الولدان(۲)

مهیار:

یا ابنه المختار من کل*** الاذی روحی فداک

یا ابنه المختار ان الله*** بالفضل اجتباک

و ارتضی بعلک للخلق*** جمیعا و ارتضاک

و علی الامه جمعاً*** فضّل الله اباک(۳)

۱- بهجه قلب المصطفی/ ۲۵۹

۲- مناقب ابن شهر آشوب فی تفضیلها علی سایر النساء ۳/ ۳۱۹

۳- همان/ ۳۲۴

البشنوی:

وقف الندافی فی موضع عبرت*** فیه البتول عیونکم غضوا

فتغض و الابصار خاشعه*** و علی بنان الظالم العض

تسود حینئذ وجوه*** و وجوه اهل الحق تبیض(۱)

خطیب منیح:

توافی فی النشور علی نجیب*** به املاک ربک مُحدقونا

و یسمع من خلال العرش صوت*** ینادی و الخلائق شاخصونا

اَلا ان البتول تجوز فیکم*** فغضّوا من مهابتها العیونا(۲)

ابوالحسن البونسجی:

قال النبی المصطفی فیما روی*** عنه علی و هو نور یقتبس

نادی مناد من وراء الحجب فی*** یوم القیامه و الخلائق ارکسوا

هاتیک فاطمه سلیله احمد*** تهوی تجوز علی الصراط و نکسوا(۳)

مسعود بن عبدالله القاینی:

لابد ان ترد القیامه فاطم*** و قمیصها بدم الحسین ملطخ

ویل لمن شفعاؤه خصماؤه*** و الصور فی یوم القیامه ینفخ(۴)

ص: ۲۴۲

۱- مناقب ابن شهر آشوب فی تفضیلها علی سایر النساء ۳/ ۳۲۷

۲- همان

۳- همان

۴- همان/ ۳۲۸

العبدی:

اولیس الاله قال لنا*** لا شمس فیها یری و لا زمهریرا

و اذا بالنداء یا ساکن الجنه*** مهلا امنتم التغییرا

ذا علی الوصی داعب مولاتکم*** فاطمه فأبدت سروراً

فبدا اذ تبسمت ذلک النور*** فزادت کرامه و حبورا(۱)

منصور الفقیه:

اذا فخرت بنو الاسلام یوماً*** علی من لیس من آل الرسول

قضیت لها کما أقضی علیها*** بأن خیارها ولد البتول(۲)

الصاحب:

قد قلت قولا صادقاً بنیاً*** و لیست النفس به آثمه

لکل شیء فاضل جوهر*** و جوهر الناس بنو فاطمه(۳)

الزاهی:

و بمدح فاطمه البتول تنیر لی*** ظلم القیامه یوم ینفخ صورها(۴)

قال ابن الحجاج فی رده علی مروان بن ابی حفصه:

اکان قولک فی الزهراء فاطمه*** قول امریء لهج بالنصب مفتون

عیرتها بالرحی والحب تطحنه*** لا زال زادک حباً غیر مطحون

و قلت ان رسول الله زوجها*** مسکینه بنت مسکین لمسکین

ست النّساء غداً فی الشحر یخدمها*** اهل الجنان بحور الحر وَ المعین(۵)

ص: ۲۴۳

۱- همان/ ۳۲۹

۲– همان/ ۳۳۰

۳– همان/ ۳۳۱

۴– همان/ ۳۴۲

۵– همان/ ۳۳۵

ابن حماد:

و قالت ام یمن جئت یوماً*** الی الزهراء فی وقت الهجیر

فلما أن دنوت سمعت صوتاً*** و طحناً فی الرحاء له الهدیر

فجئت الی الباب أقرعه ملیاً*** فما من سامع او من مجیر

اذ الزهراء نائمه سکوت*** و طحن للرحاء بلا مدیر

فجئت المصطفی فقصصت شانی*** و ما عانیت من أمر دُعور

فقال المصطفی شکراً لربّی*** باتمام الحباء لها جدیر

رآها الله متعبه فألقی*** علیها النوم ذو المن الکبیر

و وکل بالرحی ملکا مدیراً*** فعدت و قد ملئت من السرور(۱)

ابن حماد:

زوجه بفاطم*** بأمر رب العالم

علی اغترام الراغم*** ابریء الی الله انا

و الله لم یرض لها*** فی الخلق الا شکلها

و من یضاهی فعلها*** و هو علی ذو الحجی

طیبه لطیب*** تفرغا لمنصب

مطهر مهذب*** قد شرفا علی الوری(۲)

قالت ام سلمه:

سرن بعون الله جاراتی*** و اشکرنه فی کل حالات

و اذکرن ما انعم رب العلی*** من کشف مکروه و آفات

فقد هدانا بعد کفر و قد*** انعشنا رب السماوات

۱- همان/ ۳۳۸

۲- همان/ ۳۴۰

و سرن مع خیر نساء الوری*** تفدی بعمات و خالات

یا بنت من فضله ذو العلی*** بالوحی منه والرسالات(۱)

قالت عائشه:

یا نسوه استرن بالمعاجر*** و اذکرن ما یحسن فی المحاضر

و اذکرن رب الناس اذ خصنا*** یدنیه مع کل عبد شاکر

فالحمد لله علی افضاله*** و الشکر لله العزیز القادر

سرن بها فالله اعطی ذکرها*** و خصها منه بطهر طاهر(۲)

سلامه الموصلی:

یا نفسی ان تلتقی ظلماً فقد ظلمت*** بنت النبی رسول الله و ابناها

تلک التی أحمد المختار والدها*** و جبرئیل اَمین الله رباها

الله طهرها من کل فاحشه*** و کل ریب و صفاها وَ زکاها(۳)

*****

لما قضت فاطمه الزهراء غسلها*** عن امرها بعلها الهادی و سبطاها

و قام حتی اتی بطن البقیع بها*** لیلا فصلی علیها ثم و اراها

و لم یصل علیها منهم احد*** حاشا لها من صلاه القوم حاشاها(۴)

*****

۱- همان/ ۳۵۴

۲- همان

۳- همان/ ۳۵۸

۴- همان/ ۳۶۳

زد لیلی حسن قِدم در بزم حدوث قدم*** یا سینه ی سینا زد از سرّ انا الله دم

یا شاهد هستی شد در جلوه ز غیب حرم*** یا از افق عصمت رخشان شده بدر أتّم

یا زهره ی زهرا زد بر قبّه ی عرش علم*** بانوی ملک حشمت خاتون ملوک خدم

ناموس جمال ازل طاوس ریاض قدم*** کاندر حرم لاهوت جز او نبود محرم

امّ الخلفا که بود پیوسته پناه امم*** هم قبله ی اهل دعا هم کعبه ی اهل همم

مشکات نبوّت را مصباح منیر ظلم*** انوار ولایت را چرخ فلک اعظم

افلاک امامت را او محور مستحکم*** اسرار حقایق را سرچشمه و بحر خضم

هم معدن صدق و صفا هم گنج علوم و حکم*** انسیّه ی حورا او، نی آسیه و مریم

صدّیقه ی کبری او، او سیّده ی عالم*** در یسترّ و عفاف و حیا با سرّ قِدم توأم(۱)

**

وهم به اوج قدس ناموس اله کی رسد؟*** فهم که نعت بانوی خلوت کبریا کند؟

ناطقه ی مرا مگر روح قدس کند مدد*** تا که ثنای حضرت سیّده ی نسا کند

فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه*** چشم دل از نظاره در مبدأ و منتهی کند

صورت شاهد ازل معنی حسن لم یزل*** هم چگونه وصف آئینه ی حق نما کند

مطلع نور ایزدی، مبدأ فیض سرمدی*** جلوه ی او حکایت از خاتم انبیا کند

بسمله ی صحیفه فضل و کمال و معرفت*** بلکه گهی تجلّی از نقطه تحت (با) کند

دائره ی شهود را نقطه ی ملتقی بود*** بلکه سزد که دعوی لو کشف الغطا کند

حامل سرّ مستسر حافظ غیب مستتر*** دانش او احاطه بر دانش ما سوی کند

لیله ی قدر اولیا نور نهار اصفیا*** صبح جمال او طلوع از افق علا کند

بضعه ی سیّد بشر امّ ائمّه ی غرر*** کیست جز او که همسری با شه لافتی کند

وحی نبوتش نسب، جود و فتوّتش حسب*** قصه ای از مروّتش سوره ی هل اتی کند

دامن کبریای او، دسترس خیال نی*** پایه ی قدر او بسی پایه به زیر پا کند

لوح قدر به دست او کلک قضا به شصت او*** تا که مشیت الهیّه چه اقتضا کند

ص: ۲۴۶

۱- دیوان کمپانی فارسی/ ۳۷

در جبروت حکمران در ملکوت قهرمان*** در نشأت «کن فکان» حکم «بماتشا» کند

عصمت او حجاب او، عفت او نقاب او*** سرّ قدم حدیث از آن ستر و از آن حیا کند

قبله ی خلق روی او کعبه ی عشق کوی او*** منطق او خبر ز لا ینطق عن هوی کند

بهر کنیزیش بود زهره کمینه مشتری*** چشمه ی خور شود اگر چشم سوی سُها کند

مفتقرا متاب رو از در او به هیچ سو*** زانکه مس وجود را فضّه ی او طلا کند(۱)

*****

جوهره القدس من الکنز الخفی*** بدت فابدت عالیات الأحرف

و قد تجلی من سماء العظمه*** من عالم الأسماء اسمی کلمه

بل هی أم الکلمات المحکمه*** فی غیب ذاتها نکات مبهمه

أم ائمه العقول الغربل*** ام ابیها و هو عله العلل

روح النبی فی عظیم المنزله*** و فی الکفاء کفو من لا کفو له

تطورت فی افضل الاطوار*** نتیجه الأدوار و الأکوار

فانها الحوراء فی النزول*** و فی الصعود محور العقول

یمثل الوجوب فی الامکان*** عیانها با حسن البیان

فانها قطب رحی الوجود*** فی قوسی النزول و الصعود

و لیس فی محیط تلک الدائره*** مدارها الاعظم الا الطاهره

مصونه عن کل رسم و سمه*** مرموزه فی الصحف المکرمه

صدیقه لا مثلها صدیقه*** تفرغ بالصدق عن الحقیقه

هی البتول الطهر و العذراء*** کمریم الطهر و لا سواء

فانها سیّده النساء*** و مریم الکبری بلا خفاء

وجها من الصفات العالیه*** علیه دارت القرون الخالیه

ص: ۲۴۷

۱- همان/ ۳۹

تبتلت عن دنس الطبیعه*** فیا لها من رتبه رفیعه

مرفوعه الهمه و العزیمه*** عن نشأه الزخارف الذمیمه

فی افق المجد هی الزهراء*** للشمس من زهرتها الضیاء

بل هی نور عالم الانوار*** و مطلع الشموس والأقمار

رضیعه الوحی من الجلیل*** خلیفه المحکم و التنزیل

مفطومه من زلل الأهواء*** معصومه عن وصمه الأخطاء

معربه بالستر و الحیاء*** عن غیب ذات بارئ الأشیاء

راضیه بکل ما قضی القضا*** بما یضیق عنه واسع الفضا

زکیه من وصمه القیود*** فهی غنیه عن الحدود

یا قبله الارواح و العقول*** و کعبه الشهود و الوصول

من یقدومها تشرفت منی*** و من بها تدرک غایه المنی

بابها و صحابها

و بابها الرفیع باب الرحمه*** و مستجار کل ذی ملمه

و ما الحطیم عند باب فاطمه*** بنورها تطفأ نار الحاطمه

و بیتها المعمور کعبه السما*** اضحی ثراه للثُریا ملثماً

و خدرها السامی رواق العظمه*** و هو مطاف الکعبه المعظمه

صحابها مثل حجاب الباری*** بارقه تذهب بالأبصار

تمثل الواجب فی حجابها*** فکیف بالأشراق من قبابها(۱)

ص: ۲۴۸

۱- الانوار القدسیه شیخ محمد الاصفهانی/ ۳۱ و ۳۲

انوار المشرقه

یا دره العصمه و الولایه*** من صدف الحکمه و العنایه

ما الکوکب الدری فی السماء*** من ضوء تلک الدره البیضاء

والنیر الاعظم منها کالسها*** کیف و لا حد لها و منتهی

اشرقت العوالم العلویه*** بنور تلک الدره البهیه

یا دوحه جازت نسام الفلک*** بل جاوز السدره فرعها الزکی

یا دوحه اغصانها تدلت*** بموضع فیه العقول ضلت

دنت الی مقام او ادنی فلا*** تتبع من ذلک اعلی مثلا(۱)

الشجره الطیبه و ثمارها

ما شجر الطور و این الشجره*** من دوحه المجد الاثیل المثمره

و انما السدره و الزیتونه*** عنوان تلک الدوحه المیمونه

اثمارها الغر مجالی الذات*** مظاهر الاسماء و الصفات

مبادی الحیاه فی البدایه*** و منتهی الغایات فی النهایه

اثمارها عزائم القرآن*** فی صفحات مصحف الامکان

اثمارها منابت للمعرفه*** من جنه الذات غدت مقتطفه(۲)

۱- همان/ ۳۳

۲- همان/ ۳۳

تهنئه سید الرسل بها:

لک الهنا یا سید الوجود*** فی نشأت الغیب و الشهود

بمن تعالی شأنها عن مثل*** کیف و لا تکرار فی التجلی

لا یتثنی هیکل التوحید*** فکیف بالنظیر و الندید

و ملتقی القوسین نقطه فلا*** تری لها ثانیه او بدلا

وحیده فی مجدها القدیم*** فریده فی أحسن التقویم

بشراک یا ابا العقول العشره*** بالبضعه الطاهره المطهره

مهجه قلب عالم الامکان*** و بهجه الفردوس و الجنان

عزتها الغراء مصباح الهدی*** یعرف حسن المنتهی بالمبتدا

و فی محیاها بعین الاولیا*** عینان من ماء الحیاه و الحیا

بل وجهها الکریم وجه الباری*** و قبله العارف بالاسرار(۱)

البشری:

بشراک یا خلاصه الایجاد*** بصفوه الامجاد و الانجاد

ام الکتاب و ابنه التنزیل*** ربه بیت العلم بالتأویل

بحر الندی و مجمع البحرین*** قلب الهدی و مهجه الکونین(۲)

الفلسفه العلیا:

واحده النبی اول العدد*** ثانیه الوصی نسخه الاحد

و مرکز الخمسه من اهل العبا*** و محور السبع علوا و ابا

لک الهنا یا سید البریه*** باعظم المواهب السنیه

اتاک طاووس ریاض الأنس*** بنفحه من نفحات القدس

۱- الانوار القدسیه شیخ محمد الاصفهانی/ ۳۴

۲- همان/ ۳۴

من جنه الاسماء و الأصفاء*** جلت عن المديح و الثناء

فارتاحت الأرواح من شميمها*** و اهتزت النفوس من نسيمها

بها انتشى فى الكون كل صاح*** و طابت الأشباح بالأرواح

تحيي بها الارض و من عليها*** مرجع الامر غداً اليها(۱)

الرزيه الکبری:

لهفی لها لقد اضبع قدرها*** حتی تواتری بالحجاب بدرها

تجرعت من غصص الزمان*** ما جاوز الحد من البیان

و ما اصابها من المصاب*** مفتاح بابه حدیث الباب

ان حدیث الباب ذو شبحون*** مما جنت به ید الخون

ایهجم العدی علی بیت الهدی*** و مهبط الوحی و منتدی الندی(۲)

الضرم فی الباب:

ایضرم النار بباب دارها*** و آیه النور علی منارها

و بابها باب النبی الرحمه*** و باب ابواب نجاه الامه

بل بابها العلی الاعلی*** فثم وجه الله قد تجلی

ما اکتسبوا بالنار غیر العار*** و من ورائه عذاب النار

ما اجهل القوم فان النار لا*** تطفیء نور الله جل و علا(۳)

۱- الانوار القدسیه شیخ محمد الاصفهانی/ ۳۵

۲- همان

۳- همان/ ۳۶

الضلع المكسور:

لكن كسر الضلع ليس ينجبر*** الا بصمصام عزيز مقتدر

اذ رضُ تلك الاضلع الزكيه*** رزيه لا مثلها رزيه

و من نبوع الدم من ثديها*** يعرف عظم ماجرى عليها

و جاوزوا الحد بلطم الخد*** شلت يد الطغيان و التعدى

يا لثارات فاطمه:

فاجرت العين و عين المعرفه*** تَذرِفُ بالدمع على تلك الصفه

ولا تزيل حمره العين سوى*** بيض السيوف يوم ينشر اللوى

و للسياط رنه صداها*** فى مسمع الدهر فما اشجاها

و الاثر الباقى كمثل الدملج*** فى عضد الزهراء اقوى الحجج

و من سواد متنها اسود الفضا*** يا ساعد الله الامام المرتضى

و وكز نعل السيف فى جبينها*** اتى بكل ما اتى عليها

و لست أدرى خبر المسمار*** سل صدرها خزانه الاسرار

و فى جنين المجد ما يدمى الحشاء*** و هل لهم أخفاء امر قد فشى

و الباب و الجدار و الدماء*** شهود صدق ما به خفاء

لقد جنى الجانى على جنينها*** فاندكت الجبال من حنينها

اهكذا يصنع بابنه النبى*** حَرصا على الملك فيا للعجب

اتمنع المكروبه المقروحه*** عن البكا خوفا من الفضيحه

تالله يتبغى لها تبكى دما*** ما دامت الارض و دارت السماء

لفقد عزها أبيها السامى*** ولا هتضامها و ذل الحامى

فاطمه علیها السلام و النحله:

استبتاح نحله الصدیقه*** و ارثها من اشرف الخلیفه

کیف یرد قولها بالزور*** اذ هو رد آیه التطهیر

ایؤخذ الدین من الاعرابی*** وَ یَنبذ المنصوص فی الکتاب

فاستلبوا ما ملکت یداها*** و ارتکبوا الخزیه منتها ها

یا ویلهم قد سألوها البینه*** علی خلاف السنه المبینه

وردهم نهاده الشهود*** اکبر شاهد علی المقصود

و لم یکن سد الثغور غرضا*** بل سَدَدَ بابها و باب المرتضی

صدوا عن الحق و سدوا بابه*** کأنّهم قد آمنوا عذابه

ابضعه الطهر العظیم قدرها*** تدفن لیلا و یعفی قبرها

ما دفنت لیلا بستر و خفا*** الا لوجدها علی اهل الجفا

ما سمع السامع فیما سمعا*** مجهوله بالقدر و القبر معا

یا ویلهم من غضب الجبار*** بظلمهم ریحانه المختار(۱)

فی رثاء الصدیقه الطاهره علیها السلام (فی تتمه کتابنا نتوسل بحضرتها):

دلِ افسرده ام از زندگی آمد بی زار*** می رسد بسکه به گوش دل من ناله ی زار

ناله وا ابتا می رسد از سوخته ای*** کز دل مادر گیتی ببرد صبر و قرار

صد چو قمری کند از ناله ی او نوحه گری*** می چکد خون دل از دیده ز منقار هَزار

۱- الانوار القدسیه شیخ محمد الاصفهانی/ ۳۷

شرری زهره ی زهرا زده در خرمن ماه*** که نه ثابت به فلک ماند و نه دیگر سیّار

جورها دید پس از دور پدر در دوران*** نه مساعد ز مهاجر نه معین از انصار

بت پرستی به در کعبه ی مقصود و امید*** آتشی زد که برافروخته تا روز شمار

شرر آتش و آن صورت مهوش عجبست*** نور حق کرد تجلّی مگر از شعله نار

طور سینای تجلّی متزلزل گردید*** چون بدان سینه ی بی کینه فرو شد مسمار

نه ز سیلی شده نیلی رخ صدیقه و بس*** شده از سیل سیه، روی جهان تیره و تار

بشنو از بازو و پهلو که چه دید آن بانو*** من نگویم چه شد اینک در و اینک دیوار

دل سنگ آب شد از صدمه ی پهلو که فتاد*** گوهری از صدف بحر نبوّت به کنار

بس که خستند و شکستند ز ناموس اله*** بازوی کفر قوی، پهلوی دین گشت نزار(۱)

تمّت بعون الله تعالی کتاب عصمت حضرت صدیقه ی طاهره علیها السلام و ابیها و بعلها و بنیها و شیعتها و محبیها اللهم اغفر لنا بحرمتها عندک

سه شنبه ۲ رجب المرجّب ۱۴۲۸

ص: ۲۵۴

۱- دیوان فارسی کمپانی/ ۴۰

منابع و مأخذ

ص: ۲۵۵

۱- قرآن کریم

۲- مناقب شهر بن آشوب

۳- بحارالانوار

۴- عوالم

۵- احتجاج طبرسی

۶- تفسیر علی بن ابراهیم

۷- تفسیر مجمع البیان

۸- تفسیر نور الثقلین

۹- شواهد التنزیل

۱۰- ینابیع الموده

۱۱- خصال

۱۲- فاطمه ی زهرا

۱۳- بیت الاحزان

۱۴- جامع الاخبار

۱۵- وسائل الشیعه

۱۶- روضه کافی

۱۷- اصول کافی

۱۸- کشف الغمه

۱۹- الدّره النجفیه

۲۰- امالی صدوق

۲۱- مفاتیح الجنان

۲۲- دلائل طبری دلائل الامامه

۲۳- مصباح الانوار

۲۴- خصائص فاطمیّه

۲۵- انوار القدسیّه شیخ محمد حسین اصفهانی

۲۶- دیوان فارسی کمپانی

۲۷- دیوان ژولیده

۲۸- ارشاد شیخ مفید

۲۹- جلاء العیون

۳۰- تفسیر فرات

۳۱- تفسیر برهان

۳۲- مفردات راغب

۳۳- فرهنگ جامع

۳۴- فرهنگ عمید

۳۵- المنجد

۳۶- لمعه شهید

۳۷- جامع الاثار عن النبی و الائمّه الاطهار

۳۸- شب های پیشاور

۳۹- صحاح ستّه (سنی ها)

۴۰- کشف البیان

۴۱- تفسیر فخر رازی

۴۲- درّ المنثور

۴۳- خصائص الکبری

۴۴- اصابه ابن حجر

۴۵- ریاض النظره

۴۶- تاریخ ابن عساکر

۴۷- کفایت الطالب

۴۸- گلشن راز شبستری

۴۹- البد الامین

۵۰- مرآه العقول

۵۱- تأویل الایات

ص: ۲۵۶

۵۲- بهجه القلب المصطفی

۵۳- احقاق الحق

۵۴- اخبار الدوّل

۵۵- مجمع البحرین

۵۶- دعائم الاسلام

۵۷- مستدرک

۵۸- روضات الجنات

۵۹- عیون اخبار الرضا علیه السلام

۶۰- تحف العقول

۶۱- مدینه المعاجز

۶۲- فرائد السمطین

۶۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

۶۴- حدیقه الشیعه

۶۵- منهج الصادقین

۶۶- کشکول شیخ بهائی

۶۷- ریاض المدح و الرثاء

۶۸- الکوکب الدرّی

۶۹- تفسیر صافی

۷۰- حلیه الاولیاء

۷۱- تفسیر نیشابوری و کتب دیگر از شیعه و سنی

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹